

سخن نو

در تفسیر قرآن

(به ترتیب نزول)

جلد پنجم

از : جمال گنجه ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کتاب

نام کتاب : سخن نو در تفسیر قرآن – جلد پنجم

نام مولف: جمال گنجه ای

تاریخ انتشار ویرایش جدید در فضای مجازی:

تابستان ۱۴۰۰

<https://tafsir.ganjei.com>

jamalganjei@gmail.com

فهرست

صفحه	موضوع
۵	مقدمه
۶	فهرست الفبائی همه سوره ها
۱۶	فهرست مندرجات هر جلد کتاب تفسیری
۱۸	تفسیر سوره دخان
۵۲	تفسیر سوره زخرف
۱۱۴	تفسیر سوره فصلت
۱۷۰	تفسیر سوره جائیه
۲۰۰	تفسیر سوره احقاف
۲۳۶	تفسیر سوره مومن (غافر)
۲۹۵	تفسیر سوره یس
۳۴۹	تفسیر سوره شورا
۳۹۹	تفسیر سوره سباء

مقدمه

تفسیر قرآن، کوششی است مستمر برای فهمیدن، و بهتر فهمیدن پیام وحی.

همانطور که در هر تلاش و کوشش بشری، مجهز بودن به ابزار مناسب و درخور، یاریگر و بلکه لازمه رسیدن به هدف و مقصود است، مفسر قرآن هم در تفسیر کلام خداوند بی نیاز از ابزارهای لازم و مناسب نیست.

با مطالعه تفاسیر کلاسیک قرآن می‌توان دید که مفسران سرشناس، هر چند در بالاترین درجات عالی علم و فضل هم بوده‌اند، ولی چون ابزار مناسب برای چنین تلاش مهمی نداشته‌اند، بعضاً به خطا رفته‌اند و از مشهورترین و معتبرترین تفاسیر کلاسیک هم می‌توان اشکال‌های زیادی گرفت.

رویکرد نو ما در «تفسیر تحلیلی قرآن»، ابزاری به مفسر قرآن پیشنهاد می‌کند که امیدواریم مورد توجه اهل فن قرار گیرد و دوره‌ای نو در ادراک پیام خداوند آغاز شود.

برای آشنایی با مبانی این روش توصیه می‌کنم :

۱۶۰ صفحه ابتدایی کتاب «علوم قرآنی» ما مطالعه شود. (در سایتی که در اول این کتاب نشانیش داده شده) برای دانشمندانی که تنگی وقت‌شان در این حد هم مجال نمی‌دهد توصیه می‌کنم ۹۰ صفحه ابتدایی را از دست ندهند.

چندین کلیپ ویدیویی کوتاه در معرفی این روش تهیه شده است که به علاقمندان توصیه می‌کنم در سرویس‌های رایج اشتراک ویدئو با جستجوی «تفسیر تحلیلی قرآن مجید» مشاهده کنند.

فهرست الفبائی همه سوره ها

ردیف	نام سوره	جلد
۱	ابراهیم	۶
۲	احزاب	۱۰
۳	احقاف	۵
۴	اسراء	۶
۵	اعراف	۷
۶	اعلی	۲
۷	آل عمران	۹
۸	انبیاء	۶
۹	انشراح	۹
۱۰	انشقاق	۳

۷	انعام	۱۱
۹	انفال	۱۲
۳	انفطار	۱۳
۴	بروج	۱۴
۹	بقره	۱۵
۲	بلد	۱۶
۹	بینہ	۱۷
۴	تبت	۱۸
۱۰	تحریم	۱۹
۱۰	تغابن	۲۰
۲	تکاثیر	۲۱
۳	تکویر	۲۲

۱۰	توبه	۲۳
۱	توحيد	۲۴
۱	تين	۲۵
۵	جائيه	۲۶
۹	جمعه	۲۷
۴	جن	۲۸
۳	حاقه	۲۹
۹	حج	۳۰
۷	حجر	۳۱
۱۰	حجرات	۳۲
۱۰	حديد	۳۳
۹	حشر	۳۴

۱	حمد	۳۵
۵	دخان	۳۶
۳	دهر	۳۷
۴	ذاریات	۳۸
۳	رحمان	۳۹
۸	رعد	۴۰
۸	روم	۴۱
۵	زخرف	۴۲
۱	زلزال	۴۳
۸	زُمر	۴۴
۵	سباء	۴۵
۸	سجده	۴۶

۶	شعراء	۴۷
۱	شمس	۴۸
۵	شوری	۴۹
۶	ص	۵۰
۶	صافات	۵۱
۹	صف	۵۲
۱	ضحی	۵۳
۱	طارق	۵۴
۱۰	طلاق	۵۵
۳	طور	۵۶
۷	طه	۵۷
۹	عادیات	۵۸

۵۹	عبس	۲
۶۰	عصر	۱
۶۱	علق	۲
۶۲	عنكبوت	۸
۶۳	غاشیه	۳
۶۴	فاطر	۸
۶۵	فتح	۱۰
۶۶	فجر	۲
۶۷	فرقان	۸
۶۸	فصلت	۵
۶۹	فلق	۱
۷۰	فیل	۴

٣	ق	٧١
١	قارعه	٧٢
١	قدر	٧٣
٢	قریش	٧٤
٧	قصص	٧٥
٣	قلم	٧٦
٤	قمر	٧٧
٣	قیامت	٧٨
٢	کافرون	٧٩
٤	کوثر	٨٠
٧	کهف	٨١
٨	لقمان	٨٢

١	ليل	٨٣
١٠	مائده	٨٤
٩	ماعون	٨٥
١٠	مجادله	٨٦
٩	محمد	٨٧
٤	مدثر	٨٨
٣	مرسلات	٨٩
٧	مريم	٩٠
٢	مزمل	٩١
٣	مطففين	٩٢
٤	معارج	٩٣
٨	ملك	٩٤

١٠	ممتحنه	٩٥
٩	منافقون	٩٦
٥	مومن	٩٧
٦	مومنون	٩٨
٤	نازعات	٩٩
١	ناس	١٠٠
٣	نباء	١٠١
٢	نجم	١٠٢
٨	نحل	١٠٣
١٠	نساء	١٠٤
١٠	نصر	١٠٥
٧	نمل	١٠٦

۴	نوح	۱۰۷
۱۰	نور	۱۰۸
۳	واقعہ	۱۰۹
۲	ہمزہ	۱۱۰
۶	ہود	۱۱۱
۵	یاسین	۱۱۲
۷	یوسف	۱۱۳
۶	یونس	۱۱۴

برای یافتن سوره ها ئی که به بیش از یک نام معروف میباشند نام های دیگرشان نیز ذیلا ذکر شده که توصیه میشود به نامی که در فهرست الفبائی فوق ذکر شده مراجعه شود :

اخلاص : توحید - انسان : دهر - الم سجده : سجده - برائت : توبه - حم سجده : فصلت - شرح : انشراح - فاتحه الکتاب : حمد - قتال : محمد - غافر : مومن - ملائکه : فاطر - مسد : تبت -

فهرست مندرجات هر جلد کتاب تفسیری (بدون ذکر صفحه)

جلد ۱

۱ عصر - ۲ توحید - ۳ حمد - ۴ زلزال - ۵ قارعه - ۶ ضحی - ۷ فلق
۸ ناس - ۹ تین - ۱۰ لیل - ۱۱ شمس - ۱۲ طارق - ۱۳ قدر

جلد ۲

۱۴ علق - ۱۵ قریش - ۱۶ تکویر - ۱۷ بلد - ۱۸ همزه - ۱۹ فجر - ۲۰
نجم - ۲۱ عبس - ۲۲ کافرون - ۲۳ اعلی - ۲۴ مزمل

جلد ۳

۲۵ انفطار - ۲۶ تکویر - ۲۷ حاقّه - ۲۸ مرسلات - ۲۹ قلم - ۳۰ غاشیه
- ۳۱ نباء - ۳۲ طور - ۳۳ واقعه - ۳۴ رحمان - ۳۵ دهر - ۳۶ مطفین
- ۳۷ قیامه - ۳۸ انشقاق - ۳۹ ق

جلد ۴

۴۰ مدثر - ۴۱ نازعات - ۴۲ نوح - ۴۳ قمر - ۴۴ فیل - ۴۵ بروج - ۴۶
مسد - ۴۷ معارج - ۴۸ ذاریات - ۴۹ جنّ - ۵۰ کوثر

جلد ۵

۵۱ دخان - ۵۲ زخرف - ۵۳ فصلت - ۵۴ جائیه - ۵۵ احقاف - ۵۶
مومن - ۵۷ یس - ۵۸ شوری - ۵۹ سباء

جلد ۶

۶۰ مومنون - ۶۱ ابراهيم - ۶۲ اسراء - ۶۳ هود - ۶۴ شعراء - ۶۵
يونس - ۶۶ انبياء - ۶۷ صافات - ۶۸ ص

جلد ۷

۶۹ قصص - ۷۰ نمل - ۷۱ مريم - ۷۲ يوسف - ۷۳ حجر - ۷۴ طه -
۷۵ انعام - ۷۶ اعراف - ۷۷ كهف

جلد ۸

۷۸ فرقان - ۷۹ سجده - ۸۰ زمر - ۸۱ لقمان - ۸۲ عنكبوت - ۸۳ نحل
- ۸۴ فاطر - ۸۵ روم - ۸۶ رعد - ۸۷ ملك

جلد ۹

۸۸ انشراح - ۸۹ حج - ۹۰ بقره - ۹۱ بينه - ۹۲ ماعون - ۹۳ عاديات -
۹۴ صف - ۹۵ محمد - ۹۶ انفال - ۹۷ حشر - ۹۸ منافقون - ۹۹ جمعه
- ۱۰۰ آل عمران

جلد ۱۰

۱۰۱ تغابن - ۱۰۲ حديد - ۱۰۳ احزاب - ۱۰۴ نساء - ۱۰۵ نور - ۱۰۶
طلاق - ۱۰۷ فتح - ۱۰۸ ممتحنه - ۱۰۹ نصر - ۱۱۰ توبه - ۱۱۱ حجرات
- ۱۱۲ مجادله - ۱۱۳ تحريم - ۱۱۴ مائده

سوره دخان

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

حم ﴿۱﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ ﴿۳﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۴﴾ أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنْ أَنْزَلْنَاهُ مُرْسِلِينَ ﴿۵﴾ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۶﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿۷﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿۸﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعُبُونَ ﴿۹﴾ فَاذْكُرُوا يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ﴿۱۰﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۱﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾ أَتَى لَهُمُ الدِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿۱۳﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿۱۴﴾ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ إِلَّا عَذَابٌ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿۱۵﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنْ أَنْتُمْ مُنْتَهُمُونَ ﴿۱۶﴾

درس: نکوهش کافران گذشته و معاصر که علیرغم نعمت های الهی و حکمت آفرینش جهان به گردنکشی و لجبازی دچارند

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از بزرگترین نعمت های الهی، وحی و ارسال قرآن است، و کفر کافران از روی دلیل و منطق نیست بلکه از روی بازیگوشی و بی مسئولیتی و رویگردانی از حق است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

﴿۱﴾ حم

ریز درب:

۲

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

ریز درب: قسم به آن کتاب توضیح دهنده

۳

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿۳﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۴﴾ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿۵﴾ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۶﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۷﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿۸﴾

ریز درب: ای پیامبر! قرآن را در شبی پربرکت نازل کردیم و در آن هر مطلب فشرده را «باز» کردیم

۴

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! مخالفان در آنچه میگویند مطمئن و دارای هدف درست نیستند

۵

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أَتَىٰ هُمُ الدَّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿١٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! راجع به فعالان کفر چندان حساس مباش و بما واگذار

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱ - چه حکمتی در قراردادن «حروف مقطعه» در اول بعضی از سوره ها است؟ (با توجه به اینکه گروه سوره های دارای حروف مقطعه مشابه دارای محتوای مشابه هستند، کد گزاری؟ یا....؟)

- ۲ - با توجه به آیه ۴، آیا «کل امرحکیم» یکباره «یفرق» میشود یا به تدریج؟
- ۳ - «امرا من عندنا» اشاره به چه دارد؟ (به مدلول آیه ۴ ؟ یا...؟)
- ۴ - «رحمت من ربک» اشاره به چه دارد؟ (مکانیزم آیه ۴ ؟ یا...؟)
- ۵ - چرا در اینجا این صفات الهی مورد تاکید واقع شده؟
- ۶ - «ناکانمذرین» (آیه ۳) و «ناکانمرسلین» (آیه ۵) چه موقعیتی دارند؟ (پرانتز؟ یا...؟)
- ۷ - چرا در آیه ۵ از «زمان ماضی» استفاده شده؟
- ۸ - «بل» (آیه ۹) چه موقعیت «دستور زبان»ی دارد؟
- ۹ - کلمه «معلم» (آیه ۱۴) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۰ - منظور از مدلول آیه ۱۳ چیست؟
- ۱۱ - اگر انتهای آیه ۹ را به ابتدای آیه ۱۴ وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست می ماند، از این موضوع چه می فهمید؟ (آیات ۱۰ تا ۱۳ علاوه بر فرعی بودن پرانتزی هم هستند؟ آیات مذکور فرعی هستند؟ یا...؟)
- ۱۲ - با توجه به سوال قبلی، آیه ۱۵ چطور؟
- ۱۳ - در ابتدای آیه ۱۶، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در رابطه با آیه ۹، از روی «درس» و «درب» می فهمیم که شک آنها راجع به عقاید خودشان است.

به این معنی که از روی فطرت خویش و عقل معمولی که هر کسی دارد، صدق مدعای پیامبر را درک می کردند، و چون آن تعالیم با آنچه که بعنوان اعتقادات خویش می شناختند در تضاد بود، به اعتقادات خویش شک می کردند.

در این حالت آدم عاقل دنبال شک را می گیرد و به تحقیق و بررسی می پردازد تا به حق برسد، اما آنها چون فی الجمله می فهمیدند که اگر این کار را بکنند و به حق

برسند باید از آنچه که فعلاً به آن مشغولند دست بکشند، این کار را نمی‌کردند و خود را به چیزهای دیگر سرگرم می‌نمودند.

از آیات ۹ تا ۱۶ فهمیده میشود که می‌خواهد به کفار معاصر نزول این آیات بفهماند که شما هم اینطور هستید، یعنی اگر کمی عذاب ببینید (مانند موضوع چماق و هویج) فوراً اظهار ایمان می‌کنید و وقتی که برطرف شده به همان روش غلط خویش برمیگردید، و این مفهوم، چنانکه در سوره‌های آینده خواهید دید، بسیار تکرار خواهد شد.

۵- زاویه با تفاسیر رایج

۱- در المیزان آمده که «غرض سوره در یک کلمه خلاصه میشود و آن این است که می‌خواهد کسانی را که به کتاب خدا شک دارند از عذاب دنیا و عذاب آخرت انذار کند»

البته همانطور که ملاحظه می‌فرمائید در این تفسیر ما «غرض سوره» را از طریق محاسبه استخراج و در «درس» سوره ذکر کرده‌ایم که در هر پاراگراف تکرار شده است، و مغایرت زیاد آن با آنچه المیزان فرموده آشکار است (و استخراج درس با دقت و محاسبه صورت گرفته است)

۲- کل آیات ۱۰ تا ۱۶ «پرانتری» هستند، و لذا بخصوص آیه ۱۰ که المیزان به آن پرداخته و اقوال عجیبی را ذکر کرده، یک موضوع پرانتری است. دلیل پرانتری بودنش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن آیات ببندیم و قبل و بعد آن را وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و یکدست خواهد شد.

که اگر مفسر به این نکته توجه نکند و متن پرانتری را همسنگ متن اصلی بگیرد و همان رفتارهای سعی در فهم متن را بین متن اصلی و متن پرانتری خلط کند (مثلاً ضمیری را که در متن پرانتری هست دنبال مرجعش در متن اصلی بگردد) مرتکب خطا در فهم میشود)

۳ - : المیزان با توجه به آیه ۲ و کلمه «انزل» (که به قول المیزان بیانگر ارسال یکپارچه است) و بحثی که در باره مداوم بودن و «هرساله» بودن شب قدر کرده، نتیجه گرفته که هر سال قرآن در شب قدر بطور کامل برآنحضرت نازل میشد و اما در طول سال هم آن مقدار که لازم بود به تدریج نازل میشد.

مراجعه به «المعجم» و پیگیری مواردی که مشتقات «انزال» در رابطه با آنها در قرآن بکار رفته، نشان میدهد: هم در باره قرآن انزل بکار رفته و هم نزل و در باره باران و ارزاق هم همینطور. و چون در باره باران میدانیم همواره تدریجی است پس در باره قرآن هم میتوانیم همین حکم را بکنیم و لذا این حکم را که انزال مربوط به یکبارگی و تنزیل مربوط به تدریج است مردود تلقی میکنیم ..

۴ - ضمناً المیزان ذیل همین آیات گفته است که از ترکیب این آیات با آیات سوره قدر معلوم میشود که هر سال یک شب قدر دارد، که ما عرض میکنیم از چنین ترکیبی چنان نتیجه ای حاصل نمیشود.

۵ - اگر ادعای مذکور صحت میداشت و در سال اول نزول یکباره صورت گرفته بود، در آنصورت لزومی نبود این آیات در قرآن باشد:

۱ - قیامه آیات ۱۶ تا ۱۹

لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

۲ - طه آیه ۱۱۴

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾

۳ - سوره حجر

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

۴ - سوره ها و آیات بسیار زیاد دیگر

که طی آنها خداوند به آنحضرت نوید میدهد که اوضاع تغییر خواهد کرد و صبر کن و نگران مباش

زیرا آنحضرت در همان بار اول می فهمید که رسالتش بخوبی پیش خواهد رفت و لذا هیچ نگرانی نداشت و لذا نزول آنهمه آیات (معاذالله) لغو میبود!

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و آیات ۳ تا ۷ از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۷ - آیات مشکل

آیه های ۱۰ تا ۱۵ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند.
البته این قلم در جهت رفع مشکل اشاره ای به پراختیاری بودن آنها نموده است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه ۱۶ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیات ۲ تا ۶ در باره وحی است که از شئون الهی است و کسی را راهی به آن نیست، و مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات ابتدای این پاراگراف، حتی امروز نیز، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند! و البته کمی که از ابتدای پاراگراف دور میشویم مطالب طوری است که تقریباً «همه فهم» است و در این قسمتها مخاطبان اولیه هم همان را می فهمیده اند که ما.

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

اهمیت قرآن و وحی به عنوان بزرگترین نعمت های الهی، و اینکه کفر کافران از روی دلیل و منطق نیست، بلکه از روی بازیگوشی و بی مسئولیتی و رویگردانی از حق است.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۷ و ۸ و ۱۷، بقیه فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۳ فرع بر آیه ۲ است، آیات ۴ تا ۷ که شرح آیه ۳ می باشند کلاً فرع بر آیه ۳

هستند، اما در داخل خویش نیز اصلی و فرعی دارند، بطوریکه آیه ۷ در ادامه توصیف دو کلمه آخر آیه ۶ و فرع بر آن است، و خود آیه ۶ در جهت توضیح کلمه آخر آیه ۵ است، و فرع بودن آیه ۵ بر آیه ۴ نیز واضح است، و خود آیه ۴ ظرف زمانی مدلول آیه ۳ می باشد.

و آیات ۹ تا ۱۶ پرانتری است، و اگر ماقبلش را به مابعدش وصل کنیم متوجه میشویم، زیرا می بینیم روال سخن صاف و هموار تر میشود.

التفات و واگذاری به مخاطب:

در ابتدای آیه ۱۲ موضوع التفات واضح است، در آیه ۱۵ نیز هم التفات را می بینیم و هم واگذاری به مخاطب را. همچنین در ابتدای آیه ۱۶، واگذاری به مخاطب صورت گرفته است.

معنی برخی کلمات:

«حکیم» (آیه ۴) از ریشه «حکم» است و نه از ریشه «حکمت» و مجموعاً معنی سربسته و مجمل و مانند آن را میدهد و «امر» (آیه های ۴ و ۵)، به قرینه «انا کنا منذرین» و «انا کنا مرسلین» به «امور مرتبط به ارسال و اعزام پیامبران و وحی» مربوط است و نه همه امور جهان. البته همه امور جهان هم به خداوند متعال مربوط هست، اما آنچه در اینجا از آن کلمه فهمیده میشود آن است که عرض شد.

حروف مقطعه

آیه ۱ از حروف مقطعه است و ما در مقدمه مؤلف بحثی در خصوص آن عرض کرده‌ایم (در اینجا قسمتی را که به «حم» مربوط میشود نقل میکنیم):

[[سوره‌های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می‌شوند.

«درس» سوره‌های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص)، علیرغم روشن شدن حقیقت» می‌باشد]]

قرآن و شب قدر و تقدیرات

در سوره قدر خواندیم «انا انزلناه فی لیله القدر»
در آیه ۳ این پاراگراف میخوانیم «انا انزلناه فی لیله مبارکه...»
در سوره بقره میخوانیم «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن...»
از مجموع اینها فهمیده میشود «لیله مبارکه» این پاراگراف همان «شب قدر» است
و «ه»، هم در اینجا و هم در سوره قدر، اشاره به قرآن است.
در المیزان فرموده که از تلفیق دو مطلب سوره قدر و این آیات فهمیده میشود که
شب قدر هر سال تکرار میشود.
گرچه در این خصوص روایات زیاد است اما از متن قرآن چنین چیزی فهمیده
نمیشود بلکه از مجموع مطالب سوره قدر و این آیات و سوره بقره این مطالب فهمیده
میشود:

- ۱- قرآن در ماه رمضان نازل شده، (سوره بقره)
 - ۲- قرآن در شب قدر نازل شده، (سوره قدر)
 - ۳- قرآن در شبی پر برکت نازل شده، (این سوره)
 - ۴- «ملائکه» و «روح» در آن شب دائماً به فرمان پروردگارشان از هر «امر» ی نازل
میشوند، (سوره قدر)
 - ۵- در آن (شب) هر «امر» سر بسته ای «تحلیل و باز» میشود، (این سوره)
- از مجموع اینها اینقدر فهمیده میشود که:
- ۱- شب بسیار شریفی وجود دارد که آنقدر شریف است که قرآن در آن شب نازل
شده،
 - ۲- آن شب در ماه مبارک رمضان بوده،
 - ۳- در آن شب کل امور مجمل و سر بسته «باز» (تعریف، تقدیر، برنامه ریزی) میشود،
هم امور مادی (که در حوزه مأموریت «ملائکه» است) و هم امور معنوی (که در حوزه
مأموریت «روح» است)

اما از مجموع اینها فهمیده نمیشود که شب قدر در هر سال تکرار میشود. اما روایات در این خصوص زیاد است بطوریکه روایات زیادی وجود دارد که میگوید شب قدر یکی از سه شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم هرماه رمضان است. روایات زیادی هم وجود دارد که میگوید شب قدر یکی از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم رمضان است.

روایاتی هم وجود دارد که میگوید شب قدر شب بیست و سوم رمضان است. حتی روایاتی وجود دارد که میگوید شب نوزدهم به زبان امروز «پیش نویس» مقدرات تهیه میشود و در شب بیست و یکم آن «پیش نویس» «نهایی» میشود و در شب بیست و سوم «قطعی» (امضاء) میگردد.

البته این تفسیر یک «تفسیر تحلیلی» است نه تفسیر روایتی، لذا ما داخل این حوزه (بحث روایتی) نمی‌شویم.

به همین مقدار اکتفا می‌کنیم که بدانیم «شب قدر»ی هست، و با توجه به کلمه «يُفَرِّقُ» در آیه ۴، منحصر به همان بار اول هم نیست، بلکه تکرار هم میشود.

اما اینکه پریود این تکرارها یکسال است، یا دو سال یا سه سال یا پنج سال و غیره، متن قرآن راجع به آن ساکت است و اینطور نیست که از تلفیق سوره قدر با این پاراگراف یکساله بودن آن پریود بدست بیاید.

اما اگر نظالمیزان به آن روایات (که هم زیاد و هم قوی هستند) بود، دیگر لازم نبود بفرماید این موضوع از آن تلفیق معلوم میشود (زیرا نمی‌شود)

ما هشدار دهنده‌ایم، ما فرستنده‌ایم

برای درک چرایی استفاده از ضمیر «ما» (انزلناه، انا كنا، عندنا) در این آیات باید به دو نکته توجه کنیم :

فعل خداوند قانونمند است و خداوند برای اجرای هرچیزی سیستم‌ها و قانونمندیها و ظرفیت‌ها و بسترهای خاص آن را تمهید می‌فرماید.

در اینجا و بکار بردن مکرر ضمیر «ما» ، هم اشاره به موضوع فوق، و هم القاء و تلقین مفهوم عظمت به مخاطب می‌باشد.

چرا کفار پیامبران را مجنون قلمداد میکردند؟

درباره موضوع فوق ، که راجع به آیه ۱۴ است، در سوره طور، و قبل از آن در سوره قلم، بحثی عرض کرده‌ایم و توصیه به مطالعه مجدد آنها داریم.

ایمان یک امر قلبی است

از آیه‌های ۱۵-۱۳-۱۲ یک نکته مهم فهمیده می‌شود. آنهم این است که ایمان باید در عقل آدمی تحقق یابد و ایمان بر اثر انگیزه‌های بیرونی مانند تهدید و تطمیع و ترس و امید و باصلاح امروز «چماق و هویج» بوجود نمی‌آید. و اگر هم بوجود بیاید در اثر حذف عوامل بیرونی مذکور از بین می‌رود.

بالاخره موضوع چه بود؟

چنین به نظر می‌آید که آیات ۹ تا ۱۶ به صورت یک مثال مطرح شده است. یعنی اینکه ای پیامبر! روزی را تصور کن که ما بخواهیم این مردم را به عذاب کوچکی معذب کنیم، در آنصورت همه این کفار و مکذبین دست از کفر و تکذیبشان بر میدارند که خدایا غلط کردیم و ایمان آوردیم و چه و چه و ... اما به محض اینکه آن حالت برطرف شود دوباره به این حالت‌های فعلی‌شان بر خواهند گشت، و لذا تو خیلی ذهنت را درگیر این مطلب نکن و بگذار بسیاری از مطالب در اثر گذشت زمان درست شود، و در باره قیامت هشدارشان ده. و برای اینکه متن را بهتر بفهمید توصیه میشود آیه ۱۵ را بعد از آیه ۱۲ بخوانید.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم (۱)

قسم به آن کتاب روشنگر (۲)

البته ما قرآن را در شب پر برکت قدر فرو فرستاده ایم که همواره هشدار دهنده بوده

ایم (۳)

در آن شب هر امر سر بسته ای تفکیک و برنامه ریزی میگرد (۴) که این خودش

امری از جانب ما است زیرا که همواره فرستنده خیر و برکات بوده ایم (۵) که خود

این، ای پیامبر! رحمتی از جلب پروردگار است که او شنوای درخواست های

مخلوقات است، و دانا است (۶)

ای مردم! همان پروردگار آسمانها و زمین و بین آندو، اگر یقین داشته باشید (۷) که

خدائی جز او نیست، زنده میکند و میمیراند، و پروردگارتان و پروردگار نیاکانتان

است (۸)

ای پیامبر! این مخالفان در شکی هستند، و به بیهوده مشغولند (۹)

پس تو نیز چشم براه روزی باش که آسمان دودمانندی آشکار بیاورد (۱۰) که همه

را فرا گیرد، که اگر چنین شود فوراً بی طاقت میشوند و میگویند این دیگر چه عذاب

دردناکی است (۱۱) و فوراً رو به بما میکنند و میگویند پرودگارا عذاب را از ما بردار

که ما ایمان آورده ایم (۱۲)

ای پیامبر! چطور ممکن است ایمان آورده باشند درحالیکه قبلاً تو را که فرستاده ای

آشکار هستی بسویشان فرستاده ایم و تکذیب کرده اند (۱۳) و از تو روی برگردانده

و گفته بودند دیوانه ای است که این چیزها را به او یاد میدهند (۱۴)

و به محض اینکه آن عذاب مختصر را کمی رفع کنیم آنها فوراً به به کفر خویش بازمیگردند (۱۵)

در هر حال عاقبت شان این است که در روز قیامت تکذیبگران را با قوت بگیریم زیرا لازم است برای این رفتارهایشان تادیب شوند (۱۶)

دخان ۲ آیات ۱۷ تا ۳۳

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَذُوا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾ وَأَنْ لَا تَغْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبُّهُ أَنْ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرَ بَعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿٢٣﴾ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ جَاءَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْنَاَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران گذشته و معاصر که علیرغم نعمت های الهی و حکمت آفرینش جهان به گردنکشی و لجبازی دچارند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه رفتاری یکی از اقوام قبلی که به رسالت پیامبرشان اهمیت ندادند و سعی کردند به او و پیروانش دست درازی کنند و هلاک شدند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَذُوا إِلَيْنِ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّاكُمْ رَسُولٌ
 آمِينَ ﴿١٨﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِيَّاكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِلَيْنِ عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ
 تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبُّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِ
 بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! ببین چگونه موسی و پیروانش را از دشمنان قوی پنجه اش نجات دادیم

۲

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٧﴾
 كَذَلِكَ وَأَوْزَيْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ﴿٢٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! ببین چگونه مکت فرعونیان را را به دیگران دادیم

۳

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيلًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾
 وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَآتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! ببین چگونه پیروان موسی را رفعت دادیم

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف اول اهمیت قرآن را بطور پررنگ مطرح میفرماید که در درجه اول خودش کتاب آشکار کننده (قاعدتا حق از باطل) است، و در شب بسیار مهمی نازل شده، و نیز از جانب خود خداوند متعال آمده است و اینکه فکر نکنید کافران از روی تفکر و تعقل به کفرشان رسیده اند، نه بلکه از روی بی مسئولیتی و عدم تفکر و تعقل آن کفر را ابراز میکنند.

در این پاراگراف نتیجه گردنفرازی یکی از اقوام قوی پنجه پیشین را ذکر میفرماید که چگونه نسبت به پیامبرشان نافرمانی و حتی مقابله کردند، اما دستجمعی به هلاکت رسیدند.

۴- سوالات

- ۱- «کریم» (=گرامی-آیه ۱۷-) از نظر چه کسانی؟ (خداوند و سیستم وحی؟ فرعونیان؟ یا...؟)
- ۲- از بین صفات ممکن، چرا موسی خود را «امین» نامیده؟
- ۳- حالت کلی آیه ۲۱ چیست؟ (آزادی اندیشه وایمان؟ یا...؟)
- ۴- آیه ۲۱ با آیه ۱۸ چگونه قابل جمع است؟
- ۵- بین دو آیه ۲۱ و ۲۲ چه اتفاقی طبق کدام کلید تفسیر قرآن افتاده؟
- ۶- سوال فوق را درباره آیه های ۲۲ و ۲۳ جواب دهید.
- ۷- (در آیه ۲۸) «کذلک» چه جایگاهی دارد؟
- ۸- «گریه آسمان» (به عنوان کنایه) مفهوم است. اما در باره «زمین» چه؟
- ۹- آیه ۳۳ را از لحاظ سه کلمه توضیح دهید: من، آیات، بلاء.
- ۱۰- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (قصه ای؟ عبرتی؟ هردو؟ یا...؟)

- ۱۱ - در این پاراگراف کدام آیه ها فرعی و کدام فرعی در فرعی و کدام اصلی است؟
- ۱۲ - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (فتنا ، اورثنا ، و ...) آورده؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از پاراگراف حاوی آیات ۱۷ تا ۳۳ میتوان این را فهمید که ذکر داستان موسی و نابودی فرعونیان به منظور روحیه دهی به مسلمانان و آنحضرت بوده است با این منطق که نه اینها از فرعون قوی تر اند و نه بنی اسرائیل از شما عزیزتر. سران کفار در کفرشان لجبازی مینمودند و بی منطقی نشان می دادند (آیات ۳۴ تا ۳۷)

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

آیات ۱۷ تا ۳۳ که اشاره به نابودی فرعونیان و نجات بنی اسرائیل دارد، بطور تلویحی متضمن پیشگوئی امید بخش بوده است، از این لحاظ که دشمنان آنحضرت کجا و فرعونیان کجا و دوستان آنحضرت کجا و بنی اسرائیل کجا!

۷ - زاویه با تفاسیر رایج

«بحر» (آیه ۲۴) همان رود نیل است:

بطور کلی در قرآن «بحر» در معنی «آب بسیار زیاد» در چند جا آمده و در این آیه نیز بمعنی «دریا» (بمعنی اصطلاحی علمای جغرافیا) نیست. گرچه تورات فعلی محل عبور بنی اسرائیل را «دریای سرخ» ذکر کرده، اما به دلایلی که در جای خویش عرض کرده ایم نمی تواند صحیح باشد و چون مقصد آنها سرزمین شامات فعلی (به مرکزیت بیت المقدس) بوده، تنها راه آبی مانع آنها از مصر (به مرکزیت اهرام جیزه) بطرف شامات، رود نیل است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۱۷ تا ۳۳ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

نمونه رفتاری قوم فرعون که به رسالت پیامبرشان اهمیت ندادند و آنقدر لجاجت کردند که حتی سعی کردند او و پیروانش را یکسره بکشند اما خودشان هلاک شدند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۷ بقیه عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» میباشد.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

واگذاری به مخاطب:

در ابتدای دو آیه ۲۳ و ۲۵ «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته، مثلاً در مورد اول جای چنین جمله‌ای خالی است: «لذا به موسی توصیه کردیم» و در مورد دوم «آنها خود را در موضعی قرار دادند که نعمتهایشان زائل شد و»

به زبان مخاطب:

«آسمان بر آنها گریه نکرد»، در آیه ۲۹ به این معنی است که فرعون و فرعونیان نابود شدند و این امر برای کسی مهم نبود و در شئون عالم اتفاقی نیفتاد.

پرانتر بزرگ:

اگر انتهای آیه ۱۶ را به ابتدای آیه ۳۴ وصل کنیم ملاحظه میکنیم که روال سخن صاف و یکدست و بی اعوجاج است و از اینجا معلوم میشود کلّ آیات ۱۷ تا ۳۳ «پرانتری» است.

بندگان خدا را بمن ادا کنید

از جمله «ادا» کنید در آیه ۱۸، معلوم می‌شود که بردگان مورد نظر از روی ظلم به بردگی گرفته شده بودند، نه اینکه بطور عادی برده شده باشند (مثلاً طبق قوانین ملل سابق در جنگ اسیر نشده بودند، یا بدهکار نبودند، یا ... و گویی که آنها «امانت» بوده‌اند و در خصوص آنها خیانت صورت گرفته است. واقعیت‌های تاریخی هم همین را می‌گوید.

بنی اسرائیل بعنوان «مهاجر» و «ساکن» در بلاد مصر سکنی گزیده بودند و فرعونیان بعداً آنان را از روی ظلم از حقوق شهروندی‌شان خلع کرده و به بردگی گرفتند، و به این خاطر است که می‌فرماید بندگان خدا را بمن «ادا» کن.

سنگسار

از آیه ۲۰ فهمیده می‌شود ظاهراً فرعون قصد داشته حضرت موسی(ع) را سنگسار کند. تصمیم به سنگسار کردن حضرت موسی(ع) باید به این معنی باشد که حکومتگران می‌خواستند نوع باصلاح «گناه» حضرت موسی(ع) را جزء جرائم شنیع اخلاقی مانند زنا و کفر و امثال آن جلوه دهند که جنبه فضاحت و بی‌آبرویی نیز داشته باشد و مردم را از آن حضرت متنفر کنند.

قومی دیگر

این «قومی دیگر» که در آیه ۲۸ مورد اشاره قرار گرفته چه کسانی بودند؟ پس از اینکه فرعون و لشکرش در دریا غرق شدند، پس از آنها، آن باغها و کشتزارها و ثروتها به چه کسانی رسید؟

به بنی اسرائیل که نرسید زیرا آنها همراه با حضرت موسی(ع) در مسیرشان به «ارض موعود» بودند.

از روایات تاریخی نیز مدرکی در دست نیست که همسایگان و ملل دیگر بر سر آنان تاخته باشند و آن ثروتها را تصاحب کرده باشند و اگر چنین اتفاقی افتاده بود، در تاریخ ثبت می‌شد و بما می‌رسید.

طبعاً می‌ماند بقیه کسانی که در مصر بودند اما نه جزء بنی اسرائیل بودند و نه جزء فرعونیان.

چرا قرآن آنها را «قومی دیگر» نامیده؟

به کمک «درس» این جواب بدست می‌آید که آنها از لحاظ فکری و عقیدتی، دیگر «فرعونی» نبودند. آنها ادعاهای فرعون را شنیده بودند، با پیروزی موسی(ع) و نجات بنی اسرائیل و نابودی فرعونیان طبعاً دیگر نمی‌توانستند آن ادعاها را بپذیرند. لذا نمی‌توان آنها را «فرعونی» نامید. از طرفی موحد هم نبودند زیرا به حضرت موسی نپیوستند.

«جهانیان» چه کسانی بودند؟

با توجه به آیه ۳۲ «جهانیان» یعنی کلیه اقوام دیگر ساکن در روی زمین که در جاهای دیگر بودند.

عبارت دیگر یعنی آنها در مقایسه با اقوام دیگر، در آن مقطع زمانی، برتری یافتند (بعلت نعمت وحی و وجود پیامبری عظیم‌الشان در میانشان) و این کلمه در اینجا نه به معنی لغوی، بلکه به معنی اصطلاحی آن به کار رفته است.

اهمیت بردگان بنی اسرائیلی برای فرعونیان

از آیه‌های ۲۴-۲۳ فهمیده می‌شود که موضوع بردگان برای حکومت آن زمان مصر، امر بسیار مهمی بوده که باید با چنان تحفظی صورت می‌گرفته، و در صورت فاش شدن چنان واکنش جدی و مهمی را در پی داشته، زیرا فرعونیان کم کم به مردمی

مرفه تبدیل شده بودند که از انجام کارهای سخت و مشکل مانند کشاورزی و ساخت ابنیه و امثال آن سرباز می‌زدند و این کارها را توسط «دیگران» انجام میدادند و کم کم بنی اسرائیل را که ضریب زاد و ولدشان بالا بود و به سرعت (از زمان حضرت یوسف که به مصر کوچ کردند تا آن موقع که چندین قرن شده بود) تعداد نفوسشان زیاد شده بود در همه کارهای سخت و طاقت‌فرسا به بیگاری گرفتند، و لذا اگر بنی اسرائیل را از دست میدادند دچار زحمت میشدند و می‌باید از آن رفاه و تنعم که عادتشان شده بود چشم می‌پوشیدند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! قبل از این، کافران قوم فرعون را نیز آزمودیم و پیامبری گرامی بنزدشان آمد (۱۷) که به آنان گفت بنی اسرائیل را که به بردگی گرفته اید به من بسپارید، که من از سوی خداوند برای شما فرستاده‌ای امینم (۱۸) و اینکه نسبت به خداوند سرکشی نکنید که با دلیلی روشن بسویتان آمده ام (۱۹) و البته از اینکه سنگسارم کنید به خدای خویش و خدای شما پناه می‌برم (۲۰) و اگر باورم ندارید از من کناره گیرید (۲۱)

اما از آنان رفتار نا مناسب دید و پروردگارش را خواند که اینها مردمی گناه پیشه اند (۲۲)

به او جواب دادیم که بندگانم را شبانه ببر، زیرا که تعقیب خواهید شد (۲۳) و از آن رود بزرگ که به دریا شبیه است به همواری بگذرید که فرعونیان که تعقیب تان خواهند کرد غرق خواهند شد (۲۴)

این اتفاقات به وقوع پیوست و عاقبت چنین شد که فرعونیان باغها و چشمه سارهایی عالی را که در آن بودند ترک کردند (۲۵) و نیز کشت ها و مقامها و مراتب عالی را (۲۶) و نیز نعمتهائی را که با دلخوشی استفاده میکردند (۲۷) چنین شد که آنها را به قومی دیگر دادیم (۲۸) و آسمان و زمین اشکی هم برآنها

نریخت و مهلتی نیز نیافتند (۲۹)

و البته بنی اسرائیل را از آن عذاب خفت بار نجات دادیم (۳۰) از فرعون، که متکبری از اسراف‌کاران بود (۳۱) و بنی اسرائیل را آگاهانه بر معاصرانشان برتری دادیم (۳۲) و از آیات و نشانه‌ها، چیزهایی به آنان دادیم که در آنها مایه امتحان‌هایی آشکار بود (۳۳)

دخان ۳ آیات ۳۴ تا ۵۹

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَنذَرْنَا يَا أَبَانَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُوبُوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضَلًّا مِّن رَّبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسْتَرْاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران گذشته و معاصر که علیرغم نعمت های الهی و حکمت آفرینش جهان به گردنکشی و لجبازی دچارند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: از جمله علل تکذیب و گردنکشی کافران، بی توجهی به آخرت، و بی توجهی به حکمت آفرینش است، و همچنین بی توجهی به زندگی سخت بعدی کافران و زندگی عالی بعدی مومنان است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾
ریزدرب: فعالان کفر قیامت را صریحا انکار میکنند

۲

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبَيْنَ ﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾
ریزدرب: آفرینش «به حق» است، و درک این موضوع علم و فهم میخواهد

۳

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمٌ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾
 إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾
ریزدرب: قیامت جدی است و هرکس باید دغدغه اش را داشته باشد

۴

إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأُنْيَمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ

﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾
 ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾

ریزدرب: در رابطه با حق کسی نباید خود را چیزی و کسی حساب کند

۵

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِخُورٍ عَيْنٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمَنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضَلًا مِّن رَّبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾

ریزدرب: کسی که در رابطه با حق رفتار معقول پیشه کند خیلی به خویش کمک کرده

۶

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مفاهیم سنگین را بر زبانت آسان کردیم تا صاحبان لیاقت پند گیرند، و تو به این فعالان کفر اهمیتی مده

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه

استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف اول اهمیت قرآن را بطور پررنگ مطرح میفرماید که در درجه اول خودش کتاب آشکار کننده (قاعدتا حق از باطل) است، و در شب بسیار مهمی نازل شده، و نیز از جانب خود خداوند متعال آمده است و اینکه فکر نکنید کافران از روی تفکر و تعقل به کفرشان رسیده اند، نه بلکه از روی بی مسئولیتی و عدم تفکر و تعقل آن کفر را ابراز میکنند.

در پاراگراف دوم نتیجه گردنفرای یکی از اقوام قوی پنجه پیشین را ذکر میفرماید که چگونه نسبت به پیامبرشان نافرمانی و حتی مقابله کردند و دستجمعی به هلاکت رسیدند.

در این پاراگراف شرح میدهد که کافران معاصر نزول این آیات چگونه بجای ارزیابی کلام وحی به انکار لجبازانه بی دلیل و بهانه گیری می پرداختند، و اینکه قیامت هم البته بالاخره برای همگان از راه میرسد و پس از آن برای کافران عذاب غیر قابل تصور و برای مومنان نعمت های غیر قابل تصور خواهد بود، و تو نیز ای پیامبر بدان که این قرآن را برای امکان پند پذیری همگان آسان نموده ایم، لذا به اعمال کافران چندان اهمیتی نده و رسالتت را پیگیر و منتظر آن عاقبت باش.

۴- سوالات

- ۱ - مجموعه «ل» و «ان هی الّا» نشانه چیست؟
- ۲ - مجموعه سه آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۶، چه حالتی را بیان میکنند؟ (عمد و اصرار؟ لجّ؟ یا....؟)
- ۳ - «خیر» در آیه ۳۷ از چه لحاظ؟
- ۴ - علت هلاک پیشینیان چه بود؟ (تکذیب قیامت و آخرت؟ ارتکاب اعمالی که منتج از تکذیب مذکور است؟ یا....؟)
- ۵ - چرا در این پاراگراف در رابطه با آفرینش از ضمیر «ما» (خلقنا) استفاده شده؟
- ۶ - کلمه «اولی» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

- ۷ - چرا در آیه ۳۵ بجای «منشرین» نفرموده «مبعوثین»؟
- ۸ - «ال» در آیه ۴۴ الف - لام جنس است یا عهد؟
- ۹ - آیه ۴۴ با کدام کلید تفسیر قرآن منطبق است؟
- ۱۰ - چرا در آیه ۵۱ صفت «امین» را برای «مقام» ذکر فرموده؟
- ۱۱ - کلمه «میقات» (آیه ۴۰) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۲ - مطلب آیه های ۴۳ تا ۵۶ به چه زبانی است؟ (کنایه؟ استعاره؟ مَثَل؟ یا؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

سران کفار منتظر پایان کار آنحضرت و فروپاشی نهضت او بوده‌اند و فکر میکرده‌اند اگر اندکی حوصله کنند این موج می‌گذرد (آیه ۵۹)

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۵۹ به صراحت به آنحضرت وعده پیشبرد رسالتش را میدهد و چنانکه همه میدانند این پیشگوئی تحقق یافته است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و آیات ۴۳ تا ۴۹ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ..) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۳۷ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

آیه های ۳۸ و ۳۹ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیات ۴۰ تا ۵۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۵۸ از آن لحاظ که به گوشه ای از مکانیزم وحی اشاره دارد، و آن چیزی است که هیچ بنی بشری به آن دسترسی ندارد، بالاتر از ذهنیات بشر و طبعاً معاصران نزول نیز میباشد.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

از جمله علل تکذیب و گردنکشی کافران، بی توجهی به آخرت، و بی توجهی به حکمت آفرینش، و همچنین بی توجهی به زندگی سخت بعدی کافران و زندگی عالی بعدی مومنان است.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با مفاهیم آیه های ۴۰ تا ۴۳ و نیز ۵۱ تا ۵۷ قبلاً در سوره های انفطار و نبأ و بعد از آن آشنا شده ایم، اما ضمن وحدت مفهومی آنقدر از لحاظ کلمات و عبارات و وزن و قافیه و شکل ادبی و شکل موسیقایی تفاوت دارند که بازشناسی آنها خبرگی میخواهد و این یکی از وجوه ادبی قرآن کریم است که شخص از مطالعه قرآن خسته نمیشود و همیشه در آن تازگی می بیند.

بقیه مطالب این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

فرعی و پرائتز :

آیه های ۳۶ و ۳۷ فرع بر آیه ۳۵ و آیه های ۴۱ و ۴۲ فرع بر آیه ۴۰ است.

تغییر مخاطب (التفات) و واگذاری به مخاطب:

در ابتدای آیه های ۴۷ و ۴۹ و ۵۰ التفات، و در ابتدای آیه های ۴۳ و ۵۷ واگذاری به مخاطب صورت گرفته است.

به زبان طنز :

در آیه ۴۹ که فرموده «بچش، که تو آن عزیز دست نیافتنی گرامی بودی» در حقیقت به این معنی است که «بچش، که تو همان کسی هستی که خودت را خیلی عزیز و گرامی حساب میکردی» و یا «بچش، مگر تو همان کسی نیستی که خودش را آنقدر عزیز و گرامی می پنداشت پس چرا کاری کردی که به این روز بیفتی که نه عزتی در کارت باشد نه کرامتی»

ذکر مصادیق افاده حصر نمی کند

آنچه درباره عذاب اهل جهنم یا نعمت های اهل بهشت ذکر شده منحصر در آنها نیست و مانند مشتبی از خروار و کفی از دریا بعنوان مثال (تازه آنهم به زبان مخاطب) ذکر فرموده است.

قوم تُبَع

داستانهای پیامبران که در قرآن آمده اکثر قریب به اتفاق مربوط به پیامبرانی است که در همان جایی که امروزه به آن «خاورمیانه» گفته می شود می زیسته اند. در قرآن اشاره ای به پیامبرانی که در چین، اروپا، استرالیا، قطبهای شمال و جنوب و سایر نقاط بوده اند نشده است. آیا آن مناطق پیامبر نداشته اند؟ حتما داشته اند، دلیلش هم «و لكل قوم هاد» و آیات

مشابه دیگر است.

پس چرا خداوند به آنها اشاره‌ای نکرده است؟

خداوند فرموده «ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» (= ما هیچ رسولی را جز مطابق زبان و فرهنگ قومش به رسالت نفرستاده‌ایم) لذا علت ذکر نکردن پیامبران غیرسامی این بوده است که آنها خارج از محدوده فرهنگی اهالی عربستان بوده‌اند.

پیامبرانی مانند نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، یعقوب، اسحق، یوسف، سلیمان و خلاصه کلیه آنهایی که اسمشان در قرآن آمده، همگی یا از لحاظ جغرافیائی، یا از لحاظ نژادی، (سامی) در داخل محدوده «لسان» (= زبان و فرهنگ) اعراب بوده‌اند.

لذا از همه این مطالب باید این نتیجه‌گیری را هم داشته باشیم که «تَّبِعْ» نیز نام یکی از اقوامی بوده است که پیامبرشان یا در محدوده خاورمیانه به ماموریت الهی اعزام شده بود، و یا از نژاد سامی بوده است.

هرچه که بوده، به زمان رسول اکرم (ص) نزدیک و برای مردمی که مخاطب این آیات بوده‌اند شناخته شده بوده، زیرا قرینه «و الذین من قبلهم» در آیه ۳۷، این را میگوید که قبل از قوم تبع نیز اقوامی هلاک شده‌اند، پس قوم تبع به زمان نزول این آیات نزدیک‌تر بوده است.

اما کسانی که تا کنون قرآن بعنوان هلاک‌شدگان از آنها نام برده، قوم نوح، عاد، ثمود، قوم رس، قوم لوط، و قوم شعیب بوده‌اند. پس معلوم می‌شود قوم تبع متاخر بر همه اینها بوده است که در اشاره به آنها فرموده «والذین من قبلهم»

منظور از «اکثرشان» در آیه ۳۹ کیست؟

با توجه به درس و درب منظور از «اکثرشان» همان اشخاص مورد نکوهش، یعنی سران کافران و پیروان عامد آنها می‌باشند.

«بازی» و «حق»

«بازی» در مقابل «حق» آمده و چون ما «بازی» را می‌شناسیم، از روی تعریف و تعبیر آن می‌توانیم تعریف و تعبیری از «حق» بدست آوریم. بازی، عبارت است از مجموعه افعال و حرکاتی که نظام‌مند می‌باشد اما به غایت و هدف ارزشمندی منتهی نمی‌شود. غایت و هدف مجموعه آن افعال و حرکات، یا اصلاً بی‌ارزش است یا ارزش آنها کوچک و حقیر است. بنا به تعریف، «حق» به غایت و هدف بزرگ و پرازش اشاره دارد و چیزی که «به حق» است یعنی به هدف بزرگ و مهم پرازش منتهی می‌کند یا منتهی می‌شود.

بدن این جهانی و بدن آن جهانی

قبلاً نیز در این باره بحثی کرده‌ایم. با توجه به آیات ۴۳ تا ۴۸ آب و غذائی که مورد اشاره قرار می‌گیرد چیزهائی است که اصلاً برای ما قابل تصور نیست. چنان آب و غذاهائی را نه می‌توان نوشید و خورد و بلکه حتی نمی‌توان به آنها نزدیک شد. مس مذاب کجا و نسوج بدن کجا؟ در اینجا باید توجه کنیم که «بدن جهنمی» شخص همان چیزی نیست که ما از «بدن فعلی انسانی» خویش تصور می‌کنیم. مطالب آن جهان، فعلاً برای ما قابل تصور نیست. غذاهای این جهانی برای جنین داخل رحم، قابل تحمل نیست. اگر امکان آن بود که لقمه‌ای جوجه کباب که برای ما غذایی مطلوب است، به جنین خورنده شود، آن جنین فوراً خواهد مرد. بنابراین باید این را درک کرد که بدن ما در جهان پس از قیامت، همین بدنی نیست که فعلاً داریم. این بدن، در مقابل آن بدن‌ها، همانقدر ضعیف است که بدن جنین نسبت به بدن فعلی ما، و بلکه هزاران بار بیشتر. لذا آن نوشابه‌ها و آن غذاهای جوشان و سخت و مذاب، آن نقشی را که نسبت به ما

خواهد داشت، و ما را در همان ثانیه اول نابود خواهد کرد، راجع به «بدن جهنمی» آن تأثیر مخرب را ندارد و بلکه برای آن فقط در حد «یک نوشابه نامطبوع و یک غذای ناگوار عذاب‌آور» خواهد بود.

قرآن را بر زبانت آسان کرده‌ایم

در خصوص مطلب تیترو فوق، در ذیل ترجیع بند «ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» در سوره قمر بحثی کرده‌ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر این کافران معاشرت می‌گویند:

(۳۴) جز این نیست که مرگی جز همین مرگ اول نداریم و برانگیخته نخواهیم شد
(۳۵) اگر بقول تو زندگی بعدی خواهد بود، پدرانمان را بیاور اگر راست می‌گویی (۳۶)
اقوام قبلی هم همین رویکرد را داشتند، آیا اینان از آنها، مثلاً قوم تبع و یا پیشینیان
آنها که هلاکشان کردیم و مجرم بودند، بهترند؟ (۳۷)

و آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست به بازی نیافریده ایم (۳۸) آنها را جز به حق نیافریده ایم ولیکن اکثر اینان به آنچه می‌گویند علمی ندارند (۳۹)

البته روز جدا کردن خوب و بد که همان روز قیامت باشد، وعده گاه همگی است (۴۰)
روزی که هیچ دوستی نمیتواند برای دوستش کاری کند و کافران و مجرمان هیچ یاری نمی‌شوند (۴۱) مگر کسانی که شایسته رحمتی از جانب خداوند باشند که همو پیروزمند مهربان است (۴۲)

درخت زقوم (۴۳) غذای آن گناهکاران است (۴۴) مانند مسی مذاب است و در شکمها

میجوشد (۴۵) مانند جوشش چرکابه جوشان (۴۶)

و در چنین اوضاع و احوالی به ماموران عذاب خطاب میشود که این کافران و مجرمان را بگیرید و به وسط جهنم بکشید (۴۷) آنگاه از بالای سرشان از آن عذاب جوشان بر آنان بریزید (۴۸)

در آن موقعیت به خود آنها خطاب میشود که ای کسانی که به نظر خودتان عزتمند و گرامی بودید بچشید (۴۹) این همان چیزی است که تکذیبش میکردید (۵۰)

اما تقوا پیشگان در موقعیتی امن خواهند بود (۵۱) در باغها و چشمه سارها (۵۲) جامه هایی از ابریشم نازک و ضخیم بر تن داشته و با یکدیگر هم صحبت خواهند بود (۵۳) و آنها را با حوریان تزویج خواهیم کرد (۵۴) و در آنجا در حالیکه امنیت دارند از هر نوع میوه ای می طلبند (۵۵) مرگی جز همان مرگ اول نخواهند داشت و خداوند آنها را از عذاب جهنم دور نگهداشته است (۵۶) که این لطفی از جانب پروردگارت است و پیروزی بزرگ نیز همین است (۵۷)

ای پیامبر! جز این نیست که این قرآن را بر زبانت آسان کرده ایم شاید پند گیرند (۵۸) پس چشم براه پیشرفت رسالتت باش که آنان نیز چشم براه ناکامی تو می باشند (۵۹)

سوره زخرف

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

حم ﴿۱﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۳﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ ﴿۴﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ﴿۵﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿۶﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿۷﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿۸﴾

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پر لطف الهی، عامدانه و مصرانه با پیامبران لجبازی و مخالفت می کنند.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: مطالب قرآن حق است، زیرا از چنین جایگاهی نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

حم ﴿۱﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

ریزدرب: قسم به کتاب آشکار (یا قسم به کتاب آشکارگر)

۲

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۳﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ ﴿۴﴾

ریزدرب: این قرآن والا مقام و پر ارج است

۳

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿۵﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿۶﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿۷﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿۸﴾

ریزدرب: آیا چون برخی از شما نالایق میباشید، ما از پند دادن دست بکشیم؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - کدام معنی برای کلمه «مبین» مناسب تر است؟ (آشکار؟ آشکارکننده؟ خودآشکارکننده؟ یا...؟)
- ۲ - چرا در اینجا از ضمیر «ما» (جعلنا، لدینا) استفاده شده؟
- ۳ - چرا در باره قرآن از ضمیر «ه» که در رابطه با «ذیروح» بکار میرود استفاده شده؟
- ۴ - چه حکمتی در قراردادن «حروف مقطعه» در اول بعضی از سوره ها است؟
- ۵ - در آیه ۴، «ل» در کلمه «لعلی» چه نقشی دارد؟ (تاکید؟ یا...؟)
- ۶ - مرجع ضمیر «ه» در «جعلناه» چیست؟
- ۷ - در ابتدای آیه ۲، «و» چه نقشی دارد؟ (قسم؟ عطف؟ یا...؟)
- ۸ - در سوال قبلی، اگر جواب سوال «قسم» باشد جواب قسم چه خواهد بود؟
- ۹ - در آیه ۴، «لدینا» متعلق به «الکتاب» است، یا به «لعلی حکیم»؟
- ۱۰ - چرا بجای «جعلناه» نغرموده انشاءنا یا خلقنا یا کتبنا یا...؟
- ۱۱ - «ف» در آیه ۵، نمایانگر چه نتیجه گیری است؟
- ۱۲ - آیه ۵، کدام ضرب المثل فارسی را بیادتان می آورد؟
- ۱۳ - چهار کلمه اول آیه ۸ نشان از چه دارد؟ (اینکه خداوند «سران» کفار را مسئول اصلی میدانند؟ یا...؟)
- ۱۴ - از سه کلمه آخرآیه فوق، چه سابقه ای سراغ دارید؟
- ۱۵ - کلمه «مضی» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۶ - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (نضرب، ارسلنا، اهلکنا) آورده؟
- ۱۷ - آیا از مطلب آیه ۵ سابقه ای دارید؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در این برهه از زمان، وضعیت کلی، از لحاظ آمادگی و صلاحیت اکثر مخاطبان برای نزول وحی، هیچ مساعد نبوده، و به عبارت دیگر، وحی در زمینه ای نازل شده که اکثر

مخاطبان لایق آن نبوده و قدر آن را نمی شناخته اند (آیه ۵)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): این سوره بطوری که آغاز و انجام آن و نیز مطالبی که بین این آغاز و انجام فاصله شده شهادت می‌دهد، در مقام انذار و هشدار دادن بشر است،

«درس» این سوره، در این تفسیر (که همان چیزی است که المیزان آن را «غرض» سوره مینامد) از راه محاسبه استخراج شده و چنین است:

کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرّانه با پیامبران لجبازی و مخالفت میکنند.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۵ وعده میدهد که این پروسه ارسال وحی به این علت که مخالفان اینهمه با آن مخالفت میکنند تعطیل نخواهد شد و دیدیم که نشد.

۷ - آیات مشکل

آیه ۴ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

البته این قلم نیز عرض خویش را در قسمت «شرح مختصر» ارائه نموده است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلاً عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه. آیه های ۶ تا ۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

مطالب قرآن حق است، زیرا ماخذش از جایگاه «عندالله»ی است، و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نمیشد.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۷ و ۸ و خود کلمه «حم»، بقیه فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

به زبان مخاطب:

همواره باید بیاد داشته باشیم که مفاهیمی مانند «لدنا» (از جانب ما) و «عندنا» (نزد ما) به آن معنی که مثلاً از عبارت هائی مانند «نزد حسن» و «نزد تقی» می فهمیم، نیست و خداوند به زبان مخاطب صحبت فرموده است.

حروف مقطعه

«حم» از حروف مقطعه است و ما در مقدمه مؤلف، بحثی در خصوص آن عرض کرده ایم (و در اینجا قسمتی را که به «حم» مربوط میشود نقل میکنیم):

[[سوره‌های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می‌شوند.

«درس» سوره‌های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص)، علیرغم روشن شدن حقیقت» می‌باشد]]

موقعیت قرآن نزد خداوند

در قرآن، از کتابهای آسمانی دیگر مانند تورات و انجیل و داستانهای پیامبران سابق، در می‌یابیم که کتب آسمانی و انبیاء سابق بر چند نکته تأکید مشترک داشته‌اند:

- ۱- وحدانیت خداوند،
 - ۲- حقانیت وحی به پیامبران،
 - ۳- حتمیت وقوع قیامت و رسیدگی به اعمال این جهانی همه مردم، و بهشت و جهنم،
 - ۴- رعایت رفتارهای پسندیده در بین خویش،
 - ۵- انجام عباداتی خاص مانند نماز و روزه و امثال آن،
 - ۶- دوری از گناهانی خاص.
- تا آنجا که از قرآن فهمیده می‌شود این نکات در بین همه ادیان آسمانی مشترک بوده، و لذا قابل فرض است که چیزی مانند «قانون اساسی»، «نزد» خداوند باشد و کتب آسمانی از آن مشتق گردند.
- و این «مشتق»، با توجه به مقتضیات و نیازهای اقوام مختلف که در زمانها و مکانهای مختلف زندگی می‌کنند و فرهنگهای مختلفی دارند و سطح درک و آگاهی و استعدادهاى آنها در امور مختلف متفاوت است، با شرایط آنها «مناسب سازی» شده و بصورت «راهنمای زندگی» در قالب کتاب آسمانی-خاص آنها- نازل شده باشد.
- درمورد قرآن نیز به همین ترتیب است.
- قرآن شامل مقداری «اصول اساسی» و مقداری «احکام»، و مقداری «حکمت»،

و مقداری «داستان های پیشینیان»، و غیره، است، با این تفاوت که قرآن از «کتاب» های سابق الذکر برتر است.

زیرا (مثلاً) مدت ماموریت انجیل ۶۲۱ سال بوده و قلمرو ماموریت آن نیز قوم بنی اسرائیل بوده، اما مدت ماموریت قرآن تا روز قیامت و قلمرو ماموریت آن کل جهان است.

به همین خاطر قرآن باید چنان کیفیتی داشته باشد که بتواند ظرفیت پاسخگویی این همه تفاوت های وقوع یافته در طول زمان برای همه اقوام، در چنان برهه طولانی را داشته باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم (۱)

قسم به قرآن که کتابی روشنگر است (۲)

ما آن را خواندنیی به زبان روشن و قابل فهم قرار دادیم شاید تعقل کنید (۳) و آن، در مادر کتابهای آسمانی که نزد خداوند است، دارای موقعیتی والا و محکم است (۴)

ای کافران! آیا چون شما مردمی اسرافگر هستید از فرستادن آن قرآن حاوی پند بسوی شما منصرف شویم؟ (۵)

ای پیامبر! تکذیب رسولان چیز بی سابقه ای نیست و چقدر رسولانی که در اقوام اولیه فرستادیم (۶) و هیچ پیغمبری بسویشان نیامد مگر اینکه مسخره اش میکردند (۷) ولی ما نیرومند ترین آنها را با قوت بگرفتیم، بطوریکه مثل اقوام اولیه شدند (۸)

زخرف ۲ آیات ۲۵ تا

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمْ اتَّخَذَ مَا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوْ مَن يَشَاءُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا هُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أُولَؤُلُو جُنُوكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
 طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرانه با پیامبران لجبازی و مخالفت می کنند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند و در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند و کافران گذشته نیز در مورد تکذیب پیامبران بر لجبازی متکی بودند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَّيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾

ریزدرب: کافران نیز معترف بودند که آفرینش از شئون خاص الهی است

۲

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾

ریزدرب: یادآوری گوشه ای از علم و قدرت و الطاف الهی

۳

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ذکر یک مورد مهم از عناصر شرک

۴

أَمْ اتَّخَذَ إِمَّا يَخْلُقُ بِنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوْ مَن يُنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾
ریزدرب: بسیاری از اعرابِ معاصر نزول قرآن از فرزند مونث کراهت داشتند،

۵

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾
 وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا هُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مخالفات که از فرزند مونث کراهت دارند، چطور شد که وقتی به خدا میرسد جنس مونث را شریک او قرار میدهند؟

۶

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿٢٢﴾
ریزدرب: ای پیامبر! آنها بر آنچه میگویند دلیلی ندارند

۷

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قُرْآنٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَوْلَوْ جِنَّتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾
ریزدرب: ای پیامبر! کفارِ قبلی هم همین ایراداتِ کفارِ معاصرِ تو را داشتند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید مطالب قرآن حق است، زیرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

در این پاراگراف به گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند.

۴- سوالات

۱ - دو کلمه آخر آیه ۱۱ چه حالتی (مطابق کدام کلید تفسیر قرآن) دارد؟ (پرانتری؟ یا...؟)

۲ - سابقه آیات این پاراگراف رادرسوره های قبلی (باتوجه به ترتیب نزول) بیان کنید.

۳ - فرع بودن آیه ۱۴نسبت به ۱۳واضح است، اما شرح دهید: چه رابطه منطقی بین آنها وجود دارد؟

۴ - کلمه «منقلبون» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

۵ - منظور از « قدر » (آیه ۱۱) چیست؟

- ۶ - منظور از «انسان» چیست؟ (کلّ انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا...؟)
- ۷ - در بین قسمتی از اعراب معاصر نزول این سوره یک نوع رسم بسیار ناپسند وجود داشت. کدام آیه اشاره به آن است؟
- ۸ - جمله **لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ** به کدام بحث مشهور قرن اول و دوم بین مسلمانان اشاره دارد؟ (که بعدا اندکی کمرنگ شد ولی از بین نرفت و هنوز هم رگه هایی از آن در میان مسلمانان هست؟)
- ۹ - چه ربطی است بین «ان الانسان لکفور مبین» (آیه ۱۵) و ابتدای آیه؟
- ۱۰ - کلمه «جزء» در آیه ۱۵، به چه چیزی اشاره دارد؟ (ذات خدا؟ افعال خدا؟ صفات خدا؟ مخلوقات خدا؟ یا...؟)
- ۱۱ - از این پاراگراف فهمیده میشود این الگوی رفتاری سران کفار در مقابل پیامبر(ص) چیز نوظهوری نبوده، سوال این است که علت آن چه بوده؟
- ۱۲ - تعریف «قریه» (آیه ۲۳) چیست؟
- ۱۳ - «مترف»ها (همان آیه) چه اقشاری از مردم هستند؟
- ۱۴ - «امت» (همان آیه) به چه معنی است؟
- ۱۵ - از کلمه «آثار» (همان آیه) چه به ذهن می آید؟
- ۱۶ - از کلمه «مقتدون» (همان آیه) چه حالتی استنباط میشود؟
- ۱۷ - فاعل فعل «قال» (آیه ۲۴) کیست؟
- ۱۸ - عمد و اصرار و لجبازی در کدام آیه و کدام جمله به وضوح پیداست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۹ که آیه اصلی پاراگراف هم هست اینطور فهمیده میشود که سران مخالفان پیامبر(ص) این مقدار را قبول داشتند که آفرینش آسمانها و زمین کار خداوند متعال است .

این سوال پیش می آید که «پس بحث بر سر چه بود؟»

جواب این است که بحث بر سر «مدیریت جهان» بود که مشرکان اظهار میکردند هریک از امور زندگی بشر چه مثبت و چه منفی (مثلا باران و خشکسالی و رونق و کساد و سلامت و بیماری و غیره و غیره) هریک مدیری دارد که در آسمانها ساکن است و یکی از دختران خداست و در کار خویش نیز مستقل است و لذا هرکس باید برای جلب نظر مثبت «خدای مثبت» و یا دفع نظر منفی «خدای منفی» مربوطه، باید به کسانی که خود را «کاهن» و «واسطه خدا»ی مربوطه می‌نامند نذوری تقدیم کند یا برای او خدمتی انجام دهد تا دل «خدای مربوطه» با او «ترم» شود و در نتیجه «خیر» مورد نظر او حاصل یا «شر» مورد نظر او دفع شود.

بعبارت دیگر نتیجه شرک مورد نظر مخالفان پیامبر(ص) این بود که بشر باید با (تقریبا) بی‌نهایت مرکز و مبدا هماهنگ شود و توحید مورد نظر پیامبر اکرم(ص) حامل این پیام بود که همه اینها باطل و بیجاست و کافاست بشر خود را با یکجا و فقط یکجا هماهنگ کند.

۶ - کدام قول مردم و کدام قول خداوند است؟

با توجه مجدد به پاراگراف به سوال فوق پاسخ دهید. البته میتوانید جواب دهید، ولی علت اینکه این سوال را در بیرون مجموعه سوال ها قرار دادیم لزوم توجه دقیق تر شما به آن بوده است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و آیات (۱۲) تا (۱۴) از مشهور ترین های آیات قرآنی است، زیرا اقبال هنرمندان و وعاظ و . . را در باره خویش دارد.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۹ تا ۱۲ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل. آیه ۱۹ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

یادآوری گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف داشتند، تعرض به خطاها و تناقضات فکری مخاطب های اولیه، مثلاً اینکه ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند از پرستش بتان اعلام می نمودند و ...

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۰ و ۱۱ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۵، بقیه فقرات این پاراگراف برای اولین بار است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۱۰ تا ۱۴ فرع بر آیه ۹ است، اما در داخل این مجموعه، آیه های ۱۳ و ۱۴ فرع

بر آیات ۱۰ تا ۱۲ است، و آیه های اخیرالذکر علاوه بر فرعی بودن پراختی هم هستند .

نیز، ۱۷ و ۱۸ فرع بر ۱۶، و ۲۰ فرع بر ۱۹، و ۲۲ فرع بر ۲۱، و ۲۵ فرع بر ماقبل خویش است.

ذکر مصادیق افاده حصر نمی کند

اگر به ریزپاراگراف ۲ توجه کنید خواهید دید مطالب ذکر شده از نوع مدلول تیتتر فوق است.

آموزش عمومی مخاطب اولیه بطور نا محسوس

در آیه ۹ نوعی اعتراف گیری در مورد موضوعی که چاره ای جز اعتراف نیست به عمل می آید. اعتراف به جای اینکه به «اسم» خدا باشد به «مشخصات» مرتبط با خداوند ذکر میشود. از روی آن مشخصات موضوع را با منافعی که خداوند به مخلوقات میرساند مرتبط میکند، که البته هر کدام از آن منفعت ها دریاهائی از مطلب دارد، در ضمن همین موضوع زمینه ای هم برای نزدیک کردن امکان وقوع قیامت مطرح میکند (انتهای آیه ۱۱) سپس در ادامه ذکر نعمتها به یک نعمت خیلی واضح که خاص انسانها است اشاره ای میکند که همان نعمت «سواری» باشد، و در ادامه تلقین میکند که ای انسان برای این نعمت خیلی واضح و بزرگ چه رفتاری باید در پیش گیری و چه ادبی را می باید رعایت کنی؟

علاوه بر آن، در این پاراگراف استدلالی هم وجود دارد که «ای اعراب! این فرضیاتی که کرده اید لاقبل با فرهنگ خود شما تعارض دارد! شما مردمی هستید که جنس مادینه را حقیر و کم ارزش و بی قدر میدانید! حالا چطور است که وقتی دستگاه الوهیت و ملوکیت و ربوبیت مطرح می شود، به این جنس که باصلاح شما بی ارزش است، ناگهان مقام الوهیت و ملوکیت و ربوبیت می دهید؟»

آیات ۱۵ تا ۱۸ با در نظر گرفتن موضوع فوق، کاملاً مفهوم میگردد و آیه ۱۹ نفی همین مطلب از طریق یک استدلال در سطح بسیار بالاتر است.

بعبارت دیگر در این پاراگراف دو نوع استدلال برای نفی فرضیه مشرکانه بکار رفته:

۱- این فرضیه با فرهنگ سنتی مردسالار شما ناهم‌هنگ است (آیات ۱۵ تا ۱۸)

۲ - اساساً این فرضیه بی‌پایه است (آیه ۱۹)

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، با تأکید خواهند گفت آن خدای عز‌تمند دلنا آنها را آفریده (۹) به آنان بگو این خدا همان است که زمین را برایتان آسایشگاه نموده و در آن برایتان راه‌هایی قرار داده تا به سهولت در آنها رفت و آمد کنید (۱۰) و هموست که از آسمان آبی به اندازه می‌فرستد که با آن سرزمین مرده را زنده میکند، و شما را هم، پس از مرگتان، همین‌طور زنده میکند (۱۱) و هموست که همه جفت‌ها را آفرید، و از کشتی‌ها و چارپایان برایتان وسیله سواری مهیا کرد (۱۲) تا بر آنها سوار شوید، سپس، پس از استقرار، متذکر نعمت پروردگارتان شده و بگویید: منزه است کسی که این را برای ما رام کرد، و گرنه ما رام‌کننده اش نبودیم (۱۳) و البته حتماً بسوی پروردگارمان باز خواهیم گشت (۱۴)

ای پیامبر! با وجود اینهمه نعمت‌ها که میدانند از جانب کیست، از میان بندگان، فرزندان برای او قرار دادند، که این یک ناسپاسی آشکار است (۱۵)

آیا خداوند از میان چیزهایی که می‌آفریند دختران را که در فرهنگ قوم تو حقیر قلمداد میشوند، برای خویش برمی‌گیرد و شما را به داشتن پسران ترجیح می‌دهد؟ (۱۶) و هنگامی که به یکی از آنها به تولد همان چیزی که مثلش را برای خداوند رحمان زده، مژده دهند، بر چهره اش سایه سیاه می‌نشیند و خشمناک میشود اما خشمش را فرو می‌خورد (۱۷) و با حسرت به خود می‌گوید آیا کسی که در زیور آلات بزرگ میشود و در جنگ چندان کارایی ندارد برایم متولد شده؟ (۱۸)

و ملائکه را که بندگان خدا هستند ماده حساب کرده اند. آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ شهادت آنها نوشته شده و در باره این اعتقادشان پرسش خواهند شد (۱۹)

و میگویند اگر خدا نمیخواست ما آن بت ها را عبادت نمیکردیم، و لذا اگر آنها را عبادت میکنیم به خواست خداست! هیچ علمی به این قول خویش ندارند، و همینطور یک چیزی میگویند، و این کارشان جز تخمین نیست (۲۰)

مگر پیش از این کتابی آسمانی به آنان داده ایم که به آن چنگ لنداخته لند و این قول را بر اساس آن میگویند؟ (۲۱) نه، بلکه میگویند پدرانمان را بر چنین روشی یافته ایم و از روی آثار آنها میرویم (۲۲)

ای پیامبر! چنین بوده که قبل از تو هیچ هشدار دهنده ای در هیچ جائی نفرستادیم مگر اینکه هوسرانانمان میگفتند ما پدرانمان را بر دینی یافته ایم و از آثار آنها پیروی می کنیم (۲۳) پیغمبرانمان میگفتند آیا اگر چیزی برایتان آورده باشیم که نسبت به آنچه پدرانمان را بر آن یافته اید هدایت کننده تر باشد چه؟ آنها در پاسخ پیامبران خویش میگفتند ما به هر چه که شما برای ابلاغ آن فرستاده شده اید کافریم (۲۴) آنگاه، از آنها انتقام کشیدیم، بنگر که عاقبت تکذیبگران چه بود (۲۵)

زخرف ۳ آیات ۲۶ تا ۲۸

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾
وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرانه با پیامبران لجبازی و مخالفت می کنند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: در میان گذشتگان کسانی هم بوده اند که علیرغم محیط پر از افعال و اقوال باطل، راه صحیح را جستجو کرده، و با جدیت، در آن راه، گام زده اند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾
ریز درب: ابراهیم به ایمان آگاهانه عاقلانه دست یافت

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

ریز درب: ایمان ابراهیم پسندیده تلقی شد و در اعقاب او مستقر گشت

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید مطالب قرآن حق است، زیرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

در پاراگراف ۲ به گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملانکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند.

در این پاراگراف میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید، اینقدر از روسای قبایلتن حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید، و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید.

۴- سوالات

۱- چرا بجای فطرنی نفرموده خلقنی؟

۲- در این سه آیه یک مورد پیشگوئی تحقق یافته وجود دارد. آن را پیدا کنید.

- ۳ - چرا کسانی را که عقیده ای مخالف او داشتند «قومش» قلمداد نموده؟
- ۴ - مطالب قبل از این سه آیه با مطالب بعد از این سه آیه هم سنخ نمیباشند، چرا در میان آنها به این موضوع پرداخته؟
- ۵ - «براء» در ذات خویش مفرد یا جمع است؟ و اگر جمع است، او که یک فرد است چرا این کلمه را در باره خویش بکار برده؟
- ۶ - در باره «الا» در ابتدای آیه ۲۶ که چه را نسبت به چه استثنا کرده، توضیحی دهید.

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از این پاراگراف فهمیده میشود یک مانع مهم گرایش مردم به دعوت پیامبر (ص) مخالفت سران قبایل بوده و در این پاراگراف تلویحا از مردمی که بطور بالقوه از پیروان آنحضرت بوده اند میخواهد پابندی به قبایلشان را بگسلند و - ابراهیم وار - به آنچه خود می فهمند بگرایند.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۲۸ در داستان ابراهیم (ع) خاطر نشان میفرماید که راه و روش او غالب و ماندگار شد، و در این یک پیشگویی تلویحی وجود دارد که دیدیم محقق شد.

۷ - زاویه با تفاسیر رایج

تفاسیر موضوع اصلی را متوجه نشده و به چیزهای بی اهمیت از قبیل اینکه «ابیه» پدر او نبوده بلکه عموی او بوده (!) پرداخته اند و بحث های کلامی و روایتی محل تامل و و تحقیق کرده اند، که ما در اینجا به آنها نمی پردازیم و کنجکاوان را به نرم افزار جامع التفاسیر راهنمایی میکنیم، اما نمی توانیم از خاطر نشان کردن این موضوع در گذریم که:

گیریم پدر ابراهیم مشرک و بت تراش و بت فروش بود، این چه ربطی به خود او دارد؟

تازه، این خیلی افتخارآمیزتر است که در چنان خانواده ای چنین «شاهکار خلقت»ی در بیاید!

بحث اصلی سوره و پاراگراف این است که در ایام قدیم که نظام پدرسالاری در اوج بود، جوانی چنان شخصیت محکمی داشت که به خرافات نه گفت و قهرمان جهان انسانیت شد و درسش برای ما این است که هر خرافه ای را نپذیرید و شخصیت محکم داشته باشید و به چیزی که باطل تلقی میکنید «نه» بگوئید.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیه های ۲۶ تا ۲۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در ماقبل تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

دعوت مردم به اینکه تقلید گرائی محض را رها کرده و به آنچه واقعا به آن «رسیده اند» گرایش جدی نموده و آن را اعلام نمایند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، همه عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

پرانتز بزرگ:

کل این پاراگراف (یعنی آیات ۲۶ تا ۲۸) «پرانتری» است، زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و انتهای پاراگراف قبلی را به ابتدای پاراگراف بعدی وصل کنیم می‌بینیم روال سخن صاف و یکدست خواهد شد.

شخصیت کامل حضرت ابراهیم

از مطالب این پاراگراف فهمیده می‌شود موضوع ستیز او با قومش، موضوع «مورد عبادت» آنها بود. نیز فهمیده می‌شود که حضرت ابراهیم «آفریدگار خویش» را مورد عبادت خود انتخاب کرده بود. نیز از همینجا فهمیده می‌شود که قوم او و پدر او «مورد دیگری» را عبادت می‌نمودند. خلاصه اینکه حضرت ابراهیم خداوند را بعنوان معبود پذیرفت و درباره او با قوم و قبیله‌اش ستیزه کرد. امروز قوم و قبیله به آن معنی تقریباً وجود ندارد و ما بسختی می‌توانیم تصویری راجع به آن داشته باشیم. در قدیم، فرد در مقابل قبیله شخصیتی نداشت و ستیزه فرد در مقابل قوم و قبیله گستاخی بسیار مهمی بود. حضرت ابراهیم مربوط به زمانی از بشریت است که بشریت هنوز وارد «دوره تاریخی» نشده بود.

امروز می‌دانیم که اهمیت قبیله و بی‌قدری فرد در مقابل آن، هر قدر که در زمان به عقب می‌رویم بیشتر بوده است.

لذا اینکه یکنفر با قوم و قبیله‌اش درباره موضوعی بستیزد و از عقیده غالب و مسلط آنها اظهار بی‌زاری کند، از کمال‌یافتگی شخصیت او، و عظمت روحیه و دریادلی او، حکایت می‌کند.

مفهوم کلمه

مفهوم «کلمه» در قرآن، خیلی بیشتر از آن چیزی است که نزد ما معنی می‌دهد و این اشاره کافیست که خداوند حضرت عیسی را «کلمه خدا» نامیده و لذا «کلمه باقیه» در آیه ۲۸ باید مفهوم مترادف با پیغمبری داشته باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! هنگامی را بیاد آر که ابراهیم به پدرش و قومش گفت از آنچه می‌پرستید بیزارم (۲۶)

مگر کسی که مرا آفرید که بزودی هدایت‌م خواهد کرد (۲۷)

و خداوند این سخن صحیح و این رفتار درست او را ماندگار نمود و کسانی از نسلش را پیرو آن قرار داد.

زخرف ۴ آیات ۲۹ تا ۴۵

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ أَهُم يَفْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لَبَعْضُهُمْ أَلْسِنَةً غَاوِيَةً لِّمَنِ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُبَوِّعَهُمْ سَفْهًا مِّنَ فَضْلِهِ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِيُبَوِّعَهُمُ آثَابًا وَسُورًا عَلَيْهَا يُتَكَوَّنُونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ لَبِئْسَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾ وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٣٨﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّمَا تَذَهَبُ بِكَ فَإِنَّمَا مِنْهُمْ مُتَسَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ يُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّمَا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرانه با پیامبران لجبازی و مخالفت می کنند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کافران برای اعمال مخالفت و لجبازی‌شان استدلال‌های بسیار سست دارند و ای پیامبر! به اینان اهمیتی مده و راه خویش برو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٌ ﴿٣١﴾

ریز‌درب: ای پیامبر! تکذیب اینان بر اساس ایرادهای بیجا است

۲

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحَةً وَرَحْمَةً رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفْهًا مِّنْ فُضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِيُبَيِّنَ لَهُمُ الْآيَاتِ هَاتِيكُمْ أَرْسَالًا مِّنْ رَبِّكَ لِيُبَيِّنَ لَكُمُ الْآيَاتِ وَرُحْرُوقًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكْ لَمَّا مَتَاعٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾ وَمَن يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدُ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَنسُ الْقُرْآنَ ﴿٣٨﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾

ریز‌درب: ای پیامبر! تکذیب اینان بیجاست و اموالی که دارند از نظر ما بی ارج است

۳

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّمَا تَذَهَبُ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ تُرِيِّنَا الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! زحمت بیش از اندازه مکش

۴

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُ لَكِبَرٌ لَّكَ وَلَقَوْمَكَ وَسَوْفَ
تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ
﴿٤٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کار اصلی خویش را پیگیری کن

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید مطالب قرآن حق است، زیرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

در پاراگراف ۲ به گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند.

در پاراگراف ۳ میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید، اینقدر از روسای قبیلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید.

در این پاراگراف میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است، و مالداری ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست، و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقرر کرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و قابل هدایت نخواهد بود، و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش.

۴ - سوالات

- ۱ - چرا خداوند در آیه ۲۹ در باره خویش ضمیر مفرد (متع) بکار برده؟
- ۲ - چرا در آیه ۳۲ به بعد ضمیر جمع (نحن قسمنا رفعنا ..) بکار برده؟
- ۳ - «بل» (آیه ۲۹) از لحاظ دستور زبان چه نقشی دارد؟
- ۴ - با توجه به سوال ۱، کلمه «متع» را توضیح دهید.
- ۵ - چرا کفار تعالیم پیامبر(ص) را «سحر» می نامیدند؟
- ۶ - کافران با اصل لیاقت پیامبر(ص) برای پیامبری مشکل داشتند؟ با این نقطه نظر آیه ۳۱ را توضیح دهید.
- ۷ - با توجه به آیه ۳۲، «لینخذ بعضهم بعضا سخریا» را توضیح دهید (آیا این خودش یک نعمت است؟ چرا؟)
- ۸ - پنج کلمه آخر آیه ۳۲، با کدام کلید تفسیر قرآن متناسب است؟ (پرانتری؟ یا...؟)
- ۹ - آیه ۳۵، غیر از کلمه اول آن، با کدام کلید تفسیر قرآن متناسب است؟
- ۱۰ - در آیه ۳۶، در کدام نقطه نوعی حالت عمد و اصرار را می بینید؟

- ۱۱ - منظور از «آیه واحده» (آیه ۳۳) چیست؟
- ۱۲ - منظور از کلمه «سخریا» (آیه ۳۲) چیست؟ (استخدام؟ استثمار؟ یا...؟)
- ۱۳ - با توجه به آیه ۳۱، «قریه» را معنی کنید.
- ۱۴ - «ه» در «انه» (آیه ۴۴) اشاره به چه دارد؟
- ۱۵ - اساسا چرا موضوع آیه ۴۵ مطرح شده؟ (آياسران كفار چنين مطرح کرده بودند که «چند خدائی» در دین پیامبران پیشین بوده؟ یا...؟)
- ۱۶ - در کدام موضع از آیه ۴۰ «عمدواصرار» می بینید؟
- ۱۷ - اساسا چرا موضوع آیه ۴۱ مطرح شده؟ (دلدارى به پیامبر- که فعلا اوضاع در حدود آن نوع اقدامات آنها نیست؟ یا...؟)
- ۱۸ - در آیه ۴۲ منظور از «ترینک الذی وعدناهم» چیست؟
- ۱۹ - «شیطانا» (آیه ۳۶) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۲۰ - در همان آیه، با توجه به جواب سوال فوق، شیطان مذکور از نوع انسانی است یا جن و غیره؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲۹ فهمیده میشود فعالان کفر از ثروت و برخورداری قابل قبولی بهرمند بوده اند و از آیه های ۳۱ و ۳۲ فهمیده میشود آنها ملاک بزرگی را برخورداری مالی می دانستند و از آیه ۳۰ فهمیده میشود که آنها تاثیر قرآن را بر اذهان میدیدند و این تاثیر را نه به حقایق آن، بلکه به تاثیر سحر مرتبط میکردند.

علت اصرار فعالان کفر، کاملا آگاهانه و درک واضح از اینکه سخنان این یتیم ابوطالب اساس زندگی و تمتعات مارا (که بر مبنای شرک پا گرفته) به هم میریزد، بوده است و آنها عالما عمدا به دنبال کسانی بوده اند که به خویش نزدیک کنند و آنها شرک و مخالفت با توحید را برایشان تئوریزه کنند (آیه ۳۶)

مخالفان پیامبر (ص) به فکر قتل آن وجود مقدس هم افتاده بودند (آیه ۴۱)

از آیه ۴۵ فهمیده می شود پیامبر اکرم (ص) این امکان را داشته که با پیامبران سابق

تماس بگیرد و مطالبی را تحقیق کند.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیه های ۳۶ و ۳۷ از این لحاظ که به مخلوقاتمانند شیاطین اشاره کرده که حتی ما نیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.
آیه های ۳۸ و ۳۹ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

کافران برای مخالفت و لجبازی‌شان استدلال‌های بسیار سست دارند، توصیه به پیامبر (ص) که به آنان اهمیتی ندهد و راه خویش را برود.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تمام فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۳۲ تا ۳۵ فرع بر ماقبل خویش است.
آیات ۳۶ تا ۳۹ «پرانتر»ی است. دلیلش هم اینکه اگرچشم خویش را برآن ببندیم، و قبل و بعدش را وصل کنیم می بینیم روال سخن صاف و یکدست میشود. باتوجه به آنچه دربخش کلیدهای تفسیردر مقدمه دیدیم، در اینجا پرانتز در پرانتز هم داریم.

فعل خداوند قانونمند است

آیه ۳۶ با توجه به تیتیر فوق، یعنی اینکه رفتار آنان طور نیست که «جاذب شیطان» می‌شوند.

البته مانعی هم نیست که این باصطلاح «شیطان» ها از نوع انسان باشند (رجوع کنید به بحث مربوطه در سوره ناس)

بنظر آنها «بزرگ» یعنی پولدار

محور ذهنیت کافران- چنانچه از این آیات و بخصوص از آیات ۳۳ تا ۳۵ فهمیده می‌شود - «اصالت دادن به مال» است.

چنانچه در سوره فجر دیدیم، به نظر اکثریت انسان ها، هر کس که مال بیشتری داشته باشد «ارزش» بیشتری نیز دارد و «بی‌مال» نیز «بی‌ارزش» است.

بعبارت دیگر، از نظر آنان، چون پیغمبر (ص) «مال‌دار» نبود، نمی‌توانست لایق پیغمبری باشد.

در اینجا شرح داده می‌شود که حکمت الهی بر این قرار گرفته که مؤمن و کافر از لحاظ زندگی دنیایی در هم و مخلوط باشند و هم در میان مؤمنان، و هم در میان کافران، هم فقیر و هم ثروتمند، یافت شود.

مطلبی که در آیه ۳۳ آمده به این معنی است که چون ایمان یک موهبت عظیمی می‌باشد، و چون کافر خود را از آن محروم کرده، خداوند دوست داشت بآز آن چیزی که او از دست داده، چنان او را در دنیا ثروتمند کند که در طلا و نقره و جواهرات غلت بخورد و چیزی که مانع خداوند از این نوع بخشش به کافران شده، این حکمت او بوده که در این دنیا، مردم، صرف‌نظر از ایمان و کفر، زندگی‌شان باید بر اساس یک قانون باشد، نه اینکه فقر و غنا، براساس ایمان و کفر باشد.

بلکه باید به مقولات دیگری مانند عقل معاش و سعی و برنامه‌ریزی و مدیریت و ریسک‌پذیری و این نوع عوامل مربوط باشد، و در همینجا خداوند به روشن‌ترین وجهی

بی‌ارزشی ثروت مادی، و نهایتِ ارزش ایمان، و طبعاً درجه بالاتر از آن یعنی بسیار مهم بودن وحی را، مورد تأکید قرار داده است.

اینک می‌توانیم درک کنیم سخنی که در آیه ۳۱ از کفار نقل شده، چقدر سخیف است که آنها آن اشخاصی را که در آن «دو شهر» (مکه و طائف) به ثروت مشهور بودند، را، برای پیامبری مناسب تر از رسول اکرم(ص) تصور می‌کردند.

امت واحده

از مطالبی است که تاکنون (یعنی با توجه به لیست ترتیب نزول از ابتدا تاکنون) ندیده‌ایم و در این سوره برای اولین بار می‌بینیم، آیات ۳۳ تا ۳۵ است که «گل سرسبد» آنها همان آیه ۳۳ می‌باشد، که مضمون مجموع آنها این است که «اگر اینطور نبود که قرار است مردم «امه واحده» باشند»، (برای کافران چنین و چنان رفاهیات و اسباب لذت خاطر را فراهم می‌کردیم، اما چون اینطور تقدیر کرده‌ایم که مردم «امت واحده» باشند، این کار را نکردیم و کافر و مؤمن در معیشت دنیا تحت قوانین مساوی قرار دارند و البته زندگی آخرتی خاص اهل تقواست)

اینک این سؤال پیش می‌آید که «امت واحده» یعنی چه؟

در قرآن کریم «امت واحده» به چند معنی آمده است که اینک که به ترتیب نزول پیش می‌رویم، تدریجاً با آنها آشنا می‌شویم.

یکی از معانی مهم و پر تکرار «امت واحده» همان است که در آیه ۳۳ آمده و معنی آن این است: «افرادی که در زندگی این دنیا تحت یک قانون با آنها رفتار می‌شود»

یعنی اینطور نیست که مؤمن بعلت ایمانش در زندگی دنیا موفق تر از کافر باشد و کافر بعلت کفرش در زندگی دنیا ناموفق تر نخواهد بود، بلکه کفر و ایمان در این جهان در امر فقر و ثروت چندان مورد عنایت نیست و در این دنیا کافر ثروتمند زیاد و مؤمن فقیر هم زیاد داریم و برعکس کافر فقیر و مومن ثروتمند هم زیاد است و اساساً خداوند اینطور خواسته است که در

زندگی این جهانی کفر و ایمان ملاک کسب معیشت نباشد و این هم یکی از موضوعاتی است که ما آنها را در زمره کلیدهای فرعی فهم و تفسیر قرآن قرار می‌دهیم.

حدود اثر اطرافیان چقدر است؟

«شیطان» مورد اشاره در آیه ۳۶، اینطور نیست که دست و پای فرد مورد بحث را گرفته و او را به راه خلاف بکشد. بلکه راه خلاف را برای او زیباسازی می‌کند و اساساً بنا بر مدلول آیه ۳۶ خود آن شخص علاقه به این دارد که کسی بیاید راه خلاف حق را برایش تزیین، و او را به آن دعوت کند.

قیامت

«نزد ما بیایند» در آیه ۳۸ یعنی اینکه در قیامت حاضر شوند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! این کافرانِ معاصر و پدرانِشان را برخوردار کردم، تا اینکه آن حق و فرستاده ای آشکار بسویشان آمد (۲۹) و وقتی که آن حق بسویشان آمد، گفتند این جادوست و ما به آن کافریم (۳۰) و نیز گفتند چرا این قرآن بر یکنفرِ دیگر، در میان این دو شهر، که بزرگ و متمکن باشد نازل نشده؟ (۳۱) آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ نه، بلکه در همین زندگی دنیا نیز ما معیشت‌شان را تقسیم می‌کنیم، و بعضی را بر بعضی چندین درجه برتری داده ایم که بعضی از آنها بعضی دیگر را استخدام کنند، و البته رحمت پروردگارت از آنچه جمع می‌کنند بسیار مهم‌تر است (۳۲)

و اگر اینطور نبود که می‌باید در این دنیا مردم را به یک چشم ببینیم، برای کافران چنان می‌کردیم که اطا‌ق‌هایشان سقف‌هایی از نقره داشته باشد و نردبان‌هایی که بر آن بالا روند (۳۳) و نیز اطا‌ق‌هایشان درب‌هایی داشته باشد و تخت‌هایی که بر آن تکیه زنند

(۳۴) و جواهرات زیادی داشته باشند، و همه اینها چیزی جز بهره زندگی دنیا نیست و آخرت نزد پروردگارت مخصوص تقواداران است (۳۵)

و کسانی که خود را از یاد خداوندِ رحمان عمداً به کوری و کری بزنند، برایشان شیطانی قرار داده میشود که همنشینِ شان باشند (۳۶) و آن شیاطین اینان را از راه باز میدارند و اینان که گول آن شیاطین را خورده اند به غلط چنین می پندارند که خودشان هدایت یافته هستند (۳۷) تا اینکه بالاخره در قیامت نزد ما بیایند و در آنصورت است که چشمشان باز میشود و هرکس به شیاطین خویش میگوید که ای کاش بین من و تو فاصله دو مشرق بود و چه همنشین بدی بودی (۳۸) و در آن روز به آنان خطاب میشود امروز پشیمانی برایتان سودی ندارد، و بیاد آرید که شما هم ظلم کرده اید و در عذاب شریکید (۳۹)

ای پیامبر! آیا تو میتوانی به کران بشنوانی؟ یا کوران را هدایت کنی؟ و یا کسانی را که در گمراهی آشکار باشند؟ (۴۰)

پس، ای پیامبر! نگران مباش، که البته اگر تو را از این دنیا ببریم، از آنها حتماً انتقام می کشیم (۴۱) یا آنچه را که به آنها وعده داده ایم، نشانت میدهیم، زیرا که ما بر آنها مسلطیم (۴۲)

پس وحیی را که بسوی تو نموده ایم محکم بگیر که تو البته بر جاده ای مستقیم هستی (۴۳) و دائماً توجه داشته باش که این قرآن برای تو و قومت پندی است و بزودی در باره آن پرسش خواهید شد (۴۴) و از پیامبران قبل از خودت نیز بپرس: آیا غیر از خداوندِ خدایانی قرار دادیم که عبادت شوند؟ (۴۵)

زخرف ۵ آیات ۴۶ تا ۵۶

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرانه با پیامبران لجبازی و مخالفت می کنند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه ای از رفتار کفار و لجبازی و اصرار در اقوام پیشین .

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَيْنَاهُ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

ریزدرب: موسی در مقابل فرعون اعلام رسالت الهی نمود

۲

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

ریزدرب: موسی پس از ارائه چندین آیه، علیرغم اینکه هریک از قبلی مهمتر بود، توسط فرعونیان مسخره میشد، و خداوند هم عذاب مختصری کرد

۳

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿٥٠﴾

ریزدرب: عذاب مختصر الهی موثر واقع شد و با موسی قرار گذاشتند در صورت رفع عذاب ایمان بیاورند، اما نقض عهد کردند

۴

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا أَلْفِي عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقَرَّرِينَ ﴿٥٣﴾ فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: فرعون برای توجیه نقض عهد بهانه هایی آورد

فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سُلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾

ریزدرب: با اتمام حجت بین فرعونیان و موسی، هلاکت فرعونیان اتفاق افتاد

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید مطالب قرآن حق است ، زیرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

در پاراگراف ۲ به گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند.

در پاراگراف ۳ میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید.

در پاراگراف ۴ میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است، و مالداري ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست، و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند

اینطور مقرر کرده که هم کافران ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و قابل هدایت نخواهد بود، و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش.

در این پاراگراف می فرماید اصرار ولجبازی و مخالفت عمدی آگاهانه چیز تازه ای نیست، از جمله در یکی از تمدن های قبلی که برایتان آشنا است نیز نمونه روشنی از آن، و نیز عاقبتشان، آنطور بود، لذا ای پیامبر! و ای پیروانش! صبر کنید و به ایمانتان بچسبید.

۴ - سوالات

- ۱ - چرا در این پاراگراف خداوند خیلی از ضمیر «ما» استفاده نموده؟ (ارسلنا آیاتنا آیاتنا نریهم اخذنا آسفونا انتقمنا اغرقنا جعلنا)
- ۲ - «آیات» (آیه ۴۶) یعنی چه؟ (معجزات؟ یا...؟)
- ۳ - چرا به معجزات آنحضرت خندیدند؟
- ۴ - آیا «عذاب» (آیه ۴۸) در ادامه همان معجزات و از نوع همانها بود؟
- ۵ - چرا هنوز لحن متکبرانه خود را حفظ کردند؟ (آیه ۴۹) درحالیکه تحت تعهدی به پیروی از او بودند؟
- ۶ - «نکث» (آیه ۵۰) به چه معنی است؟
- ۷ - از سوال فوق چه فهمیده میشود؟ (نقض تعهد محکم؟....؟)
- ۸ - سابقه فکری مرجع دانستن مال و مواهب ظاهری بر مواهب ارزشی الهی (آیات ۵۱ تا ۵۳) را در سوره های قبل (به ترتیب نزول) بیان کنید.
- ۹ - در باره آیه ۵۴، شرحی (مستدل قرآنی) در اندازه یک برگ بنویسید.
- ۱۰ - کلمه «آسفونا» (آیه ۵۵) را توضیح دهید (مگر برای خداوند هم تغییر حالت متصور است)
- ۱۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری؟ یا...؟)

- ۱۲ - کلمه «تحتی» (آیه ۵۱) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
 ۱۳ - آیه ۵۴ را معنی کنید.
 ۱۴ - ماده «فسق» قوم فرعون بطور دقیق چه بوده؟
 ۱۵ - بطور کلی «فاستخف قومه» های اعمال شونده از سوی دیکتاتورها از طریق چه سازوکاری صورت می پذیرد؟
 ۱۶ - «قوم فرعون» شامل چه گروه هایی از مردم مصر آن روزها میشده است؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

- از آیات ۵۱ - ۵۴ معلوم می شود این فکر که «واجد مال و قدرت، با ارزش تر است از فاقد آن»، یک اعتقاد عمومی بوده، و اگر چنان نبود، فرعون نمی توانست به حکومت خود ادامه دهد. نکته ای که از آیه ۵۴ فهمیده می شود این است که او اول به این فکر و فرهنگ دامن زد، و پس از این که خوب پذیرفته شد و جا افتاد، از مزایای آن که بسط دامنه حکومتش بود استفاده کرد.
- در این مقطع زمانی، خداوند برای ارشاد و ضمنا دلداری پیامبر(ص) قسمتی از داستان موسی (ع) را که شبیه این مقطع از رسالت آنحضرت است برایش بازگویی میکند:
- ۱- موسی را هم مسخره کردند (آیه ۴۷)
 - ۲- برکفرشان عالمانه و عامدانه اصرار کردند (آیه ۴۸)
 - ۳- وقتی که به مشکل خوردند از روی تکبر او را ساحر خواندند و با وجود این تعهد سپردند که اگر مشکیشان رفع شود به دین او خواهند گروید (آیه ۴۹)
 - ۴- پس از رفع مشکل باز هم به حالت قبل برگشتند (آیه ۵۰)
 - ۵- فکرشان این بود که «ارزش حقیقی در مواهب مادی است» (آیه های ۵۱ تا ۵۳)
 - ۶- در نهایت هم به جایی رسیدند که نابود شدند (آیه های ۵۵ و ۵۶)

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در این پاراگراف (آیات ۴۶ تا ۵۶) با ذکر یک نمونه از قویترین قومی که رفتار لجبازانه در جهت قبول نکردن هیچ موضعی از مواضع رسول خدای مربوط به خویش را داشته و در مآل شکستی سخت خورده و میدان را به آن رسول خدا واگذار کردند، در حقیقت تلویحا پیشگوئی میکند که ای پیامبر و ای مومنان پیرو او! پیروز نهائی این مناقشات شماها خواهید بود، و چنانکه همگان میدانند، این پیشگوئی به تحقق پیوست.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۵۱ تا ۵۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیه ۵۵ از آنجا که هیچ بنی بشری به روانشناسی الهی دسترسی ندارد، نه تنها بالاتر از ذهنیات ما، بلکه به طریق اولی بالاتر از ذهنیات معاصرین نزول این آیات نیز هست.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

یکی از قوی پنجه ترین اقوام سابق لجبازانه و عالمانه و عامدانه در مقابل رسول خدای زمان خویش ایستاد و هیچ موضعی از مواضع او را نپذیرفت و نتیجه این شد که میدان را به او باخت و نابود شد.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

دریافت های مستقیم و کوتاه

آیه ۴۸: «عذابِ مطرَح در اینجا، عذاب آخرت نیست بلکه منظور گرفتاری هائی است که در این جهان پیش می آید، مانند خشکسالی و امثال آن که در سوره های بعدی توسط خود قرآن، تفسیر خواهد شد.

آیه های ۵۰-۴۹: منظور از «جادوگر» طعنه ای است که فرعونیان به حضرت موسی می زدند و «آیات»ی را که (در آیه ۴۸ مطرح شده و) آنحضرت ارائه می کرد «جادو» می خواندند.

آیات ۵۴-۵۱: فرعون که کار بر او سخت شده و در اثر معجزات مذکور در آیات ۴۸ تا ۵۰ احساس کرد که دارد افکار عمومی را از دست می دهد به همان افکار عمومی مراجعه می کند و می گوید من که پول و قدرت دارم بهترم یا او که ندارد؟

از اینجا معلوم می شود این فکر که «واجدِ مال و قدرت، با ارزش تر است از فاقد آن»، یک اعتقاد عمومی بوده، و اگر چنان نبود، فرعون نمی توانست به حکومت خود ادامه دهد. نکته ای که از آیه ۵۴ در اینجا فهمیده می شود این است که او اول به این فکر و فرهنگ دامن زد و پس از این که خوب پذیرفته شد و جا افتاد، از مزایای آن که بسط دامنه حکومتش بود استفاده کرد.

آیه ۵۲: فهمیده می شود که حضرت موسی نارسائی گفتاری داشته است. بعلاوه آن، آیات دیگری در قرآن هست که این موضوع را تصدیق می کند (مثلاً «واحلل عقده من لسانی» در سوره طه) اما نکته ای که در این موضوع هست این است که این مطالب مانعی در پیامبری نیست.

اما پیامبر اسلام (ص) حتی این نوع عیوب را نیز نداشت و آنچه داشت همه اش حُسن بود.

شبه سازی

خداوند برای ارشاد و ضمنا دلداری پیامبر(ص) قسمتی از داستان موسی (ع) را که شبیه این مقطع از رسالت آنحضرت است در این پاراگراف برایش بازگویی میکند:

- ۱- موسی را هم مسخره کردند (آیه ۴۷)
- ۲- بر کفرشان عالمانه و عامدانه اصرار کردند (آیه ۴۸)
- ۳- وقتی که به مشکل خوردند از روی تکبر او را ساحر خواندند و با وجود این تعهد سپردند که اگر مشکلشان رفع شود به دین او خواهند گروید (آیه ۴۹)
- ۴- پس از رفع مشکل باز هم به حالت قبل برگشتند (آیه ۵۰)
- ۵- فکرشان این بود که ارزش حقیقی در مواهب مادی است (آیه های ۵۱ تا ۵۳)
- ۶- در نهایت هم به جایی رسیدند که نابود شدند (آیه های ۵۵ و ۵۶)

بازخوانی آیه ۵۴

البته در همین پاراگراف به اندازه کافی مطلب هست که نشان دهد فراعنه و دیکتاتور ها مطابق چه فرایندی به دیکتاتوری می پردازند.

اما بطور کلی میتوان درک کرد که خداوند انسان را کرامت بخشیده و به او آزادی هائی عطا فرموده که شناخت آن آزادی ها و حقوقی که بر آنها مترتب میشود می باید همیشه توسط انسانها پاسبانی شود.

و دیکتاتورها با قائل شدن حقوق و آزادی هائی فوق دیگران برای خویش و فرهنگ سازی در مورد آن، تدریجا خود را در جایگاهی قرار میدهند که اطاعت کامل و بی چون و چرا و شک نکردن در باره آن از سوی عموم را جا می اندازند.

چون این فرایند تدریجا انجام میشود، مبارزه با آن در مراحل ابتدائی آسان است و ماده «فسق» که مورد اشاره آیه ۵۴ است مخالفت نکردن با این فرایند است.

به عبارت دیگر، مردم هم با مخالفت نکردن با فرایند مذکور، بخصوص در مراحل ابتدائی آن، در ایجاد دیکتاتوری ها سهیم و موثرند.

ترجمه تفسیری آزاد

و موسی را با آیاتمان بسوی فرعون و بزرگان دربارش فرستادیم و گفت من فرستاده پروردگارِ همگان هستم (۴۶) و هنگامی که با نشانه های ما بسویشان رفت آنها از روی تحقیرش خود را به خنده انداختند (۴۷) و هیچ نشانه اعجازی را به آنان ارائه نکردیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر بود، و آنها را به عذاب مختصری هم معذب نمودیم شاید باز گردند (۴۸) ولی در انتها به پیامبر خویش گفتند: ای جادوگر پروردگارت را به آن چیزی که نزدت عهد نموده بخوان که عذاب را از ما برطرف کند زیرا که ما هدایت یافته ایم (۴۹) و چون آن عذاب را برطرف کردیم فوراً عهد شکستند (۵۰)

و فرعون در قوم خویش ندا درداد که آیا فرمانروائی سرزمین مصر از آن من نیست؟ و نیز آیا نمی بینید که این رودهای بزرگ در زمینهای من جاری است؟ (۵۱) آیا من بهترم یا این شخص بی اهمیتی که چندان بیان خوبی هم ندارد؟ (۵۲) پس چرا دستبندهایی از طلا ندارد یا ملانکه ای همراه او نیستند؟ (۵۳)

روش فرعون این بود که قومش را در خواری نگه میداشت و آنها نیز اطاعتش میکردند و آنها البته قومی گناه پیشه بودند (۵۴)

پس هنگامیکه از حد گذراندند، از آنان انتقام گرفتیم و غرقشان نمودیم (۵۵) و آنها را جزء گذشتگان، و مثلی برای آیندگان، قرار دادیم (۵۶)

زخرف ۶ آیات ۵۷ تا ۶۵

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا آلهُتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمُوتُنَّ هِيَ وَاتَّبِعُوا هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرانه با پیامبران لجبازی و مخالفت می کنند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه دیگری از لجبازی و عناد و اصرار کافران.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

ریزدرب: کافران از مطلب باطل راجع به عیسی (ع) حجتی برای اعتقادات باطل خویش اتخاذ کردند

۲

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ الْلِسَاءَةَ فَلَا تَمُوتُنَّ بَهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٢﴾

ریزدرب: رسول باید از جنس کسانی باشد که مورد رسالت میباشند

۳

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

ریزدرب: عیسی (ع) هم همان را میگفت که این پیامبر میگوید

۴

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾

ریزدرب: افسانه های راجع به عیسی (ع) [مثلا اینکه پسر خدا است و چه و چه] بعدا درست شد

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید مطالب قرآن حق است ، زیرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

در پاراگراف ۲ به گوشه ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند.

در پاراگراف ۳ میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید.

در پاراگراف ۴ میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است، و مالداري ملاک ارزش و تنگدستی به معنی بی ارزشی نیست، و خداوند بهتر میداند چه کسی شایسته پیامبری است و خداوند اینطور مقرر کرده که هم کافران ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان، و کسی که از آموزه های وحی روی بگرداند گمراهی بر او مسلط میشود و قابل هدایت نخواهد بود و لذا ای پیامبر به وحی و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزی هم نباش .

در پاراگراف ۵ می فرماید اصرار و لجبازی و مخالفت عمدی آگاهانه چیز تازه ای نیست، از جمله در یکی از تمدن های قبلی که برایتان آشنا است نیز نمونه روشنی از آن، و نیز عاقبتشان، اینطور بود، لذا ای پیامبر! و ای پیروانش! صبر کنید و به ایمانتان بچسبید.

در این پاراگراف می فرماید این مخالفان (معاصر نزول این آیات) نیز همان رفتار پیش گفته را دارند و جر و بحث بیجای ناشی از عمد و اصرار و لجبازی دارند و تو (ای پیامبر) اهمیتی نده و وظیفه خودت را پی بگیر.

۴ - سوالات

- ۱ - موضوع حضرت عیسی (ع) (آیه ۵۷) کی و کجا برای سران کفار مطرح شد؟
- ۲ - عمد و اصرار و لجبازی در کدام موضع از این پاراگراف به وضوح معلوم میشود؟
- ۳ - «مَثَل» (آیه ۵۹) به چه معنی است؟
- ۴ - چه فرقی است بین این دو کلمه در دو آیه ۵۷ و ۵۹؟
- ۵ - آیه ۶۰ چه موضوعی را رد میکند؟
- ۶ - «ه» در «آنه» (آیه ۶۱) اشاره به چه دارد؟
- ۷ - «هم» در کلمه «بینهم» (آیه ۶۵) به چه کسانی اشاره دارد؟
- ۹ - منظور از «منه» (آیه ۵۷) چیست؟
- ۱۰ - منظور از کلّ آیه ۶۰ چیست؟
- ۱۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش؟ دلداری؟ یا...؟)
- ۱۲ - در این پاراگراف کدام آیات پُرانتزّی را به وضوح تشخیص میدهید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

محتوای سوره های این مرحله مشترک است در این معنی که استراتژی سران کفار بر این مورد استقرار یافته بود که به هیچ عنوان کوچکترین نرمشی در مقابل دعوت پیامبر (ص) نشان ندهند.

این موضوع شواهد زیادی دارد.

اگر بخواهیم همه شواهد را از همه سوره های این مرحله ارائه کنیم بسیار طولانی خواهد شد ، لذا فقط شواهد موجود در این سوره را عرض میکنیم
شواهد این مطلب، فقط در این سوره، اینهاست :

۱ - آنها خواستار این بودند که اصلا وحیی بر پیامبر(ص) نازل نشود (آیه ۵)

۲ - محور اعتقادی اسلام (خالقیت خداوند) را قبول داشتند اما بقیه را انکار میکردند (آیه ۹)

۳ - سعی میکردند برای باقی ماندن بر رویه شان یک دستاویز الهی بتراشند (آیه ۲۰)

۴ - سعی میکردند در لیاقت پیامبر(ص) شبهه ایجاد کنند (آیه ۳۱)

۵ - سعی میکردند هیچ جوری هیچ حرفی از پیامبر(ص) قبول نکنند (موضوعی که در پاراگراف قبل تحت عنوان «شبهه سازی» دیدیم)

۶ - حتی به فکر قتل آنحضرت هم افتادند (آیه ۴۱)

طبیعی است که اینها با چنین روحیه ای بسیار شایق بودند که اگر میشد چه خوب بود که، یک «دلیل دینی» مبنی بر توجیه عقایدشان پیدا کنند و آن را روی بساط اسلام «چماق» کنند.

طبیعی است که در مسیر فوق کوشش هم کرده باشند ، (همانطور که در سوره مدّثر دیدیم که چگونه همداستان شدند که این - قرآن - سحر است)

هر چه باشد، آنها که به دنبال یک «چماق عقیدتی» بودند، آن را یافتند.

آنها در این جستجو کشف کردند که مسیحیان پیغمبرشان را پسر خدا میدانند.

ناگهان زبانشان روی پیامبر(ص) دراز شد که:

چطور است که عیبی ندارد خدا پسر داشته باشد، اما عیب دارد دختر داشته باشد؟ با این توضیح آیه های ۵۷ و ۵۸ به روشنی مفهوم میگردد.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

(۱) تفسیرمان را راجع به آیه ۵۷ دیدید.

تفسیرما مبتنی بود بر:

- ۱ - «درس» سوره که مستقیماً از این روش تحلیلی منتج شده است.
- ۲ - لیست ترتیب نزول ما که آن نیز به کمک این روش تدوین شده است.
- ۳ - «درس» های سایر سوره های واقع در مرحله پنجم که آن نیز محصول مستقیم این روش است.
- ۴ - خود محتوای سوره.

اما تفاسیر دیگری که از این آیه شده، در «المیزان» نقل قول شده و نظر خود المیزان هم در آنجا مذکور است، همه را ببینید و «یتبعون احسنه» کنید. نظر خود المیزان هم این است که مثلی که در ۴ کلمه اول آیه ۵۷ مطرح است توسط خداوند زده شده، آنهم در سوره مریم.

دلیلی بر این موضوع نیست، اما دلیل بر ضدّ آن هست، که آنهم لیست ترتیب نزول است که بر این حقیقت حاکی است که سوره مریم سالها بعد از این سوره نازل شده است.

واقعا این موضوع جای سوال است که چرا صاحب المیزان بجای آنکه موضوع را به مطالب سوره مریم ربط دهد متوجه این نکته بدیهی نشده که مردم در آن روزها سالی دوبار از طریق مسافرت های زمستانه و تابستانه به شامات و غیره - که تماس همه جانبه آنها را با اهل کتاب - از جمله مسیحیان - تامین میکرد خدای رحمت تر با عقاید مسیحیان - از جمله الوهیت و پسر خدا قلمداد شدن حضرت عیسی - آشنا میشدند تا محتویات سوره مریم که بکلی خالی از - و مخالف - چنین چیزهایی است! (۲) سه آیه ۶۰ تا ۶۲ به وضوح «پرانتری» است، لذا «ه» در «آئه» (آیه ۶۱) به مدلول آیه ۶۰ بر میگردد، نه (به نظر المیزان) به حضرت عیسی.

بله، توجه نکردن به لیست ترتیب نزول و نیز توجه نکردن به پرانترها مفسران را (حتی

مفسران بزرگ را) به اشتباهات بزرگ می اندازد.

۷ - آیات مشکل

آیه ۶۱ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

البته این قلم نیز نظر خویش را ذیلا در بخش شرح مختصر عرض کرده است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۶۰ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی ما نیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه ۶۱ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۶۵ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

سه آیه ۶۰ تا ۶۲ به وضوح «پرانتری» است، دلیلش هم این است که اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و انتهای آیه ۵۹ را به ابتدای آیه ۶۳ وصل کنیم می بینیم که روال سخن صاف و یکدست و بی سگته میشود.

خطای قاطبه مفسران و مترجمان در آیه ۶۱

«ه» در «انه» را به خیال خود به اولین مرجع نسبت دادند و تقریب همه مفسران و مترجمان در این مورد خطا کردند و عیسی (ع) را «لعلم للساعه» دانستند، در حالیکه «ه» را نمی باید به عیسی (ع) نسبت میدادند، چرا؟ زیرا آیات ۶۰ تا ۶۲ پرانتری است (مانند تبصره است راجع به ماده) (دلیلش را هم در جای خویش شرح دادیم) و نمی باید ضمیری را که در پرانتز است به چیزی در متن اصلی مربوط کرد. صحیحش این است که «ه» را به آیه ۶۰ ارجاع میدادند، که ابهام رفع میشد و ضمنا مفهومی هم که در این صورت بدست می آید توسط آیات زیاد دیگری در قرآن پشتیبانی میشود.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! هنگامی که به پسر مریم مثل زده میشود، قوم تو ناگهان سروصدا می کنند (۵۷) و میگویند آیا او، که به عقیده عده ای خداست، بهتر است یا خدایان ما؟

این مثل را نمی‌زنند مگر به این خاطر که با تو جدالی کنند زیرا که اینها مردمی خصومت پیشه می‌باشند (۵۸) عیسی بن مریم جز بنده ای که نعمتش داده بودیم نبود که او را برای بنی اسرائیل نشانه ای قرار داده بودیم (۵۹)

و اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم در میان شما ملائکه ای قرار دهیم که در روی زمین بگردند (۶۰) و البته آن گردش ملائکه در روی زمین نیز، اگر وقوع یابد، نشانه ای درباره قیامت خواهد بود، که مردم را هشدار دهد که شکی در باره آن مکنید، و پیامبران را اطاعت کنید، که جاده راست همین است (۶۱) و شیطان شما را از پیرویش باز ندارد که او برایتان دشمنی آشکار است (۶۲)

و هنگامی را بیاد آورید که عیسی با آن دلایل روشن بسوی بنی اسرائیل آمد و گفت با حکمت بسویتان آمده ام و برای اینکه بعضی چیزها را که در آن اختلاف دارید برایتان روشن کنم، پس، از خدا پروا نموده و مرا اطاعت کنید (۶۳) البته خداوند پروردگار من و شماست، پس او را عبادت کنید که جاده مستقیم همین است (۶۴) اما، آن گروه ها در بین خویش اختلاف کردند و برخی عیسی را به خدائی گرفتند، پس وای بر آنان که هم به خویش و هم به کسانی که گمراهشان کردند ظلم کردند، و چه عذاب سختی، در آن روز سخت، خواهند داشت (۶۵)

زخرف ۷ آیات ۶۶ تا ۸۹

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخْيَاءَ يُؤْمِنُ بِغَضُّهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوًّا إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمْ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رِيْقًا قَالَ إِنَّكُمْ مَأْكُوثُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرْتُمْ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أُبْرِمُوا أَمْرًا فَانَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرَهُمْ يَبْخُثُوا وَيُلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْنَعْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: کافران بی توجه به افعال و صفات پرلطف الهی عامدانه و مصرانه با پیامبران

لجبازی و مخالفت می کنند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: گوشه ای از نتیجه محتوم رفتار کافران و نیز نتیجه رفتار عکس آن، و ای پیامبر! موقعیت و صفات خداوند را در همه جهان بیادشان بیاور، و خودت هم چندان ناراحت نباش و کار آنها را به ما واگذار.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخْلَاءُ يُؤْمِنُ بِبَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾

ریزدرب: آیا اینان نگران نیستند آن روز سخت ناگهان برآنان در آید؟

۲

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا نَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

ریزدرب: آیا اینان نگران نیستند آن روز سخت ناگهان برآنان در آید؟ البته سختی آن روز برای اهل تقوا نیست

۳

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا

ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا زَيْتُكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا تُكْتَبُونَ ﴿٧٧﴾
لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾

ریزدرب: آیا اینان نگران نیستند آن روز سخت ناگهان بر آنان در آید؟

۴

أَمْ أُنَبِّئُكُمْ أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ
يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾

ریزدرب: البته آنان لجبازی میکنند ولی پیش نمی برند

۵

قُلْ: إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ
عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٨٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بگو اگر نظرتان درست بود، و خداوند فرزندی میداشت، خودم اولین عبادت کننده اش بودم

۶

فَدَرَّهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٨٣﴾
ریزدرب: ای پیامبر! نیرویت را بیهوده برای اینان هدر مده

۷

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ
إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾
وَقِيلَ يَارَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! امیدشان به شفاعت را ببر

۸

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! نیرویت را بیهوده برای اینان هدر مده

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید مطالب قرآن حق است، زیرا از نزد خداوند نازل شده است و کفر کافران، مانع خداوند از اتمام حجت نیست.

در پاراگراف ۲ به گوشه‌ای از افعال و صفات پر لطف الهی که کافران هم به آن اعتراف هم داشتند اشاره میفرماید اما خاطر نشان میسازد که آنها در عین حال به تکذیب رسول خدا می پرداختند و ملائکه را مؤنث قرار داده و آنها را فرزند خداوند محسوب نموده و دلیل خود را روش آباء و اجدادی و عدم ممانعت خداوند اعلام می نمودند.

در پاراگراف ۳ میفرماید ای کسانی که مطالب این پیامبر را می پسندید، اینقدر از روسای قبایلتان حساب نبرید و مانند ابراهیم باشید و اگر چیزی را می پسندید به آن گرایش نشان دهید.

در پاراگراف ۴ میفرماید تقسیم کننده مواهب خداوند است، و مالدارى ملاک ارزش و تنگدستى به معنى بى ارزشى نیست و خداوند بهتر میداند چه کسى شایسته پیامبرى است، و خداوند اینطور مقرر کرده که هم کافران بتوانند ثروتمند یا تنگدست باشند و هم مومنان، و کسى که از آموزه هاى وحى روى بگرداند گمراهى بر او مسلط میشود و قابل هدایت نخواهد بود و لذا اى پیامبر به وحى و ماموریت خویش بچسب و فقط پیروانت را مورد توجه قرارده و نگران چیزى هم نباش.

در پاراگراف ۵ مى فرماید اصرار ولجباى ومخلفت عمدى آگاهانه چیز تازه اى نیست، از جمله در یکى از تمدن هاى قبلى که برایتان آشنا است نیز نمونه روشنى از آن، و نیز عاقبتشان، اینطور بود، لذا اى پیامبر! و اى پیروانش! صبر کنید و به ایمانتان بچسبید.

در پاراگراف ۶ مى فرماید این مخالفان (معاصر نزول این آیات) نیز همان رفتار پیش گفته را دارند و جر و بحث بیجای ناشى از عمد و اصرار ولجباى دارند و تو (اى پیامبر) اهمیتی نده و وظیفه خودت را پى بگیر.

در این پاراگراف میفرماید اى کافران دست از لجاجت و اصرار بردارید و آینده مطلوب مقبول را از آن خود کنید و گرنه بد روزگارى خواهید داشت، و تو اى پیامبر به اینها چندان اهمیتی مده، و از رفتارهای اینان بزرگوارانه در گذر.

۴ - سوالات

- ۱ - درابتدای آیه هاى ۷۱ و ۷۰ موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟
- ۲ - وضعیت آیه ۶۹ با کدام کلید تفسیر مطابق است؟ (پرانتر؟ یا...؟)
- ۳ - کلمه هاى «اورثتموها» و «مالک» و «رسلنا» به معنى لغوى آمده یا اصطلاحی؟
- ۴ - مدلول آیه ۷۸ از زبان کیست؟
- ۵ - مطلب آیه هاى ۷۱ و ۷۳ به چه زبانی است؟ (کنایه؟ استعاره؟ مثل؟ یا؟)
- ۶ - در آیه ۷۱ «ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین» با سایر نعمتهای ذکر شده ، اختلاف سطح دارد، و از آنها عام تر و بالاتر است، علت این نوع بیان را ذکر کنید.
- ۷ - اصرار و عمد سران کفار در کدام موضع این پاراگراف دیده میشود؟

- ۸ - چه سابقه ای از مطلب انتهای آیه ۸۰ دارید؟
- ۹ - تنوین کلمه «ولد» از باب تحقیر است یا از باب تعظیم؟
- ۱۰ - در همین سوره چه سابقه ای از آیه ۸۷ دارید؟
- ۱۱ - آیه ۸۸ ، منهای کلمه اول آن ، شمارا به یاد چه سوره و چه آیاتی می اندازد؟
- ۱۲ - «ه» در «قیله» (آیه ۸۸) به چه کسی اشاره دارد؟
- ۱۳ - منظور از «شفاعت» (آیه ۸۶) کدام است؟ (آخرتی - چرا؟-دنیائی؟ اعم؟)
- ۱۴ - کلمه «سلام» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟ وبطور کلی، در آیه ۸۹ چه را لقاء میکند؟ («بروید» محترمانه؟ یا ...؟)
- ۱۵ - «علم»ی که در انتهای آیه ۸۹ با قید «بزودی» به آن اشاره شده، از چه نوع است؟ (از نوع اعتقادی که پس از فتح مکه بدستشان آمد؟ از نوعی که پس از وقوع قیامت حاصل میشود؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اکثریت فعالان کفر از آنچه آنحضرت ابلاغ میکرد بدشان می آمد (آیه ۷۸)

از آیه ۷۹ معلوم میشود فعالان کفر در کار مخالفتشان با آنحضرت بسیار پیگیر و مبرم بوده اند.

از آیه ۸۴ فهمیده میشود آنها الوهیتی برای خداوند قائل نبودند و او را فقط خالق میدانستند و از آیه ۸۵ فهمیده میشود برای خداوند نقشی در اداره جهان نمی شناخته اند و موضوع قیامت را هم بطور واضح انکار میکردند.

از آیه ۸۶ فهمیده میشود چیزی که به آن دلخوش بوده اند موضوع شفاعت بود که به نظر آنها متصدیان آن نیز (یعنی شفیعان چنانکه قبلا در آیات و سوره های قبلی دیده ایم) «فرزندان خدا» و یا ملائکه بوده اند.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۸۳ به آنحضرت میفرماید به اینها (فعالان مخالفت با رسالت) اهمیتی نده و در آیه ۸۹ همین مفهوم را تکرار میکند و با دو داستان مربوط به دو پیامبر سابق تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را مینماید.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است. آیه ۸۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیات ۶۶ تا ۷۸ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیه های ۸۴ تا ۸۶ به آیاتی از علم و قدرت الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیه به پیامبر ص که به این کفر و تکذیب ها اهمیت ندهد و هشدار به کافران و مکذبان که دست از این لجاجت ها بردارند و آینده مقبول را از آن خود کنند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

موضوع آیه ۶۷ را قبلا درسوره معارج و قبل از آن در سوره عبس دیده ایم. همچنین موضوع آیات ۶۸ تا ۷۳ را نیز قبلا درسوره های زیادی دیده ایم. نیز آیات ۷۴ تا ۷۸ (غیر از آیه ۷۷) را.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

در ابتدای آیه ۶۸ واگذاری به مخاطب صورت گرفته، و نیز در ابتدای آیه ۷۰، و در ابتدای آیه ۷۹ التفات.

آیه ۸۲ فرع بر ۸۱ و آیه ۸۷ فرع بر ۸۶ است.

در نظم فعلی، آیه ۸۷ بوضوح «پرانتری» است، زیرا اگر آن را ندیده بگیریم، و قبل و بعدش را وصل کنیم، روال سخن صاف و بی سخته میشود.

همچنین به نظر می آید جمع آوری کنندگان قرآن در زمان خلیفه سوم جای آیه ۸۷ و ۸۸ را اشتباها با یکدیگر عوض کرده باشند، زیرا اگر آیه ۸۸ مقدم و آیه ۸۷ موخر باشد روال سخن هم صاف و یکدست و هم منطقی تر میشود، و در اینصورت آیه مذکور پرانتری هم نخواهد بود.

خودکشی ناممکن

از آیه ۷۷ فهمیده می شود در آخرت (جهنم) خودکشی امکان ندارد.

معبود همه جا

آیه ۸۴ تفسیر «اله الناس» سوره ناس است، یعنی الوهیت خداوند متعال منحصر به اهل زمین نیست بلکه کل جهان را شامل می شود و در حقیقت در اینجا بر نفی

عقاید مشرکان (موضوع «دختران خدا» که مورد پرستششان بود) تاکید فرموده است.

باز هم شفاعت

با موضوع شفاعت در سوره مدثر آشنا شده‌ایم، و استثناء قسمت آخر آیه ۸۶، نفی قسمت اول همان آیه نیست، بلکه تفسیر آن است که می‌فرماید اصل موضوع شفاعت قبول است، اما حدودی دارد که در آخر آیه شرح داده شده و منحصر است به کسانی که خداوند به آنها اجازه شفاعت داده است.

تناسب مطلب با اینجا اینطور است که این باصطلاح «دختران خدا» که شما می‌گوئید، الوهیت که بماند، حتی شفاعت هم از آنها بر نمی‌آید.

موضوع شفاعت یکی از موضوعات نسبتاً ثابت قرآنی است، و چنانکه خواهید دید هر از گاهی یکبار مطرح می‌شود، و در هر بار گوشه‌های نگفته‌ای از آن مطرح می‌گردد، به همین علت پر بسامدی، یکی از کلیدهای فرعی فهم تفسیر قرآن می‌باشد، و اگر خداوند توفیق دهد در سوره بقره ذیل «من یشفع عنده الا باذن» یک جمع‌بندی از آن عرض خواهیم کرد.

ای پیامبر! اینقدر به خودت فشار نیاور

موضوع آیه ۸۹ نیز یک موضوع نسبتاً ثابت قرآنی است، بطوریکه از تقریباً ابتدای دستور خداوند که «هشدار بده» در سوره مدثر، تا آخر نزول وحی، این مفهوم دائماً تکرار می‌شود که ای پیامبر! اینقدر حرص و جوش نخور! تو فقط پیام را برسان و غیره؛ بطوریکه این مفهوم نیز یکی از کلیدهای فرعی فهم و تفسیر قرآن می‌باشد، و البته آیه ۸۸ را نیز باید در همین چارچوب دید.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا قوم تو خواهان چیزی جز قیامت هستند که ناگهان بر آنها درآید و متوجه نباشند؟ (۶۶)

در آن روز دوستان صمیمی، بعضی نسبت به بعضی دیگر دشمن خواهند بود،

مگر متقیان (۶۷) که به آنان خطاب میشود ای بندگانم! امروز نه نگرانی داشته و نه اندوهگین باشید (۶۸) اینها همان کسانی بودند که به آیاتمان ایمان آورده و تسلیم حق شده بودند (۶۹) به آنان خطاب میشود خودتان و همگنان تان با خوشی داخل بهشت شوید (۷۰) سینی های طلایی و فنجانهای بر آنها گردانده میشود و در آنها چیزهائی خواهد بود که دل میخواهد و چشم لذت میبرد، و به آنها خطاب خواهد شد: شما در این نعمتها جاودان خواهید بود (۷۱) و این بهشت را بسبب اعمالتان به شما داده ایم (۷۲) که در آن خوشی های زیاد خواهید داشت که از آنها بهرمند خواهید شد (۷۳)

اما مجرمان البته در عذاب جهنم جاودان خواهند بود (۷۴) و هیچ تخفیفی نخواهند داشت و در آن پژمرده خواهند شد (۷۵) و ما ظلمی به آنان نکرده ایم بلکه خودشان بر خویش ظالم بودند (۷۶) و میگویند ای نگهبانان جهنم پروردگارتان باید ما را از بین ببرد، و آنها در جواب میگویند نه! شما در اینجا خواهید ماند (۷۷) حق را برایتان آورده بودیم اما اکثرتان حق را ناخوش میداشتید (۷۸)

ای پیامبر! آیا اینها به چیزی اصرار دارند؟ در اینصورت ما نیز اصرار داریم (۷۹) یا اینکه تصور میکنند پنهان و آشکارشان را نمی شنویم؟ بلی فرستادگان ما نزدشان

هستند و می نویسند (۸۰) بگو اگر خداوند رحمان فرزندی داشت خودم اولین عبادت کننده اش بودم (۸۱) منزّه است پروردگار آسمانها و زمین که پروردگار عرش هم هست از آنچه درباره اش میگویند (۸۲)

پس، ای پیامبر! آنها را بحال خویش واگذار که در باطل فرو روند و بازی کنند تا اینکه بالاخره به آن روزشان که وعده داده میشود برسند (۸۳)

او در آسمانها خداست و در زمین هم خداست و همو حکیم داناست (۸۴) و پر برکت است کسی که فرمانروائی آسمانها و زمین و بین آنها از اوست، و همو که علم قیامت را دارد، و بسوی او بازمیگردید (۸۵)

و کسانی را که غیر از او را میخوانند قدرت شفاعت ندارند مگر کسی که به حق شهادت دهد و علم داشته باشد (۸۶)

و ای پیامبر! اگر از آنها بپرسی چه کسی خلقشان کرده، با تأکید خواهند گفت البته خدا. پس بنگر به کجا منحرف میشوند؟ (۸۷) و نیز به این قول توجه کن که مومنان در باره این نوع کسان چنین میگویند که: پروردگارا این مردم ایمان نمی آورند (۸۸) پس، ای پیامبر! از اینان به سلامی درگذر، که بزودی خواهند دانست (۸۹)

سوره فصلت

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

حم ﴿۱﴾ تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ كِتَابُ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ فَرَأَانَا عَرَبِيًّا لَقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳﴾
بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿۴﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي
آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَاغْمَلْ إِنَّا نَحْمِلُونَ ﴿۵﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ
أَنَّمَا إلهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿۶﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۸﴾

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی توجهی به آخرت که منجر به عمد و اصرار و عناد و گردنکشی کافران می شود.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نکوهش کافران معاصر که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند و ذکر گوشه‌ای از لجبازی کافران و توصیه به پیامبر(ص) که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

﴿۱﴾ حم

ریزدرب:

۲

تَنْزِيلَ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ كِتَابُ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿۴﴾

ریزدرب: قرآن از جانب خدا فرود آمده، مفهومی، و به خواندن مانوس، هشدار دهنده، و امیدبخش است

۳

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَاغْمِلْ إِنَّنَا غَامِلُونَ ﴿۵﴾

ریزدرب: اما عده ای در باره چنین کتابی موضع بسیار نامناسب میگیرند

۴

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿۶﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ هُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۸﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بگو من بشری مانند خودتان هستم، جز اینکه بمن وحی میشود، پس هماهنگ شوید تا زندگی شایسته داشته باشید.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - از کلمه «آیات» (آیه ۳) چه به ذهن می آید؟
- ۲ - «علم» مورد نظر (آیه ۳) از چه نوع است؟
- ۳ - چرا از میان صفات ممکن «لایسمعون» انتخاب شده؟
- ۴ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزشی؟ نکوهشی؟ هشدار؟ ترغیبی؟ یا...؟)
- ۵ - در آیه ۳، بین کلمات ۳ و ۴، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟
- ۶ - چرا از میان صفات الهی رحمان و رحیم ترجیح داده شده؟
- ۷ - در «فصلت آیاته»، آیا منظور از کلمه «آیات» معنی لغوی آن است یا معنی اصطلاحی (که آیه های قرآن باشد)؟ [اگر نتوانستید تصمیم بگیرید به درس و درب هم نظری داشته باشید]
- ۸ - «مستقیم شوید» (آیه ۶) یعنی چه؟

- ۹ - لجبازی و عمد و اصرار را در کدام موضع این پاراگراف به وضوح می بینید؟
- ۱۰ - درسوره های قبل چه سابقه ای از «اجر غیر ممنون» (آیه ۸) دارید؟
- ۱۱ - «مثل» بودن پیامبر (ص) (آیه ۶) یعنی چه؟ (از لحاظ نیازهای جسمانی؟ از لحاظ محدودیت های انسانی - مانند خستگی و نیاز به استراحت و امثال آن -؟ یا...؟)
- ۱۲ - راجع به موضوع «وحی» چه سابقه ای درسوره های قبل سراغ دارید؟
- ۱۳ - این سوره تقریباً در سال پنجم بعثت نازل شده، و هنوز پیامبر (ص) تشکیل حکومت نداده بود. پس، موضوع «زکات» (آیه ۷) چرا ذکر شده؟
- ۱۴ - قول کافران در آیه ۵، از چه نوع است؟ (از موضع تکبر؟ به زبان طنز؟ به زبان طنز از موضع تکبر؟ یا...؟)

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اکثریت مردم مقارن نزول این آیات به آن اعتنایی نمی کردند (آیه ۴)

فعالان کفر به شدت در کفرشان عمد و اصرار به خرج میدادند (آیه ۵)

از آیه ۷ معلوم میشود قبل از هجرت نوعی زکات در بین مردم معمول بوده که برخی می پرداختند و برخی نمی پرداختند، البته باید دانست که البته این به مسلمانان مربوط نمیشود زیرا انتهای آیه در ارتباطش به کفار ظهور دارد.

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

آیه های ۳ و ۴ و ۶ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان، وعظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلاً عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.
آیه های ۳ و ۶ از آن لحاظ که به گوشه ای از مکانیزم وحی اشاره دارد، و آن چیزی است که هیچ بنی بشری به آن دسترسی ندارد، بالاتر از ذهنیات بشر و طبعاً معاصران نزول نیز میباشد.

۷ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات ابتدای این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه!
در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند! لذا، مخاطبان اولیه نیز از آن همان را می فهمیده اند که ما.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

نکوهش کافران معاصر که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند و ذکر گوشه‌ای از لجبازی کافران و توصیه به پیامبر (ص) که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱ و ۲ و ۴ و ۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۷ فرع است بر آیه ۶ و این واضح است.

ذکر مصادیق از باب حصر نیست

در آیه ۷ دو مشخصه از مشخصات عمده مشرکان ذکر شده، و آن به این معنی نیست که مشخصات آنان منحصر در آن دو مشخصه باشد. همچنین است «وای بر مشرکان» در آیه ۶، یعنی اینکه آن «وای» منحصر به آخرت نیست، یعنی زندگی این جهانی مشرکان نیز ممکن است «وای دار» باشد.

توصیف همه جانبه قرآن

۱ - بنابر آیه ۲، این قرآن فرو فرستاده از جانب خدائی است که هم رحمان و هم رحیم است (و البته گوشه‌ای از معنی خودِ رحمان و رحیم را قبلا در سوره حمد دیده‌ایم) و لذا قرآن یک صفت عمده دارد و آنهم این است که خودش پر از لطف و رحمت است.

۲- این قرآن، «کتاب» است، یعنی «نامه» است، و فرستنده آن خداوند بزرگ، و گیرنده آن تک تک ما هستیم، و اگر این معنا را در ذهن خویش گسترش دهیم معانی بر ما ظاهر میشود که لازم نیست در اینجا به آن بپردازیم زیرا خواننده این نوع مطالب، فهیم است.

۳- آیات قرآن «تفصیل» یافته، یعنی یک چیز سر بسته کلی کش‌دار نیست، بلکه مطالب آن «باز» شده، و لذا مفهوم و مشروح و گسترش یافته است.

۴- مطالب قرآن مجموعه‌ای از «آیه»ها است، یعنی اینکه علامت و نشانه فرستنده

آن است و عبارت دیگر رنگ و بو و نشانه خداوند را در خویش دارد و گرچه خداوند بالاتر است از اینکه رنگ و بو داشته باشد اما وقتی که کلمه‌ای نمی‌یابیم که منظور خویش را برسانیم چه باید بگوییم؟

۵- قرآن، «قرآن» است، یعنی یک متن «خواندنی» است، یعنی اینکه مثلاً موسیقی و تصویر و از این نوع نیست بلکه یک متن خواندنی است و لذا برای درک و فهم آن باید مانند سایر متون خواندنی علائم و نشانه‌هایی را شناخت، و روابط و قوانین حاکم بر آنها را دانست، و آنگاه ممکن است به مفاهیم آن راه یافت، و لذا برای درک آن مفاهیم باید به حداقلی از علم و سواد مسلح شد، و لذا درک قرآن کار هر بیسواد نافرهمیخته‌ای نیست.

۶- قرآن «عربی» است، و از لحاظ لغت، «عربی» یعنی روشن و مفهوم و قابل درک است، و باید این نکته را در نظر داشته باشیم که در اینجا کلمه «عربی» بمعنی «زبان اعراب» نیست. زیرا آن معنی، معنی اصطلاحی این کلمه است، و در اینجا معنی لغوی آن منظور است، یعنی همان چیزی که عرض شد، یعنی مطالب قرآن روشن و مفهوم است، یعنی مطالب قرآن از نوع چیستان و معما و تربیع دایره و امثال آن نیست، بلکه گویا و روشن و مفهوم است.

۷- از دو کلمه آخر آیه ۳ فهمیده می‌شود که این «گویا و روشن و مفهوم بودن» قرآن، برای کسانی است که صاحب علم و فهم باشند نه اینکه برای هر بیسواد نافرهمیخته جاهلی هم قرآن گویا و روشن و مفهوم باشد.

۸- قرآن امیدوار کننده است، و به آدمی میگوید اگر چنین و چنان کنی سرانجامی عالی خواهی داشت (و بحث در این باب طولانی است اما نیازی به آن نیست زیرا خواننده این نوع مطالب فهم است)

۹- قرآن هشدار دهنده است، و به آدمی میگوید اگر فلان و بهمان طور باشی و فلان و بهمان کارها را کنی، سرانجامی اسفبار و نامطلوب خواهی داشت (و بحث در این باب طولانی است اما نیاز به آن نیست زیرا خواننده این نوع مطالب فهم است)

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم (۱)

این سوره، فرو فرستاده ای از جانب خداوند بخشنده مهربان است (۲) کتابی است که آیه هایش از یکدیگر متمایز شده و خواندنیی است به زبان واضح برای مردمی که علم دارند (۳) مژده دهنده ای و هشدار دهنده ای بزرگ است. اما کافران اکثرا رویگردان شده و گوش نمیدهند (۴)

و میگویند دل‌های ما نسبت به آنچه دعوت‌مان می‌کنی در پوششی است و گوش‌هایمان هم سنگین است و بین ما و تو حجابی بزرگ است، پس تو بکار خودت برس، ما هم بکار خودمان برسیم (۵)

بگو جز این نیست که من بشری مانند خودتان هستم با این فرق که بمن وحی میشود که خدایتان خدائی است واحد. پس بسوی او مستقیم شوید و از او رفع موانع رشدتان را بخواهید. و وای بر مشرکان (۶) که زکوة نمیدهند و به آخرت هم کفر می‌ورزند (۷)

البته آنان که ایمان آورده و عمل صالح کرده اند پاداشی بی منت خواهند داشت (۸)

فصلت ۲ آیات ۹ تا ۱۲

قُلْ أَنْتُمْ لَكُمْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾
وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامًا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلْسَانَلَيْنِ ﴿١٠﴾
ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾
فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا
ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده
ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی
توجهی به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشی و اصرار کافران می شود.
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! توجه آنان را به ظرائف آفرینش جهان و برنامه ریزی دقیق آن جلب
کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چون این چهار آیه قابل تقطیع نیست، لذا همان راه اول کفایت میکند.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ کافران معاصر که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار
می ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمناً گوشه‌ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص)
توصیه میکند که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

در این پاراگراف می فرماید که ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می‌ورزید؟

۴ - سوالات

- ۱ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ذکر برخی از وابستگی های واضح همگان به خداوند به منظور تنبیه و اصلاح رفتاری؟ یا...؟)
- ۲ - کلمات غالب این پاراگراف به «چه زبان»ی است؟ (عادی؟ مَثَل؟ یا...)
- ۳ - در این پاراگراف کدام آیه ها فرعی و کدام اصلی است؟
- ۴ - تنوین کلمه دخان را بررسی و تعیین کنید از باب تحقیر است یا تعظیم؟
- ۵ - کلمه «یومین» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۶ - چرا از میان صفات الهی «رب العالمین» ترجیح داده شده؟
- ۷ - در آیه ۹، «وَتَجْعَلُونَ لَهُ اَنْدَادًا» با کدام کلید تفسیری مطابق است؟
- ۸ - چه مثالی میتوانید برای «انداد» بزنید؟ («خدایان» مورد اعتقاد مشرکان؟ یا...؟)
- ۹ - چرا در جایی که اینهمه نشانه های واضح و غیر قابل رقابت الهی را آورده، در چنین جایی «انداد» را ذکر فرموده؟ (کمک به مخاطب که به خویش رجوع کند و بیجا بودن اعتقاد به آن انداد را مستقیماً درک کند؟ یا...؟)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: المیزان در آیه ۱۰ و در جمله «وَقَدَّرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ» قول عجیبی ابراز کرده و آن را با چهار فصل مرتبط دانسته،

مردود بودن این فرضیه از چند جهت است:

الف - تقدیر ارزاق، به علاوه جعل رواسی و برکت دادن و غیره در چهار روز و خود آفرینش زمین هم در دو روز، جمعا آن شش روزی که همه دنبالش هستند (.. فی

سته ایام ... نصّ قرآنی) را درست در می آورد و دیگر به آنهمه بحث ها و ساختن فرضیه ها نیازی نیست.

ب - ناجور بودن «تقدیر» اقوات (که در خوانش متن، «تمهید» و «تعبیه» معنی میدهد) به چهار فصل خیلی نچسب است، و علاوه بر اینکه از لحاظ علوم بشری نامقبول است، متن را مشابه به این شکل میکند که مثلاً کسی بگوید: «تو محصول تاریخ چندین هزارساله نوع بشر و شام امشب هستی»

۲: ال میزان در آیه مذکور فرموده ستارگان همه در آسمان دنیا و پائین تر از آن قرار دارند و برای زمین مانند قندیل هایی هستند که آویزان شده اند.

خطا بودن این فرضیه با توجه به علوم روز واضح است،

۳: همچنین در آیه ۱۲ ذیل کلمه «حفظا» فرموده یعنی از شیاطین حفظ میکند.

البته چون قرآن کلمه «حفظا» را مقید به قیدی نفرموده، چرا ذهن را به اولین و گسترده ترین و دائمی ترین خطری که بشر همیشه از سوی آسمان در معرضش بوده نبزیم و به فکر شهابسنگ ها و سیارات سرگردان که قبلاً هم در اثر برخورد بازمین خطرات مهلکی به وجود آوردند نشویم؟

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته (معجزات علمی)

۱- آفرینش زمین در دو «یوم» (= دو مرحله)؛

۲- برنامه ریزی کردن مایحتاج انسان در چهار «یوم» (= چهار مرحله)؛

۳- «دخان» (= گاز) بودن آسمان؛

۴- قرار دادن «هفت آسمان» در دو «یوم» (= دو مرحله)؛

۵- مرتب کردن کار هر آسمان و ساماندهی آن؛

۶- زینت دادن «آسمان نزدیک‌تر» به وسیله امکان رویت ستارگان؛

۷- «حفاظ» بودن آسمان نزدیک‌تر (= کره هوا)

امروزه که ما در ابتدای هزاره سوم میلادی هستیم بعضی از این عناصر (مثلاً ردیف ۷) را تا حدودی می‌فهمیم (مثلاً نگاهی بیاندازید به سوراخ شدن لایه اوزون - که تازه آنهم در اثر سوء عمل بشر در تولید بیش از حد گازهای گلخانه‌ای بود - که چه مشکلاتی برای بشر به وجود آورد)

علماء نجوم نیز بعضی از این فقرات را (مثلاً ردیف‌های ۱ و ۲ و ۳ را) تا حدودی فهمیده‌اند و فرضیاتی در آن خصوص ارائه کرده‌اند.

با توجه به آنچه تا کنون فهمیده شده و نیز آنچه «تقریباً» فهمیده شده، و نیز آنچه هنوز فهمیده نشده، معلوم می‌شود چه دریاهایی از معانی را در بیش از ۱۴۰۰ سال قبل بصورت سه-چهار سطر بطور اجمالی فرموده که فهم آنها نیاز به دانشگاه‌ها و ادوات گران قیمت (که مثلاً یکی از دوربین‌های نجومی- فضائی امروزی و تجهیزات مرتبط به آن بیش از ده‌ها میلیارد دلار قیمت دارد)، و نیز نوشتن رساله‌های دکترای متعدد و همکاری‌های بسیار نزدیک و فشرده سازمان‌های علمی-تحقیقاتی در سراسر جهان دارد که توجه به همین سه-چهار سطر کافی است تا سر هرکسی را که اندکی فهم در آن باشد در مقابل عظمت این کتاب به احترام خم کند.

۷ - آیات مشکل

آیه‌های ۹ تا ۱۲ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته‌اند.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و آیات ۹ تا ۱۲ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ...) از آیات برجسته قرآنی

است.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۹ تا ۱۲ از این لحاظ که به آفرینش عمومی جهان اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

مخاطبان اولیه که بجای خود، مانیز امروز نمیتوانیم تصویری از مدلول این آیات که برسر تفسیر آنها اختلاف نظرهای عمیقی بین مفسران وجود دارد، داشته باشیم.

اما، ضمناً، کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در طول این مدت طولانی، از نزول این سوره تا به امروز، تغییر معنایی چندانی نیافته، و لذا از لحاظ تحت اللفظی، مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما.

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیف بعضی از صفات الهی و نیز ذکر برخی از نعمت های اعطائی اساسی او.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تمام مطالب این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

بعضی صفات خدائی

ذیلاً بعضی صفات خدائی را برای درک بهتر در جدول ذیل مرتب کرده ایم؛

البته توجه دارید که «ذکر مصادیق از باب حصر نیست» و خداوند در اینجا فقط بعضی از افعال و صفات خویش را ذکر فرموده است.
با توجه به «درب»، برای درک بهتر این آیات، جدول ذیل را ترتیب داده‌ایم.

ردیف	شرح	آیه مأخذ
۱	زمین را در دو دوره زمانی آفرید،	۹
۲	لنگرهائی از بالای زمین در آن قرار داد،	۱۰
۳	نیازهای همه مخلوقات را در چهار دوره زمانی در آن قرار داد،	۱۰
۴	در زمین برکت نهاد،	۱۰
۵	به آسمان که گاز بود پرداخت،	۱۱
۶	در دو دوره زمانی قضا راند که آسمان هفتگانه باشد،	۱۲
۷	امر هر آسمان را به آن وحی کرد،	۱۲
۸	آسمان دنیا را با چراغ‌هائی زینت داد،	۱۲
۹	آسمان دنیا را حفاظ قرار داد،	۱۲
۱۰	قدرتمندی که آسمان و زمین را مهار کرده و آنها چاره‌ای جز رفتن به راه او را ندارند،	۱۱
۱۱	عالم،	۱۲
۱۲	عزتمند،	۱۲
۱۳	برنامه‌ریز،	۱۲
۱۴	قراردهنده استعداد درک در آسمانها و زمین،	۱۱

۱۵	قراردهندهٔ استعداد درک وحی در بشر،	۶
۱۶	فرستنده وحی بسوی بشر،	۶
۱۷	پروردگار همه جهانیان،	۹
۱۸	اعطاکننده پاداش (زیاد) بی‌منت،	۸
۱۹	آمرزشگر،	۶
۲۰	واحد،	۶
۲۱	بی‌همتا،	۹

الان در هزاره سوم میلادی هستیم و نزدیک به پانزده قرن از نزول این آیات گذشته اما هنوز علم بشر به فهم مطالب ذکر شده در ردیفهای ۱ تا ۱۰ جدول فوق نرسیده، چه رسد به مخاطب‌های آن روزی این آیات که بی‌سواد و بی‌تمدن و نافرهیخته بودند. اما علیرغم همهٔ این حقایق، همان مخاطب‌های فوق‌الذکر از این آیات و خداوندی که در این آیات معرفی می‌شده، چه تصویری پیدا می‌کردند؟

تصوری که هر کس از این آیات پیدا می‌کند، خدائی است بی‌نهایت قدرتمند، بی‌نهایت عالم، بی‌نهایت مسلط بر کار خویش، بی‌نهایت سخاوتمند، و بی‌نهایت مهربان. و اینک اگر به «درس» و «درب» توجه کنیم می‌فهمیم که وقتی صحبت از چنین خدائی است جا دارد آدمی گوش کند، بشنود، فکر کند، و بررسی کند. نه اینکه گوش ندهد (مطابق آیه آخر پاراگراف قبل)، بگوید گوش ما سنگین است و بین ما و تو پرده است و کاری با هم نداریم و تو بکار خودت برس و ما هم به کار خود.

لذا به حق می‌توانیم با «درس» و «درب» هم صدا شده و بگوییم واقعاً بی‌توجهی به چنین حقایق مهمی، و کفر ورزیدن و تکذیب نمودن، و اصرار بر آن نمی‌توانست ریشه‌ای جز عناد و لج و بی‌منطقی داشته باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به کافران بگو واقعاً شما به کسی که زمین را در دو مرحله آفریده، و پروردگار همه جهانیان است، کفر میورزید و برای او همتایانی قرار میدهید؟ (۹) همو که در زمین کوه ها را لنگرهائی قرار داد و در زمین برکت نهاد، و نیازهای همه مخلوقات را نیز در چهار مرحله در آن قرار داد که همه از سوی درگاه الهی بطور مساوی حق دارند از آن مواهب استفاده کنند (۱۰) آنگاه به آسمان که به شکل گاز بود پرداخت و به آن و به زمین گفت چه از روی میل و چه از روی اجبار از سیستم هایی که قرار داده ام فرمانبری کنید و آنها گفتند با میل و رغبت فرمان می بریم (۱۱) آنگاه طی دو مرحله قضا راند که آسمانها بصورت هفت آسمان باشند و کار هر آسمان را به آن وحی نمود و آسمان نزدیک تر را بوسیله نور ستارگان که از زمین بصورت چراغ هائی به نظر میرسند زینت داد و ضمناً همان آسمان را حافظ زمین قرار داد. ای کافران! آیا به خداوندی که چنین قدرتمند و داناست کفر میورزید و برایش همتایان قرار میدهید؟ (۱۲)

فصلت ۳ آیات ۱۳ تا ۱۸

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَتَجَنَّبَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی توجهی به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشی و اصرار کافران می شود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یادآوری عاقبت دو قوم از اقوام گذشته که همین روش استکبار و اصرار و عمد و عناد را در پیش گرفته بودند و به نابودی دسته جمعی دچار شدند و مؤمنان نشان نجات یافتند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾
ریزدرب: ای پیامبر! به این فعالان کفر هشدار ده که مبادا از حد بگذرانید

۲

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لَنَنْدِفَهُمْ عَذَابَ الْخُزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٦﴾
ریزدرب: ای پیامبر! به این فعالان کفر هشدار ده که شما از قوم عاد قوی تر نیستید

۳

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَتَجَبَّأُوا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَنْشُقُونَ ﴿١٨﴾
ریزدرب: ای پیامبر! به این فعالان کفر هشدار ده که شما از قوم ثمود قوی تر نیستید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه

استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ کافران معاصر که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند را نکوهش میفرماید و ضمناً گوشه‌ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

در پاراگراف ۲ می فرماید که ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می‌ورزید؟ در این پاراگراف می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست.

۴- سوالات

- ۱- از عبارت «من بین ایدیهم و من خلفهم» (آیه ۱۴) چه استنباط می کنید؟
- ۲- از تقابل عبارت های «عذاب الخزی» و «عذاب الاخره» چه نتیجه گیری میکنید؟
- ۳- در کدام نقاط این پاراگراف، شدت عمد و اصرار و لجبازی دیده میشود؟
- ۴- از عبارت «ولم» (آیه ۱۵) تا آخر آیه، چه حالتی، برقرار است؟
- ۵- در آیه ۱۳، «ف» در ابتدای آیه ناظر به چیست؟ (کلّ اعراض ها و لجبازی ها و عنادهای کافران که در پاراف های قبل مطرح است؟ یا...؟)

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

سران مخالفان پیامبر (ص) خیلی به خودشان مطمئن بودند و گمانی به ضعیف شدن موقعیت خویش و قوی شدن احتمالی موقعیت آنحضرت نمی بردند (آیه ۱۵) و مخالفتشان صرفاً از روی لجبازی بود (آیه ۱۷)

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه های ۱۶ و ۱۷، سرگذشت ناخوشایند دو قوم عاد و ثمود را که به هلاکت جمعی منجر شد ذکر نموده و در آن وعده ای تلویحی نهفته است که ای پیامبر! ای پیروان! شما هم موفق و پیروز میدان خواهید شد حدود ۱۵ سال بعد با فتح مکه این پیشگوئی تلویحی به تحقق نشست.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آخر آیه ۱۶ «قیامتی» است، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

آیه های ۱۳ تا ۱۸ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از اوضاع و احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

آیه ۱۴ از این لحاظ که به مخلوقاتی مانند ملائکه اشاره کرده که حتی ما نیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر نابودی دستجمعی دو قوم مکذبِ عامدِ عنودِ لجبازِ گذشته، به منظور هشدار به همانندان معاصر آنها با این پیام که از حد نگذرانید.

۹- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از مدلول آیه ۱۳ که در سوره های قبل دیده شده، بقیه عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۴ فرع است بر آیه ۱۳ و این واضح است.
قسمت دوم آیه ۱۶ فرع است بر قسمت اول آن.
آیه ۱۸ نیز فرع است بر آیه ۱۷.

تحلیل پاراگراف

این پاراگراف دو قسمت متمایز دارد: آیه ۱۳ و بقیه پاراگراف.
آیه ۱۳ هشداری است که از طرف خداوند بطور مستقیم و به حالت تقریر «قل» (چنین بگو) است، و بقیه پاراگراف حالت آموزشی دارای بار دلداری به پیامبر (ص) دارد، که ناراحت نباش و رفتاری که از اینها می بینی چیز نوظهوری نیست و همه پیامبران این نوع رفتارها را دیده اند و ما هم که خالق و رب آنها باشیم در نهایت پس از اینکه آنها به آخر خط رفتارهای نا معقولشان رسیدند چیزی که سزایشان بود را به آنها ارائه کردیم و البته پیامبران و پیروانشان را نیز نجات دادیم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! اگر کافران قوم تو روی برگرداندند بگو به صاعقه ای مانند صاعقه عاد و ثمود هشدارتان میدهم (۱۳) همانها که وقتی پیامبران خدا از روبرو و از پشت سرشان بسویشان می آمدند و میگفتند که جز خداوند را نپرستید، میگفتند اگر خدا میخواست فرشتگانی را به رسالت بسویمان میفرستاد و ما نسبت به آنچه که بخاطر آن فرستاده

شده اید کافریم (۱۴) اما قوم عاد، در روی زمین به خود بزرگ بینی بیجا پرداختند و گفتند چه کسی از ما قویتر است؟ آیا درک نمیکردند که خدائی که آنها را آفریده از آنها قویتر است که نسبت به آیات ما انکار میورزیدند؟ (۱۵) پس بر آنها بادی سخت و سرد و تند، در ایامی نحس، فرستادیم تا عذابِ خواری را در همین زندگانی دنیا به آنها بچشانیم و البته عذاب آخرت خفت بارتر است و آنها هیچ یاری نخواهند داشت (۱۶) اما قوم ثمود، آنها را هم هدایتشان کردیم اما کوری را بر هدایت ترجیح دادند پس صاعقهء عذابِ خواری آنها را نیز بسبب آنچه که انجام میدادند بگرفت (۱۷) و البته کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند قبلا نجات داده بودیم (۱۸)

فصلت ۴ آیات ۱۹ تا ۳۳

وَيَوْمَ يُخْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَضِیُّونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُغْتِيثِينَ ﴿٢٤﴾ وَفَقِصْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لَهُمْ مَآ يَنْ أُنْذِرُهُمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقِّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنَنْبِذَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَشْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ هُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ مِمَّا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الْأَصْنَافَ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَفْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی توجهی به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشی و اصرار کافرانه می شود. برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: این نوع رفتار، به عاقبت نامطلوب آخرتی منجر می شود و تشویق به اتخاذ رفتار صحیح پسندیده که به عاقبت مطلوب آخرتی منجر شود.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَيَوْمَ يُخْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ عَلَيْنَا فُلُوْا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَوُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى هُمْ وَإِنْ يُسْتَعْصَبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾

ریز درپ: ارزیابی الهی در قیامت به عادلانه ترین وجه است

۲

وَقَبِضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾

ریز درپ: «دور و بر»ی های منحرفین نقش اساسی در سقوط آنها دارند

۳

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنَذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَشْرَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ هُمْ فِيهَا دَارُ الْحُلْدِ جَزَاءُ مِمَّا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرَنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ جَعَلَهُمَا نَحْتُ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

ریزدرب: فعالان مخالف قرآن عاجزند از راه منطقی با قرآن مقابله کنند

۴

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ تَحْنُ أُولَآئِكَمُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾

ریزدرب: سیستم های جهانی، در جهت ایمان و استقامت در آن و عمل شایسته کار میکنند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ کافران معاصر را که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند نکوهش میفرماید و ضمناً گوشه‌ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

در پاراگراف ۲ می‌فرماید که ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می‌ورزید؟ در پاراگراف ۳ می‌فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست.

در این پاراگراف شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات‌بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند.

۴- سوالات

- ۱- مکالمه شخص با پوستش (آیه ۲۱) چگونه است؟
- ۲- آیه های ۲۲ و ۲۳ گفتار کیست؟
- ۳- در ابتدای آیه های ۲۲ و ۲۳ موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟
- ۴- موضوع آیه های ۲۵ و ۲۶ مربوط به چه کسانی و چه زمانی است؟
- ۵- آیا خداوند علم خود را از طریق موضوع آیه ۲۲ میگیرد؟
- ۶- در کدام قسمت عمد و اصرار و لجبازی به وضوح ملاحظه میشود؟
- ۷- در آیه ۲۹ «اضلّانا» یعنی چه؟ (آن دونفر؟ آن دو گروه؟ یا....؟)
- ۸- آیا میتوانید سابقه ای برای موضوع آیه ۲۶ در سوره های قبل نشان دهید؟
- ۹- از کلمه «تتنزّل» و نیز از دو کلمه «لاتخافوا» و «لاتحزنوا» چه؟
- ۱۰- «قول» (آیه ۳۳) به چه معنی است؟
- ۱۱- در آن روزها خود اعتراف و اعلام ربوبیت انحصاری خداوند، مستلزم تحمل آزارهایی بود. چه سابقه ای از این موضوع در سوره های قبل دارید؟
- ۱۲- چرا از میان صفات الهی «غفور و رحیم» ترجیح داده شده؟
- ۱۳- منظور از پنج کلمه اول آیه ۳۱ چیست؟

۱۴ - آیه های ۲۵ و ۳۱ شباهت زیادی به کدام آیه ها در سوره زخرف دارد؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

سران مخالفان پیامبر (ص) خیلی به خودشان مطمئن بودند و گمانی به ضعیف شدن موقعیت خویش و قوی شدن احتمالی موقعیت آنحضرت نمی بردند (آیه ۱۵) و مخالفتشان صرفا از روی لجبازی بود (آیه ۱۷) و آنها «دور و بری» هائی برای خویش ترتیب داده بودند که فعالیتی ستاد مانند به آنها ارائه میکردند (آیه ۲۵) و نفوذ تعالیم آنحضرت آنقدر گسترده شده بود که فعالان کفر را به کارهائی شبیه پخش پارازیت و فیلتر گذاری روی سخنان وحی وادار کرده بود (آیه ۲۶) و شروع به ایجاد نوعی آزار و اذیت نسبت به پیروان آنحضرت کرده بودند (آیه ۳۰) و آنحضرت در معرض رفتار های نامطلوبی از سوی فعالان کفر قرار میگرفته که آزرده خاطرشان میکرد و از آنجا که از لحاظ عده و عده دست پائین را داشت برای مهار جریان مذکور توصیه رفتاری «دفع به نیکوترین روش» را دریافت نموده است (آیات ۳۴ تا ۳۶)

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۲۱ تا ۲۳ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است. همچنین است آیات ۳۰ تا ۳۲. یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیات ۱۹ تا ۲۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

همچنین است آیات ۲۷ تا ۲۹.

آیه ۲۵ به آیاتی از علم و قدرت الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است. آیه های ۳۰ و ۳۱ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

هشدار به اتخاذ رفتار نامطلوب و نشان دادن نتیجه بد آن، و تشویق به اتخاذ رفتار مطلوب و نشان دادن نتیجه خوب آن.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱۹ و ۲۷ و ۲۸، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۲۱ تا ۲۳ فرع بر ماقبل خویش اند.

در ابتدای آیه ۲۵ واگذاری به مخاطب واقع شده است.

آیه ۲۵ فرع بر ۲۴ است.

آیه ۲۷ فرع بر ۲۶ و آیه ۲۸ فرع بر ۲۷ است. آیه ۳۳ فرع بر ماقبل خویش است.

فعل خداوند قانونمند است

در آیه ۲۵ خداوند چیزهایی را به خویش نسبت داده، درحالیکه بسپاردیده ایم که منظوران این است که سیستم هایی قراردادده ایم که چنین میکنند.

در این مورد هم همینطور است بطوریکه سوژه مورد نظر نمیتواند بگوید «تقصیر من نبود، کار خدا بود»

موضوع آیه مذکور اینطور قابل فهم است که رفتار آنها آنطور بوده که میخواستند از اطرافیان خویش تاییدیه بگیرند و لذا اطرافیان خویش را تدریجاً چنان تغییر میدادند که در نهایت تعدادی «بله قربان‌گو» دور خویش جمع میکردند و آنها نیز همه اعمال گذشته‌شان را تحسین، و اعمال آینده‌شان را نیز برایشان زینت میدادند.

اعضاء بدن به چه زبانی شهادت می‌دهند؟

در موضوع آیه ۲۰، شهادت دادن اعضاء بدن علیه انسان از نوع «شهادت دادن زبانی» نیست، بلکه از نوع «شهادت دادن تکوینی» است.

مانند شهادتی که اعضاء بدن هر کس در «پزشکی قانونی» می‌دهد، یا شبیه زمین که از روی شواهدی مانند فسیل‌ها (و سایر انواع شواهد طبیعی) سرگذشت خود را بیان می‌کند.

ملائکه

در رابطه با آیه ۳۰، مفهوم ملائکه با آنچه ما بطور سنتی تصور می‌کنیم (که مثلاً یک دختر قشنگ است و دو عدد بال در ناحیه کتفش روئیده و بال‌زنان هر جا می‌خواهد می‌رود) تفاوت زیادی دارد.

ملائکه در حقیقت «کارگزاران گردش امور مختلف جهان» هستند.

مثلاً تصویری که ما از مفهوم «نیروی جاذبه» داریم به ملائکه نزدیکتر است تا آن تصور سنتی که عرض شد.

در این آیه، با توجه به «وسوسه»ای که در سوره ناس و جاهای دیگر دیدیم و آدمی همواره دچار آن است، در اینجا مفهوم این نوع ملائکه باید چیزی شبیه مفهوم «نیروهای عقلانی و استدلالی» باشد که در جهت «مبارزه عقلانی» با «وسوسه‌های شیطانی» دائماً در ذهن آدمی در چالشند!

ترجمه تفسیری آزاد

و روزی که دشمنان خدا را بسوی آتش برانند و آنها را دستجمعی در یکجا جمع کنند (۱۹) تا اینکه به نزد آن رسند و در آنجا گوششان و چشمهایشان و پوستشان راجع به آنچه انجام میدادند علیه آنها شهادت دهند (۲۰) آنها به پوستهایشان میگویند چرا علیه ما شهادت میدهید؟ جواب میدهند خداوند ما را به سخن در آورده، و او کسی است که همه چیز را به سخن در میآورد و در ابتدا هم همو شماها را آفریده و بسوی او باز میگردد (۲۱) به آنها خطاب میشود شما از اینکه مبادا گوش و چشم و پوستتان علیه شما شهادت دهند نگرانی نداشتید و گناهانتان را پنهان نمیکردید بلکه چنین گمان میکردید که خداوند به بسیاری از اعمالتان دانا نیست (۲۲) و همین گمانتان به پروردگارتان بود که نابودتان کرد و از خسارت دیدگان شدید (۲۳) در آن اوضاع و احوال اگر آنها صبر کنند آتش جایگاهشان است و اگر هم معذرت خواهی کنند فایده ای برایشان نخواهد داشت (۲۴)

علت اینکه آنها اینطور شدند این بود که برای خویش نزدیکان بد برگرفتند و آنها آنچه را که برای آینده در سر می پروراندند و نیز آنچه را که در گذشته شان بود برایشان جلوه و زینت میدادند و در نتیجه آنچه که بر سر اقوامی از جن و انس که قبل از آنها در گذشته اند آمده بود بر سر اینها هم آمد و آنها هم این بود که دچار خسران شدند (۲۵)

فعالان کفر میگویند به این قرآن گوش ندهید و در آن سر و صدا کنید شاید غالب شوید (۲۶) پس حتماً به آنان عذابی شدید می چشانیم و حتماً جزای بدترین کارهایی را که میکردند به آنها میدهیم (۲۷) اینطور است که جزای دشمنان خداوند آتش است

که در آن جاودانند، و به آنان تفهیم میشود که این جزائی است در مقابل انکاری که نسبت به آیات ما مینمودید (۲۸)

وکافران در آن شرایط اخروی و عذاب میگویند پروردگارا! آن کسانی از جن و انس را که گمراهمان کردند نشانمان ده تا آنها را زیر لگدهای خویش بگذاریم تا از جمله پست ترین ها گردند (۲۹)

این اوضاع کافران است اما کسانی هم هستند که در زندگی دنیا میگویند پروردگارمان خداوند است و آنگاه بر این سخن استقامت می ورزند، آنها کسانی هستند که فرشتگان پی در پی بر آنها نازل میگردند و در مقابل مشکلات این جهت گیری شان به آنها دلداری میدهند که نترسید و اندوهگین نباشید و به بهشتی که وعده تان میدهند شاد باشید (۳۰) ما در زندگی دنیا و همچنین در آخرت دوستان شمائیم. در آن هر چه دلتان بخواهد و بلکه هر چه طلب کنید خواهید داشت (۳۱) که پیشکشیی است از جانب خداوند آمرزشگرِ مهربان (۳۲)

و چه قوی بهتر است از قول کسی که بسوی خدا میخواند و عمل شایسته میکند و میگوید من از مسلمین هستم؟ (۳۳)

فصلت ۵ آیات ۳۴ تا ۳۶

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّمَا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی توجهی به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشی و اصرار کافران می شود.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: ای پیامبر! چنین رفتاری پیشه کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

چون پاراگراف بسیار کم حجم است، عملاً، به موضوع تیتتر فوق نیازی نیست.

۳ - از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ کافران معاصر را که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند نکوهش میفرماید و ضمناً گوشه‌ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.
در پاراگراف ۲ می فرماید که ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می‌ورزید؟

در پاراگراف ۳ می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست.

در پاراگراف ۴ شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند.

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر! رفتار بد (مخالفت) را به بهترین شیوه دفع کن.

۴ - سوالات

- ۱ - از آیه ۳۴ چه حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها میتوان زد؟
- ۲ - «حظ عظیم» (آیه ۳۵) از چه؟
- ۳ - «احسن» (آیه ۳۴) به چه معنی است؟ (بهتر؟ بهترین؟)
- ۴ - «تحریک از جانب شیطان» (آیه ۳۶) در چه مورد؟
- ۵ - چرا خداوند در آیه ۳۶ از میان صفات خویش این دو صفت را برجسته فرموده؟
- ۶ - پیامبر(ص) برای اجرای موضوع آیه ۳۶ چه روشی میباید در پیش میگرفت؟ (مکانیزم پناه بری به خداوند چیست)
- ۷ - پیامبر(ص) چه عداوتی با چه کسی/کسانی داشت؟
- «حسنه» و «سیئه» از نظر چه کسی؟ (از نظر آنحضرت؟ یا...؟)
- ۸ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزش پیامبر؟ یا...؟)
- ۹ - شیطان در آیه ۳۶ از کدام نوع است؟ (انسانی؟ نفسانی؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

قابل درک است که در اوضاع و احوال نزول این سوره، آنحضرت در معرض رفتارهای نامطلوبی از سوی فعالان کفر قرار میگرفته که آزرده خاطرشان میکرد و از آنجا که از لحاظ عده و عده دست پائین را داشت برای مهار جریان مذکور توصیه رفتاری

«دفع به نیکوترین روش» را دریافت نموده است (آیات ۳۴ تا ۳۶)

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۳۴ تا ۳۶ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است.
یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیه ۳۶ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیه به آنحضرت که امر نامطلوب را به بهترین وجه از سر راه بردارد.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

کل سه آیه این متن کوتاه، «پرانرژی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را

بر آن ببندیم و قبلش را به بعدش وصل کنیم خواهیم دید روال سخن روان و یکدست و بی سخته خواهد شد.

خلق خوش محمدی (ص)

اگر کسی بخواهد درباره این پاراگراف سه آیه‌ای دو سطری، مطلب بنویسد، این ظرفیت را دارد که کتابهای قطوری از آن حاصل شود.

در هر حال، پیامبر(ص) ماموریتی از جانب خداوند متعال یافته بود، و در این برهه از زمان دچار مخالفانی بود که نه تنها هیچ جوری حاضر به برداشتن کوچکترین قدمی به سوی حق نبودند، بلکه حاضر به انجام هر کاری برای جلوگیری از پیشرفت دعوت او نیز بودند.

رفتار آنحضرت طوری بود که تقریباً همیشه موضوع آیه ۳۵ بدست می آمد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! نیکی و بدی مساوی نیست. بدی را به آن روشی که بهتر است دفع کن. در آنصورت کسی که بین تو و او عداوتی هست مانند یک دوست حمایتگر میشود (۳۴) البته کسی این توصیه را بکار نمی بندد مگر اینکه از صابران باشد و نیز این توصیه را نمی پذیرد مگر کسی که صاحب بهره عقلی بزرگ باشد (۳۵) و اگر از جانب شیطان تحریکی به تو رسید به خداوند پناه بر که او شنوای داناست (۳۶)

فصلت ۶ آیات ۳۷ تا ۴۶

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَا يَقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی توجهی به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشی و اصرار کافران می شود .
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: یکی از علل مهم کفر کافران توجه نکردن به موقعیت ارجمند و حجت‌مند قرآن و بی توجهی به قدرت خداوند در ایجاد قیامت است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

ریزدرب: یادآوری گوشه ای از آیات و نعمت های الهی با کنایه اینکه مقتضای توجه به آنها را متوجه محل نامربوط نکنید

۲

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾

ریزدرب: یادآوری گوشه ای از آیات و نعمت های الهی با کنایه اینکه مقتضای توجه به آنها را متوجه محل نامربوط نکنید، و البته اگر کنید نتیجه اش دامنگیرتان میشود

۳

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾

ریزدرب: بزرگ ترین آیت الهی این قرآن است که مطلقا حقانیت دارد

۴

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَدُوٌّ مَّغْفَرَةٌ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ

جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ
وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مشکلات رسالت منحصر تو نبوده، و اهمیتی به اینان مده

۵

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ
مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مشکلات رسالت منحصر تو نبوده، و اهمیتی به اینان مده،

۶

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾
ریزدرب: ای پیامبر! نتیجه رفتارهای اینان به خودشان برمیگردد، و پروردگارت اهل
ظلم نیست

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف
که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه
استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ کافران معاصر را که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند نکوهش میفرماید و ضمناً گوشه‌ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

در پاراگراف ۲ می‌فرماید که ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می‌ورزید؟ در پاراگراف ۳ می‌فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست.

در پاراگراف ۴ شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات‌بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند.

در پاراگراف ۵ می‌فرماید ای پیامبر! رفتار بد (مخالفت) را به بهترین شیوه دفع کن.

در این پاراگراف میفرماید به قدرت خداوند توجه کنید و از عبادت غیر او روی بگردانید و نیز ای پیامبر! از رفتارهای کافران و مکذبانان آنها ناراحت مباش و به ما واگذار.

۴- سوالات

- ۱ - کلمه «خاشعه» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۲ - چرا خداوند را در اکثر مواضع پاراگراف مفرد (آیات) الذی خلقهن ایاه ربک احیاها انه لمحیی و در آیه ۳۹ جمع (انزلنا) آورده؟
- ۳ - «آیات» (آیه ۴۰) به چه معنی است؟ (شمس و قمر و امثال آن؟ آیات قرآن؟ یا....؟)
- ۴ - ربط نیمه دوم آیه ۴۰ را با نیمه اول آن روشن کنید.
- ۵ - درثلث آخر آیه ۴۰ موضوع کدام «کلیدهای تفسیر»ی اتفاق افتاده؟
- ۶ - سوال فوق را درباره آیه ۴۱ جواب دهید.
- ۷ - آیه ۴۳ چه حالتی دارد؟ (دلداری و روحیه بخشی؟ یا....؟)
- ۸ - منظور از «اعجمیا» (آیه ۴۴) کدام معنی آن است؟ لغوی یا اصطلاحی؟
- ۹ - لجبازی کور کافران را در کجای این پاراگراف به وضوح می‌بینید؟

- ۱۰ - منظور از «ینادون من مکان بعید» (آیه ۴۴) چیست؟
- ۱۱ - ارتباط منطقی آیه ۴۵ با این پاراگراف چیست؟
- ۱۲ - «انهم» (آیه ۴۵) اشاره به کیست؟ (مشرکان - که چون دراصالت آن شک دارند به قرآن هم نمی گروند -؟ یهودیان؟ در صورت اخیر چرا این مطلب در اینجا آمده؟)
- ۱۳ - چهار کلمه آخر آیه ۴۶ را چرا فرموده؟
- ۱۴ - آیه ۴۲، در باره چه صحبت میکند؟ (همین قرآن در شرف نزول که تا اینجا حدود ۱۵ درصد آن نازل شده؟ یا...؟)
- ۱۵ - در باره مفهوم اخیر چه سابقه ای در سوره قبل به خاطر می آورید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در همان برهه زمانی عده ای به فکر تغییر معانی آیات افتاده بودند و آنها را با توجیهاتی غیر از آنچه معنی میداد معنی میکردند و به اینصورت سعی میکردند معانی برای آیات بتراشند که با فرهنگ خودشان جور باشد (آیات ۴۰ تا ۴۲) و برای وحی یک منشاء غیر از خداوند پیشنهاد میکردند (آیه ۴۴)

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

اینکه در آیه ۴۲ فرموده قرآن در آینده دچار تحریف نخواهد شد، یک پیشگویی تحقق یافته مستمر است که بیش از ۱۴۰۰ سال است که هر روزی که می گذرد برگ زرین دیگری به کتاب پر برگ سرافرازی حاصل از تحقق این وعده الهی افزوده می شود.

البته این هم هست که آیه مذکور دارد در درجه اول راجع به همین قرآنی که کم کم دارد بر آنحضرت نازل میشود صحبت میکند و در اینجا معنی مطلب این است که در مسیر خویش (از خداوند تا آنحضرت) کاملاً سالم و بی دستبرد به او میرسد، و این موضوعی است که قبلاً در آیه آخر سوره جن هم دیدیم.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۳۹ و ۴۱ و ۴۲ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است. یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیه ۳۷ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل. آیه ۳۸ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی ما نیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه ۳۹ و آیه های ۴۱ تا ۴۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - ذکر موقعیت ارجمند و حجت‌مند قرآن
- ۲ - بی توجهی به قدرت خداوند در ایجاد قیامت.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴۳ و ۴۶ که بطور واضح مسبوق به سابقه نزول در سوره های گذشته است، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

یک کلید اصلی در فهم قرآن:

باتوجه به آیه ۴۴، قرآن برای مخاطبان آنروزی خویش روشن و واضح و مفهوم بوده و این یکی از کلیدهای فهم قرآن است که مفسر همواره باید این دغدغه خاطر را داشته باشد که مخاطب‌های آن روزی آیات، از این کلمه و آن جمله و آن آیه قرآنی چه می‌فهمیده‌اند.

معنی چند کلمه یا عبارت:

آیه ۴۰: «انحراف در آیات» بمعنی «تفسیر غلط از آیات» یا «تغییر دادن تفسیر صحیح آیات» است.

آیه ۴۱: (با توجه به آیات بعدی)، منظور از ذکر، در اینجا، قرآن است.
آیه ۴۲: در سوره‌های نجم و تکویر و حاقه و جن و جاهای دیگر دیدیم که قرآن از نزد خداوند تا رسیدن به شخص پیامبر اکرم(ص) بدون هیچگونه دخل و تصرف و تغییری، سالم و سلامت به آنحضرت رسید. این معنی «چه در گذشته» (لا من خلفه) است و «چه در آینده» (لا ... من بین یدیه) نیز به این معنی است که بعداً نیز دچار تحریف نخواهد شد.

فرعی‌ها:

نیمه دوم آیه ۳۷ و تمام آیه ۳۸ فرع است بر نیمه اول آیه ۳۷.

نیمه دوم آیه ۳۹ فرع است بر نیمه اول همان آیه.

آیه ۴۲ فرع است بر آیه ۴۱.

و آیه‌های ۴۴ و ۴۵ فرع است بر آیه ۴۳.

ذکر مصادیق افاده حصر نمی‌کند

آیات ۳۷ تا ۳۹ به عنوان «ذکر چند نمونه واضح که همگان می‌فهمند و از باب «تو

خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» است.

«نزد خدا» بودن، «تسبیح» خدا نمودن و.....

در آیه ۳۸ چند اصطلاح هست که باید بدانیم در آنها «به زبان مخاطب» صحبت فرموده و مفهوم «نزد خدا» آنطور نیست که معمولاً تصور می‌کنیم.

دوری و نزدیکی نسبت به خداوند یک امر نسبی است و به روحیات و علم و توجه و معارف الهی و نورانیت و عبادت و این نوع مقولات بستگی دارد.

همچنین است راجع به «تسبیح گوئی» که در اینجا به این معنی نیست که یک رشته تسبیح دستشان بگیرند و بگویند «سبحان الله، سبحان الله و ...» بلکه با وجود خویش و رفتار خویش طوری عمل می‌کنند که «اعتراف وجودی» آنان به میرا دانستن خداوند از هر گونه محدودیت است.

و «خسته نمی‌شوند» نیز در همین چارچوب معنی پیدا می‌کند.

یک دانشمند از نیم ساعت مصاحبت با یک شخص نافرهیخته تأدیب نشده، رنج عظیمی می‌برد و خسته می‌شود اما همان دانشمند از مصاحبت ساعتها بلکه روزها و هفته‌ها و ماهها با دانشمندان فرهیخته بالاتر از خود احساس خستگی نمی‌کند و هنگام مفارقت دچار اندوه می‌شود.

طبعاً «خسته نشدن» آنهایی که «نزد» خداوند هستند، به چنین مفاهیمی نزدیک است، و از همینجا معلوم می‌شود «تسبیح‌گویی خداوند» یک «کار» نیست (مثلاً مانند هیزم‌شکن که در اثر هیزم شکستن خسته می‌شود. یا شخصی که در اثر آجر رساندن به بالای دیوار خسته می‌شود) بلکه یک نوع زندگی است (مانند مغازه، نواختن، مشاهده، شنیدن صوت خوش، بوییدن عطر خوب و ...) آنهم از نوع بالا و والا و طبعاً خستگی هم ندارد.

خواص متضاد همزمان

اینکه در آیه ۴۴ فرموده برای مؤمن مایه شفاء و هدایت و برای کافر موجب کوری است، باید دانست که قرآن نیز مانند هر پدیده الهی خواصی دارد و از این لحاظ مشابه خورشید است که سبب رشد گیاهان و گلها و بدنهای سالم است و از طرف دیگر در مورد کثافات و عفونت‌ها و امثال آن نیز سبب پراکنش بوی بد و افزایش فساد آنها می‌شود.

«کلمه» و «قضاء»

در قرآن کریم واژه «کلمه» مفهومی کاملاً متفاوت از آنچه ما از این واژه می‌فهمیم دارد.

مثلاً در قرآن به حضرت عیسی (ع) «کلمه خدا» گفته شده، و در جایی کلمه بمعنی «وحی» آمده و در آیه ۴۵ نیز بمعنی «قانون الهی» می‌باشد.

لذا آنجا که در آیه ۴۵ فرموده «اگر قبلاً کلمه‌ای از جانب پروردگارت صادر نشده بود.» به این معنی است که «اگر قبلاً خداوند قانونی صادر نفرموده بود.»

در مورد آیه ۴۵ موضوع بطور خلاصه به این مفهوم است که قضاء الهی بر این قرار گرفته که آنها مهلت خویش را داشته باشند، و تا سرآمدشان نرسیده، به عذاب این جهانی دچار نخواهند شد.

۵ کلمه آخر آیه ۴۴

مفهوم مجموع کلمات مذکور این است که کفار از این آیات گرانقدری که بر تو نازل میشود بهره ای نمی برند و تاثیری نمی پذیرند و مانند این است که از فاصله دوری متوجه صدائی شوند که دارد چیزهائی به آنها میگوید و همین دوری مانع است از اینکه مطلب را متوجه شوند.

ترجمه تفسیری آزاد

و از نشانه های اوست شب و روز و آفتاب و ماه. ای مردم! به آفتاب و ماه سجده نکنید و به خداسجده کنید که آنها را آفریده، اگر واقعا او را میپرستید (۳۷) ای پیامبر! اگر گردنکشی کردند و به همان روش غلط خویش ادامه دادند ناراحت نشو زیرا کسانی که نزد پروردگارت هستند شب و روز فقط خداوند را عبادت میکنند و خسته هم نمیشوند (۳۸) و از نشانه های اوست که زمین را پژمرده می بینی. اما هنگامیکه آب باران بر آن فرو فرستیم زنده شده و به جنبش در می آید و نمو میکند. البته آنکس که زنده اش میکند زنده کننده مردگان نیز هست، زیرا که او بر همه چیز تواناست (۳۹)

کسانی که در آیات ما انحراف میورزند کارشان از دید ما مخفی نیست. آیا کسی که در آتش انداخته میشود بهتر است یا کسی که در روز قیامت با ایمنی وارد میشود؟

ای پیامبر! به آنان بگو هر چه میخواهید انجام دهید که خداوند به آنچه میکنید بیناست (۴۰)

کسانی که به این قرآن که بسویشان آمده کفر میورزند چه زیانکارند! در حالیکه آن کتابی ارجمند است (۴۱) باطل را در آن راهی نیست. چه در آینده و چه در گذشته. فرو فرستاده ای از جانب خداوند فرزانه ستوده است (۴۲)

ای پیامبر! این کافران به تو چیزی نمیگویند جز آنچه که به پیغمبران قبلی میگفتند. البته پروردگارت صاحب بخشش است و صاحب پیگیری دردناک هم هست (۴۳)

و اگر آن قرآن را خواندنیی به زبانی غیر از زبان این مردم قرار داده بودیم میگفتند چرا آیه های آن تفصیل و جداسازی نشده؟ آیا برای عرب زبان کتابی به زبان دیگر

آورده ای؟ بگو این قرآن برای مومنان مایه هدایت و شفا است. و کسانی که ایمان نمی آورند در گوش هایشان سنگینی هست. و همین قرآن مایه کوردلی آنهاست و نمیتوانند با آن ارتباط برقرار کنند گویی که از مکانی بسیار دور فرا خوانده میشوند (۴۴)

و البته به موسی نیز آن کتاب آسمانی را دادیم اما در آن اختلاف شد و اگر قبلاً کلمه ای از جانب پروردگارت که عقوبتشان به تاخیر بیفتد صادر نشده بود حتماً نابود میشدند و البته کافران درخصوص قرآن نیز در شکی بزرگ اند (۴۵) کسی که عمل شایسته کند به نفع خود کرده و کسی که بد کند به ضرر خود کرده و خداوند نسبت به بندگان خویش ظالم نیست (۴۶)

فصلت ۷ آیات ۴۷ تا ۵۴

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَطُنُوا مَا هُمْ مِنْ حَيِّصٍ ﴿٤٨﴾ لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُوسٌ قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَطُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَرَّيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿٥٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر برای بی توجهی به الطاف الهی و بی توجهی به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشی و اصرار کافرانه می شود.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: یکی از علل مهم کفر کافران توجه نکردن به شمول علم الهی و نیز شمول و اهمیت قیامت و نیز بی توجهی به حق مطلق بودن قرآن است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْذَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ مُجِيبٍ ﴿٤٨﴾

ریزدرب: کافران در قیامت کفرشان را انکار میکنند

۲

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَكِنْ أَدْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لِيَقُولَ هَذَا لِي وَمَا أَطَّلَ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَكِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْخُسَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اکثر انسان ها در باره رفتارهایشان خیلی هم قابل نکوهش نیستند، کمی حوصله کن درست میشود

۳

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! علی الحساب با زبان استدلال با اینها صحبت کن

۴

سُورِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! بزودی کارت به نتیجه میرسد و معادلات تغییر میکند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ کافران معاصر را که به نعمت عظیم قرآن اهمیت نمیدادند و بر روش خویش اصرار می ورزیدند نکوهش میفرماید و ضمناً گوشه‌ای از لجبازی کافران را ذکر و به پیامبر (ص) توصیه میکند که آنها را به عاقبت‌شان و نیز عاقبت مؤمنان توجه دهد.

در پاراگراف ۲ می فرماید که ای پیامبر! به کافران بگو شما دارید به چنین خدائی کفر می‌ورزید؟

در پاراگراف ۳ می فرماید قوم عاد و ثمود لجبازی و مخالفت عامدانه را در پی گرفتند و در این جهان به عذاب هلاکت دچار شدند و عذاب اخروی شان هم سر جای خودش هست.

در پاراگراف ۴ شرحی میدهد که عاقبت اخروی این قبیل افراد چگونه خواهد بود و رفتار پسندیده نجات‌بخش این است که شخص علناً خود و دیگران را بسوی خدا بخواند و در این راه استقامت کند.

در پاراگراف ۵ می فرماید ای پیامبر! رفتار بد (مخالفت) را به بهترین شیوه دفع کن.

در پاراگراف ۶ میفرماید به قدرت خداوند توجه کنید و از عبادت غیر او روی بگردانید و نیز ای پیامبر! از رفتارهای کافران و مکذبان آنها ناراحت مباش و به ما واگذار.

در این پاراگراف می فرماید علم الهی فراگیر است و اکثریت انسان‌ها کم ظرفیت و دارای شخصیت ضعیف هستند و کفر به قرآن هولناک است و آنها بزودی شاهد علامت‌هایی خواهند بود که برایشان روشن خواهد شد که قرآن حق است.

۴ - سوالات

- ۱ - چه سابقه ای برای مفهوم آیه ۴۸ سراغ دارید؟
- ۲ - چرا در آیه ۴۷ فرموده «آلیه یرد»؟ (کنترل زمان؟ کنترل پروژه؟ یا....؟)
- ۳ - در آیه ۴۷ در باره علم خداوند چهار مورد را به عنوان نمونه ذکر فرموده:
علم ساعت (قیامت)، میوه ها که از پوسته ها بدرمی آیند، حمل حامله ها، وضع حمل،
غیر از قیامت، سه مورد دیگر به تکوین حیات و زایش مربوط میشود. از این طرز بیان
چه نتیجه ای گرفته میشود؟ (قیامت نیز نوعی زایش است؟ این جهان و موجودات آن،
دستجمعی، درحالت «جنینی» هستند و بالاخره، همگی، در یک فرایند «زایش»،
حالت بالاتر و تکاملی تر پیدا خواهند کرد؟ یا....؟)
- ۴ - کلمه «یرد» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۵ - عبارت «این شرکائی» چه نوع از کلام است؟ (کنایه؟ طنز؟ یا....؟)
- ۶ - موضوع آیه ۴۸ مربوط به چه ظرف زمانی است؟
- ۷ - «انسان» (آیه ۴۹) به چه معنی است؟ (همه؟ اکثریت انسان ها؟ یا....؟)
- ۸ - «دعاء» یعنی چه؟ (درخواست؟ جلب؟ طلب؟ یا....؟)
- ۹ - «هذا لی» (آیه ۵۰) یعنی چه؟ (این بخاطر لیاقت خودم است؟ یا....؟)
- ۱۰ - خطای فکری اکثریت انسان ها در کدام آیه و کجا خود را نشان میدهد؟
- ۱۱ - با توجه به آیه ۵۰، اکثریت انسان ها وجود خداوند را اجمالا قبول دارند و راجع
به آخرت مطمئن نیستند. محل این نتیجه گیری را مشخص کنید.
- ۱۲ - خطای فکری اکثریت انسان ها (باتوجه به آیه ۵۰) دقیقا در کجاست؟
- ۱۳ - خطای فکری مذکور (باتوجه به همان آیه) چه نام دارد؟
- ۱۴ - مثال هائی برای «آیات» در «آفاق» و در «انفس» (آیه ۵۳) بیاورید.
- ۱۵ - با توجه به آیه ۵۲ منظور خداوند از نشان دادن آن آیات چیست؟ (حقانیت
قرآن؟ حقانیت پیام قرآن؟ یا....؟)

۱۶ - برای «لقاء رب» چه سابقه ای در سوره های قبلی سراغ دارید؟

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۵۳ وعده میدهد آیاتی از حقانیت را چه در زمینه آفاقی و چه زمینه انفسی ارائه خواهد نمود که این خیلی زود درست در آمد و آیه انفسی در فتح مکه که مردم دستجمعی مسلمان شدند واقع شد، و نمونه ای از آیات آفاقی این بود که اسلام از محدوده مکه خارج شد و قلمروهای جغرافیایی بزرگی را به زیر نگین درآورد.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

در آیه ۵۲ ، «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» شرح طولانی داده و مطالبی فرموده که اگر بخواهیم به آنها بپردازیم طولانی خواهد شد و خلاصه اش این است که بی سلیقه‌گی تفسیری بکار برده

صریح مطلب این است که در آیه فرموده بزودی آیاتی در افق ها و در نفس های خودشان به آنها نشان خواهیم داد که برایشان روشن شود که آن حق است .

این اتفاق در فتح مکه افتاد که بهترین مصداق بزودی است، و اما آیاتی که در افقها افتاد زیاد است: هجرت، جنگ بدر، جنگ خندق، جنگ خیبر، و بالاخره فتح مکه. و آیاتی که در نفس هایشان اتفاق افتاد ایمانی است که آوردند که این قرآن حق است.

حالا این بیان ما را مقایسه کنید با آن فرمایشات طولانی و نا موفق مربوط و خودتان نتیجه لازم را بگیرید.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۴۷ و آیات ۴۹ تا ۵۱ و ۵۳ و ۵۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است. یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۸ - آیات مشکل

آیه ۵۳ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آن نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۴۷ و ۴۸ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران بزرگ هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، از لحاظ تحت اللفظی تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند! یعنی ما و مخاطبان اولیه، از لحاظ تحت اللفظی، این آیات را تقریباً یکجور می فهمیم.

۸

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

در این پاراگراف می‌فرماید علم الهی فراگیر است و اکثریت انسان‌ها کم ظرفیت و دارای شخصیت ضعیف هستند و کفر به قرآن هولناک است و آنها بزودی شاهد وقایعی خواهند بود که علامت‌هایی است که برایشان روشن خواهد شد که قرآن حق است.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

تمام فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است، غیر از دو آیه ۵۳ و ۵۴.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۵۰ فرع است بر آیه ۴۹، و نیمه دوم آیه ۵۱ فرع بر نیمه اول همان آیه.

به زبان مخاطب

«شر» در اینجا بمعنی «آنچه انسان آنرا برای خود شر می‌پندارد» است.
«خیر» نیز همچنین، یعنی «آنچه انسان آنرا برای خود خیر می‌پندارد» است، و «خیر» منحصر در مال نیست.

علم خدا و قیامت

«علم» خدا شبیه علم ما نیست.
علم ما یعنی «دانستن» و «اطلاع یافتن» است اما علم خدا از فعل او جدا نیست، و «ساعت» یعنی قیامت. و «علم قیامت به او برمی‌گردد» یعنی وقوع قیامت به اراده خداوند بستگی دارد.

مثالی که درباره قیامت زده درباره نحوه تولید و تولد میوه‌ها و انسانهاست و این نکته را به ذهن ما می‌آورد که قیامت و جهان آخرت نیز فعلاً در حالت جنینی است و هنوز

«رسیده» نشده و وقتیکه «برسد» متولد خواهد شد.

مخاطب خود را بشناس

این پاراگراف درصدد جا انداختن این مطلب برای آنحضرت است که مخاطب های تو بالاخره انسانند و انسان هم اینطوری است، و تو نباید از آنها به اندازه خودت توقع داشته باشی، پس حوصله بیشتری بخرج بده و حرص و جوش کمتری بخور.

آفاق و انفس

مفسران در باره آیه ۵۳ حرفهای عجیب و غریب زده اند، و گرچه ممکن است در جای خویش (یعنی به عنوان یک مقاله دینی) درست باشد اما به عنوان تفسیر درست نیست، زیرا موضوع علم تفسیر ظاهر آیات است، و انصافا اگر ظاهر آیه ۵۳ را مرور کنید چه می بینید؟

۱ - سریعا اتفاق افتادن یک وعده (یا مژده) («س» در سنریهم)

۲ - آیات آفاقی، که عبارت باشد از آیاتی که در فیزیک این جهان روی خواهد داد (به عنوان بزرگترین آنها خود حماسه هجرت و پیروزی بدر و فتح مکه و پیشرفت های حیرت انگیز اسلام در مدتی اندک را میتوان نام برد (که اگر بخواهیم میتوانیم خیلی در این باره بگوئیم اما با توجه به کیفیت مخاطب پرگوئی لازم نیست)

۳ - آیات انفسی، که عبارت باشد از تغییراتی که در ذهنیت همگان راجع به آنحضرت و قرآن و اسلام حادث میشود (مثلا کفار وقتیکه میخواستند به آنحضرت اشاره کنند اگر خیلی لطف بخرج میدادند میگفتند «یتیم ابوطالب، حالا مجنون و کذاب و شاعر و کاهن و ... را ندید میگیریم) اما، پس از فتح مکه به او چه میگفتند؟!!!

۴ - خود وعده یا مژده هم این بود که برای عموم کافران روشن شود که این قرآن حق است، که البته چون این خیلی واضح است، زیرا در همان فتح مکه، این یک قلم را، بعلاوه خیلی اعتقادات دیگر، پذیرفتند، شرحی نمیدهیم.

اما حالا بروید تفسیر های ذیل این آیه را بخوانید و ببینید چه ها فرموده اند و چه طول و تفصیلی داده اند و همه اش هم؟!

ترجمه تفسیری آزاد

علم مربوط به قیامت مختص خداوند است و بسوی او برمیگردد ، و همچنین است که هیچ میوه ای از پوسته خود بیرون نمی آید مگر به علم او، و هیچ ماده ای حامله نمیشود و وضع حمل نمی کند مگر به علم او، و روزی که در روز قیامت کافران را ندا کند که شریکان من کجا هستند میگویند اعلام می کنیم که هیچیک از ما در این مورد شهادتی نداریم (۴۷) و آنچه که به دعا شریک خداوند میخواندند، از خاطرهایشان محو میشود و می فهمند گریزگاهی ندارند (۴۸)

انسان از درخواست خیر خسته نمیشود و اگر شری به او برسد فوراً نومید و مأیوس میشود (۴۹) و اگر از پس سختی که به او رسیده رحمتی از جانب خویش به او بچشانیم خواهد گفت این از آن خودم است و فکر نمی کنم قیامت بپا شود و اگر هم بسوی پروردگارم برگردم البته وضع خوبی خواهم داشت. پس البته کافران را از اعمالشان خبر خواهیم داد ، و از آن عذاب پرغلظت به آنان خواهیم چشانند (۵۰) و هنگامیکه به انسان نعمتی دادیم روی بر میگرداند و دوری میکند و وقتیکه شری به او رسید دعاهای طولانی میکند (۵۱)

بگو چه نظری دارید اگر این قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید؟ چه کسی گمراه تر خواهد بود از کسی که از حقیقت بسیار دور افتاده باشد؟ (۵۲) ای پیامبر! بزودی آیاتمان را درافق ها و همچنین در وجود خودهاشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان محقق شود که آن مطالبی که قرآن مبلغ آنهاست حتماً حق

است. آیا کافی نیست که پروردگارت به هر چیزی گواه است؟ (۵۳)

ای مومنان! آگاه باشید که آنها نسبت به لقاء پروردگارشان در شکی هستند و آگاه
باشید که خداوند به هر چیز احاطه دارد (۵۴)

سوره جاثیه

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

حم ﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۵﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾ وَبَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿۷﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۸﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ هُمُ عَذَابُ مُهِينٍ ﴿۹﴾ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰﴾ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ هُمُ عَذَابُ مَنْ رَجَزٍ أَلِيمٍ ﴿۱۱﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْزِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۳﴾ قُلِ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۴﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿۱۵﴾

درس: نکوهش کافران که به آیات و نعمت های الهی لجبازانه و مصرانه کفر می‌ورزند.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را

میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقاً دیده میشود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه ای از آیات و نعمت های الهی بسیار واضح و فراگیر که مورد کفران کافران قرار می گیرد و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

حم ﴿۱﴾

ریز درب:

۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾

ریز درب: این قرآن صد درصد حق است

۳

إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۵﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قُبَائِيَ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾

ریزدرب: ای مردم! به این آیات لطف و عظمت الهی که از بس به آنها عادت کرده اید از یاد موجد آنها غافلید، توجه کنید و به یاد صاحب آنها بیفتید

۴

وَيَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٧﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنْزِلُ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٨﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ هُمُ عَذَابُ مُهِينٍ ﴿٩﴾ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠﴾ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ هُمُ عَذَابُ مَنْ رَجَزَ أَلِيمٌ ﴿١١﴾

ریزدرب: ای مومنین! به ایمان تان بچسبید و تحت تاثیر اینان قرار نگیرید

۵

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْزِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٣﴾

ریزدرب: ای مردم! به این آیات لطف و عظمت الهی که از بس به آنها عادت کرده اید از یاد موجد آنها غافلید، توجه کنید و به یاد صاحب آنها بیفتید

۶

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به پیروانت بگو علی الحساب به ایمان خویش بچسبند و کار مخالفان شان را به خداوند واگذارند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - چرا خداوند از بین صفات خویش در آیه ۲ آن دوصفت را مرجح فرمود؟
- ۲ - آیا کلمه «آیات»، در آیه ۶، هم معنی است با همان کلمه در آیه های ۳ و ۴ و ۵؟
- ۳ - منظور از «اختلاف» (آیه ۵) چیست؟
- ۴ - در آیه ۳ چند تاکید وجود دارد؟
- ۵ - کلمه «موت» (آیه ۵) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۶ - آیا موضوع آیات ۸ و ۹ یک نفر است یا چند نفر؟ (به چه دلیل؟)
- ۷ - «هذا» (آیه ۱۱) اشاره به چیست؟ (قرآن؟ این سوره؟ این پاراگراف؟ یا...؟)
- ۸ - سوال فوق را راجع به «هذا هدی» (آیه ۱۱) جواب دهید.
- ۹ - کلمه «فبشّره» در اینجا (آیه ۸) چه نوع از کلام است؟ (استعاره؟ طنز؟ یا...؟)
- ۱۰ - چرا در آیه ۹ بجای «عِلْم» نفرموده «سَمِع»؟
- ۱۱ - عبارت «جمیعا منه» (آیه ۱۳) با موضوع کدام کلید تفسیر منطبق است؟
- ۱۲ - با توجه به کلید های تفسیر، معنی «یغفروا» (آیه ۱۴) چیست؟
- ۱۳ - «لیجزی.....» به «ایام الله» متصل است یا به «یغفروا»؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۷ تا ۹ چنین فهمیده میشود که فعالان کفر از لحاظ شخصیتی بسیار فرومایه بوده اند، دروغزن و معتاد به گناه و اصرارگر و خود بزرگ بین و برتری طلب و مسخره کن حق.

از آیه ۱۴ فهمیده میشود روانشناسی و روحیه پیروان آنحضرت بسیار بالا بوده و خیلی آمادگی داشتند که با نیروهای مخالف درگیر شوند که آیه با استدلال آنها را آرام میکند.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان): غرض این سوره دعوت عموم بشر است به دین توحید، و پرهیز از عذابی که از آن انذار می‌کند.

غرض این سوره که ما آن را «درس» می‌نامیم و از راه محاسبه استخراج کرده ایم این است: «کافران بی توجه به افعال و صفات الهی، عامدان و مصرّانه، با پیامبران لجبازی و مخالفت میکنند»

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۱۴ به آنحضرت توصیه میکند به پیروانش بگوید نسبت به مخالفان نظر مدارا داشته باشند، و از اینجا نوعی نوید فهمیده میشود که مخالفان همینطور مسلط نمی‌مانند و شما برنده خواهید بود و این پیشگویی درست در آمد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۷ تا ۹ و آیه ۱۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است. یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از

مشهور های آیات قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه.
آیه های ۱۰ و ۱۱ و ۱۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.
آیه های ۱۲ و ۱۳ از این لحاظ که به خلق و امر اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه!
در عین حال کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته، و لذا از لحاظ تحت اللفظی آنها هم همان تلقی را دارند که ما.

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - ذکر برخی آیات الهی
- ۲ - ذکر صفات برخی از فعالان کفر
- ۳ - توصیه ای که به مومنان نموده که با این کافران عجالتا مدارا کنید و اینکه اوضاع اینطور ها هم نمی ماند.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیات ۱ و ۲ و ۳ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۵، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

کل آیات ۷ تا ۱۱ پرانتری است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن بسته و قبلش را به بعدش وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکنه خواهد بود.

ذکر مصادیق افاده حصر نمی‌کند

در این پاراگراف آیات زیادی را برشمرده، باید توجه داشته باشیم که اینها همه اش گوشه کوچکی از آیات لطف و قدرت و نعمت الهی است که ما آنقدر به آنها عادت کرده ایم که از توجه به موجد و ممدد آنها غافلیم.

تناسب «آیه بودن» آیات با کیفیت «ناظر»

در این پاراگراف «آیه» هائی را ذکر فرموده، و سپس برخی را برای بعضی از مردم، و برخی دیگر را برای بعضی دیگر، آیه دانسته است.

مثلاً مطالب مندرج در آیات ۳ و ۴ و ۵ بسته به نوع مخاطبش که به ترتیب مؤمنان و یقین‌داران و عقل‌داران است، حاوی «آیه» است.

بعبارت دیگر، آیه ۵ حاوی مطالبی است که «آیه» بودن آنها واضح است و عده زیادتری متوجه «آیه بودن» آنها می‌شوند، ولی آیه ۳ برای مؤمنان این حالت را دارد و آیه ۴ برای یقین‌داران.

باد و باران و تقدیر روزی‌ها و زنده شدن زمین، چیزهائی است که اگر آدمی راجع به آنها تعمق و تعقل کند، در آنها «آیه» می‌بیند.

اما آیه‌های ۳ و ۴ حاوی مطالبی هستند که آنها هم «آیه» هستند اما برای کسانی که سطح آمادگی‌های ایمانی آنها بالاتر است.

گفتمان جدیدی که دارد پرنگ هم میشود

این روزها در باره محیط زیست این گفتمان مطرح است - و روز به روز هم دارد پرنگ تر میشود - که چه معنی دارد که بشر این تصور را دارد که ارباب دنیاست، نه، بلکه بشر هم مانند سایر موجودات عنصری از عناصر این جهان است و برتری بر حیوانات و گیاهان ندارد و حق او - مثلاً - از این جهان بیش از گوزن‌ها و ماهی‌ها و درختان نیست. آیه ۱۲ جواب آنهاست.

خداوند کلیه عناصر این جهان را برای تمتع بشر قرار داده و مطابق آیه ۱۳ این امر فقط به زمین محدود نمیشود بلکه آسمانها را نیز شامل میشود، گرچه فعلاً علم و قدرت بشر در حدی نیست که به عناصر آسمانها دست دراز کند اما علم و قدرت بشر محدود به همین چیزی که تا امروز به آن دست یافته نیست، و در آینده به علم و قدرتی خواهد رسید که ژول ورن ترین اشخاص امروزی هم تصورش را نمیتوانند کنند.

روزهای خدا

«ایام الله» (= روزهای خداوند) در فرهنگ قرآنی به روزهایی گفته میشود که در آن روزها اتفاقاتی می‌افتد که خداوند را بیشتر از سابق بیاد مردم می‌آورد. مثلاً روزهایی که برخی از وعده‌های الهی تحقق یابد، یا نعمت‌های خاصی بروز و ظهور پیدا کند و امثال آن.

مثلاً روز فتح مکه که یکی از پر بسامدترین وعده‌های الهی تحقق یافت یوم الله بود. یا مثلاً روزی که فرعونیان غرق و بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) نجات یافتند، یا مثلاً روزی که حضرت ابراهیم از آن آتش مشهور نجات یافت، و غیره و غیره.

همگی اینها ایام الله است.
آیه ۱۴ به پیامبر(ص) توصیه می‌کند مسلمانان را به مدارا با مخالفانشان ترغیب نماید.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم(۱)

ای پیامبر! فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند عزتمند حکیم است (۲)

البته در آسمانها و زمین آیاتی برای مومنان است (۳) و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان که پراکند، آیاتی برای یقین داران است (۴) و در گردش شب و روز، و روزی که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را زنده نموده و گرداندن باده‌ها، آیاتی برای صاحبان عقل است (۵) این آیات خداست که بر تو میخوانیم و این کافران بعد از خدا و آیاتش به چه چیز ایمان می‌آورند؟ (۶)

وای بر هر دروغزن گناه پیشه ای (۷) همان کسانی که وقتی آیات خدا را که بر آنان خوانده میشود، می‌شنوند گردنفرزانه بر همان رفتارهای غلط خویش اصرار می‌ورزند مثل اینکه اصلاً آن آیات را نشنیده اند، لذا ای پیامبر! فعلاً آنها را به عذابی دردناک مژده شان ده (۸) آنها اینطورند که اگر هم از آیات ما چیزی بدانند به مسخره اش میگیرند و عذابی خفت بار خواهند داشت (۹) پیش رویشان جهنم است و نه چیزی که بدست آورده اند و نه دوستان غیر خدائی که پیدا کرده اند فایده ای برایشان نخواهند داشت (۱۰)

ای مردم! این قرآن هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شده باشند عذابی از شکنجه دردناک خواهند داشت (۱۱)

خداوند همان است که دریا را برایتان رام کرد که به امر او در آن کشتی میرانید و از فضلش در آن میجوئید و شاید سپاس گوئید (۱۲) و آنچه را که در آسمانها و زمین است، که همه از اوست، همگی را رام شما کرد. البته در این برای مردمی که اهل تفکرند آیاتی هست (۱۳)

ای پیامبر! به مومنان بگو با کسانی که امید به روزهای ظهور آیات خاص خدا ندارند مدارا کنند، تا خداوند به وقتش کسانی را برای آنچه انجام میدهند کیفر دهد (۱۴) هر کس عمل صالح کند بنفع خویش کرده و هر کس بد کند نیز همچنین. آنگاه بسوی پروردگار تان باز میگردید (۱۵)

جاثیه ۲ آیات ۱۶ تا ۲۰

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَزَكَّيْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِمَّن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يَغْنَوْا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که به آیات و نعمات الهی لجبازانه و مصرانه کفر می ورزند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر اینک که با چنین مخالفانی روبروهستی در کاررسالت خویش با توجه به این نکات ثابت و محکم باش.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَزَكَّيْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِمَّن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾

ریزدرب: بنی اسرائیل قدر نعمت ها را ندانستند و خلاف کردند و به اینجا رسیدند

۲

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَنُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَبَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اینک تو و امتت در جایگاه عالی هستید، کاری کنید که مستحق سقوط نگردید

۳

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾

ریزدرب: ای مردم! چشم باز کنید و مایه های بینائی را در این قرآن بیابید و چنان نشوید که بنی اسرائیل شد

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به نمونه ای از آیات و نعمت های الهی بسیار واضح و فراگیر که مورد کفران کافران قرار می گیرد اشاره میفرماید و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

در این پاراگراف: ای پیامبر! راه خویش را (که راه کتاب و حکم و نبوت و است) برو و مبدا به چیز دیگر توجه کنی.

۴- سوالات

- ۱- «امر» (آیه ۱۷) « امر نبوت حضرت موسی (ع) » است یا بطور کلی «امر نبوت»؟
- ۲- «اختلاف» مورد اشاره آیه ۱۷، اختلافات گوناگون یهودیان پس از حضرت موسی (ع) است یا اختلاف در پذیرش دعوت پیامبر (ص)؟
- ۳- «امر» در آیه ۱۸ به چه معنی است؟
- ۴- «الذین لا يعلمون» (آیه ۱۸) اشاره به چه کسانی دارد؟ (مشرکان معاصر؟ آنها بعلاوه یهودیان؟ یا...؟)
- ۵- منظور از «علم» (آیه ۱۸) چیست؟
- ۶- نیمه دوم آیه ۱۹ چه حالتی دارد؟ (تشویق به توکل؟ روحیه دادن به مومنان؟ یا...؟)
- ۷- منظور از «هذا» (آیه ۲۰) چیست؟ (همین مطلب اخیر؟ کل مطالب این سوره؟ کل قرآن؟)
- ۸- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزش پیامبر؟ یا...؟)
- ۹- «عالمین» (آیه ۱۶) به چه معناست؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه های ۱۴ و ۱۵ فهمیده می شود به مسلمانان ضمن سفارش مدارا با کفار و مشرکان، امید بهروزی می دهد (آخر آیه ۱۴ و ابتدای آیه ۱۵)

کلمه «امر» در آیه ۱۷، اگر در شعاع آیه ۱۸ دیده شود. به معنی نبوت است. ضمناً اینکه در آیه ۱۶ فرموده به بنی اسرائیل کتاب و حکم و نبوت دادیم، نوعی انتقاد از آنهاست که آنها علیرغم این نعمتهای بزرگ رفتار مناسب نشان ندادند. در هر حال این قطعه (آیات ۱۴ تا ۱۹) موضع سرزنش یهودیان را دارد که علیرغم اینکه حقانیت رسول خدا (ص) برایشان معلوم و محقق بود انکار میکردند و همچنین حاوی آموزش به آنحضرت است که نه به این مطلب و نه به اینان چندان اهمیتی مده. همچنین با دقت در این پاراگراف فهمیده میشود ریشه و عصاره و چکیده همه ادیان الهی یکی است.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۱۸ ضمن تایید آنحضرت تلویحا او را برنده و ماندگار معرفی میفرماید، و چنانکه واقعیت های تاریخی نشان میدهد چنین نیز شد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است. آیه ۱۸ در بین آیات قرآنی شهرتی نسبی دارد که آن را در زمره آیت برجسته قرار میدهد.

۸ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذهنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیه ۱۷ از این لحاظ که مربوط به اقوامی است که در قبل از تاریخ بوده اند، و علم باستان شناسی آنقدر رشد نکرده که ما از احوال آنها مطلع باشیم، برای ما نیز روشن نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه این آیات.

همچنین آیه ۱۷ «قیامتی» هم هست، و هیچ بنی بشری تجربه اش را ندارد، و قبل از قیامت نخواهد داشت، لذا، چه در آن روزهای نزول وحی و چه الی یوم القیامه بالاتر از ذهنیات بشر خواهد بود.

۹ - معاصران نزول این سوره از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

از آنجا که کلماتی که در این متن قرآنی بکار رفته، در این چهارده قرن، تغییر معنائی نیافته، معاصران نزول نیز، همان تلقی را، از لحاظ تحت اللفظی، میداشته اند که ما.

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیه به آنحضرت که با توجه به اینکه مخالفانش نمیتوانند مشکل جدیی برایش فراهم نمایند ثابت و محکم باشد و کار رسالتش را بطور محکم پی بگیرد.

۱۱ - این پاراگراف حاوی چه رهنمودی برای بشر قرن بیست و یکمی است؟

در سرنوشت بنی اسرائیل بنگرید و ببینید چه بودند و چرا به اینجا رسیدند و شما عبرت گیرید و آن خلاف ها را نکنید تا مجبور به سقوط نشوید.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۶ که در سوره دخان سابقه ای دارد، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

بقیه آیه ۱۷ فرع است بر ۴ کلمه اول همان آیه و این واضح است

آیه ۱۹ فرع ایت بر ۱۸ و این هم واضح است.

دریافت های مستقیم و کوتاه

آیه ۲۰ میگوید در قرآن «بصائر»ی هست، اما هرکسی نمیتواند متوجه آنها بشود، و فقط دارندگان یقین (به خداوند، آخرت، صداقت آنحضرت و...) میتوانند.

فعل خداوند قانونمند است

«فضلناهم» (آیه ۱۶) و «أتیناهم» (همان آیه) را در چارچوب تیترا فوق ببینید و تعلیل کنید و بگوئید آیا در جهت لیاقت شان بوده یا در جهت امتحانشان؟

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! و البته به بنی اسرائیل کتاب و حکم و پیامبری دادیم و ازچیزهای پاکیزه روزیشان نمودیم و آنها را بر مردمِ معاصرشان برتری دادیم (۱۶) و نیز دلایل روشنی درباره آن امر نبوت که مایه برتریشان بود به آنان دادیم، اما، قدر ندانستند و اختلاف کردند و اختلاف هم نکردند مگر پس از اینکه آن علم بسویشان آمده بود و اختلافشان هم بعلت تجاوزی بود که به حقوق یگدیگر میورزیدند و البته پروردگارت بین آنها درباره موضوع مورد اختلافشان در روز قیامت داوری خواهد نمود، و در هر حال موقعیتِ عالی شان را از دست دادند (۱۷) آنگاه تو را از آبخوری از امر وحی و دین برخوردار کردیم، پس پیرویش کن و از امیال کسانی که علم ندارند پیروی مکن (۱۸) آنها در قبال خداوند نمیتوانند برایت کاری کنند و ظالمان، بعضی شان دوستان بعضی دیگرند اما خداوند دوست مومنان است (۱۹) این، متضمن بصیرت هائی و هدایتی و رحمتی است، اما، فقط یقین داران از آن مایه های بصیرت استفاده میکنند (۲۰)

جاثیه ۳ آیات ۲۱ تا ۲۷

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا تُنْذِلَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ يُخَيِّصُكُمْ ثُمَّ يَمْيِكُكُمْ ثُمَّ يُجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُطْبُورُونَ ﴿٢٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که به آیات و نعمات الهی لجبازانه و مصرانه کفر می ورزند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ذکر اشتباه فکری کافران که به سبب آن، آن رفتارهای مورد نکوهش از آنان دیده میشود، و ای پیامبر! توجه آنان را به موقعیت خداوند و عاقبت اخروی اینان جلب کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾

ریزدرب: ای مردم! ترجیح سیئات به بدعاقبتی می انجامد

۲

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَتَجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

ریزدرب: ای مردم! ترجیح سیئات به بدعاقبتی می انجامد، زیرا آسمان و زمین بر اساس حق کار میکنند

۳

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَحَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّمَرُ وَمَا هُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا تُثْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوْا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! برخی مشکلات فکری مخالفات اینها است

۴

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ مُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِذُ الْمُضْطَلُّونَ ﴿٢٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به مقتضای وظیفه ات عمل کن و این تذکرات را بده

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به نمونه ای از آیات و نعمت های الهی بسیار واضح و فراگیر که مورد کفران کافران قرار می گیرد اشاره میفرماید و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

در پاراگراف ۲: ای پیامبر! راه خویش را که راه کتاب و حکم و نبوت و است برو و به چیز دیگر توجه مکن.

در این پاراگراف میفرماید: اینکه باید بین رفتار صحیح و غلط فرق گذاری شود، یکی از قوانین اساسی است که از خود آفرینش مایه گرفته است و کافران سخن باطل بی دلیل میگویند و ای پیامبر! توجه آنان را به آفرینش، و خداوند، و عاقبتشان، جلب کن.

۴- سوالات

- ۱- کلمه «محیا» (آیه ۲۱) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۲- ظرف زمانی آیه ۲۲ چیست؟ (دنیا؟ آخرت؟ هر دو؟ یا...؟)
- ۳- کلمه «حق» چه نوع از کلام است؟ (استعاره؟ کنایه؟ یا...؟)
- ۴- استفهام آیه ۲۱ از چه نوع است؟ (تحقیقی؟ تقریری؟ انکاری؟ یا...؟)
- ۵- «اجترحو» (آیه ۲۱) از لحاظ لغوی به چه معنی است (ترجیح دادند؟ یا...؟)

- ۶ - در باره دو گروه مطرح در آیه ۲۱ می فرماید در زندگی و موت مساوی نیستند، در این باره چه مثال هائی می‌توانید بزنید؟
- ۷- آیا منظور از ممات، خودِ مکانیزم ممات است یا جریانِ پس از آن (دلیل بیاورید)
- ۸ - عمد و اصرار کافران را در کدام موضع از دو آیه ۲۱ و ۲۲ می بینید؟
- ۹ - منظور از «أَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ» (آیه ۲۳) چیست؟ (علیرغم علمی که داشتند گمراه شدند؟ یا؟)
- ۱۰ - کلمه «بینات» (آیه ۲۵) با کدام کلید تفسیر متناسب است؟
- ۱۱ - کلمه «اله» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۲ - وضعیت «و ما لهم بذلك من علم» با کدام کلید تفسیر منطبق است؟
- ۱۳ - فاعل فعل «ختم علی . . .» کیست؟ (خداوند؟ سیستم های مستقر درجهان؟ یا . . ؟)
- ۱۴ - «لاریب فیه» (آیه ۲۶) با موضوع کدام کلید تفسیر متناسب است؟
- ۱۵ - کلمه «ساعه» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۶ - چه تأکیدی در آیه ۲۷ ملاحظه میکنید؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

عده زیادی از مخالفان پیامبر(ص) «دهری مذهب» (که به زندگی پس از مرگ هیچ اعتقادی ندارند) بودند (آیه ۲۴)

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

صلابت و اطمینانی که در دو آیه ۲۶ و ۲۷ ظاهر است، تلویحا وعده موفقیت آن حضرت را در خویش دارد، که موفقیت های بعدی آنحضرت (فتح مکه و . .) نشان از تحقق آن وعده و پیشگویی دارد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیه های ۲۱ تا ۲۶ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

۱ - ذکر اشتباه فکری کافران که به سبب آن، پس از مرگ این جهانی هیچ نوع حیات را قبول نداشته و لذا ترجیحی بین مومن و صاحبان عمل خوب بر غیر آنان قایل نبودند، و لذا آن رفتارهای مورد نکوهش از آنان دیده میشد،
۲ - تذکر به آنحضرت که توجه آنان را به موقعیت خداوند و عاقبت اخروی شان جلب کند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

آیه ۲۱ «اشاره» دارد به مطلبی که بطور تفصیل در انتهای سوره قلم و سپس در انتهای سوره طور دیدیم، و در آیه ۲۲ نیز علت آن را بیان می کند که اساساً آسمانها و زمین بر این اساس آفریده شده که هر چیز در جای صحیح خویش قرار گیرد.
بقیه مطالب پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۲۳ تا ۲۵ «پرانتری» هستند، زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد.

فعل خداوند قانونمند است

آیه ۲۳ را باید با توجه به تیتز فوق بخوانید و مفهوم کلی آن این است که او (آنها) کارهائی کرد (کردند) که لازم شد نظامات و سیستم‌های مستقر شده الهی بر گوش و قلب او (آنها) مَهر زده و بر چشمش (چشمشان) پرده افکنده و او (آنها) را علیرغم علمی که داشت (داشتند) به ورطه گمراهی بیفکنند.

خواسته دل را بجای خدا نشاندن یعنی چه؟

خداوند خود را در سوره ناس، «رب» و «مَلِک» و «إِلَه» نامیده.
«إِلَه» آن جنبه از خصوصیات خدائی است که آدمی نسبت به آن صمیمانه‌ترین رابطه را برقرار می‌کند که همان پرستش باشد و نتیجه‌اش اطاعت بی‌قید و شرط است.
خواسته دل را بجای خدا نشاندن یعنی اینکه آدمی از خواسته دل خویش اطاعت فوری بی‌قید و شرط کند و در این رابطه عقل و منطق را زیر پا بگذارد و اگر دقت کنیم موارد و مصادیق این نوع رفتار را در تاریخ بشری خیلی زیاد می‌یابیم.

ترجمه تفسیری آزاد

آیا آنانکه کارهای زشت را ترجیح میدهند خیال کرده اند آنان را مانند کسانی که ایمان و عمل شایسته دارند از لحاظ زندگی و مرگ یکسان قرار میدهم؟ چه بد حکم میکنند (۲۱) خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده و این نوع تفکر و عمل، با جهان وجود هماهنگ نیست، بلکه، هر کسی مطابق آن حقی که آسمانها و زمین

بر اساس آن آفریده شده اند به سبب آنچه که بدست آورده اند جزا می یابند و هیچ ستمی نخواهند شد (۲۲)

ای پیامبر! آیا کسانی را که امیال خویش را خدای خویش گرفته، و بی چون و چرا از آن امیال پیروی میکنند را دیده ای؟ که همین موضوع علیرغم علمی که دارند گمراهشان کرده و بر گوش و قلبشان مهر زده و روی چشمشان پرده قرار داده؟ فکر میکنی غیر از خدا چه کسی میتواند امثال اینان را هدایت کند؟ به امثال آنان بگو آیا پند نمیگیرید؟ (۲۳)

و میگویند زندگی ما، غیر از همین زندگی این جهانی چیز دیگری نیست، و زندگی میکنیم و میمیریم و جز روزگار نابودمان نمی کند! علمی به این چیزی که میگویند ندارند. فقط یک نوع گمانی است که میکنند (۲۴) و هنگامیکه آیات روشن ما بر آنها خوانده میشود دلیلی ندارند مگر اینکه بگویند پدرانمان را بیاورید اگر راست میگوید (۲۵)

بگو خداوند است که زنده تان میکند آنگاه شما را میمیراند آنگاه در روز قیامت که شکی در آن نیست جمعتان میکند ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۲۶) و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و روزی که قیامت بپا شود در آن روز اهل باطل زیانکار خواهند بود (۲۷)

جاثیه ۴ آیات ۲۸ تا ۳۷

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَانِبَهُ كُلِّ أُمَّةٍ تَدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُنَلَّى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُتَّقِينَ ﴿٣٢﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَخَافَ يَمِيمٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَلِكَ بِأَنكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که به آیات و نعمت های الهی لجبازانه و مصرانه کفر می‌ورزند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: کافران در قیامت متوجه حقایق می شوند و می فهمند چه بد می‌اندیشیدند و چه بد می‌کردند. ای پیامبر! توجه کافران را به نقش خداوند در زندگی آنان جلب کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَانِبَهُ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطَلِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾
ریزدرب: ای مردم! این عاقبت حتمی همگان است

۲

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾
ریزدرب: ای مردم! این عاقبت حتمی مومنان صاحب عمل پسندیده است

۳

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُتَّقِينَ ﴿٣٢﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتِ مَا عَمِلُوا وَخَافَ يَمُومًا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَلِكَ بِأَنكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾
ریزدرب: ای مردم! این عاقبت حتمی کافران بد عمل است

۴

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾
ریزدرب: ای مردم! این خداوندی است که لطفش همیشه شامل احوالتان بوده و خواهد بود

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ به نمونه ای از آیات و نعمت های الهی بسیار واضح و فراگیر که مورد کفران کافران قرار می گیرد اشاره میفرماید و اینکه آنها به دنبال کارهای صالح نیستند و عمدتاً کارهایشان به ضررشان است.

در پاراگراف ۲ میفرماید: ای پیامبر! راه خویش را که راه کتاب و حکم و نبوت و است برو و به چیز دیگر توجه مکن .

در پاراگراف ۳ میفرماید: اینکه باید بین رفتار صحیح و غلط فرق گذاری شود، یکی از قوانین اساسی است که از خود آفرینش مایه گرفته است و کافران سخن باطل بی دلیل میگویند، و ای پیامبر! توجه آنان را به آفرینش، و خداوند، و عاقبتشان، جلب کن.

در این پاراگراف میفرماید: همه مردم در روز قیامت بر مبنای موازین کتاب آسمانی خویش ارزیابی می شوند و به نتایج حاصل از آن میرسند.

ستایش خاص خداوند است که دست نیافتنی فرزانه و شایسته ربوبیت جهانیان می باشد.

۴- سوالات

۱ - کلمه «نستنسخ» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

۲ - موضوع آیه ۳۵ مربوط به چه ظرف زمانی است؟

۳ - در آیه ۳۲ چرا بجای «والساعة» نفرموده «و ان الساعة»؟

۴ - درباره صفاتی که خداوند متعال خود را با آنها معرفی فرموده، دقت و تعمقی نموده و ضمن در نظر گرفتن - همزمان - کلّ سوره، استنباط خود را (راجع به چرائی آن) بیان کنید.

۵ - کلمات غالب این پاراگراف به «چه زبان»ی است؟ (عادی؟ مَثَل؟ یا...)

۶ - به قرینه ۶ کلمه اول آیه ۳۶، «عالمین» به چه معنا است؟

۷ - «ف» در ابتدای آیه ۳۶ چه نقشی دارد؟ (جمع بندی کل مطالب سوره؟ یا...؟)

۸ - چرا در دو آیه آخر، این صفات والای الهی را (مخصوصا «کبریاء» را) ذکر فرموده؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چنین به نظر می آید که در آن زمان، در نزد معاصران نزول این سوره، «به زانو» بودن، یا به زانو نشستن، نوعی حالت بی دفاعی، یا ذلت، داشته (آیه ۲۸) امروز ما (بشر معمولی) برای نسخه برداری، فتوکپی گرفتن و یا عکس برداری را به راحتی درک میکنیم، کسانی که از ماها پیشرفته تر هستند، روشهای دیگری را می شناسند که ما آدم های معمولی فعلا دسترسی نداریم، هر چه باشد، مفهوم «نسخه برداری» برای مردم آن روز ها یک مفهوم آشنا بوده و آنها تصویری از کلمه «نستسخ» (آیه ۲۹) داشته اند.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در دو آیه ۳۶ و ۳۷ با برشماری صفات استعلائی الهی، تلویحا قول و پیشگوئی موفقیت به آنحضرت داده، و لذا این نیز در عداد پیشگوئی های تحقق یافته قابل احصاء است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۲۸ تا ۳۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - کافران در قیامت متوجه حقایق می شوند و می فهمند چه بد می اندیشیدند و چه بد می کردند.
- ۲ - توصیه به پیامبر ص که بازهم توجه کافران را به نقش خداوند در زندگی آنان (اعم از زندگی دنیوی و اخروی) جلب کند.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۵، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۳۳ فرع بر ماقبل است.

امت

کلمه «امت» که در آیه ۲۸ ذکر شده، یعنی کسانی که علاوه بر معاصر بودن، عقاید (و رفتارهای) نسبتاً یکسانی دارند.

این آئین دادرسی ماست

«هذا کتابنا» که در آیه ۲۹ آمده، یعنی «این قانون ما است» و بعبارت دیگر «این آئین دادرسی ماست»

همچنین جمله «نسخه برداری میکردیم»، در همان آیه، اشاره است به آنچه قبلاً در

سوره زلزال (تحت عنوان «تجسد اعمال») و نیز سوره انفطار (نگهبانانی که بر شما گماشته شده) و نیز سوره ق (دو دریافت کننده چپ و راست) و نیز جاهای دیگر دیده‌ایم.

چگونه ممکن است خداوند کسی را فراموش کند؟

«الیوم ننساکم...» در آیه ۳۴ به این معنی است که «امروز با شما طوری رفتار می‌کنیم که انگار شما را فراموش کرده باشیم»، یعنی اینکه (مثلاً) زود بکار شما رسیدگی نمی‌کنیم و لطف خویش را تا حدودی از شما دریغ می‌کنیم.

ما لکم لا ترجون لله وقارا؟

یاد آوری ربوبیت خداوند در آسمانها و در زمین و در انتها ذکر کلمه کبریا (که ذکر آن منحصر به همین سوره است) به این علت میتواند باشد که مشرکان و کافران اهل کتاب به این علت مرتکب این رفتارها میشدند که برای خداوند آن اهمیتی را که باید و شاید قائل نبودند و این چیزی است که در مواضع دیگری از قرآن نیز مذکور است از جمله در آیه ای که در تیتراژ آمده و متعلق به سوره نوح است که نظایر فراوان هم دارد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! در آن روز، هر امتی را می‌بینی که به زانو در آمده اند. هر امتی بسوی کتابشان خوانده میشوند، به آنان خطاب میشود امروز جزای آنچه را که انجام میدادید میگیرید (۲۸) این آیین دادرسی ما است که به حق علیه شما سخن میگوید. البته آنچه را که قبلاً انجام میدادید نسخه برداری میکردیم (۲۹) پس کسانی که ایمان آورده و عمل صالح داشته اند پروردگارشان در رحمتش داخلشان میکند و این همان پیروزی عظیم است (۳۰) اما به کافران خطاب میشود آیا آیاتم بر شما تلاوت نشده که گردنفرازی میکردید و مجرم گشتید؟ (۳۱) و وقتیکه به شما گفته شد که وعده خدا

حق است و شکی درباره قیامت نیست میگفتید قیامت چیست؟ ما آن را جز گمانی نمی‌پنداریم و در راه کسب یقین راجع به آن نیستیم (۳۲) و در چنان موقعیتی، بدی‌های اعمالشان برایشان آشکار شده و آنچه را که مسخره میکردند بر آنها فرود می‌آید (۳۳) و به آنان گفته میشود همانطور که شما دیدار این روز را فراموش کرده بودید ما هم امروز با شما رفتاری میکنیم که انگار شما را فراموش کرده ایم، و جایگاهتان آتش است و یاورانی ندارید (۳۴) و به آنان توضیح داده میشود که این رفتاری که امروز با شما میشود، به آن علت است که آیات خدا را به مسخره میگرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد، پس امروز، از آن نوع رفتاری که با شما میشود، نه خارج میشوید و نه عذرتان پذیرفته میشود (۳۵) و ستایش از آن خداوند است که پروردگار آسمانها و زمین و پروردگار همه جهانیان است (۳۶) و در آسمانها و زمین، بزرگی فقط از آن اوست و همو عزتمند حکیم است (۳۷)

سوره احقاف

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

حم ﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ ﴿۳﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿۵﴾ وَإِذَا خَشِيَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿۶﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۸﴾ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّن الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِع إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۹﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿۱۱﴾ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّنُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَيُخَبِّرَ بِلِأْمِخْسِينٍ ﴿۱۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۳﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر می‌ورزند.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (از راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را

میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از موارد اتمام حجت همین قرآن است، و مبانی فکری کافران به پایه و ناشی از خودبزرگ بینی و بی توجهی به واقعیت های آشکار و لجبازی شان است، و ای پیامبر! اینک که با چنین مخالفانی روبرو هستی چنین بگو و نمونه رفتار و گفتار پسندیده و نتیجه آن را برای کافران بازگو کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

﴿۱﴾ حم

ریزدرب:

۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾

ریزدرب: مطالب قرآن بطور مطلق صحیح است

۳

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ

﴿۳﴾

ریزدرب: آسمانها و زمین بر اساس حق و سررسید معین آفریده و کافران راجع به هشدارها رویگردان میباشند

۴

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ إِنَّتُونِي بَكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! با کافران صحبت مستدل کن، گرچه ممکن است برخی اعتنا نکنند

۵

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْعَمُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به ایرادشان جواب مناسب بده

۶

قُلْ مَا كُنتُ بِدَعَا مِّن الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِن أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ قَامَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به ایرادشان جواب مناسب بده

۷

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾
ریزدرب: ای مومنان دلخوش باشید که کارتان درست و عاقبت تان هم عالی است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - چرا در آیه ۲ نفرموده «هذا تنزیل...»؟
- ۲ - چرا در آیه ۴ فرموده «من الارض» و مثلاً نفرموده «فی الارض»؟
- ۳ - منظور از «کتاب»ی که در آیه ۴ مطرح شده ، چیست؟ (آسمانی؟ یا...؟)
- ۴ - ریشه کلمه «اثاره» در عبارت «اثاره من علم» چیست؟ و برای نتیجه ای که گرفته اید در مورد عبارت مذکور مثالی بزنید.
- ۵ - برای «مایفعل بی و لا بکم» (آیه ۹) چه توضیحی دارید؟ (معلوم نیست چه بر سر من و شما خواهد آمد؟ یا...؟)
- ۶ - منظور از «مثله» (آیه ۱۰) چیست؟ (وصف قرآن که در کتب پیشینان آمده بود

- و برخی از یهودیان از آن مطلع بودند؟ یا...؟)
- ۷ - محور استدلال های آنحضرت در مقابل کفار چیست؟
- ۸ - لجبازی کافران را در کجای این قسمت می بینید؟ (شرح و توضیح)
- ۹ - «لَوْ كَانَ خَيْرًا» (آیه ۱۱) اشاره به چه دارد؟
- ۱۰ - کلمه «خیرا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۱ - آیه ۱۱ کدام ضرب المثل فارسی را به یادتان می آورد؟
- ۱۲ - کلمه «قالوا» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۳ - کلمه «استقاموا» چگونه؟
- ۱۴ - چرا در آیه ۱۳ از «زمان ماضی» استفاده شده؟
- ۱۵ - در آیه ۱۳، خوف از چه؟ (آینده اخروی؟ اعمال خطای گذشته؟ یا...؟) و حزن در باره چه؟ (آینده نامعلوم اخروی؟ خطاهای احتمالی در آینده؟ یا...؟)

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

فعالان کفر در باره آنچه مورد هشدار واقع میشدند رویگردان بودند (آیه ۳) واضح است موضوع هشدار قیامت و آخرت بود، اما این چه ربطی به نفی شرک دارد که در آیات ۴ تا ۶ به آن پرداخته شده؟

چنین به نظر میرسد که هشدار به نوع زندگی شان (که بر اساس عقاید شرک مبتنی بود) مربوط باشد که در آیات ۴ تا ۶ به رد مستدل پایه های آن پرداخته است.

فعالان کفر که تاب دیالوگ اخیر را نداشتند به جاده «تو دروغو هستی» زدند و وحی هم به آنحضرت تقریر کرد که بگو من که در موضوع پیامبری نوظهور نیستم (آیه های ۸ و ۹) و از همین فهمیده میشود که جامعه عرب های مکه اصل پیامبری را قبول داشتند،

فعالان کفر که از طبقات مرفه بودند، رفاه خویش را نتیجه نوعی از محبوبیتی تلقی

میکردند که نزد خداوند دارند (آیه ۱۱) و لذا میگفتند ما که نزد خدا عزیزیم اگر این چیزی که محمد ادعا میکند (یعنی قابلیت دریافت وحی) درست بود، حتما خدا به ما هم میداد، پس حالا که ما نداریم معلوم میشود او دروغ میگوید.

۵- زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان) : غرض این سوره انداز مشرکینی است که دعوت به ایمان به خدا و رسول و معاد را رد می کردند.

درس سوره که از راه محاسبه با دقت استخراج شده چنین است: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر که علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر میورزند.

۲ و ۳: (المیزان) : روایات بسیاری از طرق ائمه اهل بیت (ع) رسیده که خدای سبحان پیامبر اسلام و ائمه (ع) را تعلیم داده، و هر چیزی را به ایشان آموخته. و در بعضی از همان روایات این معنا تفسیر شده به اینکه علم رسول خدا (ص) از طریق وحی، و علم ائمه (ع) از طریق رسول خدا (ص) بوده است.

از سوی دیگر به این روایات اشکال شده که: تا آنجا که تاریخ نشان می دهد سیره اهل بیت چنین بوده که در طول زندگی خود مانند سایر مردم زندگی می کرده اند و به سوی هر مقصدی می رفتند از راه معمولی و با توسل به اسباب ظاهری می رفتند، و عینا مانند سایر مردم گاهی به هدف خود می رسیدند، و گاهی نمی رسیدند، و اگر این حضرات علم به غیب می داشتند، باید در هر مسیری به مقصد خود برسند، چون شخص عاقل وقتی برای رسیدن به هدف خود، دو راه پیش روی خود می بیند، یکی قطعی و یکی راه خطا، هرگز آن راهی را که می داند خطا است طی نمی کند، بلکه آن راه دیگر را می رود که یقین دارد به هدفش می رساند. در حالی که می بینیم آن حضرات چنین نبودند، و در زندگی راههایی را طی می کردند که به مصائبی منتهی می گشت، و اگر علم به غیب می داشتند باید بگوییم عالما و عامدا خود را به مهلکه می افکندند، مثلا رسول خدا (ص) در روز جنگ احد آنچه بر سرش آمد خودش بر سر خود آورد، و یا علی

(ع) خودش عالما و عمدا در معرض ترور این ملجم مرادی ملعون قرار گرفت، و همچنین حسین (ع) عمدا خود را گرفتار مهلکه کربلا ساخت، و سایر ائمه (ع) عمدا غذای سمی را خوردند. و معلوم است که القاء در تهلکه یعنی خویشتن را به دست خود به هلاکت افکندن عملی است حرام، و نامشروع. اساس این اشکال به طوری که ملاحظه می‌کنید دو آیه از آیات قرآنی است، یعنی آیه "وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ" و آیه "وَمَا أَدْرِ مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ".

چنانکه ملاحظه میفرمائید در باره آیه ۹ سوره احقاف خود المیزان دلایلی در رد نظر خویش و همچنین آیه‌هایی در بطلان عقیده خویش آورده، ولی به رغم همه آنها یکی روایات و یکی فلسفه متبوع خویش را ملاک گرفته که به خلاف آن دو آیه ای که ذکر کرده و آیات بسیار زیاد دیگری که ذکر نکرده، اصرار کند که آنحضرت علم غیب داشته است.

ایراد : ۱ - اتکاء به روایات ۲ - اتکاء به فلسفه متبوع خویش ۳ - اهمیت دادن به اقوال مفسران قبلی (هر سه مورد به رغم صراحت متن قرآنی)

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه‌های ۱۳ و ۱۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است.

۷ - آیات مشکل این پاراگراف

آیه ۱۰ از آیات مشکل این پاراگراف است که مفسران در باره آن عقاید مختلفی ابراز کرده اند و البته مانیز ذیلا عرض خویش را کرده ایم.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه. آیه های ۵ و ۶ و ۱۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - یکی از موارد ابراز حجیت همین قرآن است.
- ۲ - مبانی فکری کافران، بی پایه و ناشی از خودبزرگ بینی و بی توجهی به واقعیت های آشکار و ضمنا لجبازی است.
- ۳ - تذکر به آنحضرت که اینک که با چنین لجبازانی روبرو هستی چنین بگو، و بدینگونه نمونه رفتار و گفتار پسندیده را در پیش گیر.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

آیه های ۵ تا ۱۰ «برای اولین بار» است، و بقیه آیات پاراگراف، قبلا، چه عینا و چه مفهوما، در سوره های پیشین آمده اند.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

- ۱ - در ابتدای آیه ۲ واگذاری به مخاطب (حذف به قرینه) اتفاق افتاده است.
- ۲ - «بینات» (آیه ۷) نوعی پراتر است.
- ۳ - «لما جائهم» - همان آیه - هم همانطور است.
- ۴ - کلمه «شرک» (آیه ۴) به معنی لغوی آمده است، نه اصطلاحی.

۵ - آیه ۱۲، با توجه به آیه های قبل و بعد آن، از لحاظ کلیدهای تفسیر «پرانتری» محسوب میشود.

۶ - در آیه ۱۲ « قبل از آن»، یعنی «قبل از نزول قرآن». و «تصدیق کننده» یعنی «تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیامبران قبلی»

حروف مقطعه

آیه ۱ از حروف مقطعه است و ما قبلاً بحثی در خصوص آن عرض کرده ایم (در اینجا قسمتی را که به «حم» مربوط میشود نقل میکنیم):

[[سوره های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می شوند.

«درس» سوره های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص)، علیرغم روشن شدن حقیقت» می باشد]]

افسانه ایمان آوردن عبدالله سلام

ظاهراً از آیه ۱۰ فهمیده میشود بعضی از یهودیان به پیامبر(ص) و قرآن ایمان آورده بودند. اما نکته ای که در آیه ۱۰ هست این است که در تقریر به آنحضرت این هم هست که یکنفر یهودی به «مثل آن» ایمان آورده، در حالیکه آنان در اثر خوی خود بزرگ بینی و بزرگی طلبی خویش کفر ورزیدند،

اما، خود این موضوع (یعنی ایمان آوری یهودی - که یهودیان بیشتر در یثرب بودند) موضوع حدسیات تاریخی قابل توجهی است. و مفسران سلف در این خصوص به اختلاف نظرهای متعددی پرداخته و حتی برای این موضوع یک مصداق هم معرفی کرده و از کسی بنام «عبدالله سلام» هم نام برده و او را مصداق این باصطلاح ایمان آوری قلمداد کرده اند و عده ای نیز با این قول مخالفت کرده و دلیل آوری های خویش را نموده اند.

در حالیک متن آیه ۱۰ صراحتی بر وقوع آن اتفاق ندارد و کاملاً میتواند یکی از روش

های استدلال باشد با این زمینه که:

«چه حالی خواهید داشت که شما که نزدیک این پیامبر هستید و دلیل های او را به وضوح می شنوید کفر بورزید و کسانی که از او دور هستند و دسترسی ندارند به سخنان او ایمان آورده باشند»

دو ایراد بر عقاید مشرکانه

در این پاراگراف در آیه ۱۱ توضیح میدهد که منشاء لج و عمد و اصرار کفار، خود بزرگ بینی آنها بوده، و در آیه ۱۲ شبه دلیل آنها را از این طریق رد میکند که «خب، اگر راست میگوئید، میخواستید قبل از نزول قرآن به تورات ایمان بیاورید»

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم(۱)

نازل شدن این کتاب از جانب خداوند عزتمند حکیم است (۲)

آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست جز به حق و سرآمدی معین نیافریده، و کافران از آنچه هشدار داده میشوند روگردانند (۳)

ای پیامبر! به آنها بگو خبرم دهید: آنچه را که بجز خداوند میخوانید چه چیزی در زمین آفریده اند یا چه شرکتی با خداوند در آسمانها دارند؟ مدرکی از کتابی آسمانی قبلی یا یک دلیل علمی بیاورید اگر راست میگوئید (۴) و چه کسی همراه تر است از کسی که چیزی را بجز خداوند به دعا بخواند که تا روز قیامت هم جوابش را نخواهد

داد و اصلا از دعاء او بیخبر است (۵) و وقتی که مردم محشور میشوند دشمنش هم میشود و نسبت به عبادتش نیز منکر میگردد (۶) و هنگامیکه آیات روشنگر ما بر آنها خوانده میشود کافران به این حق که بسویشان آمده میگویند جادویی آشکار است (۷)

بلکه میگویند آن را افترا بسته. بگو اگر افترا بسته باشم هیچکس نمیتواند در برابر خداوند برایم کاری کند. او بهتر میداند که شما دروغ میگوئید و میداند شما در چه اموری فرو میروید. همو بعنوان گواه بین من و شما بس است و همو آمرزشگر مهربان است (۸) بگو من یک پیغمبر نوظهوری نیستم و نمیدانم با من و شما چه رفتاری خواهد شد. جز این نیست که فقط وحیی را که بمن میشود پیروی میکنم و جز هشدار دهنده ای آشکار نیستم (۹) ای کافران! بمن بگوئید اگر این قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید و یک گواه از بنی اسرائیل به مثل آن گواهی دهد و ایمان بیاورد و شما گردنفرازی کرده باشید چه؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدایت نمیکند (۱۰)

و کافران راجع به مومنان میگویند اگر خیری در این دینی که این پیامبر تبلیغ میکند بود، ما آن را تشخیص میدادیم و به پیوستن به آن از پیروان این پیامبر سبقت میگرفتیم. ای پیامبر! اینک که آنها به این دین هدایت نشده و به آن نگرویده اند این حرف را میزنند و آن را یک دروغ قدیمی قلمداد میکنند (۱۱) و قبل از آن کتاب موسی رهبر مردم و رحمتی از جانب خداوند بود و این قرآن هم تصدیق کننده آن است و به زبان روشن و مفهوم نازل شده و ظالمان را هشدار و نیکوکاران را مژده میدهد (۱۲)

البته آنان که میگویند پروردگار ما خداوند است و سپس استقامت میورزند در قیامت نه ترسی خواهند داشت و نه در دنیا اندوهگین باشند (۱۳) آنها به پاداش اعمالی که

میکردند اهل بهشتی خواهند بود که در آن جاودانند (۱۴)

احقاف ۲ آیات ۱۵ تا ۲۰

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصَّادِقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أَخْرَجَ وَقَدْ خَلْتُ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَبَلَغَ الْإِيمَانِ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقِفَهُمْ أَعْمَاهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٠﴾ فِي الْأَرْضِ يَغِيرُ الْحَقُّ وَمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر میورزند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: مقایسه دو نوع رفتار مومنانه و کافرانه و نتایج اخروی هر یک.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ تَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾

ریزدرب: کسانی زندگیی شایسته ایمانی و شاکرانه میکنند و پاداش اخروی خویش را می بینند

۲

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَنْعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلْتُ الْقُرُونِ مِن قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَبَلَكَ آمِنٌ إِنَّا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلْتُ مِن قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾

ریزدرب: کسانی هم زندگیی ناشایسته و کافرانه و میکنند و سزای اخروی خویش را می بینند

۳

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مَّا عَمِلُوا وَلِيُؤْفِقَهُمْ أَعْمَالُهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾

ریزدرب: هر دو گروه به میزان حداکثری که در وضعیت این جهانی خویش به آن رسیدند، پاداش یا عذاب دریافت میکنند

۴

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ

عَذَابِ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

ریزدرب: اهل عذاب در همان ابتدای درک موقعیت اخروی خویش، در مورد علتِ موقعیت خویش یخوبی توجیه میشوند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید یکی از موارد اتمام حجت همین قرآن است، و مبانی فکری کافران به پایه و ناشی از خودبزرگ بینی و بی توجهی به واقعیت های آشکار و لجبازی شان است، و تو ای پیامبر! اینک که با چنین مخالفانی روبرو هستی چنین بگو.
در این پاراگراف: مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود.

۴- سوالات

۱- در آیه ۱۵ بین کلمه های ۴ و ۵ یک مورد موضوع کلیدهای تفسیر قرآن اتفاق افتاده، آن رامشخص کنید.

۲- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ («تشویق»ی؟ «دعوت»ی یا.....؟)

۳- آیا ۴۰ سالگی موضوعیت خاصی دارد یا در آیه ۱۵ به کنایه از «کمال» بکاررفته؟

- ۴ - «جمله و فاصله ثلاثون شهرا» با موضوع کدام کلید تفسیری منطبق است؟
- ۵ - دو مدلول آیه های ۱۵ و ۱۷ چه کسانی هستند؟ (مسلمان معمولی و کافر معمولی؟ مسلمان نخبه و کافر نخبه؟ یا....؟)
- ۶ - چرا «بلغ» را تکرار فرموده؟
- ۷ - بین «عن سیئاتهم» و «فی اصحاب الجنه» موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟
- ۸ - «وعد الصدق.....یوعدون» با کدام کلید تفسیر متناسب است؟
- ۹ - «ال» در «القول» (آیه ۱۸) از چه باب است؟
- ۱۰ - کلمه «قول» به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟
- ۱۱ - بین «النار» و «اذهبتهم» (آیه ۲۰) موضوع کدام کلید اتفاق افتاده؟

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۵ تا ۲۰ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۶ و ۲۰ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه ۱۸ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز

میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

تمام آیه های این پاراگراف «برای اولین بار» است غیر از آیات ۱۸ تا ۲۰ که از لحاظ مفهومی سابقه ای در قبل دارند.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

اصلی-فرعی

آیه ۱۶ فرع بر ماقبل خویش است.

آیه ۱۸ فرع بر آیه ۱۷ است.

آیه ۲۰ نیز فرع بر آیه ۱۹ می باشد.

ترتیب نزول

در اوائل نزول وحی، سوره لیل را داشتیم که داشت: «ان سعیکم لشتی» و اینکه دو گروه دقیقاً متضاد را در آنجا بطور اشاره ای با ذکر صفات معرفی نموده بود، اگر ملاحظه کرده باشید، از آن سوره تا کنون، همان مطالب به الفاظ و کلمات متفاوت در طول این مدت (زمان از نزول سوره لیل تا این سوره) در قالب خلاصه محتوای هر سوره بازگوئی شده، و در این سوره همان مفهوم به بهترین وجه بازگو شده است.

آن «قول» که بر امت های گذشته فرود آمد ...

در آیه ۱۸ «قول»ی که ذکر شده، یعنی همان قانون الهی که می گوید «وقتی امتی علیرغم نعمتهایی که دریافت کرده اند عالماً و عامداً کفر ورزیدند و به خدا و پیامبرش اهمیت ندهند البته خداوند آنها را هدایت نخواهد کرد و ممکن است کارشان در دنیا

به هلاکت و شکست بینجامد و در آخرت حتماً خاسر خواهند بود»
این همان «قولی» است که اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط و فرعون و غیره بر مبنای
آن در دنیا هلاک شده و در آخرت عذاب خواهند داشت.
بر مبنای همان «قول» بود که حتی وقتی نشانه‌های عذاب نیز پدیدار شد، اقوام
مذکور به لج خویش ادامه داده و از ایمان آوردن خودداری کردند.

ترجمه تفسیری آزاد

و به انسان سفارش والدینش را کردیم که مادرش او را به حملی دشوار حمل کرده و
به وضعی دشوار زائیده و حمل و از شیر گرفتنش سی ماه طول کشیده تا اینکه به
رشد خویش و به چهل سالگی میرسد و در این موقعیت برخی ها میگویند پروردگارا
موفقم کن که شکر نعمت را که بمن و والدینم عطا کرده ای بجای آورم و عمل
صالحی کنم که راضی گردی و اولادم را به صلاح بیاور که من بسوی تو بازگشته ام و
از مسلمین هستم (۱۵) آنها کسانی هستند که بهترین عملشان را از آنها قبول می
کنیم و از بدیهایشان درمیگذریم. آنها در زمره یاران بهشت خواهند بود. این وعده
راستی است که به آنها میدهیم (۱۶)

و برخی ها هم اینطورند که به والدینشان میگویند: آه، آیا بمن میگوئید که پس از
گذشت قرن‌ها از قبر خارج میشوم؟ و آنها در حالیکه به خدا پناه میبرند میگویند وای
بر تو ایمان بیاور که وعده خدا حق است و او میگوید اینها چیزی جز افسانه‌های
گذشتگان نیست (۱۷) چنین کسانی آن قول بر آنان فرود می‌آید. همان قولی که بر
امتهای قبلی اعم از جن و انس فرود آمد که چنین کسانی زیانکارند (۱۸)

هر کس به خاطر عملش درجاتی خواهد داشت و اینکه خداوند جزای اعمالش را به
طور کامل به او بدهد و از این لحاظ مورد هیچ ظلمی نخواهند شد (۱۹) و روزی که

کافران بر آتش عرضه شوند به آنان گفته میشود چیزهای خوبی را که در زندگی دنیا داشتید تمام کردید و از آنها استفاده کردید. و امروز بخاطر آن گردنفرازی که به ناحق در زمین میکردید و نیز بسبب آن گناه پیشگی که می نمودید عذابی خفت بار خواهید داشت (۲۰)

احقاف ۳ آیات ۲۱ تا ۲۸

وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ النُّجُومُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَّ عَنْ آهَتِنَا فَأَتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا يَعْبَهُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُطْرِنًا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَذْمُرُ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيَةِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَالَهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾ فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر می ورزند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: نمونه رفتاری یکی از اقوام گذشته که علیرغم دریافت اتمام حجت به لجبازی کافرانه می پرداختند و نتیجه اش.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ النُّجُومُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾ قَالُوا أَجِئْنَا لِنُؤْفِكَنَا عَنْ آهَتِنَا فَأَتَيْنَا بِمَا تَعْبُدْنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا يَعْبَهُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُطْرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَذْمُرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٢٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر داستان عبرت انگیز قوم عاد را برایشان بگو شاید پندی گیرند

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾ فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ صَلَّوْا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

ریزدرب: ای مردم! داستان عبرت انگیز قوم عاد، تنها داستان ممکن از این نوع نیست، در خطای آنها بیندیشید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف

که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید یکی از موارد اتمام حجت همین قرآن است، و مبانی فکری کافران به پایه و ناشی از خودبزرگ بینی و بی توجهی به واقعیت های آشکار و لجبازی شان است، و تو ای پیامبر! اینک که با چنین مخالفانی روبرو هستی چنین بگو.

در پاراگراف ۲ میفرماید: مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود.

در این پاراگراف به یکی از اقوام قوی پنجه پیشین اشاره می فرماید که چگونه در مقابل پیامبرشان شبیه همین رفتارهای مردم معاصر پیامبر را از خویش بروز دادند و به هلاکت دستجمعی دچار شدند و البته عذاب اخروی شان هم محفوظ است.

۴- سوالات

- ۱ - منظور از عبارت «اذا عاد» (آیه ۲۱) چیست؟
- ۲ - «وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ» موضوع کدام کلید تفسیر است؟
- ۳ - «ال» در «العلم» (آیه ۲۳) از چه نوع است؟
- ۴ - «ه» در «راوه» (آیه ۲۴) اشاره به چیست؟
- ۵ - «بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَدْمِثُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَکِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ» موضوع کدام کلید تفسیر است؟
- ۶ - «ان» در «ان مکناهم» چه موقعیت «دستور زبان»ی دارد؟ (نافیه؟ یا...؟)
- ۷ - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (نجزی جعلنا اهلکنا صرفنا) آورده؟
- ۸ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری به مسلمانان؟ هشدار به کافران؟ یا...؟)
- ۹ - لجبازی و اصرار آن قوم در کفر، از کدام آیه فهمیده میشود؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

مخالفان فعال آنحضرت، در مقطع زمانی معاصر نزول این سوره، هیچیک از هشدارها و بشارت های ایشان را جدی نمیگرفتند (آیه ۲۴)

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۲۱ تا ۲۸، با ذکر داستان یک قوم قوی پنجه و ضمنا کاملا لجباز و مصمم در مخالفت با پیامبرشان، و نهایت داستان که حاکی از هلاکت مخالفان آن پیامبر باشد، تلویحا به پیامبر اسلام (ص) وعده موفقیت میدهد. که چنانکه دیده شد، این پیشگویی تحقق یافت.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۲۱ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - آیات مشکل

آیه ۲۱ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر کلمه احقاف گفته اند.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۲۱ تا ۲۸ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر سرگذشت یکی از اقوام سابق که هشدار های پیامبرشان را به هیچ گرفتند و بر عکس توصیه های او رفتار کردند و به هلاکت جمعی دچار شدند، برای عبرت گیری.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

۱ - «وَقَدْ خَلَتْ لِنُذُرٍ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ» (آیه ۲۱) پرانتزی است.

۲ - نیمه دوم آیه ۲۴ و تمام آیه ۲۵ نیز پرانتزی است .

۳ - «ان» در «ان مکناهم» (آیه ۲۶) نافییه است.

منظور از «شما» در آیه ۲۶ چه کسانی است؟

«به آنها قدرتهائی هم داده بودیم که به شما نداده ایم» منظور از «شما» در اینجا، مخاطب های آن روزهای این آیات است، یعنی مشرکان مکه. و کنایه از این است که قوی تر از شماها هلاک شدند شما - ای کافرانِ معاصر نزول این سوره - به چه چیزی دلخوشید که تکذیب می کنید؟

«احقاف» کجاست؟

در آیه ۲۷ از جمله ابتدائی آیه فهمیده می‌شود چه بسا «احقاف» (که مسکن قوم عاد بود) دور و بر مکه باشد که این موضوع قاعدتا می‌باید قابل توجه باستان‌شناسان قرار گیرد.

سایر هلاک شدگان

چنانکه عرض شد از آیه ۲۷ چنین فهمیده میشود که قوم عاد در نزدیکی های مکه ساکن بوده اند و از سایر آیات تا اینجا (البته به ترتیب نزول) فهمیده میشود قوم ثمود هم همینطور. و بزودی هم آیاتی خواهیم دید که معلوم میشود قوم لوط نیز همچنین. البته داستانهای آنها سینه به سینه به اهل مکه که در زمان پیامبر (ص) اولین مخاطبان این آیات بودند رسیده، و در مجموع جزء فرهنگ آنان بود.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! به یاد آرید پیامبر قوم عاد را، آن هنگام که آنان را در سرزمین شان هشدار میداد، و سخنانی مانند پیامبران قبل و بعد خویش میگفت که: جز خداوند را عبادت نکنید که من نگرانان هستم که مبادا آن عذاب آن روز بزرگ برسرتان بیاید (۲۱) قومش گفتند: آیا بسویمان آمده ای که ما را از خدایانمان جدا کنی؟ آنچه را که به ما وعده میدهی بیاور اگر راست میگویی (۲۲) و او گفت: علم آن نزد خداست و من آنچه را که به رسالت ابلاغ آن فرستاده شده ام به شما میرسانم ولی شما را قومی جاهل می بینم (۲۳) پس وقتیکه دیدند نشانه های آن عذاب دارد بسوی بیابانهای آنها می آید میگفتند چیزی نیست، ابری است که بر ما خواهد بارید. نه! بلکه این همان عذابی است که شما به عجله آن را میخواستید، بادی است که در آن عذابی دردناک است (۲۴) و چنین بود که آن باد به امر پروردگارش همه چیز را نابود کرد و طوری شد که جز خانه هایشان چیزی دیده نمیشد و ما گروه مجرمان را چنین

مجازات میکنیم (۲۵) و البته به آنها قدرتهائی داده بودیم که هنوز شما به آن مقدار نرسیده اید و برای آنها نیز گوش و چشم و دل قرار داده بودیم و گوش و چشم و دلشان به دردشان نخورد هنگامیکه آیات خدا را انکار میکردند، و بر سرشان آمد آنچه را که مسخره اش میکردند (۲۶)

همچنین در دور و بر شما شهر های دیگری هم بودند که همین رفتار ها را کردند، و علیرغم آن آیات متنوعی که برای پند گرفتن و به راه صحیح بازگشتن به آنها ارائه داده بودیم، لجاجت میکردند و به همان عاقبت دچار شدند (۲۷) پس چرا آن خدایانی که به خیال خویش شرکای خداوند حساب میکردند و به آنها تقرب می جستند کمکی به آنان نکردند؟ بلکه در آن حال رویت نشانه های عذاب، گوئی که آن باصطلاح خدایانشان را به کلی از یاد بردند، زیرا آن اساسا دروغی بیش نبود و افترائی که بسته بودند (۲۸)

احقاف ۴ آیات ۲۹ تا ۳۵

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣١﴾ وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْصِ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُخَيِّجَ الْمُتَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِحَاقٍ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوَّلُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبِسُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَغَ تِلْكَ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر میورزند .
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! اینکه می بینی عده ای از جن به محض یکبار شنیدن قسمتی از قرآن نه تنها ایمان آوردند بلکه خودشان برای تبلیغ این حقایق بسوی قوم خویش به فعالیت پرداختند، در حالیکه رفتار این کافران چنین است، توجه آنان را به قدرت خداوند و عاقبتشان جلب کن و خودت نیز صبور باش.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيَجْعَلُكُمْ مِّن آبَائِهِ ﴿٣١﴾ وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾

ریزدرب: ای مردم! ببینید جنیان چطور کلام حق را تشخیص میدهند و در اِتیان حق سریع و در تبلیغ آن ساعی هستند! و سپس در کُندی خویش بیاندیشید!

۲

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْ يَخْلُقْهُنَّ يُقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّجَ الْمُؤْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این مردم مشکل فکری دارند، صبری کن

۳

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در قیامت، همینها به چنان به «ببخشید، خطا کردیم»ی خواهند افتاد که ...

۴

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! صبر کن، در زمانی کمتر از اینکه فکرش را کنند، به عاقبتشان خواهند رسید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید یکی از موارد اتمام حجت همین قرآن است، و مبانی فکری کافران به پایه و ناشی از خودبزرگ بینی و بی توجهی به واقعیت های آشکار و لجبازی شان است، و تو ای پیامبر! اینک که با چنین مخالفانی روبرو هستی چنین بگو.

در پاراگراف ۲ میفرماید: مردم در خصوص استقبال یا عدم استقبال دعوت حق رفتارهای متفاوتی بروز میدهند و در آخرت نیز متناسب با اعمالشان با آنان رفتار میشود.

در پاراگراف ۳ به یکی از اقوام قوی پنجه پیشین اشاره می فرماید که چگونه در مقابل پیامبرشان شبیه همین رفتارهای مردم معاصر پیامبر را از خویش بروز دادند و به هلاکت دستجمعی دچار شدند و البته عذاب اخروی شان هم محفوظ است.

در این پاراگراف می فرماید: ای لجباز های مصرّ در گمراهی! ببینید موجوداتی که نسبت به این پیامبر و پیامش اینهمه از شما دور ترند چگونه به او و پیامش گرایش جدی نشان میدهند اما شما چه رفتارهای ناپسندی بروز میدهید. و تو ای پیامبر! قدرت خداوند را بر ایجاد آخرت یاد آوری کرده، و خودت هم صبور باش.

۴ - سوالات

- ۱ - «نفر» (آیه ۲۹) به چه معنی است؟
- ۲ - واضح است که آیات ۳۰ تا ۳۲ نقل قول است از آن جماعت از جنّ. اما آیا مورد قبول خداوند هم هست یا نه؟ (دلیل بیاورید)
- ۳ - چرا خداوند در آیه ۲۹ ضمیر جمع (صرفنا) بکار برده؟
- ۴ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ («تشویق»ی؟ دلداری؟ یا...؟)
- ۵ - در آیه ۳۴ یک مورد موضوع کلیدهای فهم قرآن اتفاق افتاده، آن را مشخص کنید.
- ۶ - چرا خداوند در اینجا از حالت فاعلی «مفرد» استفاده فرموده؟ (خلق لم یعی یحیی انه)
- ۷ - منظور از «اولوالعزم» در آیه ۳۵ به معنی لغوی است یا اصطلاحی؟
- ۸ - «ف» در ابتدای آیه ۳۵، چه نقشی دارد و به چه اشاره دارد؟
- ۹ - چه سابقه ای از «كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ» دارید؟
- ۱۰ - در ثلث آخر آیه ۳۵، یک مورد موضوع کلیدهای فهم قرآن اتفاق افتاده، آن را مشخص کنید.
- ۱۱ - کلمه «بلاغ» با موضوع کدام کلید فهم قرآن متناسب است؟
- ۱۲ - استفهام موجود در آیه ۳۳، از چه نوع است؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در این برهه از زمان وحی دارد مردم عادی داخل اردوگاه کفر را از طریق تحریک عواطف قومی شان ترغیب به پیوستن به جریان اسلام میکند (با این بیان تلویحی که ببینید دیگران برای چیزی که شما آنهمه نسبت به آن بی رغبتی نشان میدهید چه سر و دستی می شکنند) (آیات ۲۹ تا ۳۲)

برای نزدیک کردن موضوع حیات مجدد به ذهن مردم ، به قدرت نا محدود الهی اشاره نموده (آیه ۳۳)

در این برهه بازهم به آنحضرت توصیه میکند نه تنها صبر پیشه کند بلکه صبر بیشتر از تاکنون در پیش گیرد و از همینجا فهمیده میشود که آنحضرت انتظار داشت خداوند در ریشه کنی فعالان کفر سرعتی بخرج دهد (آیه ۳۵)

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیات ۲۹ تا ۳۲ به مورد طلب و مورد رغبت بودن پدیده وحی - حتی از سوی موجوداتی از نوع متفاوت از انسان - اشاره نموده و تلویحا این پیشگویی را نموده که چیزی نخواهد گذشت که این پدیده از سوی شما انسانها نیز مقبول و مطلوب تلقی گردد.

در آیه ۳۵ آنحضرت را به صبری بیش از سابق فرا میخواند و این هم به نوعی تلویحی پیشگویی موفقیت برای آنحضرت است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۲۹ تا ۳۵ به خصوص آیه ۳۵ (بخاطر عبارت «ولوا العزم» به دلایلی که بارها گفته ایم) اقبال هنرمندان و وعظ و ... از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - آیات مشکل

آیه های ۲۹ تا ۳۲ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که (در سرچ گوگل یا طرق دیگر) ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر کلمه «جن» گفته اند.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۲۹ تا ۳۲ از این لحاظ که به مخلوقاتی اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه ۳۱ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. همچنین است آیه های ۳۴ و ۳۵.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته!

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - برخی از جنیان به یکبار استماع قرآن چنان شیفته اش شدند که مطالب آن را برای قوم خویش به ارمغان بردند و مبلغش شدند.
- ۲ - ای پیامبر! راجع به کندی قومت در ایمان آوری و تخریب کار رسالت ناراحت مباش و صبوری بیشتر پیشه کن.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است، غیر از آیه های ۳۳ و ۳۴.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۳۴ فرع بر ماقبل خویش است.

کلمه بلاغ (آیه ۳۵) پُرانتزی است،

علاوه بر پُرانتزی بودن، «واگذاری به مخاطب» (اصطلاحاً حذف به قرینه) نیز بر سرش صورت گرفته، گوئی که وجه کاملش می باید چنین باشد: این یک مورد مهم برای «بلاغ» است.

درباره جن چه می دانیم؟

آنچه در افکار عمومی مردم (اعم از مسلمانان و سایر جهانیان) راجع به جن هست، از معارف قرآنی خیلی دور است، و مطالب بسیار غلط و بی ارزشی است که اینک عالیتین نمود آن در فیلم «جن گیر» دیده میشود که این نگارنده تقریباً دوازده سال پیش آن را دیده ام (اینک تابستان ۱۴۰۰ است)

آنچه از آن فیلم فهمیده می شود این است که جن موجودی است شریر، و ضد خدا، و قدرت تصرف در جهان مادی را دارد، و توسط انسان قابل شکار است، و عده ای در این کار (یعنی شکار جن) تخصص دارند، و غیره و غیره.

اما چهره ای که در قرآن از جن معرفی می شود که تاکنون در سوره های رحمان و جن و این سوره با آن آشنا شده ایم و با بقیه اش در سوره نمل و بعضی سوره های دیگر آشنا خواهیم شد از این قرار است که:

از سوره رحمن این مقدار فهمیدیم که جن نیز موجودی است مختار و آزاد که فقط

از لحاظ آفرینش با ما فرق دارد و «مادی» نیست (یعنی از عناصر جدول مندلیف ساخته نشده) و مانند ما بهشت و جهنم خواهد داشت.

در سوره جن دیدیم که آنها نیز کافر و مؤمن دارند و از قید نیروی جاذبه آزادند و قبلاً از روی نقل و انتقالات و گفتگوهای آسمانی وقایعی را پیش‌بینی می‌کردند و تقریباً معاصر پیامبر اسلام(ص) از این امکان محروم گشتند.

در سوره نمل خواهیم دید که عده‌ای از جن جزء لشکریان سلیمان بودند و یکی از آنها در دربار او مکانت مهمی داشت و صاحب قدرتی بود و می‌توانست تخت ملکه سبا را از یمن به فلسطین در مدت کمتر از نصف روز بیاورد.

از آیه ۲۹ این سوره فهمیده می‌شود که آنها «زبان فهم» هستند، و قدرت درک معانی ارزنده را دارند، و نسبت به حق و باطل دارای گرایش و واکنش می‌باشند. و سرعت تأثیرپذیری‌شان زیاد است بطوریکه فوراً ایمان آورده و بلافاصله مُبَلِّغ آن شدند و آنها نیز مانند ما بصورت اجتماعی زندگی می‌کنند.

در مجموع اینکه آنها موجوداتی سخن فهم، عاقل، دارای منطق، دارای قدرت، و قابل احترام می‌باشند.

دلداری به پیامبر(ص)

اصطلاح «پیغمبر اولوالعزم» نزد ما شناخته شده و معروف است.

از آیه فوق فهمیده می‌شود یکی از خصوصیات مهم آنان این بوده که راجع به مشکلات رسالت خویش حوصله زیادی به خرج می‌دادند و صبر زیادی داشتند.

از آیه فوق معلوم می‌شود که پیامبر(ص) از زیادی مشکلات ناراحت شده بودند و دلشان می‌خواست «به روش معجزه آسا» زودتر موفق شوند اما در این آیه به ایشان توصیه می‌شود که «عجله مکن» و آنچه در انتهای آیه آمده یک تمثیل است راجع به اینکه بالاخره ناراحتی تو تمام می‌شود و موفق می‌شوی.

هرچه باشد پیامبران نیز خصوصیات بشری را دارند و گاهی می‌شود که به اصطلاح «کم می‌آورند» چنانکه در انتهای سوره قلم درباره حضرت یونس دیدیم.

و از این پس در داستان‌های پیامبران، بزودی، از این نوع داستان‌ها زیاد خواهیم دید. در مورد پیامبر اکرم(ص) نیز گاهی که مشکلات خیلی فشار می‌آورد، و آن حضرت بیش از هر کس داستان پیامبران سابق را می‌دانست، آرزو می‌کرد کاش می‌شد مانند آنان به روشی معجزه آسا کارها درست شود اما خداوند نمی‌پسندید و روش عادی (بحث عاقلانه، و برنامه ریزی و ... و صبر) را بر آن حضرت می‌پسندید و لذا وقتی که پیامبر در اثر شدت مشکلات مغموم و مهموم می‌گشت این نوع آیات نازل می‌شد که صبر کن و آنها را به ما واگذار و تو فقط یک پیغام‌بر هستی و اگر تکذیب می‌کنند تو تقصیری نداری و آنها در حقیقت گفتار مرا تکذیب می‌کنند و ... و به این ترتیب آن حضرت را دلداری میداد.

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامی که عده ای از جنیان را بطرفت چرخانیدیم که به قرآن گوش دهند، وقتی که حاضر شدند، گفتند ساکت شوید و وقتی که تمام شد بسوی قومشان برگشتند و همدارشان میدادند (۲۹) میگفتند ای قوم! مطالب کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده که تصدیق کننده قبل از خویش است و بسوی حق و بسوی طریقی مستقیم هدایت می‌کند (۳۰) ای قوم! دعوت کننده خدا را اجابت کنید و به او ایمان بیاورید تا برخی از گناهانتان را بیامرزد و از عذاب دردناک پناهتان دهد (۳۱) و کسانی که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نمیتوانند خدا را عاجز کنند و بجز خدا هیچ سرپرستی ندارند و در گمراهی آشکارند (۳۲)

آیا نمی بینند که خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها خسته نشده، قادر است مردگان را زنده کند؟ بلی البته او بر همه چیز تواناست (۳۳) و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند از آنان سؤال میشود آیا این حق نیست؟ میگویند آری

قسم به پروردگارمان که حق است، گوید بعلت آن کفری که میورزیدید این عذاب را
بچشید (۳۴)

پس ای پیامبر! همانگونه که فرستادگان صاحب عزم صبر کردند تو نیز صبر کن، و در
باره آنها عجله مکن. روزی که آنچه را که به آنان وعده داده میشود ببینند گویی که
چیزی بیش از ساعتی از روز درنگ نکرده باشند. این یک پیام رسانی است، آیا جز قوم
گناه پیشه هلاک میشوند؟ (۳۵)

سوره مؤمن

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

﴿١﴾ حم ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ
 ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ الْمَصِيرِ ﴿٣﴾ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُوكَ
 تَقْلُبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ
 لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ
 كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ
 بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ
 تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَذْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ
 صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ
 السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ
 مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ
 فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَخُدَعُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ
 بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا
 يَبْتَذِكرُ إِلَّا مَنْ يُمِيبُ ﴿١٣﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾ وَفِعْ
 الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْزِلَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ
 هُمْ تَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿١٦﴾ الْيَوْمَ تُجْزَى
 كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ
 لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطِمِينَ مَآ لِلظَّالِمِينَ مِنْ حِمِيمٍ وَلَا شَفِيعَ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
 الصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ
 الْبَصِيرُ ﴿٢٠﴾

درس: نکوهش کافران که علیرغم الطاف و نعمت‌های الهی با اصرار و لجبازی با حق مخالفت می‌کنند.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر! توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می‌شود، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می‌شود، و کارگزاران جهان خواهان موفقیت نهایی مومنانند، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و آنها ببینند چه بر سر خود آورده‌اند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

حم ﴿۱﴾

ریزدرب:

۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۲﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿۳﴾

ریزدرب: مطالب این قرآن بطور مطلق صحیح است

۳

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْزِرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿۴﴾
ریزدرب: ای پیامبر! در باره قرآن فقط کافران مجادله میکنند (چندان اهمیتی مده)

۴

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿۵﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿۶﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کافران اگر از حد معینی بگذرانند به عذاب هلاکت دچار میشوند و البته عذاب اخروی هم سر جایش هست

۵

الَّذِينَ يَخْمَلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا

وَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ عَذْنٍ الَّتِي وَعَدْنَاهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

ریزدرب: ای مومنان! کل سیستم جهانی خواهان رشد و موفقیت شماها است

۶

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادُونَ لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مُقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ ذَلِكُمْ قَالُوا رَبَّنَا أُمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْبَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَخُدَّهِ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحِكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُم آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾

ریزدرب: ای کافران! با این نوع رفتار چنین عاقبتی خواهید داشت

۷

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾

ریزدرب: ای مومنان! در دین تان خالص باشید و به کافران اهمیتی مدهید

۸

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ای مومنان! قیامت آنقدر مهم است که چنین خداوندی چنان کسانی را برای هشدار دادنش مامور میکند

۹

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾ الْيَوْمَ نُجْزِي كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾

ریزدرب: ای مردم! لا اقل این دو مشخصه از قیامت را بشناسید

۱۰

وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حِمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿١٨﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مردم را هشدار ده که چنین روزی را بزودی در پیش خواهند داشت

۱۱

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٢٠﴾
ریزدرب: ای پیامبر! مردم را هشدار ده که چنین روزی را بزودی در پیش خواهند داشت

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

۱ - با توجه به کلمه «یغزرک» (آیه ۴)، پیامبر(ص) ممکن بود چه فریب هایی بخورد؟

- ۲ - منظور از «احزاب» (آیه ۵) چیست؟
- ۳ - با توجه به آیه ۵، «گرفتن» خداوند در چه شرایطی اتفاق می افتاد؟
- ۴ - «جدال در آیات خدا» (آیه ۴) یعنی چه؟ (چندمثال بزنید)
- ۵ - «بالباطل» (آیه ۵) یعنی چه؟ (به روش باطل؟ با طرق و وسایل باطل؟ یا..؟)
- ۶ - سوال «فکیف کان عقاب» (آیه ۵) از چه کسی/کسانی است؟ (از پیامبر؟ از خوانندگان قرآن؟ از کافران؟)
- ۷ - «کلمه» (آیه ۶) یعنی چه؟
- ۸ - در باره «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا» (آیه ۷) شرحی بنویسید.
- ۹ - «سیئات» (آیه ۹) به چه معنی است؟ (دقت کنید)
- ۱۰ - در ابتدای آیه ۱۵، چرا از بین صفات ممکن، آن صفات ذکر شده؟
- ۱۱ - منظور از «روح» (آیه ۱۵) چیست؟ (شرح - توضیح - استدلال)
- ۱۲ - آیا «روح من امره» (آیه ۱۵) فقط در جهت «لینذریوم التلاق» عمل میکند؟
- ۱۳ - با توجه به آیه ۱۶، آیا فرماندهی خداوند فقط منحصر به آن روز است؟
- ۱۴ - از کلمه «آزفه» (آیه ۱۸) چه سابقه ای دارید؟
- ۱۵ - «القلوب لدی الحناجر» (آیه ۱۸) مطابق کدام شیوه سخن گفتن است؟
- ۱۶ - کلمه «یقضی» (آیه ۲۰) در اینجا به چه معنی است؟
- ۱۷ - کلمه «خائنه» (آیه ۱۹) چگونه؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع واحوال آن روزها

از آیه ۴ فهمیده میشود سران مخالفان پیامبر(ص) در جهت مخالفت با آن حضرت خیلی به این در و آن در می زدند و خیلی فعال بودند و حتی برای (هماهنگی های لازم) دست به مسافرت هائی هم میزدند.

از آیه ۵ هم فهمیده میشود که آنها در این مرحله آرزوی نابود کردن آن حضرت را هم در دل می پروراندند.

از آیه ۶ که وعده عذاب اخروی داده شده، فهمیده میشود در جهت حذف فیزیکی آن حضرت- فعلا تا زمان نزول این آیات - به جمع بندیی نرسیده بودند.

۵- زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان): این سوره پیرامون بلندپروازیهای کفار، و جدالشان به باطل به منظور از بین بردن حقی که بر آنان نازل شده، سخن می گوید،

المیزان هیچگاه برای طرز استخراج عصاره محتوای سوره که آن را غرض سوره مینامد روشی ارائه نداده، و چنین تلقی میکنیم که آن را بطور گمانی ذکر میکند، در حالیکه آنچه ما درس سوره می نامیم براساس استخراج از راه محاسبه به دست می آید که در مورد این سوره این است: نکوهش کافران که علیرغم الطاف و نعمت های الهی با اصرار و لجبازی باحق مخالفت میکنند.

۶- پیشگویی های تحقق یافته

در آیه های ۴ و ۵ ضمن تایید آنحضرت به او دلگرمی میدهد که خداوند نمیگذارد فعالان مخالفانش از حدمعینی جلوتر بروند، و چنین نیز شد.

۷- آیات مشکل

آیه های ۷ تا ۹ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که (از طریق سرچ در گوگل یا طرق دیگر) ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند. البته ما نیز عرض خویش را تحت تیتیر «یعنی چه؟» ارائه کرده ایم.

۸- در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه. آیه ۵ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. آیه ۷ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیات ۸ تا ۱۸ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره برخی آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حال کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، از لحاظ تحت اللفظی، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توجیه آنحضرت که توجه مخالفانش را به چند نکته اساسی جلب کند:

- ۱ - مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می شود،
- ۲ - تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می شود،
- ۳ - کارگزاران جهان (ملائکه و ...) خواهان موفقیت نهایی مومنان اند،

۴ - توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان قیامت برپا شود و آنها ببینند چه بر سر خود آورده‌اند.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره‌ها، آیات ۷ تا ۱۱ و ۱۵ و ۱۸ و ۱۹ «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

۱ - آیات ۷ تا ۹ «پرانتری» است، دلیلش هم اینکه اگر قبل و بعدش را به یکدیگروصل کنید می بینید روال سخن صاف و یکدست میماند.
۲ - در اواسط آیه ۱۶ تغییر مخاطب (التفات) اتفاق افتاده است.

۳ - به زبان مخاطب

در آیه ۱۲ «کفرتم» (کافر می‌شدید) یعنی اعلام و اظهار کفر می‌کردید و «تومنوا» (مؤمن می‌شدید) یعنی اعلام و اظهار قبول می‌کردید.

بر عهده مخاطب

در آیه ۱۶ بین کلمه «شیء» و کلمه «لمن» از لحاظ روال سخن جای چنین جمله‌ای خالی است: «آنگاه به آنها خطاب و از آنها پرسش می‌شود»
و همچنین است بین کلمه «الیوم» و «الله» که جای چنین جمله‌ای خالیست «و همه با هم جواب خواهند داد»
واضح است که خداوند خودش میتواندست چنین جمله‌هائی بگذارد اما بنظر می‌آید نگذاشتن آن برای تحریک ذهن مخاطب می‌باشد.

درباره حروف مقطعه

در سوره های قبلی نیز که با «حم» شروع میشوند بحث کوتاهی در خصوص حروف مقطعه کرده ایم، ضمن آنکه دعوت به مطالعه آن میکنیم، توصیه داریم که به مقاله «سخن نو در ترتیب و زمان نزول سوره ها و حروف مقطعه» (درسایت که حاوی بحثی مفصل تر است) نیز مراجعه فرمائید.

حاملان عرش

«عرش» نماد فرماندهی است، وما درسوره های حاقه ومدثر به مناسبت خود این کلمه و نیز مفاهیم مرتبط به آن بحثی کرده ایم که میتوانید با نگاهی به تیرهای «شرح مختصر» در آنها بسهولت پیداکنید. توصیه اکید به مراجعه به آنها داریم.

«خشم بر خویشان» یعنی چه؟

با توجه به آیه ۱۰ پس از پدیدار شدن قیامت، پرده از جلوی چشمهای کافران کنار می رود و آنها می بینند که موقعیت جهنمی بودن را خودشان برای خویش بوجود آورده اند و بر خویش خشنماک می شوند و رفتارهای شخص خشنماک را علیه خویش بروز می دهند، مثلاً خودشان را می زنند، یا به خویش دشنام می دهند و غیره.

دو بار ما را میراندی

در آیه ۱۱ «دوبار ما را میراندی»، یکی همان مرگ در زندگی دنیا و دیگری مرگ در زندگی برزخی، و «دو بار زنده مان کردی» نیز با توجه به آن، مفهوم است.

«وحی» و «رزق»

با توجه به آیه های ۱۳ و ۱۵ وحی نیز نوع والا و بالای رزق است. راجع به جهان انسانیت، وحی همان نقش رزق را نسبت به جهان حیوانیت دارد.

انسان بدون تأثیرپذیری از وحی مانند حیوان است.

آیا فرماندهی خداوند فقط در قیامت است؟

با توجه به تیتیر فوق، سؤال را اینطور هم میتوان مطرح کرد: «آیا خداوند در این جهان فرماندهی ندارد؟»

جواب این است که واضح است فرماندهی خداوند در همه جا و همه زمانها است اما ذکر آن در آیه ۱۶ به این خاطر است که خواست خداوند این است که دست اداره کننده اش را در این دنیا پنهان نگاه دارد که فرق مومن و نامومن آشکارشود. اما در قیامت این حقیقت برای همگان آشکار و واضح میگردد.

یعنی چه؟

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

کسانی که عرش را حمل میکنند... برای مومنان استغفار میکنند

چون اولین بار در سوره حاقه اشاره ای به عرش شده و ما در ذیل آن عرضی کرده ایم، آن مطلب را به عنوان مقدمه در اینجا عرض میکنیم تا برسیم به آیه ۷ سوره مومن:

درسوره حاقه چنین دیده ایم:

وَأَمَّا لَكَ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ﴿١٧﴾

چنانکه بارها عرض کردیم، ما هیچ راهی برای درک مفاهیمی مانند قیامت و آخرت و ملائکه و جن و ملکوت آسمانها و امثال آن نداریم جز اینکه در قرآن مطالبی به زبان «مَثَل» و به زبان سمبلیک برای «تقریب به ذهن» آمده.

لذا تعبیر آیه ۱۷ از این نوع است عرش خدا که یک «اتاق فرماندهی» (مانند عرشه کشتی) نیست که خداوند منحصرأً از آنجا امور جهان را اداره کند، و نیز اینطور نیست که هشت دستگیره داشته باشد و هشت «نفر» آن دستگیره‌ها را گرفته و بالای «سر» خود نگهدارند و به این طرف و آن طرف «حمل» کنند، بلکه به این معنی است که فرماندهی خداوند مستند به هشت مؤلفه است.

مثلاً هر فرماندهی را در نظر بگیرید در عناصر فرماندهی او عناصری را تشخیص دهید،

مثلاً یک فرمانده با قدرت است و فرمانش نافذ است و یک فرمانده خیلی متخصص است و از روی علم و حکمت فرمان میدهد و طبعاً فرمان او هم نافذ خواهد بود و یک فرمانده علاوه بر آنها عادل هم هست.

طبعاً فرماندهی خداوند هم لااقل به این سه مؤلفه (علم و عدل و قدرت) استوار هست، و از آیه فهمیده میشود پنج مؤلفه دیگر هم دارد که ما فعلاً تصویری از آنها نداریم، مثلاً اینکه فرموده «کتب علی نفسه الرحمه» معلوم میشود چهارمین مؤلفه عرش الهی رحمت است، و چهار مؤلفه دیگر را هم باید از اسماء الهی استخراج کنیم یا در آیات دیگر تدبر کنیم و بفهمیم، خلاصه اینکه مفهوم آیه ۱۷ سوره حاقه این است که فرماندهی خداوند در روز قیامت بر ۸ اسم از اسماء الهی (که نسبت به اسماء دیگر اصلیتر هستند) استوار است.

ملائکه «بر کناره‌های» آن

موضوع فوق نیز که در ابتدای آیه ۱۷ حاقه آمده، از نوع همان چیزهائی است که فوقاً درباره «عرش» دیدیم.

خلاصه اینکه «بر کناره‌های آن هستند» به این معنی است که یعنی در فرماندهی نیستند و مجری اوامری میباشند که از فرماندهی میآید، اوامری که مبتنی بر مؤلفه‌هائی مانند علم و قدرت رحمت و عدالت و ... میباشد.

اینک با این مقدمات اگر آیه ۷ تا ۹ سوره مومن را ببینیم:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ
الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ
وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ
رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

با توجه به آنچه قبلاً عرض کردیم چنین معنی خواهد داد:

ای مومنان! خوشحال باشید و بدانید که کل فرماندهان و کارگزاران سیستم های
جهانی خواهان رشد و موفقیت شماها هستند.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم (۱)

فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند عزتمند دانا است (۲)

همان خداوندی که آمرزشگر گناه و توبه پذیر است، در پیگیری شدید، و صاحب قوت

است، خدائی جز او نیست، و سرانجام همه چیز و همه کس بسوی اوست (۳)

غیر از کافران در آیات الهی مجادله نمی کنند، پس ای پیامبر رفت و آمد و قدرت و

شوکت شان فریبت ندهد (۴)

قبل از آنها قوم نوح و گروه های بعدشان نیز تکذیب کردند و هر گروهی برای پیغمبرشان توطئه میکردند تا بگیرندش و او و پیروانش را نابود کنند، و به باطل مجادله میکردند تا حق را از بین ببرند، اما بگرفتمشان و ببینید پیگیریم چگونه بود؟ (۵)

حکم پروردگارت بر کافران اینگونه فرود میآید و آنها علاوه بر عقوبت این دنیائی اهل آن آتش هم هستند (۶)

ملائکه ای که در مرکز کنترل و هدایت جهان خدمت میکنند، و اطرافیانسان، پروردگارشان را به ستایش تسبیح میکنند و به او ایمان دارند و برای مومنان درخواست رشد می کنند و میگویند پروردگارا! وسعت علم و رحمت تو همه چیز را فرا گرفته، پس توبه کاران را که راه توصیه شدهء تو را میروند ببخش و آنها را از عذاب جهنم حفظ فرما (۷) پروردگارا! آنها و شایستگان پدران و همسران و فرزندانسان را به آن بهشتهای جاودان که وعده شان دادی درآر، که عزتمند حکیمی (۸) و از بدیها حفظشان کن و کسی را که تو از بدیها حفظش کنی در آنروز مورد لطف و رحمت است و آن همان پیروزی بزرگ است (۹)

در قیامت کافران را ندا میدهند: ای کسانی که کفر ورزیدید! البته خشم خداوند از خشمستان بر خودتان بزرگتر است، زیرا به ایمان دعوت میشدید اما کفر می ورزیدید (۱۰) میگویند پروردگارا! دوبار ما را میراندی و دوبار زنده مان کردی. به گناهانمان معترفیم. آیا برای خروج از این موقعیت راهی داریم؟ (۱۱) به آنان گفته میشود این موقعیت تان به آن سبب است که وقتی خداوند به تنهائی خوانده میشد کفر میورزیدید

و اگر با او شریک قرار میدادند قبول می کردید. اینک، همانطور که می بینید حکم از آن خداوند بلند مرتبه است (۱۲)

ای مردم! از کسانی که به چنان وضعیتی دچار خواهند شد مباحثید و همواره توجه کنید که اوست که آیاتش را به شما مینمایاند و از آسمان برایتان روزی میفرستد، و البته فقط کسانی که توبه و بازگشت میکنند پند میگیرند (۱۳)

پس ای مردم! خداوند را در حالیکه دین خویش را برای او خالص کرده اید بخوانید حتی اگر کافران بدشان بیاید (۱۴)

خداوند همان کسی است که بلند مرتبه صاحب عرش است که روح را از امر خویش به هر کس از بندگانش که لیاقت داشته باشد به وحی میفرستد، تا به آن روز دیدار هشدار دهد (۱۵) روزی که همه چیز ها نمایان شود، که چیزی از آنها بر خداوند پوشیده نیست. در آن روز به همگان خطاب میشود که امروز فرمانروایی از آن کیست؟ و همگی جواب خواهند داد از آن خداوند یگانه مقتدر است (۱۶) و در آن روز اعلام میشود امروز هر کسی به آنچه که کرده پاداش داده میشود، و هیچ ظلمی نخواهد بود، که خداوند در حساب سریع است (۱۷)

ای پیامبر! راجع به آن روز که نزدیک خواهد شد هشدارشان ده. هنگامی که جان به گلوگاه میرسد، خشم خود را فرو میخورند، در آن موقعیت ظالمان هیچ حمایت کننده ای و هیچ شفاعت کننده ای که سخنش پذیرفته شود نخواهند داشت (۱۸) ای مردم! بدانید که خداوند حتی به نگاه های زیر چشمی تان و آنچه در دلها میگذرانید نیز آگاه است (۱۹) خداوند به حق قضاوت میکند ولی آنهایی که برخی از مردم به خطا غیر

از او عبادت میکنند هیچگونه تاثیری ندارند، ای مردم! بدانید که خداوند شنوای
بیناست (۲۰)

مومن ۲ آیات ۲۱ تا ۴۶

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٢١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ
تَأْيِيهِمْ رُسُلَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى
بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ
فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ
﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكْذِبُوا فَعَلْبُهُمْ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكْ صَادِقًا يُصِيبَكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا
مِنْ نَاسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾
وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ
وَتَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ
﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُنْزَلُونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾
وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ
يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي
آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ
مُتَكَبِّرٍ خَبِيرٌ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ
السَّمَاوَاتِ فَاطْلُعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ
وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾
يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا
مِثْلُهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

﴿٤٠﴾ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى التَّجَاةِ وَتَدْعُونِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونِي لَأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَؤُصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:
درس: نکوهش کافران که علیرغم الطاف الهی با اصرار و لجبازی باحق مخالفت می کنند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: توجه نکردن به عاقبت تکذیبگران پیشین سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و ذکر نمونه‌ای از لجبازی یکی از قوی پنجه ترین اقوام پیشین که موفق هم نشد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٢١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ

تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾

ریزدرب: ای پیامبر! دلخوش باش، نه اینان از اقوام سلف بالاترند و نه تو در نزدما از پیامبران سابق کم عزت تری (موفقت میکنیم)

۲

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فرعون توانست در ماموریت موسی اخلال موثر کند؟

۳

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾ يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَبْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُؤَلَّفُ أَلْسِنَةً حَثْيًا وَلَا تُغْنِي عَنْكُمْ فِي يَوْمِ ذَلِكَ أَبْصَارُهُمْ سَبُعًا وَلَا يُنْفَعُ عَنْهُمْ فِي ذَلِكَ أَلْسِنُهُمْ سَبُعًا ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ نَبْعَثَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فرعون توانست در ماموریت موسی اخلال موثر کند؟ ضمناً نقش عوامل پیش بینی نشده را دست کم نگیر!

۴

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِّفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فرعون توانست در ماموریت موسی اخلال موثر کند؟

۵

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَا مَرْدَدًا إِلَى اللَّهِ وَآنَ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فرعون توانست در ماموریت موسی اخلال موثر کند؟ ضمناً نقش عوامل پیش بینی نشده را دست کم نگیر!

۶

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكْرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! کافران قوم تو موفق نمیشوند در ماموریت اخلال موثری کنند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ فرموده: توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می شود، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می شود، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقیت نهایی مومنانند، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده اند.

در این پاراگراف می فرمایید: تکذیبگران مهم تر قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخورد با آنها را حتماً تا قیامت عقب می اندازیم، بلکه ممکن است در همین جهان هم (در صورتیکه از حدودی تجاوز کنند) آنها را به عذاب هلاکت دچار کنیم و عذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلاً فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد، تکذیب و لجبازی پیشه کردند و به هلاکت رسیدند.

۴ - سوالات

- ۱ - حالت کلی این پاراگراف چیست؟ (امیدواری؟ هشدار؟ هردو؟ یا...؟)
- ۲ - کلمه «واق» با کدام کلمه پرتکرار قرآنی هم ریشه است؟
- ۳ - با توجه به سوال قبل، برای معنی کلمه مورد سوال مثالی بزنید.
- ۴ - آیا آیه ۲۱ (چنانکه میگویند) تشویق به مسافرت است؟ (توضیح دهید)
- ۵ - منظور از «سلطان مبین» (آیه ۲۳) چیست؟
- ۶ - منظور از «ضلال» (آیه ۲۵) چیست؟
- ۷ - منظور از «الارض» (آیه های ۲۶ و ۲۹) چیست؟ (سرزمین مصر و اطراف؟ کل کره زمین؟ یا...؟)
- ۸ - از ظاهر آیه ۲۸ فهمیده میشود «بینات» مورد اشاره آن فرد مومن، مورد اعتراف فرعون و سران قوم او بوده، سوال این است که آن «بینات» چه چیزهایی بوده؟
- ۹ - منظور از «دعوة» (آیه ۴۳) چیست؟
- ۱۰ - در این پاراگراف یک مورد «آیه برجسته» هست. آن را مشخص کنید.
- ۱۱ - در آیه ۲۵ در باره «بناء»، «اقتلوا» و در باره جنس مونث بجای اینکه بگویند «بنات» گفته اند «نساء»، و در باره رفتار با آنها گفته اند «استحيوا». در هر دو نوع رویکرد (هم نامگذاری روی دو جنس و نوع رفتار در باره آنها) عدم مشابهتی هست، علتش را بیان کنید.
- ۱۲ - از ۶ کلمه انتهای آیه ۲۵ چه فهمیده میشود؟ (نگاه بلند مدتی نسبت به بنی اسرائیل داشتند که موفق نشدند؟ یا...؟)
- ۱۳ - «زبان» فرعون در آیه ۳۶ از چه نوع است؟ (طنز؟ تمسخر؟ یا...؟)
- ۱۴ - آیه ۴۰ سخن کیست؟
- ۱۵ - آیه ۴۵ میگوید آن مومن سالم ماند و روایات میگویند او را کشتند و حتی او را ریز ریز کردند، ما میگوئیم در خود متن آیه ۴۵ قرینه ای هست که آن نوع روایات را تخطئه و تکذیب میکند، آن قرینه چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در زمان نزول این سوره رهبران جبهه مخالفت با آنحضرت، این جمع بندی را داشتند که به هیچوجه نباید کوچکترین موافقتی با آنحضرت کنند، اما در بین آنان کسانی هم بودند که قلبا با آنحضرت بوده و در مواقع حساس به نفع مواضع آنحضرت اظهاراتی میکردند اما جرات اظهار صریح و رسمی ایمان را نداشتند.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و آیه ۴۴ از مشهور ترین های آیات قرآنی است.
آیه ۴۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) مشهور است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۲۱ تا ۴۵ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.
آیه های ۴۵ و ۴۶ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حال، کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل

توجهی نیافته اند، لذا از لحاظ تحت اللفظی، آنها هم کم و بیش همانطور می فهمیده اند که ما.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

پیامبر (ص) از قول خداوند به فعالان کافرانِ معاصر نزول این سوره میگوید شما که از فرعون و هامان و قارون قوی پنجه تر و ثروتمند تر نیستید، کاری نکنید که به عاقبت آنان دچار شوید.

از طرف دیگر به سمپات های دعوت خویش میگوید، حالا هر محظوری هم که داشته باشید، فعلا اعتقاد خویش را حفظ کنید و اگر نمی توانید علنی هم کنید، اما، در جاهای حساس موضع صحیح بگیرید.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۲۱ و ۲۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

- ۱ - آیه های ۳۴ و ۳۵ فرع اند بر ماقبل خویش.
- ۲ - در اواسط آیه ۴۶ «ویوم تقوم الساعة» پرانتزی است.
- ۳ - «ویوم تقوم الساعة» در قیامت و بقیه مربوط به برزخ است.

صاحبان زر و زور و تزویر علیه پیامبران

با توجه به آیه ۲۴، فرعون و هامان و قارون در جبهه مقابل حضرت موسی بودند.

فرعون رئیس حکومت مصر و هامان نیز یکی از کارگزاران مهم همان حکومت بوده است.

اما تاکنون (با توجه به لیست ترتیب نزول سوره‌ها) نامی از قارون نشنیده بودیم اما عموماً قارون مرد بسیار ثروتمندی بوده و در سوره قصص (که برحسب ترتیب نزول، چند سوره بعدتر است) ذکری از او به میان آمده است.

اما چیزی که در اینجا با آن مواجهیم این است که رئیس سیاسی حکومت و مدیر اجرایی همان حکومت و یک فرد بسیار ثروتمند در جبهه واحدی علیه حضرت موسی(ع) قرار گرفته‌اند.

یعنی سیستم سیاسی و اجرایی و سیستم اقتصادی علیه او قرار گرفته‌اند. یعنی در پیام حضرت موسی چیزی بوده که سیستم سیاسی، و سیستم اجرایی، و سیستم اقتصادی را به وحشت انداخته است.

دروغگو، جادوگر

با توجه به آیه ۲۴ از آن جهت آنحضرت را جادوگر نامیده بودند که می‌دیدند در سخنان او چیز است که مردم را جذب می‌کند، و از این جهت او را دروغگو می‌نامیدند که جاذبه او را از بین برده و مردم را از او دور و متنفر کنند.

تهمت و تهدید

با توجه به آیه ۲۵ جادوگر و دروغگو خواندن آنحضرت، مقابله ذهنی، و تهدید عملی پیروان احتمالی آن حضرت، مقابله عملی آنها بود.

بعبارت دیگر، آنها به زبان او را جادوگر و دروغگو می‌خواندند و با آنچه در آیه ۲۵ اشاره شد، ترسی ایجاد می‌کرده‌اند که کسی تمایل به پیروی از آنحضرت را در سر نپروراند.

حکومت سلطنتی مشروطه

با توجه به آیه ۲۶ معلوم می‌شود حکومت فراعنه آنطور نبود که فقط قائم به یک فرد باشد، بلکه نوعی «مجلس تصمیم‌گیری» داشت که فرعون «مجری مصوبات» آن بود. لذا در سلسله مراتب قدرت، (از لحاظ رسمی) فرعون پائین‌تر از آن مجلس تصمیم‌گیری قرار داشت.

یعنی مثلاً مانند امروز که نخست وزیر در مقابل مجلس مسئول است، در آنجا هم شبیه چنین چیزی بوده و مجلسی بوده که فرعون در مقابل آن مسئول بوده و برای کشتن حضرت موسی احتیاج به تصویب آن مجلس داشته است.

همچنین از آیه‌های این پاراگراف فهمیده می‌شود که در آن «مجلس» چنین سنت بوده که باید موافق و مخالف صحبت می‌کردند و نتیجه به رأی گذاشته می‌شد و همچنین فهمیده می‌شود در آن مجلس نوعی «مصونیت پارلمانی» وجود داشته و اظهارنظر مخالف فرعون ایرادی نداشته است.

امتحان حقانیت

چیزی که از آیه ۲۶ فهمیده می‌شود ظاهراً نوعی امتحان حقانیت بوده است. یعنی اینکه مگر موسی نمی‌گوید پیامبر است؟ ما او را می‌کشیم، اگر او راستگو باشد خدایش را خواهد خواند و خدایش نخواهد گذاشت ما او را بکشیم و به این ترتیب حقانیت او روشن می‌گردد، اما اگر کسی کمکش نکرد و ما موفق شدیم او را بکشیم پس معلوم می‌شود او دروغگو بوده است.

این شیوه شناخت حقانیت ادعاها در قدیم (لااقل می‌دانیم در اروپای قرون وسطی و قبل از آن) عادی بوده و اگر کمی به عمق این طرز تفکر دقت کنیم ملاحظه خواهد شد که این نهایت بی‌قانونی و تعریف نشدن حقوق انسانها و موکول شدن فصل دعوای به امور مجهول بوده و لااقل این را نیز می‌دانیم که در هیچ نقطه‌ای که اسلام به آن راه یافته، دیگر این نوع وحشیگریها دیده نشده است.

اعتراف ضمنی

همچنین باز هم از همان آیه ۲۶ فهمیده می‌شود که جمله «می‌ترسم دینتان را تغییر دهد» یعنی اینکه آنها فکر می‌کردند دینشان بهتر بوده و دین مورد تبلیغ موسی بدتر بوده و فرعون می‌خواسته دین بهتر خودشان را در مقابل دین بدتر موسی حفظ کند. هرچه بوده، آنها با این نوع برخورد یعنی برخورد فیزیکی بجای برخورد عقلی و استدلالی، اعتراف نموده بودند که دینشان از لحاظ عقلی و استدلالی ضعیف است و چون از این نظر کم می‌آوردند می‌خواستند از نیروی نظامی خویش کمک بگیرند.

«مومن آل فرعون»

ضمن آیات ۴۴-۲۸ مطلبی از آن مردی که در آیه ۲۸ به او اشاره شده نقل می‌شود که در نوع خود بسیار عجیب و قابل تأمل است:
اولاً از این لحاظ که این معارف نوعاً بالا و بلند مرتبه و در حد معارف مورد تبلیغ قرآن است.

ثانیاً از این لحاظ که چگونه آن شخص که بالاخره جزء رجال حکومتی بوده به چنان معارف بالائی دست یافته بود، زیرا به طور حتم نمی‌توانسته معارف مذکور را از موسی اخذ کرده باشد، زیرا در آن صورت به تبانی با دشمن متهم و محاکمه و کشته می‌شده است. و اگر از موسی اخذ نکرده، (که حتماً هم اخذ نکرده زیرا آدم محتاطی بوده) پس از کجا به آن معارف بلند مرتبه رسیده؟
راهی نمی‌ماند جز اینکه قبول کنیم آن معارف در آن محیط وجود داشته اما مورد توجه و استقبال عمومی نبوده است.

(مثلاً از معارف و تعلیمات دوره حضرت یوسف (که در آیه ۳۴ به او اشاره شده) چیزی مانده بوده که مورد توجه و مطالعه آن شخص واقع شده و او شخصاً در مدتی طولانی آن مطالب را پیگیری کرده و جذب آن شده و در نتیجه به چنان شخصیت

وزینی تبدیل شده است)

معارف عمومی مرتبط با پیامبران در زمان فرعون وجود داشته

با توجه به آیه ۳۱ چنانکه می‌دانیم تمدن مصر در «دوره تاریخی» است و از آن زمان دستخطها و سنگ نبشته‌ها و طومارها و سکه‌ها و اشیاء و ظروف و البسه و ساختمانها و بسیاری از علائم و شواهد تمدنی بجا مانده و فاصله زمانی آنها با ما نیز معلوم است. اما قوم عاد و نوح و ثمود مربوط به «قبل از تاریخ» است و چنین نشانه‌هایی دال بر وجود آنها یا کیفیت زندگی آنها موجود نیست. از این آیه معلوم می‌شود علاوه بر آن شخص مؤمن، مستمعان او نیز، به وجود اقوامی مانند قوم نوح و عاد و ثمود اعتقاد داشتند.

در اینصورت این سؤال پیش می‌آید که آنها چگونه به وجود آن اقوام علم و اشراف پیدا کرده بودند؟

اگر کسی بگوید این مطالب جزء تعالیم حضرت یوسف بوده، نمی‌توانیم قبول کنیم زیرا از آیه ۳۴ فهمیده می‌شود که آنها چندان ایمانی به یوسف (از لحاظ پیغمبری او) نداشتند اما چون حضرت یوسف یک رجل حکومتی بوده، از لحاظ سلسله مراتب حکومت و در همان حد ضوابط اداری حکومتی اطاعتش می‌کرده‌اند. در این صورت به همان سؤال برمی‌گردیم که آن مردم چگونه بر اقوامی مانند قوم نوح و عاد و ثمود اشراف و اطلاع داشتند؟

باید چنین تصور کرد که درست است که ما اطلاعاتی از اقوام فوق نداریم اما این دلیل نمی‌شود که آنها هم که هزاران سال به آن اقوام از ما نزدیک‌تر بودند نیز دلیلی و اطلاعاتی راجع به آنها نداشته باشند.

تکنولوژی بالای تمدن مصر در آن زمان

در رابطه با آیه‌های ۳۶-۳۷ باید توجه کنیم که در آن زمانها ساختن «قصر بلند» با

آن امکانات و تکنولوژی پائین (که هنوز چرخ و اهرم هم اختراع نشده بود) چه شاهکار عظیمی بود، و فرعون که توان و امکانات ساختن چنین چیزی را داشت، چقدر می-توانست مغرور و مفتخر باشد، حتی آنقدر که خود را از همه چیز و همه کس بالاتر بداند.

با وجود این از آیه‌های فوق درک بسیار کودکانه و جهان‌بینی بسیار حقیرانه‌ای به چشم می‌خورد که جدا شایسته کسی که حاکم یک سرزمین ثروتمند قدرتمند است نمی‌باشد.

از مجموع آیه‌های ۴۴-۴۲-۴۱ فهمیده می‌شود که «مجلس» مورد بحث که سخنان آن مرد و سخنان فرعون را شنیده بود بالاخره پس از شور، سخنان فرعون را ترجیح داد و تصمیم خویش را اتخاذ کرد و آن مرد در اقلیت قرار گرفت.

فهمیده می‌شود که آن مرد بر سر دو راهی قرار گرفت که یا بیلید به راه اکثریت تغییر مسیر می‌داد یا دچار ناراحتی می‌شد که مورد لطف و عنایت و حمایت الهی قرار گرفت و از مکر فرعونیان محفوظ ماند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا اینان در زمین نمی‌گردند تا ببینند عاقبت پیشینیانشان چه شد؟ همانها که از اینان، هم قوی تر بودند، و هم آثار بیشتری بجا گذاشتند، اما خداوند بسبب گناهانشان بگرفتشان و کسی نبود که در مقابل خداوند بتواند برایشان کاری کند (۲۱) و البته حقشان هم همین بود، زیرا پیغمبرانشان با دلایل روشن بسویشان می‌آمدند اما آنها کفر می‌ورزیدند و خداوند هم می‌گرفتشان که او قوی و در پیگیری شدید است (۲۲)

و موسی را نیز با آیاتمان و دلایل روشن فرستادیم (۲۳) بسوی فرعون و هامان و قارون. اما گفتند او جادوگری بسیار دروغگو است (۲۴) و هنگامیکه با حق از جانب ما

بسویشان رفت گفتند هر کس که به او ایمان آورد پسرانشان را بکشید و زنان و دخترانشان را نگهدارید و البته این حيله آن کافران به نتیجه نرسید و نتوانستند چنان کنند (۲۵) و فرعون به مجلس حکومتی خویش گفت بگذارید موسی را بکشم، تا پروردگارش را بخواند، زیرا میترسم آئین شما را تغییر دهد، یا در زمین آن فساد را بوجود بیاورد (۲۶) و موسی گفت پناه میبرم به پروردگارم که پروردگار شما هم هست از هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد (۲۷)

و شخصی از فرعونیان، که ایمانش را پنهان میداشت، گفت آیا مردی را فقط به این خاطر که میگوید پروردگارم خداوند است، و تازه از جانب پروردگارتان دلائل روشنی هم برایتان آورده است، میکشید؟ تازه اگر دروغگو هم باشد همان دروغ کارش را میسازد، اما اگر راست بگوید بعضی از آن چیزهایی که ادعا میکند به شما میرسد. البته خداوند هیچ اسرافکار دروغگویی را هدایت نمیکند (۲۸) ای مردم امروز شما در این سرزمین غالبید. اما اگر خشم خدائی بسویمان بیاید چه کسی کمکمان میکند؟

فرعون گفت رأی من همین است که گفتیم و شما را جز به راه رشد هدایت نمیکنم (۲۹)

و آن مومن گفت: ای مردم میترسم بر سر شما همان بیاید که بر سر آن گروه های پیشین آمد (۳۰) مثل آن روشی که با قوم نوح و عاد و ثمود و بعدی ها رفتار شد و البته خداوند خواستار هیچ ظلمی نسبت به بندگان نیست (۳۱) ای مردم برای شما از روز قیامتی که مردم همدیگر را صدا میزنند میترسم (۳۲) روزی که روی برمیزانید و میگریزید. اما از عذاب خدا هیچ پناهگاهی نخواهید داشت و کسی را که خداوند همراه کند هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت (۳۳)

و قبلا هم یوسف با دلایل روشن بسویتان آمده بود اما شما همواره در شک بودید تا اینکه هلاک شد. آنگاه گفتید خداوند هرگز پس از او پیغمبری بر نخواهد گزید و خداوند هر اسرافگر شکاکی را چنین گمراه میکند (۳۴) همانها که در آیات خدا بدون دلیلی که به سویشان آمده باشد مجادله می کنند. که این سببِ بوجود آمدن خشم بزرگی نزد خداوند و مومنان است. چنین است که خداوند بر قلب هر متکبر جباری مهر میزند (۳۵)

و فرعون گفت ای هامان برایم قصر بلندی بساز شاید به آن اسباب برسم (۳۶) همان اسباب آسمانها. تا اینکه به خدای موسی اشراف پیدا کنم. چونکه گمان میکنم دروغگو باشد

و چنین بود که عمل زشت فرعون برایش زیبا جلوه داده شد و او را از راه درست بازداشت و حيله فرعون مگر در جهت نابودیش عمل نکرد (۳۷)

و آن مومن گفت ای مردم مرا پیروی کنید تا شما را به راه رشد هدایتان کنم (۳۸) ای مردم جز این نیست که این زندگی دنیا برخورداریی اندک است اما آخرت خانه قرارگاه همیشگی است (۳۹) هر کس که عمل بدی کند فقط به مثل آن مجازات میشود اما هر کس که عمل شایسته ای کند چه زن باشد و چه مرد، و ایمان هم داشته باشد، داخل بهشت میشود که در آن بی حساب روزی خواهد داشت (۴۰) ای مردم! چه تان شده که من شما را به سوی نجات دعوت میکنم اما شما مرا به سوی آتش میخوانید؟ (۴۱) مرا میخوانید که به خداوند کفر ورزم و چیزی را که علمی به آن ندارم با او شریک کنم و من بسوی آن عزتمند آمرزشگر دعوتتان میکنم (۴۲) چیزی که هست این است که آنچه شما مرا به آن میخوانید، نه در دنیا و نه در آخرت شایستگی ندارد، و بازگشتگاه همگی بسوی خداوند است و اسرافگران هم یاران آتشند (۴۳)

البته بزودی بیاد خواهید آورد که چه به شما میگفتم. و من البته کارم را به خداوند واگذار میکنم که خداوند به بندگانش بی‌نا است (۴۴) پس خداوند از بدیهای آنچه که راجع به او حیل می‌کردند حفظش کرد و آن عذابِ بد بر آل فرعون فرود آمد (۴۵) آن آتش، صبحگاهان و شامگاهان بر آنها عرضه میشود و روزی هم که قیامت بپا شود ندا میشود آل فرعون را به عذاب شدید داخل کنید (۴۶)

مومن ۳ آیات ۴۷ تا ۵۹

وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾ قَالُوا أَوَلَمْ تَكُنْ تُأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَهُمْ بِالْعَذَّةِ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ يَعْرِضُونَ سُلْطَانًا أَنَّهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٥٦﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ إِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم الطاف الهی با اصرار و لجبازی باحق مخالفت می کنند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کافران به چنین عاقبتی بی اعتنا می باشند و پیامبر می باید در مقابل مشکلات رسالت صبر کند و به خدا پناه ببرد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَبَهِلَ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾ قَالُوا أَوْمَ تَكَ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾

ریزدرب: اهالی جهنم چنین گرفتاری هایی دارند

۲

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَهُمْ اللَّعْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

ریزدرب: ای مومنان دلخوش باشید که سرانجام خوش دارید

۳

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: ای مومنان دلخوش باشید، نه شما از بنی اسرائیل کمترین از دشمنان آنها قوی تر اند

۴

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُذُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٥٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! صبوری کن، و دلخوش باش که دشمنانت به خواسته شان نمیرسند

۵

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾

ریزدرب: ای مردم! ما که این آفرینش را کرده ایم، اوضاع را به همین حال وانمیگذاریم

۶

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ

﴿٥٨﴾ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾

ریزدرب: ای مردم! مهم ترین چیز قیامت و آخرت است و درجه بندی مردم نسبت به دوری و نزدیکی از درک و قبول آن است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ فرموده: توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می‌شود، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می‌شود، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقیت نهایی مومنان‌اند، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده‌اند.

در پاراگراف ۲ می‌فرماید: تکذیبگران مهم‌تر قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخورد با آنها را حتماً تا قیامت عقب می‌اندازیم، بلکه ممکن است در همین جهان هم (در صورتیکه از حدودی تجاوز کنند) آنها را به عذاب هلاکت دچار کنیم و عذاب آخرتی‌شان هم محفوظ باشد مثلاً فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند.

در این پاراگراف بخشی مربوط به عذاب قیامت آنها برجسته شده، تا اندکی به خویش آیند و در عین حال به آنحضرت نیز دل‌داری می‌دهد که منشاء وحی او و سایر پیامبران یکی است، و مانع سران قومش برای گرایش، تکبر بی‌پشتوانه‌شان است که ممکن است تدریجاً رقیق شود.

۴- سوالات

- ۱- منظور از «یوما» (آیه ۴۹) چیست؟
- ۲- بهتر است تسبیح و تحمید الهی در چه مواقعی انجام شود؟
- ۳- در این پاراگراف بگومگویی جهنمی‌ها مطرح شده، از این مقوله چه سابقه‌ای درسوره‌های قبلی سراغ دارید؟
- ۴- منظور از دو آیه ۴۷ و ۴۸ چیست؟ (تشویق کافران معمولی به اینکه از زیرسلطه «سران» درآیند؟ یا...؟)
- ۵- «تک» (آیه ۵۰) از لحاظ دستور زبان چه حالتی دارد؟

- ۶ - منظور از آیه ۵۱ چیست؟ (روحیه بخشی به مومنان؟ تشویق کافران معمولی به خارج شدن ازسلطه «سران» و پیوستن به صفوف مسلمین؟ یا....؟)
- ۷ - منظور «ماهم ببالنیه» (آیه ۵۶) چیست؟
- ۸ - «و» در «و یوم یقوم الاشهاد» (آیه ۵۱) از چه نوع است؟ (شروع مطلب جدید؟ ادامه مطلب در جریان؟ یا ...؟) (دقت کنید)
- ۹ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار؟ یا...؟)
- ۱۰ - استفهام موجود در اوائل آیه ۵۰، از چه نوع است؟
- ۱۱ - «فادعوا» در همان آیه چه توجیهی دارد؟
- ۱۲ - در آیه ۴۹ چرا فرموده ربکم و نفرموده ربنا؟
- ۱۳ - با توجه به آیه های ۵۳ و ۵۴، غیر «اولی الباب» راجع به «کتاب» چه وضعی دارند؟
- ۱۴ - با توجه به سوال فوق، برای اینکه شخص در «کتاب»، «هدی» و «ذکری» داشته باشد، باید سعی در کسب چه چیزی کند؟
- ۱۵ - جواب سوال فوق چگونه بدست می آید؟ (با توضیح جواب دهید)
- ۱۶ - منظور از «اورثنا» (آیه ۵۳) چیست؟
- ۱۷ - با توجه به آیه ۵۵، مگر خداوند چه وعده ای به پیامبر(ص) داده بود؟
- ۱۸ - منظور از «سلطان» (آیه ۵۶) چیست؟

۵ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه های ۵۵ و ۵۶ ضمن تأیید آنحضرت او را به ادامه رسالتش توصیه و پیشگویی عدم موفقیت فعالان مخالفت با او را میدهد.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۴۷ تا ۵۲ و نیز آیه ۵۹ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیه ۵۷ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - نکوهش بی اعتنائی سران کافران به عاقبت محتوم نامطلوب اخروی خویش،
- ۲ - توصیه به پیامبر به صبر و پناه بری به خدا برای مقابله با این مشکلات.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۷ و ۵۹، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

۱ - آیه های ۵۱ و ۵۲ فرع بر ماقبل خویش اند.

۲ - همچنین است موقعیت آیه ۵۸.

پرانتر بزرگ

کل آیات ۴۷ تا ۵۶ یک پرانتر بزرگ است، زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید در روال سخن سکنه ای حادث نمیشود.

۲ - جمله «ماهم ببالغیه» (آیه ۵۶) از لحاظ کلیدهای تفسیری «پرانتری» است.

ربکم و فادعوا

در آیه ۴۹، اینکه اهل جهنم به مسئولان جهنم میگویند از «پروردگارتان» درخواست کنید و نمیگویند «پروردگارمان»، از باب خجالت کشیدن است که رویشان نمی شود با آنهمه سیاهی پرونده بگویند پروردگارمان، و ما هم همینگونه سخن میگوئیم مثلاً وقتیکه بچه ها یک گندی میزنند میگوئیم خانم/آقا بچه ات را جمعش کن، اما وقتیکه افتخاری می آفریند میگوئیم بچه خودمه. در آنجا هم که میدانند عمری را طوری صرف کرده اند که گویا خداوند خدای آنها نیست در آنجا – که فهمیده اند جای زرنگ بازی و فرصت طلبی نیست – رویشان نمیشود که خداوند را به خویش نسبت دهند و از این بابت است که میگویند ربکم.

«فادعوا»ی آیه ۵۰ هم از باب سرکوفت است، که مگر شما عمری خدایانی را شریک خداوند حساب نمیکردید؟ حالا هم خواهشتان را با همانها مطرح کنید. البته میتوان گفت که آنها حتی در آنحال هم هنوز متنبه نشده اند و دنبال واسطه میگردند.

عذاب روحی

عذاب جهنم غیر از خود عذاب، سه خصوصیت دیگر هم دارد: بگو مگوی بی حاصل اهل جهنم، درخواست بی فایده تخفیف، سرکوفت مدیران جهنم به معذبان که مگر در دنیا پیغمبران بسویتان نیامده بودند؟ که اینها در قلب عذاب روحی معنا پیدا میکند.

«گناه پیامبران»

در موضوع فوق ذیل آیات ۴۸ تا ۵۰ سوره قلم و ابتدای سوره عبس عرضی کرده‌ایم.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! هنگامی را در نظر بیاورید که کافران در آتش مجادله میکنند و ضعفاء به گردنکشان میگویند ما تابع شما بودیم آیا حالا چیزی از آتش را از ما رفع میکنید؟

(۴۷) گردنکشان میگویند ما همگی با هم در آن هستیم. این خداوند است که بین بندگان حکم کرده است (۴۸) و همگی آنها که در آتش هستند به نگهبانان جهنم میگویند از پروردگارتان بخواهید یک دوره از عذاب را بما تخفیف دهد (۴۹) میگویند آیا پیغمبرانتان با دلیل های روشن بسویتان نیامدند؟ میگویند بلی. آنها به طعنه میگویند پس خودتان از آن خدایانتان که در دنیا عبادتشان میکردید بخواهید که برایتان چنین کنند. و البته خواستن کافران، در آن شرایط بی فایده است (۵۰)

البته ما پیغمبران خویش و نیز کسانی را که در زندگی دنیا ایمان آوردند در روزی که گواهان به گواهی بپا میخیزند یاری میکنیم (۵۱) روزی که معذرت خواهی ظالمان سودشان نمیدهد و لعن و سرای بد خواهند داشت (۵۲)

ما به موسی آن هدایت و به بنی اسرائیل نیز آن کتاب را دادیم (۵۳) که حاوی هدایت و پندی برای خردمندان است (۵۴)

پس ای پیامبر! بر مشکلات رسالت صبر کن. وعده خداوند البته حق است و برای خطاهایت استغفار کن و پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان به ستایش تسبیح گوی (۵۵)

ای پیامبر! آنانکه بدون اینکه دلیلی بسویشان آمده باشد در آیات خدا مجادله میکنند جز این نیست که در دلهاشان تکبری هست. آنها به دلخواه خویش نمیرسند. پس به خدا پناه بر که او شنوای داناست (۵۶)

البته آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش مردم مهم تر است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۵۷) و کور و بینا، و نیز آنانکه ایمان و عمل صالح دارند و بدکاران، مساوی

نیستند، ای کافران! چقدر پند پذیری تان کم است (۵۸) البته قیامت حتما می آید و
شکی در آن نیست، ولیکن اکثر مردم ایمان ندارند (۵۹)

۱

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾

ریزدرب: عبادت من که خدای شما هستم فعلا این است که با من صمیمانه صحبت کنید

۲

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾

ریزدرب: مرا که خدایتان هستم بشناسید

۳

قُلْ إِنِّي هُمَيِّتٌ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! به مردم بگو: من به غیر از چنین خدائی کاری ندارم

۴

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيََكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَّن يُّتَوَفَّىٰ مِن قَبْلُ وَلِيَبْلُغُوا أَجَلَ مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾

ریزدرب: ای مردم! مرا که خدایتان هشتم بشناسید

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ فرموده: توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می شود، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می شود، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقیت نهایی مومنان اند، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده اند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: تکذیبگران مهم تر قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخورد با آنها را حتماً تا قیامت عقب می اندازیم، بلکه ممکن است در همین جهان هم (در صورتیکه از حدودی تجاوزکنند) آنها را به عذاب هلاکت دچار کنیم و عذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلاً فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند.

در پاراگراف ۳ بخش مربوط به عذاب قیامت آنها برجسته شده، تا اندکی به خویش آیند و در عین حال به آنحضرت نیز دلداری میدهد که منشاء وحی او و سایر پیامبران یکی است، و مانع سران قومش برای گرایش، تکبر بی پشتوانه شان است که ممکن است تدریجاً رقیق شود.

در این پاراگراف می فرماید: به افعال و نعمتها و صفات الهی توجه کنید.

۴ - سوالات

- ۱ - چرا خداوند در این پاراگراف ضمیر «من» را زیاد بکار برده، اما حتی یکبار هم ضمیر «ما» را بکار نبرده؟ (قال ادعونی استجب عبادتی جعل خالق هو الله جعل صور هو ه له خلق یخرج هو یحیی یمیت یقول)
- ۲ - چرا در آیه ۶۰ بجای «استجب» نفرموده «اجب»؟
- ۳ - چرا خداوند از میان آنهمه صفات ممکن این صفات را اختیار فرموده؟ (ذو فضل علی الناس، رب العالمین، رب العالمین، رب العالمین)
- ۴ - نسبت این پاراگراف با پاراگراف قبل چیست؟
- ۵ - چه سابقه ای از آیه های ۶۱ و ۶۴ در سوره های قبلی دارید؟
- ۶ - این پاراگراف چه حالتی دارد؟ (ایجاد انفعال در کافران معمولی - از طریق برانگیختن عواطفشان نسبت به مرکز ارسال دائمی لطف و محبت به آنها - تا به راه بپیوندند یا....؟)

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۶۰ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۶۰ در باره دعاء است و از آنجا که مکانیزم اجابتش تعریف نشده نه تنها بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است بلکه حتی راجع به ما نیز چنین است.

آیه های ۶۱ و ۶۲ و ۶۴ و ۶۷ و ۶۸ از این لحاظ که به آفرینش اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزمش برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر شمه ای از آیات و صفات و نعمت های الهی که تفکر و تعمق در آنها ممکن است رافع جحود و اصرار بر کفر شود.

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۶۱ و ۶۲ و ۶۳، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه های ۶۲ و ۶۳ و ۶۶ فرع بر ماقبل خویش اند.

آفرینش از «خاک»

با توجه به آیه ۶۷ اگر برعکس ترتیب مذکور بخوانیم اینطور می شود: طفل، قبل از آن علقه، قبل از آن نطفه، و قبل از آن خاک.

این دگردیسی برای همه هست و لذا همه «از خاک» آفریده شده اند.

اگر دقت کنیم این عبارت «از خاک» مربوط به مرحله قبل از مرحله «نطفه» بودن انسان است.

یعنی مواد پیدایش هر فرد انسانی در زمین است (بصورت غذاها و غیره) و هنوز جذب بدن زن و مرد نشده است تا بعداً بصورت نطفه درآید.

اگر این «همه از خاک آفریده شده اند» را با توجه به مطلب فوق در ذهن خویش بپرورانید این نتیجه حاصل می شود که «آفرینش از خاک با داشتن پدر و مادر مغایر نیست»

یعنی آدمی میتواند هم پدر و مادر داشته باشد، هم از خاک آفریده شده باشد. این موضوع مغایر تولد حضرت عیسی (ع) نیز از خاک [که قرآن درباره او گفته «خلقه من تراب» (او را از خاک آفرید)] نمی شود زیرا چنانکه میدانیم حضرت عیسی (ع) مادر را که داشت، و بجای پدر هم «قائم مقام پدر» را داشت، زیرا در قرآن فرموده «قال انما انا رسول ربك لا هب لك غلاما زكيا» (گفت جز این نیست که من فرستاده پروردگارت هستم که به تو پسری پاک عطا کنم) اگر همین سلسله زنجیر استدلالی را در ذهن خویش ادامه دهیم به کجا میرسیم؟ به آدم!

گرچه او نیز «از خاک» آفریده شده، اما این موضوع مغایرتی با لزوم داشتن پدر و مادر [یا لااقل مادر و قائم مقام پدر، یا از آن هم پائین تر قائم مقام مادر و قائم مقام پدر] ندارد.

بنابراین «آفرینش از خاک» یعنی اینکه مواد تشکیل دهنده بدن شما منشاء خاکی دارد، و این چیز نیست (که با تعبیر فوق اینک) کاملاً مفهوم شده است.

آیات بسیار صمیمانه

در این پاراگراف صمیمیت بسیار زیادی نسبت به مردم اظهار شده، بطوری که:

- ۱ - در تمام این آیات، راجع به خداوند از حالت گوینده فردی (که در فارسی با کلمه «من» بیان میشود) بکار رفته، مثلاً: [قال ربکم ادعونی استجب لکم...]
- ۲ - در تمام این پاراگراف بسیار از کلمه «شما» استفاده شده [ربکم لکم تسکنا الناس الناس ربکم لکم صورکم صورکم ربکم ادعوه خلقکم یخرجکم تبغوا اشدکم تکنونوا منکم تبغوا تعقلون]

۳ - در تمام این آیات، برای خداوند، یکبار هم از حالت گوینده جمعی که در فارسی با کلمه «ما» مشخص میشود (مانند خلقنا و جعلنا و رزقنا و صورنا و . . نا) استفاده نشده است.

رفع یک خرافه

بسیاری، از قبیل وعاظ و غیره، با اشتشهاد به آیه ۶۰ همین سوره، و نیز آیه «انی قریب اجیب دعوہ الداع اذا دعان . . .» سوره بقره، مطالبی میگویند که در مخاطب این طمع را ایجاد میکند که برای هر مشکلی باید به ادعیه و توسلات دست یازید و البته (چنانکه تجربه بشری نشان میدهد) این یک توقع بیجا است.

«دعا» از لحاظ لغت به معنی «صدازدن» است، و اینکه چرا معمولاً کسی شخصی را صدا میزند دلایل مختلفی دارد، از جمله توجه او را به خویش جلب کردن و یا با او مکالمه نمودن و یا . . و البته گاهی هم درخواستِ رفع حاجت هم هست، اما درخواستِ رفع حاجت بی مقدمه و باصطلاح ابتدا به ساکن رخ نمیدهد و می باید بین داعی و مدعو سابقه ای و الفتی و رابطه ای و صمیمیتی موجود بوده باشد تا داعی از مدعو رفع حاجت خویش را بخواهد. درس و درب بما میگوید مضمون این سوره و این پاراگراف این است که ای لجبازان! دست از مخالفت لجبازانه با تعالیم این پیامبر بردارید و با خداوند رابطه صمیمانه ای برقرار کنید، همان خدائی که اینقدر باشما صمیمی است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به مردم بگو پروردگارتان گفت فعلاً عبادتتان این باشد که مرا صمیمانه صدا کنید تا اجابتتان کنم. آنانکه از عبادتم گردنفرای می کنند بزودی بخواری داخل جهنم خواهند شد (۶۰) من همان کسی هستم که شب را برایتان مایه آرامش و روز را روشنی بخش ساخت. و البته نسبت به مردم بخشنده است لیکن اکثر شان شکر نمیگزارد (۶۱) من که چنینم، خداوند پروردگارتانم. همه چیز را آفریده ام. خدائی جز من نیست. پس به کجا منحرف میشوید (۶۲)

علت اینکه بعضی ها اینقدر منحرف میشوند در اثر این است که به آیات خداوندی دشمنی میکنند (۶۳)

خداوندتان است که زمین را برای شما قرارگاه و آسمان را بنا کرد و شما را صورتگری و صورتهایتان را نیکو نمود و از چیزهای خوشایند روزیتان داد. این خداوند پروردگارتان است. چه پر فایده است پروردگار جهانیان (۶۴) زنده است. خدائی جز او نیست. پس او را در حالی که دین خویش را برای او خالص می کنید به دعا بخوانید. ستایش مخصوص اوست که پروردگار جهانیان است (۶۵)

ای پیامبر! بگو نهی شده ام آنهایی را که شما غیر از خدا میخوانید عبادت کنم. آنهم پس از اینکه این دلیلهای روشن از سوی پروردگارم به سویم آمده، بلکه مأمور هستم که تسلیم پروردگار جهانیان باشم (۶۶)

همو که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه ای، و سپس از علقه ای، و سپس بصورت طفلی در آورد، سپس به حدی از قوت، و سپس تا به پیری میرسید. بعضی از شما قبل از آن و بقیه تا سرآمدی معین فوت می نمائید و شاید تعقل کنید (۶۷) هموست که زنده میکند و میمیراند. و هنگامی که امری را بگذراند جز این نیست که به آن میگوید «باش» و سپس آن میشود (۶۸)

مومن ۵ آیات ۶۹ تا ۸۵

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنْ يُصْرِفُونَ ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَمَا أُرْسِلْنَا بِهِ
رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ
فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَنْ مَّا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا
بَلْ لَمْ نَكُن نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى
الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعُدُّهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَإِلَيْنَا
يُرجعون ﴿٧٧﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ
عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ
الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا
مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ
آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا
أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أُغْنَى عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَخَافَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْا
بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَدَعَهُمْ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا
سَنَّتِ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده
ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم الطاف الهی با اصرار و لجبازی باحق مخالفت می

کنند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: بی توجهی به الطاف الهی و عبرت نگرفتن از سرنوشت کفار قبلی، خودبینی و خودپسندی، و ایمان نیاوردن تا دیدن نشانه های عذاب، از جمله رفتارهای کافرانه مورد نکوهش است، و تو ای پیامبر در مقابل مشکلات رسالت پایداری کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنْ يَقُولُوا ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَنْتُمْ تَشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّْا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فعلا به این فعالان کفر اهمیتی مده

۲

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعُدُّهُمْ أَوْ تَتَوَفَّيْنَاكَ فَإِنَّا يَرْجِعُونَ ﴿٧٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! فعلا به این فعالان کفر اهمیتی مده، آنها نمیتوانند کار مضری علیه تو کنند

۳

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِّي بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾
ریزدرب: ای پیامبر! فعلا به این فعالان کفر اهمیتی مده، آنها نمیتوانند کار مضری با تو کنند، راجع به پیامبران سابق هم همینطور بوده

۴

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاُنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُؤْتِيَكُمُ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾
ریزدرب: ای مردم! خدایتان این است! کدام آیات نعمتش را منکرید؟

۵

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَخَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْا بَاسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَذَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَاسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾
ریزدرب: ای پیامبر! توجه فعالان کفر را به عاقبت همانندان پیشین شان جلب کن

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ فرموده: توجه به مطالب این قرآن، و صفات ذکر شده الهی، رافع لجبازی و کفر می شود، و تکذیب پیامبران مطلب جدیدی نیست، اما از حد که بگذرد سبب نابودی در دنیا و عذاب آخرت می شود، و دست اندرکاران امور جهان خواهان موفقیت نهایی مومنان اند، و توجه نکردن به عاقبت آخرتی سبب بروز رفتار قابل نکوهش است و نکوهش شدیدتر هنگامی خواهد بود که جهان آخرت برپا شود و خاسران ببینند چه بر سر خود آورده اند.

در پاراگراف ۲ می فرماید: تکذیبگران مهم تر قبلی نیز مورد هلاکت قرار گرفتند و سران کافران خیال نکنند که ما برخورد با آنها را حتما تا قیامت عقب می اندازیم، بلکه ممکن است در همین جهان هم (در صورتیکه از حدودی تجاوز کنند) آنها را به عذاب هلاکت دچار کنیم و عذاب آخرتی شان هم محفوظ باشد مثلاً فرعون و پیروان او نیز در مقابل سخن حق، که چه از طرف پیامبرشان و چه از جانب فردی از میان خودشان بطور مفصل و مستدل مطرح میشد، تکذیب و لجبازی پیشه کردند به هلاکت رسیدند.

در پاراگراف ۳ بخشی مربوط به عذاب قیامت آنها برجسته شده، تا اندکی به خویش آیند و در عین حال به آنحضرت نیز دلدار می دهد که منشاء وحی او و سایر پیامبران یکی است، و مانع سران قومش برای گرایش، تکبر بی پشتوانه شان است که ممکن است تدریجاً رقیق شود.

در پاراگراف ۴ می فرماید: به افعال و نعمتها و صفات الهی توجه کنید.

در این پاراگراف می فرماید: تکذیبگران وقتیکه عذاب آخرتی را احساس کنند آنگاه متوجه خواهند شد و اینکه آیات خداوند واضح و در دسترس شماسست، اگر اهل دیدن و تشخیص باشید، و اینکه ای تکذیبگران! مواظب باشید که دیر نشود و مبادا به جایی برسید که ایمان آوردن فایده ای برایتان نداشته باشد، و اینکه ای پیامبر! مقاومت کن.

۴ - سوالات

- ۱ - از کجا معلوم میشود که منظور این پاراگراف «سران» کفار است؟
- ۲ - جدال در آیات خدا (آیه ۶۹) یعنی چه؟
- ۳ - آیا محتوای آیه ۷۰ میتواند از مصادیق جواب سوال فوق باشد؟
- ۴ - آیا مصادیق مذکور منحصر به چیزهایی است که در آیه ۷۰ آمده؟
- ۵ - با توجه به آیه ۷۵، مگر شادی (که یک حالت روحی است) حق و باطل هم دارد؟
- ۶ - در آیه ۷۴، آیا دارند دروغ تحویل خداوند میدهند؟
- ۷ - با توجه به آیه ۷۷، خداوند چه وعده ای به آن حضرت داده بود؟
- ۸ - با توجه به آیه ۷۸، پیامبرانی که خداوند درباره آنها چیزی نفرموده، چه کسانی بودند؟ و چرا چیزی نفرمود؟
- ۹ - در آیه ۷۸، کلمه «آیه» به چه معنی بکار رفته؟ (معجزه؟ نشانه الهی؟ یا...؟)
- ۱۰ - منظور از «انعام» (آیه ۷۹) چیست؟ (گاو و گوسفند و...دیگرچه؟) و بطور قطع در آن روزها (مثلا) گوزن جزء لیست «انعام» نبود، اما امروزه آن را پرورش میدهند و استفاده خوراک و پوشاک و غیره از آن میکنند، آیا جزء «انعام» هست؟ و با توجه به جواب محتمل شما، آیا «انعام» معنی ثابتی دارد؟
- ۱۱ - منظور از «حاجه فی صدورکم» (آیه ۸۰) چیست؟
- ۱۲ - باتوجه به آیه ۸۰، چه وجه اشتراکی بین «کشتی» و «انعام» هست؟
- ۱۳ - آیا ابتدای آیه ۸۲ تشویق به گشت و گذار میکند؟
- ۱۴ - منظور از «علم» (آیه ۸۳) چیست؟ (مهارت های اداره زندگی؟ یا...؟)
- ۱۵ - «ف» (ابتدای آیه ۸۲) اشاره به چه دارد؟
- ۱۶ - «کفرنا» (آیه ۸۴) همعرض کدام آیه قبلی نزدیک به این آیه است؟

۵ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه های ۸۴ و ۸۵ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات

برجسته قرآنی است.

۶ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۷۱ تا ۷۶ و ۸۴ و ۸۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.
آیه های ۷۸ و ۸۲ و ۸۳ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۷ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

۱ - برشماری عناصر رفتاری مخالفان فعال آنحضرت،

۲ - توصیه صبر و مقاومت به رسول خدا (ص)

۸ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۶۹ و ۷۰ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۹ و ۸۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

۱ - آیه ۸۰ فرع بر ماقبل خویش است.

۲ - در آیه ۸۵ «سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ» پرانتری است.

۳ - کل آیات (۷۹ تا ۸۱) یک پرانتر است، زیرا اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم

روال سخن صاف و یکدست میشود.

ذکر مصادیق از باب حصر نیست

در آیات فوق به گوشه ای از نعمتهای الهی پرداخته، اما با توجه به تیتیر فوق نباید فراموش کنیم که اینها از باب ذکر نمونه است.

فعل خداوند قانونمند است

با توجه به آیه ۷۴، اینکه خداوند کسی را گمراه کند، به این معنی است که مثلاً کسی رفتاری را پیشه میکند که نتیجه آن رفتار گمراهی است، و ماحصل آیه این است که چنین کسانی که چنان رفتارهایی را پیشه کنند گمراه خواهند شد.

شادی ناحق

موضوع آیه ۷۵، و شادی که مطرح شده، به قرینه «بما کنتم تمرحون» و همچنین به قرینه «متکبرین» (آیه ۷۶) شادی حاصل از گناه و آنهم گناهان مربوط به تجاوزات به حقوق دیگران است که مذمت شده است.

حقیقتش این است که ...

در آیه ۷۴، نشان داده میشود که در قیامت که پرده ها کنار میرود و حقایق رفتارها برای همگان آشکار میشود برای خود مشرکان نیز این امر روشن میگردد که آن انرژی که برای سینه زدن زیر پرچم باطل صرف میکردند در حقیقت واقعی و از روی حقیقت نبوده و بلکه شعارهایی که میدادند برای منظوری غیر از آن چیزی بوده که اظهار میکردند، و لذا وقتی که شرایط تغییر میکند دیگر از آن شعارها عدول میکنند و حتی انکارش هم می نمایند.

پیامبر اسلام(ص) مربوط به دوره بلوغ بشریت است

از دو آیه ۷۷ و ۷۸ فهمیده می شود به پیامبر(ص) فشار می آمده و آرزو میکرد کاش

می‌شد به روش‌های اعجازی کار رسالت پیش برود و مخالفان یکسره منکوب شوند اما خداوند می‌خواهد آن حضرت که آخرین پیامبر و متعلق به «دوره بلوغ انسانیت» است کارش را با «روش‌های انسانی» (برنامه‌ریزی، استدلال، صبر، هجرت، تشکیل حکومت، جهاد و ...) پیش ببرد.

برنامه ترور

از کلمه نتوفینک به وضوح فهمیده می‌شود که مخالفان آنحضرت برنامه قتل آنحضرت را نیز در دستور کار داشتند و اگر می‌بینیم اقدامی نکردند به علت شرایطی بوده که برای این کار مساعد نبود، اما آنها هرگز از پیگیری این خواسته منصرف نشدند زیرا این مفهوم را بارها در سوره‌های قبل دیده ایم و در سوره‌های آینده نیز بارها خواهیم دید.

شبه علم

علم مورد اشاره در آیه ۸۳ به زبان مخاطب است و معنی آن «آنچه را که علم می‌پنداشتند» است.

سنت الهی

سنت الهی که در آیه ۸۵ مورد اشاره قرار گرفته به صور مختلف در قرآن کریم مورد اشاره و تاکید قرار گرفته، و در اینجا منظور این است که آنهایی که چنین رفتار میکنند — اعم از اینکه جزء اقوام پیشین بوده باشند یا اقوام بعدی — وقتی که در مقابل بینات رفتار خودپسندانه و مغرضانه در پیش می‌گیرند خود را در معرض عمل این نوع سنن الهی قرار میدهند، و وقتی که دچار عواقب رفتارهای خویش شدند دیگر برای به راه آمدن دیر شده است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا ندیدی کسانی که در آیات خدا مجادله میکنند به کجا منحرف میشوند؟ (۶۹) همانها که آن کتاب و آنچه رسولانمان برای ابلاغ آن آمده اند را تکذیب می‌کنند

و بزودی خواهند فهمید (۷۰)

وقتی که غل ها و زنجیرها بر گردنهایشان قرار گرفت و کشیده شدند (۷۱) در آب جوشان، آنگاه در آتش بیفتادند (۷۲) آنگاه به آنها گفته میشود کجا هستید آن چیزهایی که غیر خدا شریک می گرفتید (۷۳) میگویند گمشان کردیم. بلکه قبلا هم چیزی را به شرک نمیخواندیم. خداوند کافران را چنین گمراه میکند (۷۴) به آنها گفته میشود این به آن سبب است که شما در زمین به ناحق شادی میکردید و در آن شادی ناحق افراط هم میکردید (۷۵) اینک داخل درب های جهنم شوید که در آن جاودان خواهید بود و جایگاه متکبران چه بد است (۷۶)

و خودت هم ای پیامبر صبر کن. وعده خداوند البته حق است. پس، چه برخی از آنچه را که به آنان وعده میدهیم به تو نشان دهیم، و چه تو را بوسیله وفات دریابیم، در هر حال آنها بسوی ما باز میگردند (۷۷) و البته رسولانی قبل از تو فرستادیم. از میان آنها قصه کسانی را برای گفتیم و قصه کسانی را هم نگفتیم و هیچ رسولی را نمیرسد که جزیه فرمان خدا معجزه‌ای بیاورد. پس وقتی که امر خدا آمد بین آنها به حق قضاوت خواهد شد و در آن هنگام اهل باطل زیانکار خواهند بود (۷۸)

خداوند است که چارپایان را برایتان قرار داد که از آنها سواری بگیرید و نیز از آنها بخورید (۷۹) و در آنها منفعتی دارید و بوسیله آنها به حوائجی که دارید میرسید و بر آنها و بر کشتی ها سواری می شوید (۸۰) و خداوند اینگونه آیاتش را به شما می نمایاند. پس کدامیک از آیاتش را انکار می کنید؟ (۸۱)

ای پیامبر! آیا در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بوده؟ همانها که از اینها زیاده‌تر بودند و قدرتشان و آثاری هم که از خود بجا گذاشته بودند بیشتر بود. و

آنچه بدست آورده بودند کمکی به آنها نکرد (۸۲) و هنگامیکه رسولانشان با دلایل روشن بسویشان آمدند، به علم و قدرت ناچیزی که نزد خویش داشتند می نازیدند، اما آنچه که مسخره میکردند بر آنها فرود آمد (۸۳) اما هنگامیکه سختی ما را دیدند گفتند به خدای واحد ایمان آوردیم و به آنچه شرک میورزیدیم کافریم (۸۴) ولی ایمانشان، پس از اینکه سختی ما را دیدند، کمکی به آنها نمیکند. و در آن هنگام کافران زیانکار خواهند بود، این سنت خداست که درباره بندگان قبل مقرر شده است. (۸۵)

سوره یس

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

یس ﴿۱﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۵﴾ لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿۶﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَنْعَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۹﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۱۱﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴿۱۲﴾

درس: نکوهش کافران که علیرغم این همه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می‌پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار می‌دهند.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: توصیف مختصری از کافران مورد نکوهش معاصر، و آموزش پیامبر که به آنان یادآورد که یکی از مهمترین الطاف الهی خود این قرآن و این پیامبر است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

یس ﴿۱﴾

ریزدرب:

۲

وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ ﴿۲﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۵﴾ لَتَنْذِرَ قَوْمًا مَّا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿۶﴾

ریزدرب: ای پیامبر! این قرآن مطلقاً حق است، و تو هم یک پیامبر مورد تایید الهی هستی

۳

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۹﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اکثر مردم حوزه ماموریت هدایت پذیر نیستند

۴

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۱۱﴾

ریزدرب: ای پیامبر! اکثر مردم حوزه ماموریت هدایت پذیر نیستند، لذا انرژی خویش را در جایی که امید تأثیرداری صرف کن

۵

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾
ریزدرب: ای پیامبر! تو کار خویش کن، اما اثربخشی کارت باتو نیست، بلکه با ما است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- سوالات

- ۱ - منظور از «اغلال» (آیه ۸) چیست؟
- ۲ - در این پاراگراف چند تاکید بکار رفته؟
- ۳ - غیر از تاکید های آشکار، چه تاکيدات مکنونی می بینید؟
- ۴ - چرا از بین صفات قرآن، در اینجا کلمه «حکیم» ترجیح یافته؟
- ۵ - در این پاراگراف کدام آیه ها فرعی و کدام اصلی است؟
- ۶ - الف ولام های کلمات القرآن و الحکیم و المرسلین را بررسی نموده و معین کنید هریک از چه نوع است؟ (جنس؟ عهد؟ تعریف؟ یا.....؟) واز دستاوردتان نتایج تفسیری بگیرید.

- ۷ - چرا در آیه ۵ خداوند را مفرد آورده؟
- ۸ - کلمه صراط چه نوع از کلام است؟ (استعاره؟ کنایه؟ یا...؟)
- ۹ - کلمه «قول» (آیه ۷) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟
- ۱۰ - سوال فوق را در باره کلماتِ اعناق و اغلال و اذقان و سدّ و احصیناه نیز جواب دهید.
- ۱۱ - چرا در این پاراگراف خداوند را جمع (جعلنا جعلنا اغشینا نحن نحیی نکتب احصینا) آورده؟
- ۱۲ - «لتنذر قوما ما انذر آباوهم» (آیه ۶) با «لکل قوم هاد» (سوره رعد) چگونه قابل جمع است؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۶ فهمیده میشود قبل از رسول اکرم (ص) در نسل های قبل، تا مدتهای زیادی قبل از آنحضرت، پیامبری نبوده، و از همین بیان فهمیده میشود که دارد تلویحا به آنحضرت گوشزد میکند که توقع خویش را از مخاطب های خویش کم کند و با آنها مدارای بیشتری نشان دهد.

و از آیات ۷ تا ۱۰ فهمیده میشود که این فقدان سبب شده آنها تدریجا به چنان ورطه ای بیفتند که گوئی امیدی به نجاتشان نباشد.

و از آیه های ۱۱ و ۱۲ فهمیده میشود که آنحضرت برای حل مشکل باید نیروی خویش را روی اشخاص قلیلی که پیروی اش میکنند متمرکز کند تا آنها «زنده» شوند و سپس این «زندگی» به بقیه هم سرایت کند.

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

(المیزان) : غرض این سوره بیان اصول سه گانه دین است.

اما، درس سوره که از راه محاسبه استخراج شده چنین میگوید: نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار میدهند.

۶ - پیشگوئی های تحقق یافته

در آیه ۲ با نامگذاری آن مقداری از وحی که تا زمان نزول این سوره نازل شده به «قرآن»، پیشگوئی نموده که موضوع رسالت آنحضرت دچار انقطاع نخواهد شد. در آیات ۳ تا ۵ با قوت آنحضرت را تایید و تلویحا پیشگوئی موفقیتش را می فرماید.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و کل سوره پس این حالت را دارد و نزد مردم به «قلب قرآن» و این سنخ اسامی موسوم است. آیات ۱ تا ۵ نیز به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد) آیه ۱ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعی رمزگشائی نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه. آیه ۵ از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است. آیه ۱۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

یکی از مهمترین الطاف الهی خود این قرآن و این پیامبر است،

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، غیر از آیه ۵ بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۲ قسم و آیه ۳ جواب آن است.

آیه های ۸ تا ۱۰ فرع است بر آیه ۷.

فعل خداوند قانونمند است

چنانکه در آیه های ۸ و ۹ می بینیم، خداوند اموری را به خویش نسبت میدهد. با توجه به تیتیر فوق (که قبلاً نیز بارها ذیل آن بحث کرده ایم) همه مواردی که در آیه های ۸ و ۹ ذکر شده قانونمند است یعنی خداوند برای انجام آنها نظامات و سیستمهایی قرار داده است.

در باره این پاراگراف

این پاراگراف بار آموزشی و دلداری به آنحضرت دارد. می فرماید ای پیامبر وسیله کارت این قرآن است که فرو فرستاده خدای عزیز رحیم است تا مردمی را که استعداد دارند هشدار دهی و فکر نکن که هشدارهایت روی همه تاثیر خواهد داشت، زیرا عده ای از آنها چنان اند که غرق در مشکلات و وابستگی هایی هستند که مانعشان خواهد بود که هدایت یابند، و تو فقط وظیفه هشدار دهنده گیت را انجام بده و بقیه امور را بما واگذار. والته مفهوم اخیر به طرق گوناگون دائماً در قرآن تکرار شده است.

آن «قول» که بر آنها فرود آمد

در باره آیه ۷ و آن «قول» که بر آنها فرود آمد، با توجه به سوره‌های قبلی، نتیجه نوعی لجبازی و اصرار بیجا و ادامه دادن به روش گناه آلود زندگی مالوف شان در مقابل سخن حق است (شبیه آنچه در سوره‌های قمر و نوح و سوره‌های قبلی همین فصل - دخان و زخرف و جاثیه و مؤمن و احقاف و امثال آنها - دیدیم) که نتیجه‌اش ایمان نیاوردن صاحبان این نوع رفتارها است. عبارت دیگر «قول» مذکور به این معنی است که «اگر کسانی در مقابل حق لجبازی و مخالفت بیجا کنند، توفیق ایمان از آنان سلب خواهد شد»

دوره طولانی بی پیغمبری

با توجه به آیه ۶، اشخاص مورد بحث آیات ۷ تا ۱۰، فرزندان و نوادگان کسانی بودند که پیامبرانی در میان خود نداشتند.

به عبارت دیگر، چند نسل بی پیغمبری، سبب ایجاد چنان انحرافات فکری شده بود که اکثریت آنان به جایی رسیدند که در زمان نزول این سوره، هشدارهای پیامبر(ص) در آنان اثری نمی‌کرد.

اما، نکته ای که نمیتوان آن را از نظر دور داشت این است که لحن خداوند در آیه ۶ (که آیه اصلی هم هست) لحن «پوزش پذیرانه» است، که بر «تندی» لحن چهارآیه بعدی سایه می افکند، و برای پیامبر(ص) هم این پیام را دارد که نباید توقع تاثیر فوری داشته باشی.

اغلال

جامعه مخاطب پیامبر (ص) نان بت پرستی را می‌خوردند.

۳۶۰ بت قبایل عرب که در یک جغرافیای وسیع پرستش میشدند در کعبه نگهداری میشد و پیروان ادیان بت پرستی هر از گاهی به آنجا می آمدند و به بت ها تقدیم هدایا میکردند که نهایتاً شمه ای از آن به سران قریش میرسید و قسمتی از آن در قبیله های زیر مجموعه قریش خرج میشد، و علاوه بر این رسم «حج» نیز در میان قبایل

کاملاً مرسوم و برای اهالی مکه درآمدزا بود که ابرهه را به طمع انداخت که این خوب کاسبی است و خوب است کعبه را خراب کنم و این مراسم را به یمن منتقل کنم و سودش را ببرم که داستان‌ش درسوره فیل آمده که چگونه نابود شد.

و قسمتی از سرمایه دو سفر بزرگ به شام و یمن و جاهای دیگر که شریان حیاتی شان بود از نذور تقدیمی به بتها تامین میشد و احترامی که همه قبایل برای کعبه قایل بودند برای اهل مکه امنیت کاملی بی زحمت تامین میکرد، به عبارت دیگر بت پرستی برای اهل مکه هم نان داشت و هم احترام و هم امنیت!

علاوه بر اینها تخصص های جنبی این مطلب یعنی شتر داری و کرایه دادن شتر و پرورش شتر و راهنمایی قافله ها بودن و امثال این امور سبب سرمایه گذاری ها و ایجاد تخصص هایی میشد که زندگی خیل عظیمی از مردم را تامین میکرد و زیر بنای همه این چیزها بت پرستی بود.

حالا یکنفر پیدا شده و میگوید من پیغمبر خدا هستم و میگویم بت ها را رها کنید و به خدای واحد بگروید!

معنی سخن او چه بود؟

معنی سخن او این بود که نان بت پرستی خوردن موقوف! سروری حاصل از خدمت بت ها کردن تعطیل! امنیت حاصل از احترام قبایل برای بت ها تمام!

انصافاً اگر ما بجای مخاطب های آن روزهای آنحضرت بودیم و پوست و گوشت و استخوان و خانه و زندگی ما و پدران ما و پدربزرگ های ما و اولاد ما و نوادگان ما به بت پرستی وابسته بود با کسی که چنین ادعائی میکرد چه رفتاری در پیش می گرفتیم؟ اصلاً ذره ای روی سخنانش تعمق میکردیم؟ کمر به قتلش نمی بستیم؟ این اغلال و این سدّ که در آیه ۹ گفته شده اینهاست.

امام مبین

تا کنون دو اصطلاح لوح محفوظ (سوره بروج) و ام الكتاب (سوره زخرف) را داشته ایم

که مربوط است به منشاء الهی قرآن (و تورات و انجیل و غیره) و این اصطلاح «امام مبین» که در آیه ۱۲ آمده، از آن نوع نیست، بلکه از نوع «مخزن و بایگانی اطلاعات اعمال و نیات و افکار هر فرد انسانی است که در آخرت مورد استناد قرار خواهد گرفت» در هر حال، به ترتیب نزول که ببینیم، این مفهوم جدید است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

یس (۱)

قسم به قرآن پر حکمت (۲) که تو حتماً از فرستادگان الهی میباشی (۳) که بر جاده ای مستقیم قرار داری (۴) با قرآن فرو فرستاده آن خدای پیروزمند مهربان (۵)

تا هشدار دهی مردمی را که به پدرانشان هشدار داده نشد و آنها غافلند (۶) البته آن قانون الهی بر اکثرشان فرود آمد و آنها ایمان نمی آورند زیرا در نپذیرفتن پیام تو لجبازی میکنند و بالاخره شکست میخورند (۷) آنها گرفتارانی هستند که گوئی در گردنهایشان غُل هائی باشد که تا چانه هایشان را هم گرفته باشد که دیگر نتوانند گردنهایشان را تکان دهند (۸) و جلوییشان و پشت سرشان نیز سدی قرار داشته باشد که دیگر نتوانند ببینند (۹) و با این حالی که اینها دارند برایشان فرقی نمیکند که هشدارشان بدهی یا ندهی در هر حال ایمان نخواهند آورد (۱۰)

جز این نیست که تو فقط موفق به تاثیر هشدار در کسانی میشوی که از آن پندها که در قرآن است پیروی کنند و بطور نهانی از خداوند رحمان بیم داشته باشند، و لذا آنها را به آمرزشی و پاداشی گرامی مژده شان ده (۱۱)

البته ما همگان را پس از مرگ زنده میکنیم و حساب آنچه را که از پیش برای زندگی اخروی خویش فرستاده اند و همچنین حساب آثارشان را داریم و همه چیز را در جایگاهی مهم به دقت شماره میکنیم (۱۲)

یس ۲ آیات ۱۳ تا ۳۲

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا نَطَّيَّرُكُمْ بِكُم لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أَنِنَ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَاء مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج می‌کنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار می دهند.
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: مثالی از اقوام گذشته که آنها هم مثل اینها بودند و عاقبتشان هم چنان شد.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا
فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! داستان آن شهری را مثال بزن که کسانی مانند خودت ادعای
پیامبری کرده بودند

۲

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ
إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا الْبِلَاقُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا إِنَّا نَطَّيَّرُكُمْ لَكُمْ لَنْ نَمْنَعَكُم مِّنَ
الْمُجَنَّمِمْ وَلَيْمَسِّنَاكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَنْزِلْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿١٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! داستان آن شهری را مثال بزن که کسانی مانند خودت ادعای
پیامبری کرده بودند و تکذیب شدند

۳

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا
وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْ
الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي
أَمِنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ﴿٢٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! داستان آن شهری را مثال بزن که کسانی مانند خودت ادعای

پیامبری کرده بودند و با دلایل واهی تکذیب شدند اما یکنفر با دلایل روشن ایمان آورد و دیگران را تشویق به ایمان آوری کرد و کشته شد

۴

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرِمِينَ ﴿٢٧﴾
ریزدرب: شخص اخیرالذکر داخل بهشت برزخی خویش شد ولی افسوس همشریانش را میخورد که چرا آنها به این سعادت نرسیدند

۵

وَمَا أَنْزَلْنَاهُ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فِإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾
ریزدرب: همشریانش پس از او روی نعمت و برکت را ندیدند و دستجمعی هلاک شدند

۶

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾ أَمْ يَرَوْنَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾
ریزدرب: ای پیامبر! چرا مردم از این نوع وقایع عبرت نمیگیرند و از عذاب هلاکت پروا نمیکند در حالیکه عذاب آخرت هم سرچایش هست؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر! وظیفه ات هشدار دادن به کسانی است که نسبت به موضوع رسالت آگاهی ندارند، البته تو نیز انرژی را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد.

در این پاراگراف می فرماید عده‌ای از این مردم هم همان رفتاری را می‌کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده‌اند.

۴- سوالات

- ۱ - شباهت های این پاراگراف را با پاراگراف حاوی داستان «مومن آل فرعون» در سوره قبل بطور کامل نشان دهید.
- ۲ - از این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟
- ۳ - منظور از «اصحاب» (آیه ۱۳) چیست؟
- ۴ - منظور از «قریه» چطور؟ (شهر؟ روستا؟ مرکز استان؟ یا...؟)
- ۵ - شدّت لجبازی کور و بی منطق آنان در کدام آیات پاراگراف دیده میشود؟
- ۶ - عناصر اصلی این پاراگراف را با زمان پیامبر (ص) «شبهه سازی» کنید.
- ۷ - همین شبهه سازی را با پاراگراف مربوط به مومن آل فرعون در سوره قبل نیز انجام دهید.
- ۸ - آیا «رجل» مورد بحث آیه ۲۰، یک پیامبر بود یا شخصی مانند «مومن آل فرعون»؟
- ۹ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (عبرت؟ هشدار؟ هردو؟ یا...؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۱۵ تا ۲۵ علاوه بر اینکه شدت تکذیب کور و بی‌منطق اهالی آن شهر فهمیده میشود، به قرینه، شدت تکذیب کور و لجبازانه بی‌منطق سران کفار معاصر پیامبر(ص) اسلام نیز درک میشود.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۳ تا ۳۲ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۷ - آیات مشکل

آیه های ۲۸ و ۲۹ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که (در سرچ گوگل) ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیات ۱۳ تا ۲۵ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل. همچنین آیه های ۳۰ و ۳۱.

آیه ۳۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

آیه های ۲۶ و ۲۷ از آنجا که به عالم برزخ مربوط است، نه تنها بالاتر از ذهنیات معاصران نزول بوده، بلکه حتی برای ما نیز چنین است.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

اقوامی که برخوردِ حذف فیزیکی با پیامبرانشان کنند، ضمن محفوظ بودن عذاب اخروی، به عذاب هلاکت دستجمعی دچار میشوند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به لیست ترتیب نزول ما، غیر از آیه های ۳۰ تا ۳۲، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیات ۲۲ تا ۲۷ فرع است بر ماقبل خویش.

دریافت های مستقیم و کوتاه

۱ - به قرینه مطالب آیه ۲۹، «لشکریان آسمانی» مطرح در آیه ۲۸ کنایه است از نعمتها مانند باران های مفید و امثال آن و معنی آیه ۲۸ این است که پس از آن رفتار جنایتکارانه آنها دیگر لطف و رحمتی بسویشان گسیل نشد. ۲ - در آیه ۳۱، «انهم الیهیم لا یرجعون» به معنی آخرت نیست و کنایه از این است که این کفار به آن کفار سابق که هلاک شدند دسترسی ندارند.

۳ - «طائرکم معکم» (آیه ۱۸) تقریباً هم معنی است با اغلال و سدّ که در پاراگراف قبل توضیح دادیم، یعنی آنها موانعی درونی برای پذیرش سخن حق انبیاء داشتند که با وجود آن موانع درونی نفسانی نمیتوانستند تصمیم صحیح را بگیرند و جمله «بل انتم قوم مسرفون» نیز همین را تأیید میکند.

رفتار کافرانہ آنها از طرفی بر مبنای مشکل فکری و از طرف دیگر

بر مبنای خشونت بود

برای توضیح مطلب فوق خلاصه آن را در جدول ذیل مرتب کرده ایم:

ردیف	ایرادهای تکذیبگران به پیامبران	آیه مأخذ	ملاحظات
۱	بشری مثل ما نمی تواند حامل وحی باشد،	۱۵	فکری
۲	خداوند هم چیزی نفرستاده،	۱۵	فکری
۳	شما هم جز دروغ چیزی نمی گوئید،	۱۵	فکری
۴	ما شما را به فال بد گرفتیم،	۱۸	تهدید
۵	اگر بس نکنید حتماً سنگسار تان می کنیم و از سوی ما عذاب دردناک خواهید داشت،	۱۸	تهدید غلیظ
۶	کشتن کسی که با منطق و استدلال ایمان آورد و آنها را هم دعوت می کرد.	۲۶ و ۲۷	اقدام عملی

نکته مشترک در سخن و عمل مکذبان این است که دلیل و مأخذ درست ندارند. (نکته

مشترک ردیفهای ۱ تا ۴)

عملشان هم غلط و از نوع خشونت بیجاست (ردیفهای ۵ و ۶)

توضیح بیشتر :

۱- اینکه گفته اند «بشری مانند ما» نمی تواند حامل وحی باشد، یک ادعای بی دلیل است.

۲- کسی که می گوید خداوند چیزی نفرستاده، باید به سیستم ارسال مراسلات خدائی احاطه داشته باشد تا بتواند چنین ادعائی کند و این خودش باطل کننده ادعای قبلی است زیرا وقتی که «بشری مانند آنها» نمی تواند حامل وحی باشد، به طریق اولی آنها نیز نمی توانند به سیستم ارسال مراسلات خدائی احاطه داشته باشند.

۳- ردیف ۳ نتیجه دو ادعای بی اساس قبلی است.

۴- ردیف ۴ نیز یک گمان شخصی است که چون مبتنی بر علم و دلیل نیست ارزشی ندارد.

۵- تهدید و قتل افراد مدعی نبوت و کسی که مدعی ایمان آوردن است، نیز از آنجا که مبتنی بر استدلالات ناصحیح فوق است، عملی است غلط و قبیح و ناپسند و محکوم.

چرا اینهمه خشونت و لج و رفتارهای نا معقول

برای جواب به سوال فوق بهتر است همان مطلبی را که در قسمت قبل عرض کردیم مجددا در همینجا (بصورت نقطه چین که متمایز باشد) تکرار کنیم:

جامعه مخاطب پیامبر (ص) نان بت پرستی را میخوردند.

۳۶۰ بت قبایل عرب که در یک جغرافیای وسیع پرستش میشدند در کعبه نگهداری میشد و پیروان ادیان بت پرستی هر از گاهی به آنجا می آمدند و به بت ها تقدیم هدایا میکردند که به سران قریش میرسید و قسمتی از آن در قبیله های زیر مجموعه قریش خرج میشد و علاوه بر این رسم «حج» نیز در میان قبایل کاملاً مرسوم و برای اهالی مکه درآمد زا بود که ابرهه را به طمع انداخت که این خوب کاسبی است و خوب است کعبه را خراب کنم و این مراسم را به یمن منتقل کنم و سودش را ببرم که داستاناش در سوره فیل آمده که چگونه نابود شد.

و قسمتی از سرمایه دو سفر بزرگ به شام و یمن و جاهای دیگر که شریان حیاتی شان بود از نذور تقدیمی به بتها تامین میشد و احترامی که همه قبایل برای کعبه قایل بودند برای اهل مکه امنیت کامل بی زحمت تامین میکرد، به عبارت دیگر بت پرستی برای اهل مکه هم نان داشت و هم احترام و هم امنیت!

علاوه بر اینها تخصص های جنبی این مطلب یعنی شتر داری و کرایه دادن شتر و پرورش شتر و راهنمایی قافله ها و امثال این امور سبب سرمایه گذاری ها و ایجاد تخصص هایی میشد که زندگی خیل عظیمی از مردم را تامین میکرد و زیر بنای همه

این چیزها بت پرستی بود.

حالا یکنفر پیداشده و میگوید من پیغمبر خدا هستم و میگویم بت ها را رها کنید و

به خدای واحد بگروید!

معنی سخن او چه بود؟

معنی سخن او این بود که نان بت پرستی خوردن موقوف! سروری حاصل از خدمت

بت ها کردن تعطیل! امنیت حاصل از احترام قبایل برای بت ها تمام!

انصافا اگر ما بجای مخاطب های آن روزهای آنحضرت بودیم و پوست و گوشت و

استخوان و خانه و زندگی ما و پدران ما و پدربزرگ های ما و اولاد ما و نوادگان ما به

بت پرستی وابسته بود با کسی که چنین ادعائی میکرد چه رفتاری در پیش می گرفتیم؟

اصلا ذره ای روی سخنانش تعمق میکردیم؟ کمر به قتلش نمی بستیم؟

سه پیامبر همزمان و هم مکان؟

از آیه ۱۴ فهمیده میشود در آن «قریه» بطور همزمان سه پیامبر ماموریت داشتند.

همزمان بودن آنها با توجه به عبارت «انا الیکم» محرز است، اما هرچه باشد باید نوعی

قانونمندی بین آنها وجود داشته باشد.

مثلا مانند پیامبری همزمان موسی (ع) و هارون (ع) که موسی (ع) اصلی و هارون (ع)

فرعی بود در این مورد نیز باید چنین شکلی وجود داشته باشد.

هم مکانی آنها نیز می باید اینطور باشد که آن «قریه» (= شهر) تعدادی «شهر تابع»

داشته باشد که آن پیامبران بطور جداگانه در آنها به انجام ماموریت مشغول بوده باشند

[مانند ابراهیم (ع) و لوط (ع) که گرچه همزمان بودند اما ابراهیم (ع) اصلی و لوط (ع)

فرعی بود و محل ماموریتشان نیز دو محل جداگانه بود] و این چیزی است که از آیات

بسیار زیادی به وضوح فهمیده میشود.

کدام بهشت؟

- ۱- از آیه ۲۶ فهمیده میشود بهشت مورد نظر در همان لحظه موجود بود، که به او گفته شد: «داخل شو»
 - ۲- از انتهای همان آیه ۲۶ فهمیده میشود که وقتی به او گفته شد «داخل شو»، زندگی در روی زمین جریان داشت.
 - ۳- از آیه‌های ۲۸ و ۲۹ معلوم می‌شود مدتی طولانی، پس از اینکه به او گفته شد «داخل شو»، قوم او در روی زمین زندگی می‌کرده‌اند.
 - ۴- از مجموع مطالب فوق فهمیده می‌شود که «یک نوع بهشت» وجود دارد که عده‌ای وارد آن می‌شوند و در همین زمانی که زندگی در روی زمین جریان دارد، آنها در بهشت خویش اند.
- سوال اینجاست که این بهشت چه نوع است؟
- جواب این است که این بهشت، بطور قطع آن بهشتی که در سوره‌های «مرحله سوم» دیدیم نیست، زیرا آن بهشت پس از قیامت است، و قیامت هم هنوز به وقوع نپیوسته است.
- لذا نتیجه میشود بهشت مذکور در آیه ۲۶ «بهشت برزخی» است که در پاراگراف آخر سوره واقعه اشاره‌ای به آن شده است.

شباهت

شباهت بسیار زیادی وجود دارد بین این داستان و «داستان مومن آل فرعون» در سوره قیل. در هردو جا لجّ و اصرار در تکذیب کور و بی منطق به عیان دیده میشود. محور سخن این است که ای سران کفار! مبدا این رفتارهای کودکانه تان از حد بگذرد که در آن صورت علاوه بر اینکه عذاب آخرتی تان محفوظ خواهد بود در این جهان نیز به عذاب هلاکت دچار می شوید.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! برای لجبازان مخالف رسالت مثالی از شهروندانی که آن فرستادگان بسویشان آمده بودند بزن (۱۳) هنگامی که آن دو نفر را بسویشان فرستادیم و تکذیبشان کردند آنگاه آنها را با نفر سوم تقویت کردیم و گفتند ما بسوی شما فرستاده شده ایم (۱۴) آنها گفتند شما جز بشری مانند خودمان نیستید و خداوند بخشنده هم هیچ چیزی نفرستاده و شما هم دروغ میگوئید (۱۵) آن رسولان گفتند پروردگارمان میداند که ما بسویتان فرستاده شده ایم (۱۶) و بر عهده ما جز پیام رسانی آشکار نیست (۱۷) گفتند شما را به فال بد گرفتیم. اگر بس نکنید حتماً سنگسارتان می کنیم و از جانب ما عذابی دردناک به شما خواهد رسید (۱۸) گفتند فال بد زدن خرافه است که از جانب خودتان است، آیا این رفتاری است که هنگام پند گرفتن می کنید؟ بلکه شما اسرافگیرید (۱۹) و مردی از دورترین شهر شتابان بسوی آنان آمد و گفت ای مردم فرستادگان خدا را پیروی کنید (۲۰) کسانی را که خودشان هدایت شده هستند و از شما مزدی هم نمیخواهند (۲۱) و در باره خویش گفت که من به آنان ایمان آورده ام زیرا چرا خداوند را که خلق کرده عبادت نکنم؟ و او کسی است که هم من و هم شما بسوی او باز میگردید (۲۲) آیا مانند شما بجز او خدایانی بگیریم که اگر خداوند رحمان خواست مرا به ناراحتی بیندازد، نه شفاعتشان فایده ای به حالم داشته باشد و نه بتوانند نجاتم دهند؟ (۲۳) در آنصورت در گمراهی آشکار خواهم بود (۲۴) پس شاهد باشید که من به پروردگار واقعی تان که خداوند باشد ایمان آورده ام (۲۵) اما آن مردم او را کشتند و پس از قتل او به او خطاب شد: داخل بهشت شو و که داخل بهشت شده بود با حسرت میگفت: کاش قومم میدانستند (۲۶) که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از گرامی ها قرار داد (۲۷) و پس از او بر آن قوم هیچ لشکری از رحمت های الهی از آسمان نفرستادیم و اصلاً در قصد آن که فرستنده چنین چیزی باشیم نبودیم (۲۸) و بلکه آنچه فرستادیم جز صدایی بسیار بلند نبود و آن قوم ناگهان نابود شدند (۲۹) افسوس بر آن قوم! زیرا که هیچ رسولی بسویشان نیامد مگر اینکه

مسخره اش میکردند (۳۰) آیا آن مردم از سرنوشت اقوام پیشین که به هلاکت
دستجمعی دچار شده بودند و دیگر کسی امکان دسترسی به آنان ندارد آگاه نبودند؟
(۳۱) و البته همگی آنها در قیامت نزد ما احضار خواهند شد (۳۲)

یس ۳ آیات ۴۴ تا ۴۴

وَأَيَّةٌ هُمْ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَأَيَّةٌ هُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾ وَأَيَّةٌ هُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا هُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ هُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار می دهند.
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: یادآوری بعضی نعمتهای الهی که همه غرق در آنها هستند و به همین دلیل ممکن است از آنها غافل شوند و رفتار کافرانه در پیش گیرند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَأَيَّةٌ هُمْ الْأَرْضُ الْمَيْتَةَ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای مردم! اینهمه نشانه های لطف و نعمت الهی را نمی بینید؟

۲

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾
ریزدرب: ای مردم! خداوند بالاتر است از آنچه در باره اش می پندارید

۳

وَأَيَّةٌ هُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ هَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾ وَأَيَّةٌ هُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا هُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ هُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

ریزدرب: ای مردم! اینهمه نشانه های لطف و نعمت الهی را نمی بینید؟

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر! وظیفه ات هشدار دادن به کسانی است که نسبت به موضوع رسالت آگاهی ندارند، البته تو نیز انرژی را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد.

در پاراگراف ۲ می فرماید عده‌ای از این مردم هم همان رفتاری را می‌کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده‌اند.

در این پاراگراف می فرماید «یادآوری برخی نعمت‌های خداوند که همگان از آنها استفاده می‌کنند»

۴- سوالات

- ۱- در آیه ۴۴ «الا» چه نوع از استثناء است؟
- ۲- در همان آیه، در وسط، موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟
- ۳- در کل این پاراگراف مواردی که میتوان موضوع بحثِ «فعل خداوند قانونمند است»، قرارش داد، را، مشخص کنید.
- ۴- «معجزات علمی» موجود در این پاراگراف را دقیقاً با ذکر کلمه و جمله احصاء کنید.
- ۵- جمله «وما عملته ایدیههم» (آیه ۳۵) چه موقعیت تفسیری دارد؟

۵- پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۳۸ که میفرماید: و خورشید که بسوی قرارگاه خویش در جریان است. این برنامه ریزی آن پیروزمند داناست.

مطابق نظر قدما که زمین را ثابت و خورشید را طلوع کننده از مشرق و غروب کننده در مغرب زمین تصور می کردند، طبعاً خورشید حرکت دیگری که عبارت باشد از «حرکت بسوی قرارگاه خویش» نداشت.

مطابق نظر علمائی مانند کپلر و گالیله و امثالهم که فرض مسطح بودن زمین را باطل و فرض کرویت آن را جایگزین نمودند، آنها نیز حرکتی از نوع حرکت بسوی قرارگاه خویش برای خورشید عنوان نکردند.

این فیزیک کیهانی جدید است که برای خورشید یک مدار حرکتی معینی قائل است که مربوط به این دویست و پنجاه سال اخیر است چه برسد به علم زمان نزول این آیات. و لذا این آیه نیز از پیشگوئی های علمی قرآنی است.

واقعا همیشه برایم این سوال بود که در آن روزهای نزول این آیات که کشتی های بزرگ، هواپیماها، سفینه های فضائی، قطارها، اتوبوس ها، سواری ها، تریلی ها، کمپرسی - ها و وانت ها نبود، مردم از آیه ۴۲ چه می فهمیدند؟

این «سهل و ممتنع» بودن نیز یکی از عناصر اصلی سخن اعجازی قرآنی است، که مخاطب های آن روز خیال می کرده اند که آیه را فهمیده اند و ما نیز همین خیال را میکنیم و آیندگان چیزهایی از این آیه خواهند فهمید که ماها خوابش را هم نمی بینیم.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۳۳ تا ۴۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ..) از آیات برجسته قرآنی است.

۷ - در این پاراگراف، کدام فقرات، فوق ذہنیات معاصران نزول است؟

(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذہنیات مخاطبان اولیه ندارد)

شرحی که در آیه ۳۸ دربخش ۵ عرض کرده ایم از نوع آیاتی است که حتی تا هزار سال پس از نزولش بالاتر از ذهنیات کل مردم جهان بود، چه رسد به معاصران نزول.

۸ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

مخاطبان اولیه که بجای خود، مانیز امروز نمیتوانیم تصور روشنی از مدلول این آیات که برسر تفسیر آنها اختلاف نظرهای عمیقی بین مفسران وجود دارد، داشته باشیم. اما، از آنجا که لغات بکار رفته در این آیات در این چارده قرن تفاوت معنی نداشته، از لحاظ تحت اللفظی، مخاطبان اولیه نیز از آنها همان تلقی را دارند که ما.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

یادآوری بعضی نعمتهای الهی که همه غرق در آنها هستند و به همین دلیل ممکن است از آنها غافل شوند، به منظور تنبه از غفلت و به یاد صاحب نعمت افتادن.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

برخی از اجزاء آیات این پاراگراف، در سوره های پیشین آمده، اما، با این هیئت و این کمال، تمام آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث مننی

این پاراگراف یک پرانتز بزرگ است، زیرا اگر قبلش را (یعنی آیه ۳۲ را) به بعدش (یعنی به آیه ۴۵) وصل کنیم روال سخن صاف و بی سگته میماند. آیه ۳۶ «پرانتزی» است، و چون خود پاراگراف هم پرانتز است، آیه مذکور «پرانتز در

پرانترز» است.

آیات ۳۸ تا ۴۰ فرع است بر آیه ۳۷.

آیه های ۴۳ و ۴۴ فرع است بر آیه ۴۲.

در وسط آیه ۴۴ «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته است.

گوشه‌ای از نعمتها

در این پاراگراف، به نعمتهائی اشاره می‌فرماید که همگان از آن استفاده می‌کنند و بعلت غوطه‌وری در آنها و عادت ریشه‌دار به استفاده از آنها، از وجود آنها غافلند و غرض از اشاره به این نعمتها، یادآوری ولیّ این نعمتهاست و غرض از اشاره اخیر، انتقال به این نکته است که به پیام او که از طریق پیامبرش مطرح می‌شود دل سپرده و گرایش حاصل شود که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱- آیات ربوبیت خداوندی (آیات ۳۳ تا ۳۶)

۲- آیات علم و قدرت و تقدیرات الهی (آیات ۳۷ تا ۴۰)

۳- آیات لطف و رحمت خدائی (آیات ۴۱ تا ۴۴)

و اینک شرح مختصری در خصوص هر یک:

۱- آیات ربوبیت الهی: آیات ربوبیت، در آیه‌های ۳۳-۳۴، نشانه‌هائی را ذکر نموده که با آنها آشنا هستیم و قبلاً در سوره عبس و سوره‌های دیگر با آنها آشنا شده‌ایم.

اما آنچه در این قسمت جدید است جمله «و نیز آنچه خودشان بعمل می‌آورند» است که اشاره به خوردنیهای ساخته بشر می‌باشد که از بس متنوع است قابل شمارش نیست و اینهمه کتاب‌های آشپزی و کلاسهای آشپزی و نوارها و سی‌دی‌های آشپزی و کانال‌های اینترنتی آشپزی گوشه‌ای از تفنن بشری را نشان می‌دهد. بعلاوه این همه دستکاری‌های ژنتیکی که در اصل نباتات و سایر موجودات می‌کنند نیز یک قلمرو دیگر «آنچه خودشان به عمل می‌آورند» می‌باشد.

در آیه ۳۶ به زوجیت در نباتات اشاره می‌فرماید که از لحاظ این که درک زوجیت در

نباتات، از سطح علمی آن زمان بسیار بالاتر بوده، قابل توجه است و در صورت جستجوی لازم، قاعدتاً به یک معجزه علمی می‌رسیم و همچنین است راجع به زوجیت «چیزهائی که نمی‌دانند» که تصور می‌شود از سطح علمی امروز هم بالاتر باشد.

۲- آیات علم و قدرت و تدبیر الهی: این بخش اشاره به نظم و نظام حیرت‌انگیز کیهانی دارد. بخصوص عوالم مربوط به منظومه شمسی و دقت در آن، پژوهشگر را به چند فقره معجزات علمی می‌رساند.

مثلاً از آیه ۳۷ فهمیده می‌شود «غلبه» با «شب» است و روز موقتاً در آن «داخل شده» و همان کسی که روز را در شب داخل کرده، آنرا خارج می‌کند و شب، بطور طبیعی فراگیر می‌شود.

این حقیقت که در فضای لایتناهی غلبه با ظلمت است و نور ستارگان اثر ناچیزی در کل فضا دارد، یک امری نیست که در آن روزها حتی بالاترین منجمین جهان آن روزها که هیچ، بلکه حتی علماء هزار سال بعد هم، راهی به آن یافته باشند و این مورد یکی از معجزات علمی قرآن است و نیز این مطلب که در آیه ۳۸ به آن اشاره شده که «خورشید بسوی» قرارگاه خویش «در جریان است» نیز یکی از معجزات مسلم علمی است که از فهم مردم آن زمان بلکه حتی اعلم علمای تا هزار و دویست سال بعد هم دور بوده که خورشید همراه با مجموعه منظومه خود، در کهکشان راه شیری، حرکتی دارد که روی مداری خاص در جهتی روان است.

و نیز مطالب دیگری هم هست که برای رعایت اختصار به آنها نمی‌پردازیم اما از خواننده گرامی می‌خواهیم فکر خود را محدود به همین مطالب عرض شده ننماید.

۳- آیات لطف و رحمت: در این بخش به یک نعمت بزرگ اشاره شده است. نعمت راکب بودن، که برای آدمی، امکان انتقال از نقطه‌ای به نقطه دیگر را بدون اینکه خودش و با استفاده از پاهای خودش برود فراهم می‌آورد.

شاید یکی از مهمترین وجوه تفوق آدمی نسبت به سایر جانداران این وجه باشد. اول سوار شدن بر حیوانات، سپس اختراع وسایل نقل و انتقال دورتر مانند قایق‌ها و

کشتی‌ها و سپس هواپیما و انتقال امواج و صدا و تصویر و مکالمه و فعلاً اینترنت و فردا چه پیشرفتی در امر نقل و انتقال خواهد شد، خدا می‌داند. شاید در آینده انتقال اجسام با همان سرعتی که صوت و تصویر و مکالمه منتقل می‌شود، عملی گردد. امروز توجه به آیه ۴۲، به راحتی فکر آدمی را به اتومبیل و کشتی و هواپیما منتقل می‌سازد که ساخته بشر است و خود بشر هم آفریده خداست و بطور طبیعی ساخته- های بشر نیز [که از مواد اولیه که مخلوقات خدا هستند کمک گرفته و با نیروی بدنی و فکری خویش که آنها نیز متعلق به خداست آنها را تغییر شکل داده و چیزهای جدیدی بوجود آورده، که به این ترتیب آنها هم] مخلوق خدا است، اما آن روز، یعنی آن روزهای نازل شدن این آیات، واقعاً مخاطب های آن روزها، و حتی تا ۱۲۰۰ سال بعد، از این نوع آیه‌ها چه می‌توانستند بفهمند؟ و این نیز یکی از معجزات قطعی علمی و تاریخی قرآنی است.

ترجمه تفسیری آزاد

و برای آنها نشانه ای است که زمین مرده را با بارش باران بهاری زنده میکنیم و از همان زمین دانه بیرون می‌آوریم که از آن می‌خورند (۳۳) و باغهایی از درختهای خرما و انگور در آن قرار میدهیم و در میان آن چشمه‌هایی میشکافیم (۳۴) تا از نتیجه این نعمت‌ها و یا تغییراتی که در آنها میدهند و چیزهای جدیدی به وجود می‌آورند بخورند، آیا شکر نمی‌گزارند؟ (۳۵) منزّه است کسی که تمامی جفتها را آفرید چه از آنچه از زمین می‌روید و چه از خودهاشان و چه از چیزهایی که نمی‌دانند (۳۶) و این هم برایشان نشانه ای است که روز را از شب بیرون میکشیم و آنگاه در تاریکی قرار میگیرند (۳۷) و نیز اینکه خورشید بسوی قرارگاه خویش در جریان است نیز نشانه دیگری است از علم و قدرت ما، این‌ها نمونه‌هایی است از تقدیرات ما است که پیروزمند دانائیم (۳۸) و برای ماه نیز منزل‌هایی مقرر کرده ایم تا اینکه پس از طی آنها وقتی که به انتهای دوره ماهانه خویش رسید به شکل خمیده ای چون شاخکی

خشک، مانند هسته خرما، به نظر آید (۳۹) نه خورشید را میرسد که ماه را دریابد و نه شب از روز سبقت میگیرد و هریک در فلکی شناورند (۴۰) و نیز برایشان نشانه ای است که اولادشان را در کشتی ها حمل می کنیم (۴۱) و برایشان مانند آن را از حیوانات آفریدیم که سوارش میشوند (۴۲) و اگر بخواهیم کشتی ها را غرق می کنیم در آنصورت نه فریادرسی خواهند داشت و نه کسی که نجاتشان دهد (۴۳) مگر اینکه رحمتی از جانب ما بصورتی دیگر بفریادشان برسد که تا مدتی برخوردار باشند (۴۴)

یس ۴ آیات ۴۵ تا ۷۶

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفَعُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعُمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تَفْطِنُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَحْزَنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاعِيُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكَوِّونَ ﴿٥٦﴾ هُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَنَّاوَا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ نَعْمِرْهُ نَنْكِسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَبِحَقِّ الْقَوْلِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مَا عَمِلَتْ أَيْدِيهِمْ أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُمْ فِيهَا مِنْافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُبْصِرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَخْزِنَكَ قَوْمُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُغْلَبُونَ ﴿٧٦﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار می دهند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: روگردانی از آیات، و غفلت از نعمت های الهی، از سبب های ارتکاب اعمال قابل نکوهش است که آنها را به نتیجه نامطلوب میرساند در حالی که مومنان به نتیجه ای مطلوب میرسند، و تو ای پیامبر! به پیگیری کار رسالت بپرداز.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أطعمَهُ إِنَّا كُنْثُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

ریزدرب: این نوع رفتار کافران معاصر پیامبر ما (ص) بود

۲

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾

ریزدرب: این نوع رفتار کافران معاصر پیامبر ما (ص) بود، و این هم نتیجه ای بود که می باید برایشان پیش می آمد

۳

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾

ریزدرب: این نوع رفتار کافران معاصر پیامبر ما (ص) بود، و این هم نتیجه ای بود که می باید برایشان پیش می آمد (اما خداوند به علت موقعیت خاص آنحضرت - و ماکان الله ليعذبهم و انت فيهم - (۳۳ انفال) برایشان پیش نیاورد)

۴

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تَطْلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

ریزدرب: این عاقبت همگان شان خواهد بود در قیامت (منهای کسانی که در جریان فتح مکه ایمان واقعی پیدا کردند)

۵

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِوُونَ ﴿٥٦﴾ هُمْ فِيهَا فَكِهَةٌ وَهُمْ مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾

ریزدرب: و این عاقبت مومنان است در قیامت

۶

وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾

ریزدرب: و بطور کلی این عاقبت همگان است در قیامت

۷

وَلَوْ نَشَاءَ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءَ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾

ریزدرب: بطور کلی این سیاست خداوند است در دنیا با همگان حوصله میکند و امکان میدهد و فوراً عقوبت نمیکند

۸

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

ریزدرب: بطور کلی این سیاست خداوند است در دنیا با همگان که حوصله میکند و اکثراً به پیری هم میرساند تا عبرتی گیرند

۹

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِنُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

ریزدرب: بطور کلی این سیاست خداوند است در دنیا با همگان که حوصله میکند و اکثراً به پیری هم میرساند تا عبرتی گیرند و فرق حق و باطل و قرآن و چیزهای دیگر

را بفهمند

۱۰

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُمْ فِيهَا مَنَّاعٌ وَمَشَارِبُ أَفْلا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

ریزدرب: بطور کلی این سیاست خداوند است که در دنیا با همگان حوصله میکند و اکثرا به پیری هم میرساند تا عبرتی گیرند و فرق حق و باطل و قرآن چیزهای دیگر را بفهمند و منشاء نعمتهایی را که از آنها استفاده دائمی میکنند درک کنند

۱۱

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ ﴿٧٥﴾

ریزدرب: اما برخی، علیرغم همه این چیزها، این رفتار نامعقول را میکنند

۱۲

فَلَا يَخْزُنكَ قَوْمُهُ إِنَّ نَعْلَمَ مَا يَسِرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾

ریزدرب: لذا ای پیامبر! ناراحت نباش و کار خودت را پی بگیر

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف

که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر! وظیفه ات هشدار دادن به کسانی است که نسبت به موضوع رسالتت آگاهی ندارند، البته تو نیز انرژی را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد.

در پاراگراف ۲ می فرماید عده‌ای از این مردم هم همان رفتاری را می کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده‌اند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: «یادآوری برخی نعمت‌های خداوند که همگان از آنها استفاده می-کنند»

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر! این است نمونه ای از رفتارهای فکری و عملی مخالفان و اینکه آنها علیرغم اینهمه نعمت‌هایی که از جانب خداوند برایشان فراهم شده، به کفر و تکذیب می پردازند و خداوند به حکمت خویش فعلاً از عذاب آنها صرفنظر میکند، تو فعلاً ناراحت مباش، زیرا که امورشان تحت نظر است.

۴- سوالات

- ۱- منظور از «مَا يَنْ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ» (آیه ۴۵) چیست؟
- ۲- بین دومیه آیه ۵۲ یک مورد موضوع کلیدهای تفسیر قرآن اتفاق افتاده، (آن رامشخص کنید)
- ۳- منظور از «لَا تَعْبُدُوا» (آیه ۶۰) چیست؟
- ۴- سوال فوق را درباره «شغل» و «فاکهن» (آیه ۵۵) نیز جواب دهید.
- ۵- چرا خداوند در اینجا- بجز آیه ۶۵- از حالت فاعلی مفرد استفاده نموده؟ (اعهد اعبودنی)
- ۷- و چرا در آیه ۶۵ از حالت جمع؟ (نختم تکلمنا)
- ۷- از موضوع آیه ۵۲ چه سابقه ای درسوره های قبل دارید؟

- ۸ - کلمه «ازواج» (آیه ۵۶) به چه معنی بکار رفته؟ (گروه ها؟ همسران؟)
- ۹ - به عبارت دیگر، «ازواج» مذکور به معنی لغوی به کار رفته یا اصطلاحی؟
- ۱۰ - وضعیت آیات ۶۰ - ۶۲ با کدام کلید تفسیری تناسب دارد؟
- ۱۱ - ظرف زمانی - مکانی آیات فوق را مشخص کنید.
- ۱۲ - ظرف زمان مدلول دو آیه ۶۷ و ۶۶ چه وقتی است؟
- ۱۳ - نعمت های فوق رابه دو دسته سلبی و ایجابی تقسیم کنید.
- ۱۴ - «ما ینبغی له» (آیه ۶۹) با کدام کلیدفهم قرآن مطابقت دارد؟
- ۱۵ - منظور از «حی» (آیه ۷۰) چیست؟
- ۱۶ - «ایدینا» (آیه ۷۱) کنایه از چیست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۴۷ فهمیده میشود تصویری که آنها از خداوند داشته اند این بوده که کارهایش را از طریق بی واسطه و بی اسباب و علل و بطور غیر عادی انجام میدهد.

از آیه ۶۹ فهمیده میشود آنحضرت اساسا استعداد شعرگوئی نداشته و نیز اینکه اگر استعدادش را میداشت، این موضوع مخل و مزاحم رسالتش میبود.

از آیه ۷۴ فهمیده میشود یک علت مهم گرایش به شرک (البته از سوی آباء و اجداد فعالان معاصر نزول این آیات)، جلب منفعت از سوی «خدایان» بوده است که امید داشته اند در مشکلات میتوانند روی یاری آنها حساب کنند.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

- ۱ - در آیه ۶۸ درک آن معنی که در جای خویش ذیلا عرض میشود، در اثر توجه به درس و درب بود که در آن مطلبی را که نعمت بنظر نمی آید نعمت ببینیم و لذا این از کمک های مستقیم این روش تفسیری است.
- ۲ - همچنین است استنتاجی که در موضوع آیه ۶۹ شد.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۴۷ و ۶۰ و ۶۸ و ۶۹ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعظ و...) از آیات برجسته قرآنی است. یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۴۹ تا ۶۵ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

۱ - نکوهش فعالان کفر برای روگردانی از آیات الهی و نیز غفلت و بی توجهی از اینکه اینهمه نعمت های الهی که کل زندگی شان وابسته به آنها است از کیست و اینکه شرک ایراد اصولی دارد و ...
۲ - توصیه به آنحضرت که این چیزها مغمومت نکند و تو کماکان به کار اصلی ات برس.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۴۵ و ۴۶ و ۴۸ تا ۵۸ و ۷۴ تا ۷۶، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

- ۱ - آیات ۶۰ تا ۶۲ «پرانتری» است و این واضح است، زیرا اگر قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سخته میشود.
- ۲ - در انتهای آیه ۴۵ «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته است.
- ۳ - در انتهای آیه ۴۷ «ان انتم الا فی ضلال مبین» نقل قول کافران به مومنان است.
- ۴ - در ابتدای آیه ۵۹ التفات صورت گرفته است.
- ۵ - بین دونیمه آیه ۵۲ التفات واقع شده است.

به زبان طنز

در آیه ۷۵ از لحن بیانی طنز استفاده شده، و یعنی اینکه آنها برایشان فایده ای ندارند ولی اینها به عنوان سرباز کمر بسته بی جیره و مواجب آنها عمل میکنند، و بالاخره یعنی اینکه رفتارشان نا معقول و ناموجه است.

چند دریافت کوتاه و مستقیم

- ۲ - کلمه «ازواج» به معنی لغوی بکار رفته (به همان معنی که در آیه ۱۳۱ سوره طه بکار رفته) و معنی «گروه ها» را میدهد، نه «همسران»
- ۳ - ظرف زمانی - مکانی آیات مذکور در قیامت و از باب تحلیل و جمع بندی اعمال و صورت حسابشان است و جنبه نکوهش دارد و خودش هم آغاز عذاب (های روحی) شان است.
- ۴ - آیات ۶۶ تا ۶۸ از باب تنبه است که ای انسان! این چیزهایی که به آنها عادت کرده ای هر کدام یک نعمت بزرگ است که می تواند وجود نداشته باشد، و در آنصورت چه وضعی خواهی داشت؟ و آیا به فکر نمی افتی که قدر بدانی و شکر بگذاری؟
- ۵ - «زبان» آیه ۶۶ از نوع طنز است.

خواست خداوند قانونمند است

البته (با توجه به تیتیر فوق) خواست خداوند بر موارد مذکور در آیه های ۶۶ و ۶۷

تعلق نگرفته است.

بعبارت دیگر حکمت خداوندی بر این تعلق گرفته که به همگی مهلتی دهد تا هرکس حقیقت خود را آشکار کند و زندگی این جهانی از لحاظ قانونمندی برای همه یکسان باشد و فرق‌ها در جهان دیگر ظاهر شود.

شبه استدلال، آنهم غلط

آیه ۴۷ حاوی یک شبه استدلال غلط است.

خداوند امور این دنیا را مطابق آنچه که بارها تحت عنوان «فعل خداوند قانونمند است» دیدیم، براساس قوانینی اداره می‌کند که برای بشر نیز مفهوم و بسیاری از آنها معلوم است و از جمله اینکه یکی از پایه‌های قوام جامعه بشری را در دستگیری ضعیفاً توسط اغنیاء قرار داده است.

همانگونه که در داخل هر خانواده پدر و مادر به فرزندان ضعیف بیشتر توجه می‌کنند، در جامعه بشری نیز (که یک خانواده در مقیاس بزرگتر است) همین حالت لازم است و خداوند این را قرار داده و در غیر این صورت جامعه محل تراکم خشم‌های فروخورده شده، و فرو می‌پاشد.

اینکه در آیه مذکور کفار چنان می‌گویند در حقیقت برای شانه خالی کردن از وظایف مالی خویش به قدرت مطلق الهی اشاره می‌کنند اما (عامداً) از این غفلت می‌کنند که قدرت الهی مانع از این نیست که حکمت الهی راز بقاء جوامع را در آن طرز رفتار قرار داده باشد.

در حقیقت گفتار کافران نوعی مغلطه و سفسطه است، و با این حال پیامبرشان و مؤمنان را «در گمراهی آشکار» قلمداد می‌کنند.

بهشت کوچولوی موقت

(به قرینه آیه ۵۹) پذیرائی مورد اشاره در آیات ۵۵ تا ۵۸ مربوط به حالتی است که

هنوز فاز اول قیامت است، و هنوز حساب و کتاب تمام نشده است .
یعنی در همان قیامت هم که همگی مشغول رسیدگی به کارنامه‌ها یشان هستند، کسانی که بعداً اهل بهشت خواهند بود، در یک حالت «پیش‌بهشتی» خواهند بود تا مرحله حساب و کتاب بطور کامل تمام، و بساطش جمع شود و آنها بتوانند به بهشت کامل واقعی خویش برسند.

روش‌های بی‌خطای راستی آزمایی

در حاشیهٔ آیه ۶۵ این سؤال مطرح است که دست‌ها و پاها چطور سخن می‌گویند و گواهی می‌دهند؟

می‌دانیم اعمال آدمی روی او اثراتی می‌گذارد.

سخن گفتن اعضاء بدن نیز باید از چنین طرقی باشد.

اثراتی که اعمال ما روی اجزاء بدن ما می‌گذارد ، زبان حال آنهاست مثلاً نسوج داخلی بدن معتاد با آدم سالم فرق دارد و همین‌طور مشروب‌خوار و اینکه چه نوع مشروبی مصرف می‌کرده و چند بار و چقدر؛ در صورتی که روشهای حقیقت‌یاب دقیق و کامل باشد، فوراً معلوم خواهد شد. و قابل فهم است که این نوع اعتراف‌گیری، درست، بی-خطا، و مطلقاً عادلانه است.

البته علم خداوند کامل و دقیق و محض است و نیازی به روشهای آزمایشگاهی ندارد. اما خداوند بی‌نهایت عادل نیز هست و یکی از روشهای عادلانه این است که محکوم قلباً قبول کند که با او عادلانه رفتار شده است و این نوع اعتراف‌گیری در آن جهت است.

در پیری و ضعف قوا چه نعمتی هست؟

موضوع آیه ۶۸ ظاهراً بنظر نعمت نمی‌آید اما این پاراگراف به شهادت درس و درب ذکر نعمتهاست و نمی‌شود بین چند آیه که بالا و پائین آن نعمت است چیزی بگوئیم که نعمت باشد که این از لحاظ اصول سخن زشت است.

اگر به آیه ۶۸ به «چشم نعمت‌بین» نظر کنیم آنگاه مطلب را میگیریم.

ووجه نعمت بودن این مطلب می‌تواند بقرار زیر باشد:

۱- بتدریج که قوای آدمی به تحلیل می‌رود، این احساس که مرگ نزدیک است و باید رفت، بیشتر در ضمیر اشخاص قوت می‌گیرد و هر کس با خود می‌گوید باید رفت، پس از رفتن، حساب و کتاب است و واقعیاتی که پیامبران گفتند، و چه بهتر است وضع خود را اصلاح کنم و انطباق دهم و ممکن است این حدیث نفس، به توبه و استغفار و صلاح و سداد ختم شود و شخص بهشتی شود و چه نعمتی بالاتر از این؟

۲- خداوند این نظام آفرینش را طوری ترتیب داده که آدمی در این جهان بیاید و زندگی کند و امتحانی بدهد و برود و زندگی واقعی آدمی در جهانیست که پس از وقوع قیامت بوجود خواهد آمد و لذا این جهان، جهان محدودیت‌هاست و این نوع ترتیب دادن مطلب که در اثر طول عمر، کم‌کم آدمی از صحنه زندگی به حاشیه رانده شود، در جهت آن نظام کلی است و چون آن خیری دارد و حکیمانه است این نیز از لحاظ همجهت بودن با آن خیریت دارد و نعمت است.

۳- در صورتیکه زاویه دید خود را تغییر داده و از نگاه «هر فرد» به این آیه نگاه نکنیم بلکه از نگاه «جامعه بشری» به این آیه نگاه کنیم می‌بینیم این مطلب یکی از نعمت‌های بزرگ است.

تصور کنید جامعه‌ای را که جوانان آن پیر نمی‌شوند و قدرتهای جسمی آنها کاهش نمی‌یابد. در آنصورت ببینید چه جنگ‌ها و نزاع‌ها و رقابت‌های سهمگینی برای خواسته‌های بشری، مانند مال و جفت و غیره بین آنها در نمی‌گیرد و هیچ احترامی بین نسل‌ها باقی نمی‌ماند زیرا پسر پدر را رقیب خویش می‌یابد و تمام کوشش خویش را مصروف کنار زدن او از تجاوز و تظاول قطعی او به مایملک خویش بکار می‌برد و جمعیت بطور وحشتناکی رو به تزاید و منابع به طور دهشتناکی رو به نقصان می‌گذارد و جداً جهنمی خواهد شد که اگر اندکی قوه خیال خویش را میدان دهیم، خواهیم توانست چنان تراژدی‌هایی خلق کنیم که رُمان مشهور «کوری» پیش آن جلوه‌ای نخواهد داشت.

بعبارت دیگر اصل این کشتارها و جنایت‌های بشری مبتنی به اصل «محدودیت منابع» است که در آن صورت، این محدودیت، صد چندان خواهد شد.

در شاعر نبودن پیامبر(ص) چه نعمتی هست؟

در حاشیه آیه ۶۹ باید عرض کنیم هدایتی که خداوند از طریق پیامبرش نسبت به بشر ارائه نمود بزرگترین لطف الهی است و قرآن بزرگترین نعمت اوست. حال اگر پیامبر، شاعر هم می‌بود، ممکن بود مخاطب نتواند بین گفته‌های پیامبر و گفته‌های خداوند تفکیک قائل شود و اگر کسی راجع به وحی تردید می‌کرد و می‌گفت شاید این از گفته‌های الهی نباشد و از گفته‌های پیامبر باشد، چندان قابل سرزنش نبود. لذا اینکه خداوند راه قریحه شاعری پیامبر را بست، در جهت اطمینان و یقین و دلگرمی مردم نسبت به وحی و بطور خلاصه در جهت هدایت مردم اقدام نموده و لذا این، نیز، جزء بزرگترین الطاف و نعمت‌های الهی است.

آیات آشنا

محتوای آیه ۷۴ و قسمت اول آیه ۷۵، همعرض است با آیات ۲۶ تا ۳۰ و نیز آیه ۲۳ سوره نجم است.

ترجمه تفسیری آزاد

و هنگامیکه به آنان گفته شود درباره آنچه در آینده قیامتی خویش خواهید داشت، و نیز از نتایج کارهای نامقبولی که در گذشته کرده اید پروا کنید شاید مورد رحمت واقع شوید، ناراحت میشوند (۴۵) و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان به آنان نمیرسد مگر اینکه از آن روی میگردانند (۴۶) و هنگامی که به آنان گفته شود از آنچه خداوند روزیتان کرده به فقرا بخشش کنید، به مومنان می‌گویند آیا کسی را غذا دهیم که اگر خدا می‌خواست خودش غذایش میداد؟ شماها در گمراهی آشکارید (۴۷) و میگویند این وعده قیامت که صحبتش را می‌کنید کی است اگر راست می‌گویید؟ (۴۸)

با این سخنشان گوئی دعوت کننده چیزی میشوند که جز یک فریاد مهیب نیست که در همان حالی که دارند بگو مگو می کنند، ممکن است فراگیرشان شود (۴۹) که نه فرصت خواهند داشت وصیتی کنند و نه بسوی اهل خویش برگردند (۵۰) و بهتر است نگران روزی باشند که در آن شیپور آسمانی دمیده میشود تا فوراً از قبرهاشان بسوی پروردگارشان بتندی روان شوند (۵۱) در آن حال خواهند گفت وای بر ما چه کسی ما را از خوابگاه مان برانگیخت؟ جواب خواهند شنید که این همان وعده خداوند است و پیامبران نیز راست میگفتند (۵۲) آن جز فریاد بلندی نخواهد بود و آنها ناگهان همگی در پیشگاه حق حاضر خواهند بود (۵۳) در آن هنگام به آنان خطاب میشود امروز به هیچ کس ظلمی نمیشود و فقط جزای اعمالی را که انجام میدادید دریافت میکنید (۵۴)

البته بهشتیان در آن روز مشغولیت های لذت بخشی خواهند داشت (۵۵) خودشان و همسرانشان در سایبان هائی بوده و بر تخت هائی تکیه خواهند زد (۵۶) در آنجا میوه هائی و نعمت هایی دیگر که بخواهند برایشان فراهم خواهد بود (۵۷) واز آن مهمتر، پیامی اطمینان بخش از جانب پروردگار مهربان شان خواهند داشت (۵۸)

آنگاه به برخی خطاب میشود ای گناهکاران! اینک از سایر مردم جدا شوید (۵۹) به آنان عتاب میشود که ای آدمیان! مگر قرار نبود پیروی شیطان نکنید که او دشمن آشکارتان است؟ (۶۰) و اینکه فقط مرا اطاعت کنید که جاده مستقیم همین است؟ (۶۱) و البته شیطان گروههای زیادی از شما را گمراه کرد آیا تعقل نمی کردید؟ (۶۲) این همان جهنمی است که به شما وعده داده میشد (۶۳) امروز بسبب کفری که میورزیدید به آن درآئید (۶۴)

در آن روز بر دهانهایشان مُهر میخورد و دستهایشان به سخن درمیآیند و پاهایشان گواهی میدهند که چه انجام میداده اند (۶۵)

و اگر خداوند میخواست میتوانست بینائی شان را در همین دنیا از بین ببرد و در آنصورت نمیتوانستند راه مطمئن را بیابند (۶۶) و نیز اگر میخواست در همان موقعیتی که بودند مسخ شان میکرد که نه راه پیش و نه راه پس داشته باشند (۶۷) ای مردم! آیا تعقل نمیکنید که که کسی را که عمر طولانی به او میدهیم از لحاظ خلقت واژگونه اش می کنیم؟ (۶۸)

آیا توجه ندارید که به او که پیامبران است شعر نیاموختیم و درخور او هم نیست؟ بلکه آن قرآنی که به او وحی کرده ایم چیزی جز پندی و خواندنیی روشن نیست؟ (۶۹) تا هر که را که زنده است هشدار دهد و آن حکم هم بر کافران فرود آید؟ (۷۰)

آیا ندیدید که ما به قدرت خویش برایتان چارپایانی آفریده ایم که مالک آنها میشوید؟ (۷۱) و آنها را رام تان کرده ایم که هم از آنها سواری میگیرید و هم از آنها میخورید (۷۲) و در آنها منافع و نوشیدنی هائی هم دارید آیا شکر نمیگزاید؟ (۷۳)

با وجود همه اینها غیر از خداوند خدایانی بر گرفتند با این خیال که یاری شوند (۷۴) آنها نمیتوانند اینها را یاری کنند اما اینها خودشان سرباز حاضر بخدمت آنها میشوند (۷۵) پس ای پیامبر! سخن آنها اندوهگینت نکند ما خودمان آنچه را که آشکار یا پنهان میکنند میدانیم (۷۶)

پیش ۵ آیات ۷۷ تا ۸۳

أَوَّلَ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ تُؤْقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّافُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت الهی به کفر و تکذیب می پردازند و خود را در معرض نابودی و عذاب قرار می دهند.
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: بی توجهی به قدرت الهی موجب بروز رفتار قابل نکوهش است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

أَوَّلَ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

﴿٧٩﴾

ریزدرب: ای انسان! در خویش نظر عبرت کن و در آفریدگار بیاندیش

۲

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

ریزدرب: ای انسان! چنین آفریدگاری داری

۳

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

ریزدرب: ای انسان! چنین آفریدگاری داری!

۴

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

ریزدرب: ای انسان! سر تعظیم فرود آر، که دور نیست که از نزدیک تر بشناسیش

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ می فرماید: «قرآن فرو فرستاده خداوند است» و اینکه ای پیامبر! وظیفه ات هشدار دادن به کسانی است که نسبت به موضوع رسالت آگاهی ندارند، البته تو نیز انرژی را فقط برای کسانی صرف کن که فایده داشته باشد.

در پاراگراف ۲ می فرماید عده‌ای از این مردم هم همان رفتاری را می‌کنند که بعضی از اقوام گذشته کرده‌اند.

در پاراگراف ۳ می فرماید: «یادآوری برخی نعمت‌های خداوند که همگان از آنها استفاده می‌کنند»

در پاراگراف ۴ می فرماید ای پیامبر! این است نمونه ای از رفتارهای فکری و عملی مخالفات و اینکه آنها علیرغم اینکه نعمت‌هایی که از جانب خداوند برایشان فراهم شده، به کفر و تکذیب می‌پردازند و خداوند به حکمت خویش فعلا از عذاب آنها صرف‌نظر میکند، تو فعلا ناراحت مباش، زیرا که امورشان تحت نظر است.

در این پاراگراف می‌فرماید این خداوند قادر بر ایجاد قیامت نیز هست.

۴- سوالات

- ۱ - «نسی خلقه» در آیه ۷۸ با کدام کلید تفسیری منطبق است؟
- ۲ - برای آیه ۸۱، با توجه به آنچه تاکنون دیده ایم، چه سابقه ای سراغ دارید؟
- ۳ - «ید» در آیه ۸۳ به «چه زبان»ی است؟ استعاری؟ کنایی؟ یا .. ؟
- ۴ - حالت کلی این پاراگراف از چه نوع است؟ (تنبيه برانگيز؟ هشداري؟ آموزشي؟ یا .. ؟)
- ۵ - در آیه ۷۷، منظور از «الانسان» چیست؟ (همه انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا .. ؟)
- ۶ - «اذا» در آیه ۷۷ چه کار کرد ادبی (دستور زبانی) دارد؟
- ۷ - مثالی که در آیه ۸۰ زده شده چه ربطی به ماقبل خویش دارد؟ (کمی فکر کنید)
- ۸ - در این پاراگراف گوشه‌هایی از عظمت خلاقیت الهی را ذکر فرموده، آنها را لیست کنید.
- ۹ - در اثبات معاد، در این پاراگراف چه دلیلی آورده؟

۱۰ - در باره ظرف زمانی-مکانی «کن» و «یکون» چه میتوان گفت؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

تشکیک در موضوع برپایی قیامت و آخرت یک امر عادی و طبیعی است، زیرا آن موضوع دور از ذهن است، و قبول آن با واسطه چیز دیگر (مثلا در آیه ۸۱ با توجه به قدرت بی انتهای الهی)، یا در اثر قبول صداقت پیامبر(ص)، در اثر توجه به معجزه بودن قرآن، یا ... یا ... یا ... ممکن میشود، و کسی از این لحاظ قابل سرزنش نیست (توجه کنید به کلمه «انسان» در آیه ۷۷) زیرا همگان در معرض هستند (آیه ۷۸)

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

موضوع : آیه «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون»

در اینجا اگر به عصاره محتوای سوره توجه شود با آیه مذکور اینطور مواجهه میشود که در این سوره خداوند دارد نکوهش میکند که اینها چرا به این حقایق واضح توجه نمیکنند؟ از جمله اینکه خداوند اینقدر قدرت دارد (که در آیات ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ به آن اشاره کرده) و آنقدر قدرت دارد که اگر بخواهد چیزی انجام شود برایش کافی است که بگوید باش و آن موضوع انجام میشود و هیچ چیز برایش مشکل نیست.

چیزی که به این راحتی قابل توضیح است ببینید در المیزان - در یک متن بسیار طولانی - چه فلسفه هائی فرموده و چه راه های صعبی پیموده و آخرش هم توفیقی برای واضح کردن مطلب نیافته (این قسمت را در المیزان بخوانید تا متوجه شوید)

مورد خطا: ۱ - بی توجهی به عصاره محتوای سوره، ۲ - پیشداوری حاصل از روایات، ۳ - و پیشداوری حاصل از فلسفه های متبوع

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۷۸ تا ۸۰ و ۸۲ و ۸۳ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و نویسندگان ...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - آیات مشکل

آیه های ۸۲ و ۸۳ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که (با سرچ گوگل یا طرق دیگر) ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند. البته این قلم نیز در این موضوع عرضی کرده است.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۷۹ تا ۸۱ از آنجا که «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.
آیه های ۸۲ و ۸۳ از این لحاظ که به آفرینش خاص و قدرت های خاص الهی اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند، و لذا از لحاظ تحت اللفظی، آنها نیز همان تلقی را میداشته اند که ما!

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

جلب توجه مخاطب ها به گوشه هایی از عظمت خلاقیت خداوند متعال برای نزدیک کردن امکان وقوع قیامت به اذهان آنان.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۸۰ فرع است بر آیه ۷۹ و این واضح است.

ذکر مصادیق افاده حصر نمی کند

مثال هایی که از علم و قدرت الهی در این پاراگراف زده شده از باب مشتبی از خروار و کمی از بسیار است، نه اینکه موضوع منحصر به همانها باشد.

کُن فیکون

موضوع آیه ۸۲ با توجه به لیست ترتیب نزول و آنچه تاکنون دیده ایم، جدید، و یکی از آیات شاخص در کل قرآن کریم است.

توضیح آن بطور خلاصه این است که وقتی خداوند اراده ایجاد امری را کند می فرماید «باش» و آن «می شود»

منتها مراحل وجود دارد.

از صدور کلمه «باش» تا «بودن» آن چیز اتفاقات لازم در طول زمان و در عرصه مکان می افتد.

خلاصه اینکه فرمان «باش» مثلاً مانند فشار دادن کلید استارت در «ترم افزار» است، و پروژه «بودن» آن امر در «عالم سخت افزار»ی شروع می شود و سپس در ظرف زمان و مکان، تحقق می یابد.

مُلک و ملکوت

موضوع آیه ۸۳ نیز، با توجه به لیست ترتیب نزول جدید است. تصور کنید امروز یک جراح در دفتر کارش نشسته و دارد یک بیمار را در آنسوی دیگر دنیا جراحی می کند. در آن طرف روباتی هست که از طریق شبکه به کامپیوتر دفتر جراح وصل است و این جراح روی مونیتر خویش اشاره هائی می کند و آن روبات آن اشاره ها را دریافت کرده و بصورت عمل جراحی روی بدن آن بیمار انجام می دهد. آن اطلاق جراحی و آن بیمار و آن روبات و آن مجموعه، مثالی برای «عالم مُلک» است و این دانشمند و اتاق او و شبکه کامپیوتری، و سیستم های پیچیده ای که سبب ممکن شدن این موضوع میشود مثالی برای عالم ملکوت است. البته این را هم بدانید که مثال ها یک مطلبی را به ذهن نزدیک می کنند اما ذهن را درباره مسائل زیادی به اشتباه می اندازند، و معاذالله که خواسته باشیم بگوئیم که رابطه ملکوت و ملک اینقدر ساده باشد و خداوند را در حد آن جراح که با وسائلی کار می کند و اگر آن وسایل نباشد نمی تواند کار کند، محدود کرده باشیم. خلاصه این فقط یک مثال برای نزدیک کردن یک مطلب دور به ذهن، و ساده کردن یک مطلب پیچیده بود. (مرحوم دکتر شریعتی در یکی از سخنرانی هایش می گفت کسی «تاریخ بشر» را از لحاظ اینکه یک چیز «جریان دار» است به رودخانه تشبیه کرده بود که یکی از مستمعین پرسید، «استادا! قورباغه های تاریخ بشر چه جوری و در کجاها هستند!» این نمونه یک مثال است که مطلبی را به ذهن نزدیک می کند اما درباره جزئیات همه چیز «انطباق یک به یک» ندارد و نمی تواند داشته باشد.

موضوع ملک و ملکوت پیچیدگی‌هایی دارد اما مثال فوق کمک می‌کند که یک مدل ساده از آن بسازیم اما باید متوجه باشیم که بین جزئیات آنها «تطابق یک به یک» وجود ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! آیا انسان‌ها نمیدانند که آنان را از نطفه آفریده ایم که چنین آشکارا دشمنی میکنند؟ (۷۷) و برای ما مثلی میزنند و میگویند چه کسی استخوان پودر شده را زنده میکند؟ (۷۸) بگو همان کسی که اول بار زنده اش کرده! و او بر هر آفرینشی داناست (۷۹)

همو که از درخت سبز برایتان آتشی قرار داد و شما آنرا برمی افروزید (۸۰) آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر نیست مانند آن انسان‌ها را بیافریند؟ بلی و همو آفریننده ای بسیار داناست (۸۱) امرش وقتی که اراده چیزی کند فقط میگوید باش و آن میشود (۸۲) پس منزّه است کسی که سر رشته همه چیز بدست اوست و بسوی او باز میگردید (۸۳)

سوره شوری

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

حم ﴿۱﴾ عسق ﴿۲﴾ كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۴﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۵﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿۶﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَبَّ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿۷﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَدْخُلُ مِنَ يَشَاءِ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نصيرٍ ﴿۸﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۹﴾ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۱۰﴾ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۲﴾ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿۱۳﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفَقَضِي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ ﴿۱۴﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿۱۵﴾ وَالَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ لَنُحْثِثَهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿۱۶﴾

درس: نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت و محاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه می‌دهند.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: یکی از موارد مهم لجبازی کافران در رابطه با وحی است و بی‌توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمت‌های او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافران می‌شود. ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالت بپرداز و مردم را صبورانه چنین ارشاد کن.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

حم ﴿۱﴾ عسق ﴿۲﴾

ریز درب:

۲

كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳﴾

ریزدرب: مطالب این قرآن از جانب خداوند است و لذا در نهایت درستی است

۳

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٤﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾
ریزدرب: ای کافران! زندگی شما به موئی بند است و اگر استغفار ملائکه و رحمت و غفران الهی نمیبود چه به روزتان می آمد

۴

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦﴾
ریزدرب: ای پیامبر! فعلا که اراده الهی بر حفظ اینها تعلق گرفته است، پس، تو همان کار رسالت را پیگیر باش و به این فکر مباش چرا خداوند به اینها غضب نمیکند

۵

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَبَّ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿٧﴾
ریزدرب: ای پیامبر! وسیله کارت این قرآن است و حوزه فعالیتت مکه و دور و برش و محور اصلی کارت هشدار راجع به قیامت

۶

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٨﴾
ریزدرب: ای پیامبر! خداوند عاجز نیست همه را هدایت کند، تو کار خود را کن

۷

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٩﴾
ریزدرب: ای پیامبر! فعلا اینجا محل مراجعه را اشتباه میروند، تو کار خود را میکن

۸

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَخُذُوا إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أَنِيبُ ﴿١٠﴾
ریزدرب: ای مسلمانان! اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید به این پیامبر (یا قرآن) مراجعه کنید

۹

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾
ریزدرب: ای مردم! چنین خداوندی دارید! بسوی مقصد اشتباه نروید

۱۰

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْهُ مُرِيبٌ ﴿١٤﴾

ریزدرب: ای مردم! ریشه دین الهی یکی است، مانند اقوام پیشین راه اختلاف در پیش نگیرید

۱۱

فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در ماموریتت استقامت کن و به این و آن گوش مکن

۱۲

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾

ریزدرب: ای مردم، وقتی که عده زیادی دین حق را پذیرفتند افکار اجماعی آنها در باب دین حجت است

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- سوالات

۱- چه فرقی است بین «کذلک» در آیه ۷ و در آیه ۳ ؟

۲- ترکیب «عزیز الحکیم» به چه معنی است؟ (عزیز+ حکیم؟ عزیز × حکیم؟ یا....؟)

۳ - منظور از «کذلک» (آیه ۳) چیست؟

۴ - با توجه به جواب سوال فوق، معنی آیه ۳ اینطور خواهد بود: «خداوند عزیز حکیم بسوی تو و پیشینیان مانند حم عسق وحی میکند!» با توجه به این معنی، چه حالتی در مجموعه «حم عسق» هست که وحی را به آن تشبیه فرموده؟ (دقت کنید!)

۵ - آیه های ۱ و ۲ از حروف مقطعه است، و ما در کتاب آموزش تفسیر قرآن بحثی در خصوص آن عرض کرده ایم. با توجه به آن بحث، معنی «حم» را ظاهراً فهمیده ایم (که با توجه به آن بحث، به «درس» سوره مرتبط است) سوال این است که معنی «عسق» را چگونه باید پیدا کنیم؟

۶ - منظور از دو کلمه «الیک» و «الی»، (در آیه ۳) چیست؟ (آیا میتوان نتیجه گرفت که وحی حالت «نزولی» دارد؟)

۷ - با توجه به سوال فوق، طرف پائین آن معلوم است (که پیامبران هستند) طرف بالای آن کیست؟

۸ - با توجه به سوال قبل، آیا طرف بالا یک «جا» (ایستگاه) است یا چند جا؟

۹ - اولین چیزی که از حروف مقطعه فوق متوجه میشویم طرز تلفظ آنهاست که «مدّ دار» است (مثلاً راجع به حم نمیتوانیم بخوانیم ham بلکه باید بخوانیم haaamiimm) آیا «کذلک» فوق به این حالت «مدّ دار» بودن مربوط است؟

۱۰ - منظور از «حفیظ» (آیه ۶) چیست؟ (مراقب رفتار و اعمال؟ حافظ در مقابل صدمات؟ یا...)

۱۱ - در آیه ۷ برای قرآن یک صفت و یک «قلمرو» ذکر فرموده، آنها را مشخص کنید.

۱۲ - در همان آیه برای قرآن چه «ماموریت»ی مشخص فرموده؟

۱۳ - ده کلمه آخر آیه ۷ با موضوع کدام کلید تفسیر قرآن مطابق است؟

- ۱۴ - در آیه ۱۳ « كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ » با موضوع کدام کلید تفسیر قرآن مطابق است؟
- ۱۵ - «تفرق» (آیه ۱۴) مربوط به چه کسانی است؟ و منظور از «بغی» چیست و چرا سبب تفرق آنان شده؟
- ۱۶ - منظور از «کم» (ابتدای آیه ۱۳) چه کسانی است؟
- ۱۷ - منظور از «امت واحده» و «يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ» و «ظالمون» (آیه ۸) چیست؟
- ۱۸ - در آیه ۷، تنوین «قرآنا» و «عربيا» بابت چیست؟ (تعظیم؟ یا...؟)
- ۱۹ - بین نیمه اول و دوم آیه ۱۰ موضوع کدام کلید تفسیری واقع شده؟
- ۲۰ - مکانیزم عمل به قسمت اول آیه ۱۰، در زمان آنحضرت و نیز در امروز چگونه بود و باید باشد؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

رفتار و گفتمان شرک کاملاً برای کل سیستم های جهانی ناگوار و نامطلوب بود و کارگزاران جهان در جهت تصحیح آن عمل میکردند، نه در جهت مقابله با آن، و آنحضرت نیز در همین چارچوب به صبر و خودداری توصیه میشد (آیه های ۵ و ۶) و خداوند هم به آنحضرت تاکید میکند که روش او این نیست که تعالیم وحی بطور معجزه آسا پیش برود (آیه ۸) و در آیه ۷ نیز، هم موضوع و هم محدوده ماموریت آنحضرت را برایش مشخص فرموده است.

در این مقطع از زمان، ظاهراً، در داخل اردوگاه اسلام اختلاف نظری بروز کرده بوده، که توضیحی در متن آیه در باره اش دیده نمیشود و اجمالاً راه رفع اختلاف بطور کلی نشان داده شده، میتوان حدس زد که برخی از مسلمانان تعرضات اردوگاه کفر را بر نمی تابیدند و از آنحضرت خواستار مقابله جدی و عملی بودند (آیه ۱۰)

از آیه ۱۵ فهمیده میشود آنحضرت باز هم پیشنهاد نوعی معامله دریافت کرده بود که بشدت از آن نهی شده و به اتخاذ موضعی مانند سوره کافرون توصیه شده است.

از آیه ۱۶ فهمیده میشود تاثیر آموزه وحی تا نزول این آیات گسترده و عمیق بوده که به آنان میگوید دیگر حنای استدلالات سابق تان رنگی ندارد و دست بکشید.

۵- زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان): این سوره پیرامون مساله وحی سخن می گوید

درس سوره که از راه محاسبه استخراج شده این است: نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت و محاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه میدهند.

۲: «تکاد السموات يتفطرن من فوقهن»

در توضیح این آیه فرموده که چون وحی از بالا (من فوقهن) می آید آسمان های هفتگانه را پاره میکند تا به زمین میرسد و چیزهای دیگری در همین حدود فرموده.

ما عرض میکنیم وقتی که امواج تلفن موبایل و بی سیم و سایر امواج الکترو مغناطیسی برای عبور از اجسام مشکلی ندارند قاعدتا وحی نیز نباید در جهان هستی سبب تخریبی شود.

ولی توضیح مطلب این است که آیه مذکور به زبان مخاطب نازل شده یعنی اینکه قول کفار که برای خداوند شرکائی فرض میکنند با فطرت و منش جهان هستی مخالفت

دارد و اگر آنها مجاز بودند واکنش نشان دهند خشم خویش را نشان میدادند و خرابی و فسادى در قسمت هاى از جهان هستى به وجود مى آوردند.

۶ - پیشگوئى هاى تحقق یافته

در آیه هاى ۷ و ۸ حوزه ماموریت آنحضرت را بازهم برای او تعیین فرموده و استدلال کرده که چرا او مى باید رنج این رسالت را بازهم بدوش بکشد، و در این نویدى واضح وجود دارد.

در آیه ۱۵، با توجه به ۱۴ آیه قبل از آن، مجدداً آنحضرت را مامور میفرماید، و در این، یکنوع پیشگوئى هم مستتر است که چنانکه بعداً دیده شد به تحقق پیوست.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱ تا ۵ به دلایلى که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنى است.

۸ - آیات مشکل

آیه هاى ۵ و ۱۰ و ۱۶ از آیات «مشکل» قرآنى است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که (با سرچ گوگل یا طرق خودتان) ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادى در تفسیر آنها گفته اند.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخى است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه هاى ۱ و ۲ از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلاً عرض شد، چون تاکنون به نحو مقنعى رمزگشائى نشده، بالاتر از ذهنیات ما نیز میباشد، چه رسد به مخاطبان اولیه. آیه هاى ۳ تا ۸ از آنجا که به وحى اشاره دارد، و آنهم چیزى است که هیچ بنى بشرى را راهى به شناخت مکانیزمى نیست، طبعاً بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

آیه ۵ از این لحاظ که به مخلوقات اشاره کرده که حتی مانیز به آنها دسترسی نیافته و ذهنیتی از آنها نداریم، بالاتر از ذهنیات ما و طبعاً مخاطبان اولیه نیز، هست. آیه ۱۲ از این لحاظ که مکانیزم عملی کاری که خداوند صحبتش را کرده، حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها هم هنوز روشن نیست بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

آیه های ۱۳ و ۱۴ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - تعلیل موارد مهم چرائی لجبازی های کافران،
- ۲ - توصیه به مردم که چه رویکردی در پیش گیرند،
- ۳ - توصیه به آنحضرت که امیدوار باشد و به رسالتش بپردازد و مردم را صبورانه چنین ارشاد کند.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱ و ۴، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

- ۱ - «الی الذین من قبلک» (آیه ۳) پرانتری است.
- ۲ - آیات ۸ تا ۱۲ پرانتری است.
- ۳ - قسمت دوم آیه ۱۳ فرع است بر قسمت اول آن.
- ۴ - آیه های ۱۵ و ۱۶ نیز پرانتری است. دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبلش را به بعدش وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود.

خواست خداوند قانونمند است

«کسی را که بخواهد» در آیه ۱۳، مطابق تیتز فوق، یعنی «کسی که لیاقت داشته باشد»

همچنین «اگر میخواست شما را یکجور قرار میداد»، با توجه به تیتز فوق یعنی اینکه او این جهان را طوری سازماندهی کرده که تفاوت‌های ذاتی هرکس بتواند ظاهر شود.

در باره آیه های ۵ و ۶

این دو آیه به طور عجیبی «هم حالت» است، که هر دو، هم نکوهش هست و هم درکِ مشفقانه، هم خشم و غضب دیده میشود و هم دلسوزی.

تکاد السموات یتفطرن . .

این نوع بیان را - با توجه به ترتیب نزول - اول بار است که می بینیم و بزودی در سوره مریم بصورت واضح تر باز هم می بینیم، و نوعی بیان کنایه آمیز است که نشان میدهد فرضِ خدایانی که همپراز خداوند تأثیری در امری از امور جهان داشته باشند

آنقدر با ماهیت وجودی مخلوقات جهان اعم از ریز و درشت نا همخوان است که ارکان عالم را آنقدر پر از خشم میکند که آنها را تا حد انفجار منجر مینماید.

اشاره به چه کسی است؟

در رابطه با موضوع آیه ۱۰، اینک که پیامبر(ص) نیست، و ائمه (ع) هم نیستند، مرجع الهی کیست؟ اگر این سر نخ را دنبال کنیم به چه میرسیم؟

چکیده و روح همه ادیان الهی یکی است

توجه به آیه ۱۳ ما را به مدلول تیترا فوق میرساند.

حسد سبب تفرقه و تفرق

توجه به آیه ۱۴ ما را به مدلول تیترا فوق میرساند و از «درس» سوره نیز می فهمیم که این تفرقه از روی عمد و آگاهی بوده است.

ظرافت ادبی در حدّ اعجاز

اگر دقیق شوید می بینید در آیه های ۸ تا ۱۲ (که بدون فرعی بودن پراختی هستند) سخنان بقیه پاراگراف به وجه دیگری ارائه شده است.

چرا «کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه»؟

در اوایل سوره یاسین در قسمت «شرح مختصر» بحث کوتاهی ذیل عنوان «اغلال» و

«سَدّ» نمودیم، جواب سوال فوق همان است.

میزان حُجَّت افکار عمومی گرایش دار به حق

نکته مهمی از آیه ۱۶ فهمیده میشود.

در «افکار عمومی» نوعی «حجیت» وجود دارد (که البته باید حدود و ثغورش مشخص شود)

آنچه از خود آیه فهمیده شود این است که وقتی که عده‌ای دعوت خداوند را پذیرفتند، (یعنی نوعی «افکار عمومی» گرایش‌مند به دعوت خداوند شکل گرفت) دلایل مخالفان آنها باطل است.

البته این مفهوم و معقول است زیرا آدمی بر فطرت آفریده شده و اقبال عمومی آنها نمی‌تواند خلاف حق باشد.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

حم (۱) عسق (۲)

ای پیامبر! چنین وحی میکند خداوند عزیز حکیم بسویت و بسوی کسانی که قبل از تو بوده‌اند (۳)

آنچه که در آسمانها و زمین است از آن اوست و همو والامر تبه بزرگ است (۴) نزدیک است آسمانها از فراز سر این کافران بشکافد و ملائکه، در عین حال، به ستایش پروردگارشان تسبیح میگویند و برای زمینیان نیز استغفار میکنند، که ای مردم بدانید

خداوند آمرزنده مهربان است (۵)

آنانکه غیر از او سرپرستانی برگرفته اند، خداوند مراقب آنان است، و تو ای پیامبر! مسئول آنها نیستی (۶)

چنین است که قرآنی دارای زبان روشن به تو وحی کردیم تا مردم مرکز و اطراف آن را هشدار دهی، و نیز در مورد روز جمع شدن در قیامت که شکی در آن نیست هشدارشان دهی، و اینکه عده ای در بهشت و عده ای در آتش سوزان خواهند بود خبردارشان کنی (۷)

البته اگر خدا میخواست همه را یکجور قرار میداد و همه هدایت میشدند لیکن اینطور نیست، تا هرکس باطن خویش را نشان دهد تا معلوم شود که خداوند هر را که در رحمتش داخل میکند و ظالمان را که وامیگذارد حقشان است و البته ظالمان هیچ سرپرست و یآوری نخواهند داشت (۸)

آیا این کافران غیر از خداوند سرپرستانی برگرفته اند؟ حال آنکه خداوند سرپرست واقعی همه است و همو مردگان را زنده میکند و هموست که بر هر چیزی تواناست؟ (۹)

ای مردم! اگر درباره چیزی اختلاف کردید، حکم صحیحش نزد خداوند است. ای پیامبر! بگو این همان خدائی است که پروردگار من است و بر او توکل میکنم و بسوی او باز میگردم (۱۰) که آفریننده آسمانها و زمین است. و اوست که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید و چارپایان را نیز بصورت جفت هایی قرار داد و شما را در این جهان ریخته، چیزی مانند او نیست و همو شنوای بیناست (۱۱) کلیدهای آسمانها و

زمین از آن اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را میگذاید یا به اندازه میدهد که او بر هر چیزی داناست (۱۲)

ای پیامبر! همو از دیانت ها برای شما تشریع کرد، آنچه را که نوح را به آن سفارش کرد، و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرد، که همان را هم به تو وحی نمودیم، که به مردم بگوئی دین را بپا دارید و درباره آن به تفرقه نگرائید. برای مشرکان گران است آنچه را که بسویش میخوانی. خداوند هر که را لایق باشد به راه خویش برمیگزیند و کسی را که توبه و بازگشت کند بسوی خویش هدایت میکند (۱۳)

و اقوام گذشته از راه حق متفرق نمی شدند مگر پس از اینکه شناخت حق را پیدا میکردند، اما به خاطر قصد تجاوزی که به دیگران داشتند حق را زیر پا میگذاشتند، و اگر اینطور نبود که قانونی از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود که تا سرآمدی معین مهلتشان دهد، البته حتما نابودشان میکرد، و سپس کسانی جایگزین آنها شدند، که در اثر عمل پیشینیان خویش در شکی گمراه کننده افتاده بودند (۱۴) پس، تو ای پیامبر! به این خاطر اینان را به حق و هدایت دعوت کن و در آنچه که مأمور شده ای استقامت ورز و امیال آنان را پیروی مکن و بگو به هر کتاب آسمانی که خداوند فرو فرستاده است ایمان آورده ام و مأمورم که بین شما عدالت کنم. خداوند پروردگار ما و شماست. اعمالمان برای ما و اعمال شما برای خودتان است و هیچ حجتی تمام نشده بین ما و شما نیست. خداوند ما را در قیامت گرد می آورد و سرانجام همه چیز بسوی اوست (۱۵) و کسانی که درباره خداوند، پس از اینکه دعوت وی پذیرفته شد، مجادله میکنند، دلیلشان نزد پروردگارشان زایل است و غضبی علیه آنهاست و عذابی شدید خواهند داشت (۱۶)

شوری ۲ آیات ۱۷ تا ۲۴

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿١٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمْ هُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُصِّيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْرَفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَبِمَخِ اللَّهِ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه میدهند.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کافران به آخرت و الطاف الهی بی توجهند و همین هم سبب آن نوع رفتارشان است، و ای مردم! به کافران نگاه نکنید، به خداوند و عاقبت آخرتی خودتان بیندیشید و راه صحیح را انتخاب کنید. و ای پیامبر به ایرادهای نابجای کفار اهمیت مده.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿١٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾

ریز درب: ای مردم! خداوند به شما لطف دارد و فروفرستان کتاب و احکام و قرار دادن سیستم قیامت و آخرت نیز از لطف اوست

۲

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُمْ وَقَعُ فِيهِمُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

ریزدرب: ای مردم! این پیامبر از شما بابت هدایت تان دستمزدی نمیطلبد، پس این کارهایتان که بجای خداوند موجوداتی موهوم و باطل را در ذهن تان جایگزین میکنید چه توجیهی دارد؟

۳

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأْ اللَّهُ يَحْمِلْ عَلَى قَلْبِكَ وَمَتَّحَ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقِّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! میگویند تعالیمت از جانب خدا نیست، اهمیتی به این نوع بهانه ها مده، و فقط همینقدر بگو که اگر چنین بود خداوند قادر است مرا عذاب کند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید: یکی از موارد مهم لجبازی کافران در رابطه با وحی است، و بی توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمت های او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافران می شود، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالت بپرداز و مردم را صبورانه چنین ارشاد کن.

در این پاراگراف می فرماید: ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است. و ای پیامبر! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو، و دربارہ صدق دعویت چنین استدلال کن.

۴ - سوالات

- ۱ - کلمه «بالحق» (آیه ۱۷) مطابق با موضوع کدام کلید تفسیر قرآن است؟
- ۲ - منظور از «میزان» (همان آیه) چیست؟
- ۳ - «کتاب» دارای شواهد عینی روشن است و این میلیارد ها نسخه قرآن با این طیف وسیع در تنوع (اعم از ساده و یا دارای تکلف و خطی و چابی و تذهیب شده و نشده و کوچک و بزرگ، و ترجمه شده تقریباً به همه زبانها، غیره و غیره) مصادیق آن است. سوال این است که شواهد عینی «میزان» کدام است؟ (دقت فرمائید و جواب مقبول بیابید!)
- ۴ - چه سابقه ای از نزدیک بودن قیامت (آیه ۱۷) - درسوره های قبل - سراغ دارید؟
- ۵ - چرا بجای «مایدریک» (آیه ۱۷) نفرموده «مایدریکم»؟
- ۶ - منظور از کلمه «عباد» (آیه ۱۹) چیست؟ (مومنان؟ همه انسان ها؟)
- ۷ - با توجه به قسمت آخر آیه ۱۷، در ذهن پیامبر (ص) چه میگذشت که آن جمله استفهامیه را دریافت کرد؟
- ۸ - منظور از «دنیا» و «آخرت» (آیه ۲۰) معنی لغوی آنهاست یا اصطلاحی؟
- ۹ - چه سابقه ای از مفهوم آیه ۲۱ دارید؟
- ۱۰ - مفهوم «قل لا اسئلكم...» چه سابقه ای در سوره های قبل دارد؟
- ۱۱ - منظور از «یقترف» (آیه ۲۳) و «کلمات» (آیه ۲۴) چیست؟

۱۲ - با توجه به آیه ۲۴، حوزه عمل «یَمَحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يَحِقُّ الْحَقُّ» کجاست؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۲۴ فهمیده میشود که فعالان کفر در مقابل آنحضرت مستاصل شده بودند و لذا کار او را یکسره «افترائی که به خدا میزند» اعلام میکردند.

۶ - زاویه با تفاسیر رایج

موضوع: ۱ - ترتیب نزول ۲ - اتکاء به روایات ۳ - خطای عادی تفسیری ۴ - بی توجهی به فرق گذاری بین مطالب اصلی و فرعی

اگر کسی قرآن را به ترتیب نزول دقت کند متوجه یک نکته مهم میشود و اگر به ترتیب رایج کار کند متوجه آن نمیشود و آن هم این است که در بسیار موارد هر جا که بحث قیامت مطرح است به حجیت قرآن توجه میدهد، و این موضوع در سوره های تکویر و حاقه و واقعه خیلی آشکار است و از آن پس هم به عنوان یک خط ثابت ادامه می یابد.

در اینجا نیز قبل از آن آیه، عناصر مختلف قیامت مطرح شده، و ذکر حجیت قرآن (با این بیان که بگو من آن را از پیش خود در نیاورده ام) را باید در این جهتگیری کلی قرآنی دید.

اما میزان بحث های طولانی فرموده و موضوع را به ذوی القربی (که در بخش پرانتزی است) مربوط نموده و در این باره به روایات متکی بوده و پیشداوری داشته است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه ۱۷ و جمله «ما یدریک» در آن جوابی است برای سوال فوق. به عبارت دیگر مدلول «ما یدریک» نیز فوق ذهنیان مخاطب های اولیه بوده است. آیه های ۱۷ تا ۲۲ از آنجا که عمدتا «قیامتی» است، کلا بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعا در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیه ۲۴ از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعا بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - ای مردم! به کافران که به آخرت و الطاف الهی بی توجهند و همین هم سبب آن نوع رفتارشان است نگاه نکنید، به خداوند و عاقبت آخرتی خودتان بیندیشید و راه صحیح را انتخاب کنید.
- ۲ - ای پیامبر به ایرادهای نابجای کفار اهمیت مده.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

آیه ۱۸ فرع است بر ماقبل خویش. آیات ۲۱ تا ۲۳ پرانتزی هستند، دلیلش هم این است که اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست میشود.

ذوی القربی

با توجه به آیه ۲۳ البته «نزدیکان» پیامبر(ص) کسانی هستند که از لحاظ فکری و اعتقادی و عمل به آن، با پیامبر (ص) نزدیک هستند. توجه کنید به آن روایت معروف که فرموده «السلمان منا اهل البيت» (سلمان جزء خانواده ما است) و گرنه «ابولهب» که عموی پیامبر(ص) هم بود شامل این آیه نمی‌شود.

اما، این عبارت «الا الموده فی القربی»:

اولا که پرانتری است، یعنی اگر قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و یکدست و بی سگته است.

ثانیا این موضوع بستگی تنگاتنگی با خوانش حاکم دارد و ما می‌ترسیم اگر به آن پردازیم برایمان کمی تا قسمتی ضررناک آگین باشد، زیرا پزشک معالجم بمن گفته که مرگ ممکن است برای سلامتی مضر باشد.

لذا، اینهمه آیه هست که درگیر تفسیرشان شده ایم و می‌شویم، این یکی را می‌گذاریم برای اصحاب دل و جرات.

اما شما خواننده گرامی را متوجه چند نکته می‌کنیم:

- ۱ - جمله مذکور مهم است که خداوند آن را با «قل» تقریر کرده،
- ۲ - معنی جمله مذکور را باید از مفاهیم مشترک درس و درب و قسمت قبلی جمله مورد بحث و نیز آیه ۲۴ بیابید.
- ۳ - برای کسب اطلاعات بیشتر مطالعه برخی از کتب مرحوم صالحی نجف آبادی که دل و جرات بیشتری داشت و به این موضوع هم پرداخت (و مرحوم هم شد!) توصیه می‌شود.

بازهم تاکید بر حجیت قرآن

از همان اوایل نزول قرآن کریم می بینیم هرجا که خداوند بحث آخرت را مطرح می‌فرماید فوراً پس از آن سخنی راجع به حجیت قرآن هم می‌گوید، این موضوع در

سوره های تکویر و حاقه و واقعه خیلی عیان است و خیلی جاهای دیگر نیز و ضمناً در اینجا و در آیه ۲۴، هم به همچنین، و چه بسا آیه بودار فوق هم در این جهت باشد، با این تلویح که آهای مردم! من که برای رسالت خویش مزد و موابی از شما نمیخواهم، چه دلیلی دارد دروغ بگویم؟ (یعنی به نوعی تاکید بر حجیت قرآن از طریق استدلالی متفاوت)

ترجمه تفسیری آزاد

خداوند است که کتاب را به حق و نیز ترازو را فرستاد و چه میدانی شاید قیامت نزدیک باشد (۱۷) آنهایی که به آن ایمان ندارند راجع به آن عجله میکنند و میگویند آن را بیاورید اگر راست میگوئید، و اما آنهایی که ایمان دارند میدانند حق است و از آن دلهره دارند و البته آنهایی که درباره قیامت مجادله میکنند در گمراهی دور هستند (۱۸)

خداوند به بندگانش لطیف است. هر که را خواهد روزی میدهد و همو قوی عزتمند است (۱۹) هر کس که کشت آخرت را بخواهد در کشت او زیادت میدهد و هر کس که کشت دنیا را بخواهد از آن به او میدهد و او در آخرت نصیبی نخواهد داشت (۲۰)

ای کافران! آیا شرکائی دارید که برایتان خلاف آنچه خداوند میگوید دینی تشریع کرده اند؟ بدانید که اگر حکم فیصله بخش سابق خداوندی نبود حتماً بین شما قضاوت میشد و البته ظالمان عذابی دردناک میداشتند (۲۱) ای پیامبر! ظالمان را خواهی دید که از نتیجه اعمالشان نگرانند و البته همان چیزی که مایه نگرانی شان است بر آنها واقع میشود و دارندگان ایمان و عمل صالح در باغهای بهشتی خواهند بود و نزد پروردگارشان آنچه بخواهند خواهند داشت. این همان برتری بزرگ است (۲۲) این همان چیز است که خداوند مژده اش را به بندگانش که ایمان و عمل صالح دارند میدهد. ای پیامبر! بگو من مزدی از شما نمیخواهم جز اینکه آدمهای خوبی بشوید و در باره نزدیکانتان دوستی و نیکی کنید، و اگر کسی نیکی کند، در آن نیکی که

کرده پاداشی میافزائیمش که خداوند آمرزشگر شکرگزار است (۲۳) ای پیامبر! اینکه میگویند بر خدا افترا بسته ای، بدانند که اگر خدا بخواهد بر قلبت مهر میزند و آن را از کار می اندازد، و خداوند باطل را محو و حق را بوسیله کلماتش محقق میکند. البته او به آنچه در دلها میگذرد آگاه است (۲۴)

شوری ۳ آیات ۲۵ تا ۳۵

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ ذَاتٍ ذَاتٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾ أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبْنَ وَأَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَخِصٍ ﴿٣٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه میدهند .
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: بی توجهی به قدرت و رحمت الهی سبب آن نوع رفتارهای کافرانه است.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾
ریزدرب: ای مردم! دست-دست نکنید و به تعالیم این پیامبر پیوندید

۲

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾
ریزدرب: ای مردم! برخی کسری ها و کمبودها که در اینجا و آنجا می بینید، ناشی از ناتوانی خداوند در مرفه کردن همگان نیست

۳

وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ ذَايَةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾
ریزدرب: ای مردم! خداوندتان توانا و دانا است

۴

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾
ریزدرب: ای مردم! برخی از ناراحتی هایی را که دچارش هستید به خداوند نسبت ندهید، دوست و کمک کننده نهائی شما خداوندتان است

۵

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي

ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾ أَوْ يُؤْمِنُهَا مَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾

ریزدرب: ای مردم! خداوندتان به شما مهربان است و بیساری از رفتارهایتان را ندید میگیرد

٦

وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا هُمْ مِنْ حِمِيصٍ ﴿٣٥﴾

ریزدرب: ای مردم! خداوند کسانی را که لجبازی میکنند میشناسد، و تازه همانها هم پناهگاهی جز او ندارند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لُبِّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید: یکی از موارد مهم لجبازی کافران در رابطه با وحی است، و بی توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمت های او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافران می شود، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالت بپرداز و مردم را صبورانه چنین ارشاد کن.
در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است. و ای پیامبر! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو، و درباره صدق دعویت چنین استدلال کن.

در این پاراگراف می فرماید: خداوند قدرت آفرینش، و لطف و رحمت بی‌نهایت دارد.

۴ - سوالات

- ۱ - صفات ذکر شده الهی در اینجا را برحسب همگنی لیست نموده و نتیجه گیری نمائید.
- ۲ - اگر می خواستیم از تیتیر «خواست خداوند قانونمند است» استفاده کنیم جایش کجا بود؟
- ۳ - این پاراگراف کلاً چه «حالت»ی دارد؟ (تشویق به پیوستن به صفوف ایمان؟ یا...؟)
- ۴ - اگر میخواستیم ذیل تیتیر «معجزات قرآنی» مطلبی بنویسیم جایش کجا بود؟
- ۵ - کدام آیه پایه اصلی علم اقتصاد است؟
- ۶ - کلمه «عباد» در آیه های ۲۵ و ۲۷ هر یک به چه معنی است؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

- از آیه های ۲۷ و ۳۰ معلوم میشود که خیلی از پیروان آنحضرت روزگار خوشی نداشته اند.
- از آیه های ۳۱ و ۳۴ معلوم میشود مخالفان آنحضرت وضعشان مرتب و اعتماد به نفس شان بالا بوده، و لذا طبعاً نیازی نمی دیده اند به ایشان بگروند.

۶ - آیات مشکل

- آیه های ۲۷ و ۳۲ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.
- البته این قلم نیز در این خصوص مطالبی عرض کرده است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲۷ و ۲۹ و ۳۰ از این لحاظ که به عالم خلق و امر اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

۸ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند! و اگر منظور از سوال تیتیر فوق معانی تحت اللفظی تلقی شود، میتوان گفت مخاطبان اولیه نیز این پاراگراف را همانطور می فهمیده اند که ما.

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر آیات و نعمت های کثیر و متنوع الهی و نیز ذکر قدرت غیر قابل تصورش به منظور: ۱ - امیدوار کردن مومنان و دلداری به آنان و ۲ - هشدار به کافران فعال که از حد نگذرانند تا مستوجب عقوبت گردند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

با این خط سیر مطالب، آیه های ۲۷ و ۳۰ و ۳۱ «پرانترزی» است.

ترتیب نزول

مطالبی مانند «ما اصاب من مصیبه فیما کسبت ایدیکم» در سوره های آینده با توضیح بیشتر و نکات روشن کننده اضافه مطرح خواهد شد.

دریافت های مستقیم و کوتاه

- ۱ - یستجیب (آیه ۲۶) به معنی یجیب نیست!
- ۲ - وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (آیه ۲۶) نیز به این معنی نیست که لزوما این اتفاق در این دنیا می افتد.

فعل خداوند قانونمند است

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿۲۷﴾

از این آیه این تصور را نکنید که خداوند در جایی نشسته و راجع به تک تک آدمها کم و زیاد میکند و بطور کلی این تصور را جایگزین کنید که این نوع امور بشدت قانونمند و از طریق سیستم هائی بشدت قانونمند اعمال میشود.

ذکر مصادیق افاده حصر نمی کند

وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْعَيْثُ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿۲۸﴾
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿۲۹﴾
وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿۳۰﴾
وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۳۱﴾
وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿۳۲﴾ إِنَّ يَشَاءُ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿۳۳﴾

فکر نکنید قدرت و نعمت های الهی منحصر به همین چیز هاست، اینها از باب مشتم نمونه خروار و کمی از بسیار است که برای یادآوری غفلت زدگان ذکر فرموده است.

در باره این پاراگراف

چنانکه در سایر سوره های «حم» دار دیده اید، همه این سوره ها ضمن اینکه محور کلی «نکوهش لجبازی و عمد و اصرار کافران» داشتند در پاراگراف هائی به آخرت و در پاراگراف هائی به آیات و نعمت های الهی می پرداختند، در این سوره، این پاراگراف به آیات و نعمتها می پردازد.

اصل اساسی علم اقتصاد (آیه مشکل ۱)

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾
اسّ اساسی علم اقتصاد بر اساس «محدودیت منابع» است و نتیجه اش هم «مدیریت منابع» میباشد که صدها رشته تخصصی دارد و اساسا آنچه مشکل که داریم و همه به آن اذعان دارند ناشی از بی توجهی به همین یک قلم است، و از نظر یک مفسر میگویم اینکه برخی از مومنان دو آتشه میگویند همه چیز در قرآن هست سخن درستی نیست و گرچه بعضی سر نخ های برخی علوم در قرآن هست، (مثلا همین آیه)، این نگاه به قرآن (که سابقا خیلی پررنگ هم بوده) یکی از علل عقب ماندگی مسلمانان میباشد. بد نیست در باره این آیه، نرم افزار جامع التفاسیر را تورقی کنید و ببینید مفسران در باره این آیه چه ها گفته اند.

آیه مشکل (۲)

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَغْلَامِ ﴿٣٢﴾

اگر احیانا کسانی حالی داشتند و آیه فوق را در نرم افزار مذکور دنبال کردند با این آیه هم همان تحقیق را بکنند (جالب خواهد بود برایشان)

رفع یک شبهه

حتما از خیلی ها شنیده اید که میگویند «از هر دست بدی از همون دست میگیری»

و معنی حرفشان این است نیکی و بدی در همین دنیا جزا و سزای مربوطه را می بیند.

این حرف خیلی غلط است، زیرا به چشم خویش می بینید صاحبان اختلاس های بزرگ و ظلم های بزرگ و خیانت های بزرگ و چه و چه های بزرگ سر و مر و گنده اند و مظلوم ها و مالباخته ها و چه و چه ها در رنج و ناراحتی اند و آخرش یا دق میکنند یا افسردگی میگیرند و ...
لذا، آیه «أَوْ يُؤْفَكُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا . . .»، اصلش، مال بعد از قیامت است.

ترجمه تفسیری آزاد

و هموست که توبه را از بندگان میپذیرد و از بدی ها درمیگذرد و میداند چه میکنید (۲۵) و کسانی را که ایمان و عمل صالح دارند اجابت نموده و از فضل خویش برایشان می افزاید و کافران عذابی شدید خواهند داشت (۲۶) و اگر خداوند روزی را بر بندگان گشاده گرداند حتماً در زمین طغیان می کنند ولیکن به اندازه ای که بخواهد فرو میفرستد که او به بندگان آگاه و بیناست (۲۷) و هموست که پس از نومیدي مردم باران را فرو میفرستد و رحمتش را پخش میکند و همو دوست و سرپرست ستوده است (۲۸) و از نشانه های اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنندگان که در آندو گسترانید و همو هر وقت که بخواهد نسبت به جمع کردن آنها تواناست (۲۹) و آنچه به شما اصابت کند نتیجه اعمال خودتان است و بسیاری را هم عفو میکند (۳۰) و شما نمیتوانید خداوند را عاجز کنید و غیر از خداوند سرپرست و یاریگری ندارید (۳۱) و از نشانه های اوست کشتی های حرکت کننده در دریاها که مانند کوه ها میباشند (۳۲) اگر بخواهد باد را ساکن میکند و آن کشتی ها بر روی آب ساکن میمانند و در این برای هر صبر پیشه شکر گذاری نشانه هائی است (۳۳) یا بسبب آنچه کرده اند نابودشان میکند و خیلی از گناهان را هم عفو مینماید (۳۴) و نیز اینکه تا آنهایی که در آیاتمان جدال میکنند بدانند گریزگاهی ندارند (۳۵)

شوری ۴ آیات ۳۶ تا ۴۳

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَآئِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ اتَّصَرَ بِعَدُوِّهِ فَلَهُمِ الْوَلِيُّ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ هُم عَلَىٰهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ هُم عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَنِ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه میدهند.

برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای مردم این صفات برای شما پسندیده است، از صفات کافرانه دوری کنید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

﴿۳۶﴾

ریز درب: ای مردم! دنبال چیز های مهم و بالارزش و ماندگار باشید

۲

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿۳۷﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿۳۹﴾

ریز درب: ای مردم! دنبال چیز های مهم و بالارزش و ماندگار باشید، و صفات فوق شما را به آن چیزها میرساند

۳

وَجَزَاء سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۴۱﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۴۲﴾ وَلَمَنِ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ الْأُمُورِ ﴿۴۳﴾

ریز درب: ای مردم! دنبال چیز های مهم و بالارزش و ماندگار باشید، و صفات فوق شما را به آن چیزها میرساند (البته با توجه به این تبصره ها)

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه

استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید: یکی از موارد مهم لجبازی کافران در رابطه با وحی است، و بی‌توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمت‌های او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافران می‌شود، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالت پرداز و مردم را صبورانه چنین ارشاد کن.

در پاراگراف ۲ می‌فرماید: ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است. و ای پیامبر! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو، و درباره صدق دعویت چنین استدلال کن.

در پاراگراف ۳ می‌فرماید: خداوند قدرت آفرینش، و لطف و رحمت بی‌نهایت دارد.

در این پاراگراف مخاطبان را به ساختن شخصیتی خویش و دارا شدن صفات پسندیده تشویق می‌فرماید.

۴- سوالات

- ۱- کلمه «دنیا» (آیه ۳۶) در معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟
- ۲- چرا بجای «استجابوا» (آیه ۳۸) نفرموده «جابوا»؟
- ۳- منظور از «امر» (آیه ۳۸) چیست؟
- ۴- در این پاراگراف چند مورد پرناتزدرد پرناتز تشخیص می‌دهید؟

۵- حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیه ۴۱ چنین استنباط می‌شود که جامعه مومنین در زمان نزول این سوره چنان قوی شده بود که تمایل به مقابله به مثل (یا حتی تعرض) در میان آنان به وجود آمده (یا تقویت شده) بود که سیستم وحی رسانی می‌باید این تمایلات به حق را ترمز میکرد.

۶- پیشگویی‌های تحقق یافته

در آیه ۳۸ رفتاری استراتژیک را برای پیروان آنحضرت توصیه نموده، و در این

پیشگوئیِ روشنی دایر بر تقویت اوضاع و احوال آنها نهفته است.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیه ۳۸ ، بخصوص بدلیل «امرهم شوری بینهم»، به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و ...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر یکنوع چک لیست که مومنان متوسط با توجه به آن، خود را در نردبان ایمان به درجات بالاتر برسانند.

۹ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تمام فقرات این پاراگراف «برای اولین بار» است

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

قاعداً خوانندگان محترم می باید «چک لیست» سوره معارج یادشان باشد (اگر نه مراجعه فرمایند) این پاراگراف نیز حاوی یک «چک لیست» است و لذا آیات ۳۷ تا ۴۳ پرانتری است. البته آیات ۴۰ تا ۴۳ پرانتر در پرانتر است.

در آستانه تحول شرایط

«حالت» کلی این مطالب پر از روحیه بخشی و القاء اعتماد به پیروزی قریب الوقوع است.

خطاب مستقیم به کفار است اما خطاب غیرمستقیم درحجمی چند برابر به مومنان است که به آنان می آموزد چه کنندتا بزودی معادلات موجود را بر هم زنند، آموزه هائی که پر است از توصیه هائی برای آمادگی، به منظور ایجاد حکومتی متعلق به خودشان.

کار شورائی

جمله «امرهم شوری بینهم» (کارهایشان را با شورا بین خویش انجام می دهند) پایه و اساس دموکراسی هاست و بسیار جای تعجب است که ما که چنین آیه ای داشتیم چرا باید دموکراسی را (آنهم به صورت کاریکاتوری) پس از ۱۴۰۰ سال از بیگانگان بگیریم!

آنچه از آیات فوق فهمیده می شود «اصحاب شورا» باید به صفات نیکوی مشخصی آراسته باشند که (۱- ایمان، ۲- توکل، ۳- اجابت دعوت پروردگار، ۴- بپاداشتن نماز، ۵- انفاق، ۶- شورا، ۷- یاری یکدیگر در مقابل ظلم) عمده آنهاست.

از همین آیات نیز فهمیده می شود که جامعه مسلمان به حد قابل توجهی از رشد رسیده بود و بخصوص صفات شماره های ۶ و ۷ نشان دهنده این است که امور مسلمانان به حدی از گستردگی و پیچیدگی رسیده بود که نیاز به نوعی «ستاد مرکزی» پیدا شده بود که یکی از وظایف جدی آن می بایست «حمایت از مسلمانان ضعیف در مقابل عوامل نامطلوب بیرونی» باشد.

خود این مطلب، یعنی تشکیل چنان ستاد مرکزی که دارای چنین وظیفه ای هم باشد و کارش را هم بصورت شورائی انجام دهد، خودش به معنی مقدمه تشکیل حکومت اسلامی بوده است.

نکته دیگر اینکه، در آیات فوق صفات نیکویی را که اهل شورا باید داشته باشند ذکر فرموده اما طرز شناسایی آنها را مسکوت گذارده است.

عبارت دیگر تدوین مکانیزم انتخاب اعضاء شورا را بعدهم مردم گذاشته و لذا می توان گفت روشهای دموکراتیک فعلی که در کل جهان جا افتاده، (ثبت نام، تبلیغات، نظام

رای‌گیری و شمارش آراء و غیره) که روشهای اجرائی پذیرفته شده توسط انسانهاست، از لحاظ قرآن بلامانع و پذیرفته است.

بخصوص جا دارد در همینجا توجه خوانندگان گرامی را مجدداً به نکته‌ای که ذیل آیه ۱۶ عرض کردیم جلب کنیم و آنهم حجیت افکار عمومی (پس از جا افتادن مطلب و شنیدن دلیل‌های موافق و مخالف و نه صرف شایعات) است و کنار هم گذاشتن این دو مطلب بما می‌گوید که افکار عمومی برای شناخت افراد صاحب صلاحیت برای شورای مذکور، کفایت می‌کند.

البته علم کامل نزد خداست و فقط او می‌داند که در داخل ضمائر اشخاص چه می‌گذرد اما برای تصدی عضویت در شورا به آن نوع علم نیازی نیست.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای آنانکه ایمان آورده و به پروردگارشان توکل میکنند بهتر و پایدارتر است (۳۶)

همان کسانی که از گناهان بزرگ آبروریز دوری میکنند و چون غضب کنند در میگذرند (۳۷) و همانها که پروردگارشان را اجابت میکنند و نماز بپا میدارند و امرشان بصورت شورا در بینشان انجام میشود و از آنچه روزی شان کرده ایم انفاق میکنند (۳۸) و آنانکه وقتی ظلمی به آنها میرسد از یکدیگر یاری می‌طلبند (۳۹) و البته جزاء بدی، بدیی است مثل آن؛ اما کسی که بخشید و اصلاح کرد، پاداشش بر عهده خداوند است که او ظالمان را دوست نمیدارد (۴۰) و البته کسی که بعد از ظلمی که به او شده یاری طلبد گناهی ندارد (۴۱) گناه بر کسانی است که به مردم ظلم نموده و در زمین به ناحق سرکشی میکنند که عذابی دردناک خواهند داشت (۴۲) و البته کسی که صبر کند و ببخشد دارای خصلتی از خصال بزرگ شده است (۴۳)

شوری ۵ آیات ۴۴ تا ۵۳

وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُوهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مَنْ قَبْلُ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِلَّا عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مَتًّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِائًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنِائًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ ﴿٥١﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِمَّنْ آمَرْنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: نکوهش کافران که علیرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهی لجبازانه به کفر خویش ادامه میدهند.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: بی توجهی کافران به اداره همه جانبه امور زندگی بشر توسط خداوند سبب بروز لجبازی های کافران می شود و آنها خودشان مسئول چنین زبان آخرتی هستند که برای خویش به وجود می آورند و ای پیامبر! به آنها توجه نکن فقط رسالت را پی گیر. وحیی که به تو می شود از نعمت های بسیار بزرگ است، و مگذار کافران اندوهگینت کنند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُوهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾

ریز درب: ای کافران که علیرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهی باز هم این رفتار ها را میکنید! با این عاقبت محتوم تان میخواهید چطور کنار بیایید؟

۲

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ﴿٤٧﴾

ریز درب: ای مردم! قبل از اینکه به آن عاقبت دچار شوید فکری به حال خویش کنید

۳

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِلَّا عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فََرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ مِّمَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! تو کار خویش میکن و به این دمدمی مزاج ها اهمیتی مده

۴

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

ریزدرب: ای مردم! خداوند بر اساس علم و حکمت کار میکند نه بر اساس هوا و هوس

شما

۵

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥١﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا تَهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! سعادتِ نصیبت شد بس بزرگ! قدرش را بدان! و به مقتضای حق بزرگش عمل کن

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ میفرماید: یکی از موارد مهم لجبازی کافران در رابطه با وحی است، و بی توجهی نسبت به خداوند و صفات و نعمت های او سبب پیدایش شرک و سپس کفر و لجبازی کافران می شود، و ای مردم! بسوی چنین خدائی رو کنید و مانند کافران نباشید، و ای پیامبر! امیدوار باش و به رسالت بپرداز و مردم را صبورانه چنین ارشاد کن. در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم کوشش خود را مصروف آخرت کنید که موفقیت واقعی همان است. و ای پیامبر! در مقابل شبهه «افترا» ناراحت نشو، و دربارہ صدق دعوت چنین استدلال کن.

در پاراگراف ۳ می فرماید: خداوند قدرت آفرینش، و لطف و رحمت بی نهایت دارد. در پاراگراف ۴ مخاطبان را به ساختن شخصیتی خویش و دارا شدن صفات پسندیده تشویق می فرماید. در این پاراگراف از بی توجهی کافران به اداره همه جانبه امور زندگی بشر توسط خداوند که سبب بروز لجبازی های کافران می شود نکوهش میکند و به آنها خاطر نشان میکند که خودشان مسئول چنین زیان آخرتی هستند که برای خویش به وجود می آورند و در عین حال به آنحضرت رهنمود میدهد که به آنها توجه نکن فقط رسالت را پیگیر، و اینکه این وحیی که به تو می شود از نعمت های بسیار بزرگ است، و مگذار کافران اندوهگینت کنند.

۴- سوالات

- ۱ - منظور از «يَبْطُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ» (آیه ۴۵) چیست؟
- ۲ - منظور از «ظالمین» در آیه های ۴۴ و ۴۵ چه کسانی است؟
- ۳ - کلمات غالب این پاراگراف به «چه زبان»ی است؟ (عادی؟ مَثَل؟ یا....)
- ۴ - عبارت «من نکیر» به چه معنی است؟ (امکان کوچکترین انکاری نیست؟ یا....؟)

۵ - جمله «هل الی مردّ من سبیل» یعنی چه؟ (آیا امکان کوچکترین بازگشتی هست؟ یا...؟)

۶ - کلمه «یزوجهم» (آیه ۵۰) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

۷ - نوع سخن گفتن در چهار کلمه آخر آیه ۵۳ چگونه است؟ (اعلامیه ای؟ جار زدن؟ یا...؟)

۸ - چرا در آیه ۵۱ فرموده «بشر» و نفرموده «انسان»؟

۹ - منظور از «حجاب» (آیه ۵۱) چیست؟

۱۰ - «عبادنا» (آیه ۵۲) در چه معنی بکار رفته؟ (بشر؟ بعضی از مقبولان بشری؟ یا...؟)

۱۱ - چگونه میتوان برای خداوند «الی» (آیه ۵۳) قائل شد؟

۱۲ - «روح» و «امر» را قبلادرسوره قدر دیده ایم، آن قسمت از آن سوره را در رابطه با آیه ۵۲ توضیح دهید.

۱۳ - با توجه به آیه ۵۱ وحیی که به پیامبر ما (ص) میشد، بیشتر از کدامیک از سه نوع بوده؟

۱۴ - با توجه به آیه ۵۱، امکان تکلم خداوند با پیامبران چه حالتی دارد؟ (غیرممکن؟ یا...؟)

۱۵ - اگر انتخاب شما در جواب سوال فوق گزینه اول است، با مطالب مشهور در بعضی از روایات «معراج» را که بر طبق آنها خداوند با آنحضرت «گفتگو» کرد و «دست» بر شانه آنحضرت گذاشت و غیره و غیره را که در تضاد و تنافر شدید با آیه ۵۱ است چگونه برخورد میکنید؟

۱۶ - ترجمه دقیق «آلّا وحیا» (آیه ۵۱) چیست؟

۱۷ - با توجه به رابطه ای که در آیه ۴۸، بین «سینه» و «قدمت ایدیهیم» برقرار است، به نظر شما «سینه» مورد بحث چه چیزهایی میتواند باشد؟ (با استدلال به آیات قرآنی جواب دهید)

۱۸ - کلمه «قدیر» (آیه ۵۰)، هم میتواند مشتق از مصدر «قدرت» باشد و هم میتواند مشتق از مصدر «قدر» (به معنی قضا و قدر) باشد، که در صورت اول معنی «قدرتمند» و در صورت دوم معنی «برنامه ریز» میدهد، به نظر (مستدل) شما کدام معنی بهتر است؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

چرا در آیه های ۴۹ و ۵۰ روی جنسیت اولاد زوم شده و اینقدر روی آن مانور داده شده است؟

یکی از صفات پربسامد خداوند از لحاظ ذکر در قرآن، صفت «حکیم»ی آنحضرت است و شخص حکیم هم سخن بیجا نمیگوید و لذا باید این زوم و مانور روی موضوع فوق علت معقول و مقبولی داشته باشد.

تا اینجا این رافهمیده ایم که مخاطب های اولیه پیامبر(ص) شدیداً اولاد پسر را بر دختر ترجیح میداده اند (مطلب فوق از آیات زیادی فهمیده میشود)

از آیات زیاد دیگری هم فهمیده میشود که همه کفار همه زمان ها، از جمله کفار زمان آنحضرت دائماً میگفتند «اگر راست میگوئی فلان کار - معجزه ای - را بکن» با در نظر گرفتن همزمان هر دو مطلب میتوانیم حدس بزنیم که خواسته ای را دایر بر «فقط پسر» مطرح کرده بودند که جواب دریافت کردند «تقاضای خلاف حکمت پذیرفته نمیشود»

محور سخن این است که در آن روزها از طرفی پیامبر(ص) و پیروان آنحضرت را دلگرمتر نموده و از طرف دیگر درد دل مخالفانش را هی باز کند و لذا باز هم به وحی و «حجیت» و «حقانیت» آن توجه میدهد و میگوید: ای پیامبر! دل خوش دار که برگزیده شده ای که روشنی بخش باشی و به بهترین ها هدایت کنی. وای کافران! دست بکشید، اینها سخن مستقیم خداوندتان است.

۶ - آیات برجسته این پاراگراف

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و آیات ۴۹ تا ۵۲ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از مشهورترین آیات قرآنی است.

۷ - آیات مشکل

آیه های ۵۱ و ۵۲ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)
آیات ۴۴ تا ۴۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.
آیه های ۴۹ و ۵۰ از این لحاظ که به عالم خلق و امر اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.
آیه های ۵۱ و ۵۲ از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزم نیست، طبعاً بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، از لحاظ تحت اللفظی، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - نكوهش بی توجهی کافران به اداره همه جانبه امور زندگی بشر توسط خداوند و اینکه آنها خودشان مسئول زیان آخرتی هستند که برای خویش به وجود می آورند.
- ۲ - توصیه هایی به آنحضرت که به آنها توجه نکند و فقط رسالتش را پی گیرد. و اینکه وحیی که به او می شود از نعمت های بسیار بزرگ است و مگذارد کافران اندوهگینش کنند.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به لیست ما در باره ترتیب نزول سوره ها، غیر از آیه های ۴۴ و ۴۶ و ۴۷، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

- ۱ - مطالب نیمه دوم آیه ۴۴ و تمام آیه ۴۵ «پرانتری» است.
- ۲ - منظور از «رحمه» و «سینه»، در این پاراگراف، معنی اصطلاحی آنهاست که به ترتیب عبارتند از: چیزهائی که «انسان» های مورد بحث آنها را خوشایند میدانند و چیزهائی که آن انسان ها آنها را ناخوشایند میدانند.
- ۳ - نیمه دوم آیه ۴۹ و تمام آیه ۵۰ «پرانتری» است.
- ۴ - در ابتدای پنج کلمه آخر آیه ۵۳ «التفات» صورت گرفته است.
- ۵ - آیه ۵۱ فرع بر ماقبل خویش است، و همچنین است وضع آیه ۵۳.

فعل خداوند قانونمند است

با توجه به تیتیر فوق، در آیه ۴۴، (وآیه ۴۶) جمله «کسی که خداوند گمراهش کند» این معنی را خواهدداشت: «کسی که رفتاری در پیش گیرد که مستحق گمراهی باشد، بالاخره گمراه خواهدشد»

موضوع بسیار پر بسامد (تو فقط پیامرسانی)

موضوع آیه ۴۸ با توجه به تیتیرهای فوق در قرآن بسیار زیاد تکرار شده است. جا دارد یک خواننده محترم خوش قریحه‌ای راجع به موضوع فوق تحقیق تحلیلی بکند و هم بسامد آن و هم نوع عبارات بکار رفته و هم حد و حدود رابطه پیامبر(ص) (با خداوند، با پیروان خویش، با کفار، و غیره) را مشخص نماید.

شاید این یک نوع امتحان باشد

ازمحتوای آیه ۴۸ میتوان حدس زد که خداوند متعال نوعی از چیزهای خوشایند را برای آنان پیش آورده بود، اما واکنش کفارشادی کودکانه بود درحالیکه بهتر بود رویکرد شاکرانه درپیش میگرفتند و به تعالیم پیامبر(ص) اقبال نشان میدادند، سپس برای آنها نوعی از چیزهای ناخوشایند پیش آورد، دراین وضعیت نیز بجای اینکه روبه درگاه الهی بیاورند و به پیامبرش بگروند به کفرشان افزودند.

بازهم درباره وحی

در سوره شعرا فرشته وحی را تحت عنوان «روح الامین» و در سوره تکویر همو را «رسولی گرامی، صاحب قوت، صاحب مکانت نزد صاحب عرش، مورد اطاعت در آنجا، امین» و در سوره نجم «دارای قوای پر شدت، صاحب نیرو» مورد اشاره و معرفی قرار داده و در اینجا او را «روحی از امر خویش» نامیده و چون شرح مختصر دو مورد از موارد قبلی را در جای خویش عرض کرده‌ایم در اینجا نیاز به عرض جدیدی نمی‌باشد.

اما آیه ۵۱ می‌خواهد این را بفهماند که مکانیزم وحی نمی‌تواند مستقیم و مانند مکالمه ما با یکدیگر باشد زیرا یکطرف آن که ما باشیم محدود است و طرف دیگر نامحدود است و نامحدود در محدود نمی‌گنجد (مثلاً) همانطور که خورشید در چشم ما نمی‌گنجد، و اگر با اصرار به خورشید نگاه کنیم کور می‌شویم، (و تازه خود خورشید محدود است و یکی از مخلوقات ناقابل خداست) به همین قیاس ما طاقت مکالمه با خداوند را نداریم و چنین ارتباط مستقیمی محال است و همانطور که ما برای نگاه کردن به خورشید مجبوریم با وسایلی (مثلاً شیشه ماسک جوشکاری و غیره) شدت مطلب را کاهش داده و آنرا به حد طاقت چشم خویش نزدیک کنیم، در مورد وحی هم در آیه ۵۱، به بعضی از روشهای «تقلیل شدت» مطلب اشاره نموده است. درباره وحی و معنی و مراتب آن، مختصراً شرحی در سوره نجم عرض کرده‌ایم که توصیه می‌نمائیم به آنجا مراجعه شود.

اما آنچه در آیه ۵۱ است بطور خلاصه به این معنی است که یا اینکه مستقیم در دلش بیندازد یا اینکه اگر هم بصورت گفتگوست غیرمستقیم باشد یا اینکه بوسیله واسطه (مثلاً جبرئیل) باشد که البته تفاوت حالات فوق بستگی به قوت شخصیت گیرنده وحی دارد.

اینکه پیامبر نمی‌دانسته کتاب چیست و ایمان چیست نقطه ضعفی برای او نیست بلکه چون ظرفیت و استعداد حمل چنین قرآن عظیمی را داشته که بیش از ۱۴۰۰ سال است در بین ما هست و هر عاقل اندیشمند فهیم عارفی را شیفته و واله و شیدای خویش کرده، آنحضرت از تمام آن عقلا و عرفا و اندیشمندان و فرهیختگان مذکور بالاتر است، آنها با فاصله‌ای بسیار زیاد که شرح آن زیاد و ظرفیت این مختصر کم است و خواننده ارجمند نیز فهیم است و نیاز به شرح بیشتر نیست.

اما «درس ناخوانده بودن» پیامبر(ص) برای مسلمانان نعمتی است زیرا پیروان آنحضرت می‌توانند مطمئن باشند که این مطالبی که می‌گوید «خالص آسمانی» است، نه اینکه احتمالاً مخلوط با بعضی از مؤلفه‌های تحصیلی قبلی او باشد.

در «هدایت میکنی» انتهای آیه ۵۲، مفهوم «به اذن خدا» مستتر است و ذکر نشدن آن چه بسا به این خاطر باشد که قبلاً در سوره‌های دیگر ذکر و تأکید شده است.

صراط مستقیم

مفهوم فوق از همان ابتدای نزول وحی در سوره حمد مطرح شده بود که دائماً در طول این جریان هر از گاهی مورد تعریف بیشتر قرار گرفته، که این، یکی از موارد آن است.

ترجمه تفسیری آزاد

ای مردم! کسی که اعمالی انجام دهد که نتیجه اش گمراهی باشد که به آن درخواهد غلطید در قیامت هیچ دوست و سرپرستی نخواهد داشت و چنین کسانی هنگامی که عذاب را ببینند خواهند گفت آیا راه برگشتی هست؟ (۴۴) و آنها در حالیکه از خواری خاکسارند بر آن عذاب عرضه میشوند و در آن حالت با گوشه چشم به آن مینگرند و مومنان میگویند زیانکار واقعی کسانی هستند که خودشان و اهلشان را در قیامت به ضرر دچار کرده اند. و در آن موقعیت به آن ضررکردگان خطاب میشود که بدانید ظالمان در عذابی طولانی خواهند بود (۴۵) و هیچ دوست و سرپرستی غیر از خداوند نخواهند داشت، و چنین خواهد بود که کسانی که لیاقت هدایت را کسب نکرده باشند راهی به نجات نخواهند داشت (۴۶)

ای مردم! خدایتان را اجابت کنید قبل از اینکه روزی برسد که از حکم خدا بازگشتی نیست. آنروز نه پناهگاهی دارید و نه میتوانید انکاری کنید (۴۷)

پس، ای پیامبر! اگر مخالفات از این مواظ روی برگردانند تو مسئول اعمال آنها نیستی. بر عهده تو فقط ابلاغ است. و انسان چنین است که وقتیکه چیز خوشایندی

از جانب ما به او میرسد شادی میکند و اگر چیزی که به نظر او ناخوشایند است، به سبب آنچه قبلاً انجام داده، به او برسد، بسیار کفران پیشه خواهد شد (۴۸)

فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست. آنچه بخواهد می آفریند. به هر که خواهد دختر و به هر که خواهد پسر میدهد (۴۹) یا هر دوی پسر و دختر را با هم میدهد و هر که را خواهد عقیم میکند که او دانای قدرتمند است (۵۰)

هیچ بشری را نمیرسد که خدا با او تکلم کند مگر اینکه بصورت وحی یا از پشت پرده ای باشد یا فرستاده ای بفرستد و آن فرستاده، به او، به فرمان خدا، آنچه خواهد وحی کند که خداوند والامرته حکیم است (۵۱) و چنین است که روحی از امر خویش را بسوی تو به وحی فرستادیم. تو نمیدانستی کتاب چیست و ایمان چیست ولیکن آن وحی را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را که بخواهیم هدایت میکنیم و البته تو بسوی جاده ای مستقیم هدایت میکنی (۵۲) جاده آن خدائی که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست.

ای مردم! بدانید که سرانجام همه امور بسوی خداست (۵۳)

سوره سباء

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ هُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَبَرَىٰ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مَرْقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾ أَفَتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نُخَسِّفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٩﴾

درس: ای پیامبر! اینک که کافران قومت مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذیب می‌باشند، چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد.

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره)، برای کل ۱۱۴ سوره قرآن، در کتاب «خودآموز تفسیر قرآن» (از همین قلم) وجود دارد، و خود کتاب مذکور را میتوانید در سایت (<https://tafsir.ganjei.com>) بیابید، و البته مبانی این

موضوع نیز در ۱۶۰ صفحه اول کتاب «علوم قرآنی» (موجود در همان سایت) شرح داده شده است. و در مورد این سوره، عصاره محتوا، همان است که فوقا دیده میشود.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: کافران به خداوند، آخرت، و وحی، چنین کفر می ورزند. ای مردم! صفات خداوندی را در نظر آورید.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلْجِ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

ریز درب: گوشه ای از عمق و وسعت علم الهی

۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَخْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ هُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجَزٍ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

ریزدرب: ای پیامبر! راجع به وقوع قیامت به علم و قدرت غیر قابل تصور الهی توجه بده، و نیز اینکه این دنیا امکانات لازم را برای جزا و سزای مومنان و کافران را ندارد (مثال جنین و این دنیا)

۳

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَذَلُكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُرِقْتُمْ كُلٌّ مِّرْقٍ إِنِّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾
 أَفَتَزَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾
ریزدرب: ای پیامبر! زیاد به کافران اهمیتی مده، همینقدر بگو که چند وقت دیگر با این چیزی که تکذیب میکنید مواجه خواهید شد

۴

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نُخَسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نَسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٩﴾
ریزدرب: ای پیامبر! ضمنا علاوه بر قسمت قبلی، توجه آنها را به الطاف الهی نیز جلب کن که عادت به استفاده دائم از آن دارند و به منشايش چنین بی توجه اند

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقا با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقا می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه

محاسبه استخراج شده است.

۳ - سوالات

- ۱ - چرا خداوند از بین صفات ممکن، آن چهار صفت انتهایی آیه های ۱ و ۲ را برای معرفی خویش برگزیده؟
- ۲ - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (آموزشی؟ یا...؟)
- ۳ - در این پاراگراف کدام جمله ها فرعی و کدام فرعی در فرعی است؟
- ۵ - منظور از «کتاب مبین» (آیه ۳) چیست؟
- ۶ - منظور از «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (آیه ۹) چیست؟
- ۷ - پس از ثلث اول آیه ۳، موضوع کدام کلید تفسیر قرآن اتفاق افتاده است؟
- ۸ - در آیه ۶، آیا دو کلمه عزیز و حمید صفت صراط است یا صفت خدائی که صراط مذکور «بسوی او» است؟ (جواب با دلایلی از خود متن، نه از بیرون آن)
- ۹ - آیه ۹ در پی بیان چه مفهومی است؟

۴ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

اینک دیگر فعالان کفر به کمتر از حذف کامل تعالیم وحی راضی نمیشدند، مثلاً موضوع آخرت را نه تنها بکلی انکار میکردند بلکه به تمسخر عناصر مختلف مقولات آن می پرداختند، و خود پیامبر را بکلی دروغگو بلکه افترا زننده به خدا و حتی دیوانه معرفی می نمودند (آیه های ۵ تا ۹)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان) : این سوره پیرامون اصول سه گانه اعتقادات، یعنی توحید و نبوت و قیامت بحث می کند. بعد از بیان آنها کیفر کسانی را که منکر آنهایند، و یا القای شبهه در باره آنها می کنند، بیان نموده، آن

گاه از راه‌های مختلف آن شبهه‌ها را دفع می‌کند، یک بار از راه حکمت و موعظه، بار دیگر از راه مجادله. و از بین این سه اصول بیشتر به مساله قیامت اهتمام می‌ورزد،

خواننده گرامی میدانند که روش ما براساس تحلیل و محاسبه است و «عصاره» ای که استخراج نموده واسم آن را «درس» گذاشته ایم از آنچه فرموده اند، چنانکه ذیلا ملاحظه میکنید بسیار دور است:

درس سوره: ای پیامبر! اینک که کافرانِ قومت مانند گذشتگان دچار کفرانِ نعمت و تکذیب میباشند، چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد.

۶ - آیات مشکل

آیه ۲ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و متضادی در تفسیر آنها گفته اند. برای درک بهتر مطلب بهتر است در گوگل یا نرم افزارهای دیگر جستجویی بفرمایید، و البته این قلم نیز در این باره عرض خویش را به خلاصگی عرضه نموده است.

اگر بخواهم خیلی خلاصه بگویم باید اینطور عرض کنیم که آیه مذکور از باب «مَثَل» است و هر کوششی برای تعیین دادن آن منجر به خطا است، و در جهانی که فقط در کهکشان راه شیری ما میلیارد ها منظومه شمسی هست و در کل جهان میلیاردها کهکشان مانند آن وجود دارد «بالا» و «پائین» شدت نسبی و بی معنی است.

۷ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲ و ۷ به آیاتی از علم و قدرت خاص الهی اشاره دارد که بالاتر از ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه حتی مخاطبان کنونی است و لذا از ذهنیات مخاطبان اولیه بالاتر است.

آیه های ۳ و ۴ و ۷ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۸ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی از لحاظ تحت اللفظی نیافته اند!

۹ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - توصیف رفتار فعالان کفر که به خداوند، آخرت، و وحی، چنان که در آیات این پاراگراف ذکر شده، کفر می ورزیدند.
- ۲ - هشدار به مردم که برای دور شدن از این نوع خطا صفات خداوندی را در نظر آورند.

۱۰ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۱ و ۳ تا ۶، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

نیمه دوم آیه ۳ «پرانترزی» است، زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبلش را به بعدش وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکنه خواهد شد. آیه ۶ فرع بر ماقبل خویش است. آیه های ۷ تا ۹ نیز همچنین.

در باره این پاراگراف

چهار آیه اول این پاراگراف یک متن آموزشی در قالب بیانیه است. شباهتی به محتوای سوره حمد دارد که ما دائما اظهار و تکرارش میکنیم، ولی از طریق وحی برای ادای مطالبش آموزش یافته ایم، و این نوع از سخن در قرآن بسیار دیده میشود مثلاً: شهدالله انه لا اله الا هو و . . . و یکی از سبک های سخن قرآنی است.

بقیه آیات این پاراگراف به قول و فعل تکذیبگران می پردازد و در آیه آخر باتوجه دادن به این نکته متعرض نکوهش میشود که اینها که اینقدر از این نوع رفتارهای ناپسند میکنند، در عین حال بطور کامل دارند از نعمت های الهی از قبیل آرامش آسمانها و سکون زمین (وسایر نعمتها) استفاده میکنند و اگر اندک اضطرابی در آسمان و یا لرزشی در زمین می دیدند بازهم به اندکی از این نوع رفتار ها می پرداختند؟

تناسب اسماء و صفات الهی با محتوای آیه

در اینجا دومقوله از علم الهی، و سپس دو صفت او را ذکر فرموده است. طبیعی بنظر میاید که مقوله اول با صفت اول و مقوله دوم با صفت دوم متناسب باشد. در مقوله دوم به آسمان و آنچه از آن نازل میشود و بسوی آن بالا می رود سخن میگوید و صفت مربوطه نیز «غفور» است.

از کلمه اخیر معلوم میشود منظور از «ورودی و خروجی آسمان»، «ورودی و خروجی معنوی آسمان» است (مانند وحی بعنوان خروجی، و اعمال انسان بعنوان ورودی) با همین نوع بررسی معلوم میشود در مورد زمین «ورودی و خروجی مادی زمین» منظور است (مانند باران بعنوان ورودی، و نباتات بعنوان خروجی)

به همین طریق از آیه ۱ فهمیده میشود خداوند در باره آنچه در آسمانها و زمین است حکیم است (و لذا نباید از او تقاضاهای بیهوده نمود) و در باره ارزش ایمان ها و اعمال آحاد آدمی هم مانند یک ارزیاب خبره عمل میفرماید (و لذا نمیشود او را

گول زد)

ملاحظه کرده اید که ما این برداشت ها را نکرده ایم ، مگر به کمک صفاتی که خداوند در انتهای آیات قرار داده است، لذا این نیز یک کلید (ولو فرعی) فهم و تفسیر قرآن است.

ترجمه تفسیری آزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش خدائی را سزااست که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و در آخرت هم ستایش مخصوص اوست و همو فرزانه آگاه است (۱) نسبت به آنچه در زمین فرو میرود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بسوی آن بالا میرود علم دارد و همو آمرزنده مهربان است (۲)

کافران میگویند قیامت بر ما در نمی آید. بگو آری، قسم به پروردگارم که حتما می آید، همان پروردگاری که دانای غیب است و هیچ چیز حتی اگر به خردی ذره ای هم باشد، چه در آسمانها و چه در زمین، و حتی کوچکتر و بزرگتر از آن، از او پنهان نیست (۳) و همو قیامت را قرار داد تا مومنان و صاحبان اعمال شایسته را پاداش دهد که آمرزش و روزی گرامی خواهند داشت (۴) و آنهایی نیز که سعی میکنند جلوی پیشرفت آیات الهی را بگیرند به عذابی پلیدِ دردناک معذب فرماید (۵)

اما، ای پیامبر! در عین حالی که کافران چنین میگویند و چنین میکنند صاحبان علم آنچه را که از سوی پروردگارت بتو نازل شده حق می بینند، و اینکه قرآن بسوی راه خدای پیروزمند پسندیده هدایت می کند (۶)

و کافران میگویند میخواهید کسی را به شما نشان دهیم که میگوید پس از اینکه بعد از مرگ پاره پاره شدید، دوباره به خلقت جدیدی در می آئید؟ (۷) آیا این شخصی که خویش را پیغمبر مینامد به خدا افترا می بندد یا دیوانگی در او راه یافته؟ به آنان بگو نه! بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دور میباشند (۸) آیا آنچه را که از آسمان و زمین که در مقابل چشمانشان است و نیز حالت و وضعیت گذشته آندو را نمی بینند که اگر بخواهیم زمین را زیر پایشان می شکافیم و یا قطعه ای از آسمان را بر سرشان می کوبیم؟ البته در این آرامش و ثبات آسمان و زمین برای هر بنده توبه کننده ای نشانه ای است (۹)

سبأء ۲ آیات ۱۰ تا ۱۴

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَاللَّهُ الْخَدِيدُ ﴿١٠﴾ أَنْ اْعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَلَاحًا إِنَّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غَدُوَهَا شَهْرًا وَرَوْاحَهَا شَهْرًا وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمَنْ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَمَتَائِلَ وَجَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اْعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) را در قسمت قبل نشان داداه ایم، بر مبنای آن، درس سوره مطابق ذیل است:
درس: ای پیامبر اینک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذیب می باشند چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نمونه ای از قدرت و پادشاهی که خداوند به دو پیغمبر سابق داد و آنها را موفق نمود.

۲- استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَاللَّهُ الْخَدِيدُ ﴿١٠﴾ أَنْ اْعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾

ریزدرب: نمونه ای از قدرت و پادشاهی که خداوند به داود نبی (ع) داد و او را موفق نمود.

۲

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَقَتَائِلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اْعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ﴿١٣﴾

ریزدرب: نمونه ای از قدرت و پادشاهی که خداوند به سلیمان نبی (ع) داد و او را موفق نمود.

۳

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْعَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در این دنیا چنین است که مرگ همه را، حتی انبیاء و پادشاهان را، فرا میگیرد، چه رسد به این کافران معاند.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ گوشه هائی از دو صفت مالکیت و علم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکند و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند.

در این پاراگراف تلویحا می فرماید ای پیامبر! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فوراً و به روشهای اعجازی موفق کنیم، اما برای تو که پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی، روش های انسانی (برنامه ریزی، تشریک مساعی، صبر، گفتگو، استدلال و...) را می پسندیم.

۴- سوالات

- ۱- درنیمه دوم آیه ۱۰، موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟
- ۲- چرا خداوند در اینجا هم از ضمیر «ما» و هم از ضمیر «من» استفاده فرموده؟ (مناء، الناء، امرنا، نذقه، قضینا - آئی، عبادی)
- ۳- «یا جبال اوبی معه» و «والطیر» با کدام کلید تفسیری مطابق است؟
- ۴- اگر بخواهیم تیتیر «فعل خداوند قانونمند است» را استفاده کنیم جاهای آن کجاست؟
- ۵- «قلیلا من عبادی الشکور» (آیه ۱۳) با کدام کلید تفسیری مطابقت دارد؟
- ۶- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امید دهی به مسلمانان؟ یا...؟)

۷-چرا در آیه ۱۴ به بی علمی (نسبت به غیب) جنیان پرداخته؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

از آیات ۱۰ تا ۱۴ چنین فهمیده میشود که آنحضرت و پیروان ایشان از وضع و موقعیت خویش و محدودیت ها و فشارهایی که در آن محاط بودند رنج می بردند و خوش داشتند که خداوند مانند اقوام گذشته، مثلاً قوم نوح و عاد و ثمود و فرعون و غیره معجزنمایی کند و آنها را پیروز و مخالفانشان را منکوب بفرماید که در این آیات به آنان خاطر نشان میفرماید که خداوند درباره آنان آن روش های اعجازی سابق را نمی پسندد و بلکه روش های انسانی را ترجیح میدهد.

۶ - پیشگویی های تحقق یافته

در آیه های ۱۰ تا ۱۴ در اشاره به داستان دو نفر پیغمبر-پادشاه که فوق العاده قدرتمند بودند تلویحا برای آنحضرت و پیروانش پیشگویی موفقیت میفرماید. چنانکه همگان میدانند این پیشگویی به تحقق پیوست.

۷ - آیات مشکل

آیه های ۱۰ تا ۱۴ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضا متضادی در تفسیر آنها گفته اند. البته ما نیز در قسمت «شرح مختصر» نظر خویش را گفته ایم.

۸ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۰ تا ۱۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۹ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۰ تا ۱۴ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۱۰ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی از لحاظ تحت اللفظی نیافته اند!

۱۱ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

ذکر قسمتی از داستان دو پیامبر کاملاً موفق با منظور دلداری دادن به آنحضرت و پیروانش که شما هم (گرچه نه لزوماً به روش خارق العاده) موفق خواهید شد و لذا بر وضع نامطلوب موجود صبر کنید. مخصوصاً این عنصر فرا زمانی - فرامکانی به درد ما مسلمانان امروز میخورد.

۱۲ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

همنوائی کوه و پرندگان با داود و نرم شدن آهن

از تفکر در آیه ۱۰، دو سؤال برای مخاطب پیش می‌آید:

۱- کوه و پرنده چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

۲- کوه و پرنده چگونه با داود هم‌نوا می‌شدند؟

جواب سؤال اول شاید این باشد که بسیاری از پرندگان در کوه‌ها منزل می‌کنند و جواب سؤال دوم شاید این باشد که هنگام دعا و تسبیح داود صدائی از آنها در می‌آمد که مانند هم‌نوائی باشد و این موضوع از پرندگان قابل فهم است زیرا آنها هر کدامشان صدائی خاص خویش دارند اما کوه که صدائی ندارد، می‌تواند «کو» (= پژواک) داشته باشد، و هم صدای داود را منعکس کند و هم مجموعه صدای او و پرندگان را. اگر بحث «تشدید» (= رزونانس) را در فیریک بخاطر بیاوریم می‌باید چنین تصور کنیم که در موسیقی صدای تسبیح داود چیزی بود که کوه‌ها و مرغان آن را تشدید می‌کردند و یک مجموعه «هم‌نوا»ی بدیعی را بوجود می‌آورد.

«نرم کردن آهن» بمعنی آموختن علمی به اوست که بتواند براساس آن وسایل مورد نیازش را از آهن بسازد چنانکه خداوند ساختن کشتی نوح را «بوحینا» (به وحی ما) اعلام کرده است که قاعداً باید «آموزش کشتی‌سازی» بوده باشد.

چیزی شبیه قطار سریع السیر در ۳۰۰۰ سال قبل

با توجه به آیه ۱۲ با توجه به اینکه وسایل مسافرت در قدیم حیوانات و پای پیاده انسانی بود، و اگر کاروان سنگین می‌بود (بار و زن و بچه و غیره میداشت) سرعت چنین حرکت‌کنندگانی ساعتی حدود ۶ کیلومتر بود و معمولاً مسافرت‌ها در تابستان و هوای مناسب و روزهای بلند بود که می‌توان ۱۰ ساعت را برای حرکت فرض کرد،

تخمین روزانه ۶۰ کیلومتر تخمین معقولی است و یکماه آن می‌شود ۱۸۰۰ کیلومتر و اگر آن را در نصف روز حساب کنیم سرعت متوسط باد برای سلیمان چیزی حدود ۳۶۰ کیلومتر در ساعت می‌شود که سرعتی است که با تکنولوژی امروز برای مسافرت-های سنگین، چندان دور از ذهن نیست.

امروز قطارهای سریع‌السیر در چین و ژاپن و اروپا و کشورهای همپراز چنین سرعتی را دارا می‌باشند و واقعاً باید گفت سلیمان پادشاهی بزرگی داشت که سه هزار سال پیش چنین قدرت و سلطنتی داشت، آنهم انحصاری.

همچنین فهمیده می‌شود که حضرت سلیمان(ع) به استخراج نفت و فرآورده‌های ممکن آن نیز آگاهی داشت و قاعدتاً با توجه به اینکه در آیه ۱۳ سخن از ساخت و ساز ساختمانی شده است، احتمالاً باید قیر را برای مصارف آب‌بندی (مثلاً استفاده‌ای که ما امروز در قیر و گونی و ایزوگام می‌کنیم) بکار برده باشد.

تمام جهان در خدمت شما

آنچه که از آیه ۱۳ می‌فهمیم این است که جنیان برای سلیمان کارهایی می‌کردند که با تکنولوژی آن روزها از انسان ساخته نبود.

چرا خداوند این مطالب را که برای ما در دسترس نیست نقل فرموده؟ شاید جوابش این باشد که این چیزها برای شما هم ممکن است.

چنانکه کاری که سلیمان راجع به کاربرد قیر و ساختن ساختمانهای بزرگ و حرکت با سرعتی حدود ۳۶۰ کیلومتر در ساعت از طریقی خارق‌العاده به آن رسیده بود، می‌بینیم که از طریق دیگر که علوم تجربی (مانند فیزیک و شیمی و امثال آن) باشد برای بشر حاصل شده است بدون اینکه در انحصار یک نفر خاص بوده باشد. امروز سلطنت و قدرت نوع بشر، بسیار بزرگتر و مهم‌تر است از سلطنت و قدرت سلیمان.

اما هنر سلیمان آن بود که سه هزار سال قبل چنین قدرت و سلطنتی را پیدا کرده بود، آنهم بطور انحصاری.

چنین بنظر می‌آید که منظور این بوده باشد که در خلال این داستان، این «پیام» به مخاطب منتقل شود که سرچشمه علم‌ها و قدرت‌ها نزد خداوند است و پرستش خداوند آدمی را چنان می‌کند که مانند داود تمام جهان با او هم‌نوا شوند و مانند سلیمان تمام جهان در خدمت او قرار گیرد.

ترجمه تفسیری آزاد

و البته از جانب خویش فضلی به داود دادیم و طوری برایش همه چیز را رام نمودیم که گویا به او و پرندگان و کوها گفته باشیم ای کوه‌ها وای پرندگان! با او هم‌نوا شوید و نیز علم نرم کردن آهن را برایش فراهم کردیم (۱۰) که زره بسازد و حلقه‌های آن را اندازه‌گیری کند و به او و پیروانش نشان دادیم که عمل صالح بجا آورند و اینکه البته به آنچه میکنند نظارت داریم (۱۱) و برای سلیمان نیروی باد را مسخر کردیم که صبح مسافت یکماه میرفت و عصر نیز. و چشمه قیر را برای او جاری ساختیم و از جنیان کسانی به اذن پروردگارش در مقابل او کارگری میکردند و به آنها توجه دادیم که هر کدامشان که از فرمان ما منحرف شود عذابی سوزان خواهد داشت (۱۲) آن جنیان برای او محراب‌ها و مجسمه‌ها و کاسه‌هایی بزرگ چون حوض و دیگهای ثابت در زمین می‌ساختند. و به آنها الهام نمودیم که ای آل داود شکر کنید و البته همیشه چنین بوده که بندگان شکرگزار کم بوده‌اند (۱۳) و وقتیکه مرگ را بر سلیمان مقرر کردیم هیچکس خبر از مرگ او نداد مگر موریانه‌ای که عصایش را خورد و او به زمین افتاد و آنگاه جنیان و همگان فهمیدند که اگر جنیان غیب میدانستند آنقدر در عذاب خوارکننده به سر نمی‌بردند (۱۴)

سبا ۳ آیات ۲۱۵ تا ۲۱

لَقَدْ كَانَ لِسَيِّئَةٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَى أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِنَّلَيْسَ طَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یعنی «درس» سوره) چنانکه در قسمت اول نشان داده ایم مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر اینک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذیب می باشند چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد .
برآیند درسی فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: نمونه ای از اقوام سابق که نعمت های مهمی داشتند اما کفران کردند.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِهُمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَى أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾

ریزدرب: نمونه ای از کفران نعمت یکی از اقوام پیشین

۲

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى طَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِينَ ﴿١٨﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾

ریزدرب: نمونه ای دیگر از کفران نعمت یکی از اقوام پیشین

۳

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لَنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ خَفِيفٌ ﴿٢١﴾

ریزدرب: کفران نعمت های مذکور، کاری شیطانی بود.

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ گوشه هایی از دو صفت مالکیت و علم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکند و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند.

در پاراگراف ۲ تلویحا می فرماید ای پیامبر! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فوراً و به روشهای اعجازی موفق کنیم، اما برای شما که پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی روش های انسانی (برنامه ریزی، تشریک مساعی، صبر، گفتگو، استدلال و...) را می پسندیم.

در این پاراگراف می فرماید قوم سباء در مقابل دو نعمت مهم اقتصادی خویش ناشکری کردند و نعمت از دستشان رفت. و تلویحا می فرماید ای کافران! معیشت شما از مجاورت شما نسبت به این کعبه تامین میشود. اینک صاحب این کعبه رسولی نزدتان فرستاده. نسبت به این نعمت ناشکری نکنید، مبدا که مایه معیشت تان از بین برود.

۴- سوالات

- ۱- در نیمه دوم آیه ۱۵، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟
- ۲- همچنین درثلث آخر آیه ۱۸؟
- ۳- همچنین در «و ظلموا انفسهم» (آیه ۱۹)؟
- ۴- همچنین چهار کلمه آخر آیه ۲۰؟
- ۵- از این داستان چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

- ۶ - چرا خداوند در اینجا از ضمیری که ترجمه اش «ما» است استفاده فرموده؟
- ۷ - این پاراگراف چه «حالت کلی» دارد؟ (هشداري که بوضوح نشان دهنده دلسوزي است؟ یا...؟)
- ۸ - اگر قرار باشد از تیتیر «فعل خداوند قانونمند است» استفاده کنیم محلش کجا ها است؟
- ۹ - «کفر»ی که در این پاراگراف دیده میشود از چه نوع است؟ (همان مفهوم مشهور؟ کفران نعمت؟ یا...؟)

۵ - زاویه با تفاسیر رایج

- ۱ - چون در متن شرح نسبتاً مفصلي در باره علت عذابشان داده ایم که کاملاً متفاوت از رویگر تفسیری تفاسیر رایج است لذا در اینجا چیزی عرض نکرده و به همانجا ارجاع میدهم.
- ۲ - (المیزان) : [در باره «باعد بین اسفارنا» گفته] یعنی سفرهایمان را طولانی کن، تا مسافتهای دور برویم، و بار سفر دور ببندیم، بیابانها و بادیها بپیماییم،
- با توجه به عصاره محتوای سوره که صریح در نکوهش و کفران نعمت است، مشکل آنان تنبلی، و خواسته آنان «کمتر سفر کردن» بوده است.

۶ - آیات مشکل

آیه های ۱۵ تا ۲۱ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

البته مانیز عرض خویش را در قسمت «شرح مختصر» عرضه نموده ایم.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۱۵ تا ۲۱ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

یک ملاک مهم برای برجستگی آیات، شهرت آنها در نزد مردم است و این آیات از مشهور ترین های آیات قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۱۵ تا ۲۱ از این لحاظ که به اقوام در گذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، از لحاظ تحت اللفظی تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

- ۱ - انجام ندادن کارهایی که سبب دوام نعمت میشود موجب زوال نعمت شده و کفران نعمت و به زبان قرآن «کفر» تلقی میگردد.
- ۲ - تعریض تلویحی به کفار معاصر نزول این سوره که این دین و این وحی نازله نیز یک نعمت مهم است و نسبت به آن کفران نکنید.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

در این پاراگراف کلید های متعدد و متنوع تفسیری از قبیل فرعی و واگذاری به مخاطب و التفات و .. وجود دارد.

چون تا اینجا انواعش را نشان داده ایم، شناسایی موارد موجود در این پاراگراف را به عنوان تمرین به خودتان وا میگذاریم.

چند نکته ای که بطور مستقیم از این داستان فهمیده میشود

۱ - از همین داستان معلوم می شود شکر منحصر در گفتن بعضی اذکار و ادعیه نیست بلکه قیام به اموری که سبب حفظ و ادامه نعمتها می شود نیز از مقوله شکر است.

۲ - افعال خداوند معقول و قانونمند است، چنانکه خداوند آمدن سیل را به خویش نسبت میدهد در حالیکه ما می فهمیم که آن یک موضوع قانونمند بوده، و هر سد دیگری هم که نگهداری نشود فرو میریزد.

۳ - بلاغت قرآنی از اینجا فهمیده می شود که در چند سطر کوتاه مطالبی را میگوید که در اثر اندکی تدبر و تفحص چنان جزئیاتی از آن در مقابل چشمانمان می آید که انگار ما با حدود بیش از پنجهزار سال فاصله، داریم آنها را می بینیم.

۴ - این داستان برای مخاطبان اولیه پیامی مانند پیام سوره قیش (که فوقا در «توضیح مقدماتی» گفته ایم) دارد و برای مخاطبان امروز هم پیام مشابهی دارد که باید توسط «عقل جمعی» ماها استخراج گردد.

رفع سوء تفاهم در مورد داستان قوم سباء

در تفاسیر، و بلکه در مشهور ترین و مهم ترین آنها، به داستان قوم سباء چنان وارد شده اند که گویا:

۱ - آنها هم مانند اقوامی مانند عاد و ثمود و فرعون و لوط به غضب خداوند دچار شده باشند،

۲ - سیل آنان مانند طوفان نوح و سایر عذاب ها خودشان را هلاک کرده،

۳ - و بالاخره اینکه کل داستان در مدتی کوتاه (مثلا چند ساعت) اتفاق افتاده است. در حالیکه این مفروضات خطاست و مطلب صحیح را ذیلا می یابید:

نوع داستان سرائی خاص قرآنی

موضوع این پاراگراف قصه ای است که در دو قسمت بیان شده است:

۱- یک قسمت داستان (آیه های ۱۵ و ۱۶)، موضوع دو باغ پر بار است و ذکرى هم از ناشکری در آن دیده نمیشود. البته «فاعرضوا» (پس رو برگردانند) اجمالا اشاره ای به ناشکری دارد اما مشخص نیست که چه نوع ناشکری بوده است.

۲- در قسمت دوم داستان (آیه های ۱۸ و ۱۹)، موضوع امکان مسافرت دائمی و آسان ذکر شده و موضوع ناشکری هم در همانجا آمده، که جمله «باعد بین اسفارنا» (= بین سفرهایمان فاصله بیانداز) نشاندهنده آن است.

۳ - خواننده عادی به این نوع داستان سرائی مانوس نیست، اما اگر به کلید تفسیری ما تحت عنوان «واگذاری به مخاطب» توجه کند، متوجه این نکته میشود که قسمت دوم داستان به قسمت اول مربوط است و آن مسافرت ها برای مبادله محصولات باغی با سایر مایحتاجشان بوده، و مشکل شان هم تنبلی (بعد بین اسفارنا) بوده، که خود آن می باید ناشی از تمایلشان به خوشگذرانی بوده باشد.

کمی قدرت استنتاج (که همگان از آن برخوردار هستند) به خواننده کمک میکند که بفهمد مشکل آنها در قسمت اول داستان هم همین بوده، یعنی تنبلی شان سبب سیل

شده است، به این معنی که «سدّ»شان را که عامل اصلی دوام نعمت اقتصادِ موفقِ شان بوده، «نگهداری» (لایروبی و امثال آن) نمیکرده اند، که ناگهان خراب شده و آب آن سیل آسا تخلیه گشته و زندگی اقتصادی شان و به تبع آن زندگی اجتماعی شان، نابود شده است.

۴ - به این ترتیب قسمت آخر پاراگراف (آیه های ۲۰ و ۲۱) نیز مفهوم میشود که این تنبلی در اثر تمایلاتی بوجود آمد که از آثار القائنات شیطنانی بوده است.

تمام فقرات مطلب طور دیگری است

۱ - قوم سباء مانند قوم نوح و عاد و ثمود و فرعون نبود که به غضب خداوند دچار شده باشد، دلیلش خود مندرجات قرآن است که کرارا داستان آن اقوام را ذکر کرده و لَجّ و عناد آن اقوام را مکررا تاکید نموده ولی در مورد قوم سباء چنین چیزی در قرآن دیده نمیشود. حد اکثر چیزی که در باره آنها گفته شده در همین پاراگراف است و در اینجا هم حداکثر خطایشان «فاعرضوا» و «ظلموا انفسهم» است و این اصلا قابل مقایسه با رفتار اقوام یاد شده نیست که در مقابل خداوند صف آرائی نموده و خیال قتل پیغمبران خداوند را داشته اند.

بنا بر این سیل مذکور از جنس «عذاب الهی» نبوده،

۲ - و از طرف دیگر سبلی که از عذاب الهی باشد (مانند طوفان نوح و واژگونی شهر لوط و تند باد هشت روزه قوم عاد و امثال آن) «بنیان کن» خواهد بود، و آن سیل آنطور نبود و ما اخیرا تقریبا هر سال تجربه سیل را در استان گلستان خودمان داریم که سبب «بنیان کن»ی نمیشود و بنیان کنی سیل قوم سباء به این معنی است که «بنیان اقتصادی» آنها را کنده، نه اینکه آدم ها را (مانند اقوام پیشگفته) هلاک کرده باشد.

موضوع اینطور مفهوم است که:

اقتصادشان اقتصاد باغداری بوده و می باید همیشه مقدار مطمئنی از آب را در اختیار

داشته باشند و نمیتوانستند متکی به آب نامطمئن باران باشند و لذا سدی تاسیس کردند و طبعاً با توجه به تکنولوژی چند هزار سال پیش سد ضعیفی بود و نیاز به نگهداری داشت که کم بعلت رفاهی که یافته بودند پرداختن به نگهداری سد برایشان شاق به نظر رسیده بود و بخوبی به آن نپرداختند و سد شکست و اقتصاد باغداری شان از بین رفت و خودشان هم به علت از دست دادن مایه اصلی اجتماع خویش متفرق (نه هلاک) شدند.

۳ - همچنین این داستان، داستانِ عده کمی در یک زمان نیست بلکه داستان یک تمدن است که چندین نسل و چندین قرن طول کشیده، و این موضوع از قسمت دوم داستان فهمیده میشود، زیرا ایجاد راه های مواصلاتی تسهیل کننده داد و ستد اقتصادی، و بوجود آمدن شهرهای بین راهی، چیزی نیست که در کوتاه مدت حاصل شود.

خودتان هم تحقیق مختصری بکنید

سری به تفاسیر بزنید و ببینید چه ها فرموده اند و این تفسیر را با آنها مقایسه کنید. یعنی اینکه «یستمعون القول فیتبعون احسنه» کنید.

یک سوال خوب که حیفم آمد در اینجا ذکر نکنم

تفسیر آیه ۲۰ سوره سبأ را می خواندم:

چرا در اینجا برای شیطان از لفظ ابلیس استفاده کرده است؟ در کتاب «پیدایش انسان» تقسیم بندی خیلی خوبی در این خصوص انجام داده اید، لفظ شیطان برای انسان و این دنیا به کار رفته در حالیکه لفظ ابلیس فقط در داستان آدم استفاده شده است.

ظاهراً آیه ۲۰ سوره سبأ از این قاعده مستثنی است.

سلام برادر ارجمند، ماشاءالله به دقت تان!!!

جوابی که بدها می‌توانم بدهم این است که شیطان عامل درونی و ابلیس عامل بیرونی است (مانند نفس که عامل درونی و پیامبر عامل بیرونی است)

در «نفس» دو استعداد هست (فالهمها فجورها و تقویها)

نمیدانم آیا این دو استعداد «اعضاء»ی هم دارد یا نه (مثلا در فلان نقطه مغز چیزی باشد که کارش دریافت القائنات فجور باشد و در فلان نقطه دیگر دریافت القائنات تقوائی)

البته جواب این سوال را علوم فیزیولوژی و روانشناسی باید بدهد و من نمیدانم کاری در این خصوص شده یا نه،

اما چیزی که از آن کمتر نمیتوان رفت این است که هرکسی در نفس خویش دو «فرودگاه-مانند» دارد که یکی محل دریافت القائنات پیامبرانه و دیگری محل دریافت القائنات ابلیسی است.

هرشخص در اثر رفتاراش یکی از این دو «فرودگاه» را تقویت میکند و توسعه میدهد و دیگری را یا تقویت نمیکند، و یا حتی علاوه بر آن ضعیف هم میکند.

به نظرم (اگر بخواهیم به زبان قرآنی صحبت کنیم) «ان النفس لاماره بالسوء» (سوره یوسف) می باید همان قسمت از نفس باشد که دریافت کننده و تقویت کننده القائنات ابلیسی است، و «لا اقسَم بالنفس اللوامه» (سوره قیامه) قسمت متناظر آن است.

حوزه عمل ابلیس ذهن آدمیزاد است (من الجنه و الناس سوره ناس)

حوزه عمل پیامبران هم همان است (چند آیه اول سوره نازعات)

نیروی پیامبران، پیروان شان است (مومنان عامل)

نیروی ابلیس نیز پیروانش است (عاملان فسق)

پیامبر کلان عمل میکند و نفس خُرد

ابلیس نیز کلان عمل میکند و نفس خُرد

خواسته کلان پیامبران صلاح و اصلاح است

خواسته کلان ابلیس فساد و افساد است
اگر مومنان عامل وزن شان بچربد ابلیس ناموفق (نسبی) میشود
اگر فعالان فسق وزن شان بچربد ابلیس موفق (نسبی) میشود
در مورد آیه ۲۰ سباء باید اینطور فهمید که مومنان در مقابل فُساق کم آوردند

پاسخ بسیار خوبی است مخصوصاً نتیجه گیری بسیار جالبی کردید که مؤمنان در برابر فُساق کم آوردند. ولی هنوز بخشی از پاسخ تکمیل نشده است، اگر در اینجا بجای ابلیس، لغت شیطان آورده شده بود، چطور تفسیر و نتیجه گیری می کردید؟
اگر تئوری شما در مورد تفاوت کاربرد دو لفظ ابلیس و شیطان صحیح باشد، در اینجا نیز باید عمل کند و کاربرد شیطان بجای ابلیس باید به تفسیر و نتیجه گیری این آیه لطمه بزند. آیا اینطور است؟

نکته در همین است.
شیطان در درون هرکس است، یعنی تفرق دارد.
اما ابلیس وحدت دارد و آن شیطان های درونی متفرق را هماهنگ میکند.
همین انتخاب ابلیس بجای شیطان، معنی هماهنگی انجام شده بین فُساق، و هدفمند بودن آنها بسوی اهداف شیطانی و . . . و پررنگ کردن افکار عمومی باطل را نشان میدهد، که نشان از مدیریت شخص ابلیس دارد، و چه و چه، و بسیاری چیزهایی که به فکرمان نمیرسد، را درخود دارد.

این آیات شدیداً ذهن مرا درگیر کرده است. آنچه بر آنها به دلیل کفران نعمت رفته است مرا عجیب به یاد دنیای امروز خودمان و بیشتر از آن به یاد سرزمین خودمان میاندازد.

گذشته از کفران نعمتهای مادی که باعث بروز بحرانهای متعدد آبی و زیست محیطی در کشورمان شده، کفران نعمتهای معنوی خود ماجرای غم بار است.

شکر نعمت هدایت، شکر نعمت قرآن، شکر نعمت اسلام یعنی اینکه در خصوص اینها تنبیل نباشیم و در حفظ و نگهداری و بروزآوری آنها کوشا باشیم (مثل ماجرای سد و تعمیر و نگهداری آن که در تفسیر آیات اشاره نموده اید) و گرنه سیلاب خرافات و تعصب و جهل و کوتاه فکری ها باغ قرآن و ایمان شما را به شوره زار قرآن و اسلام مبدل خواهد کرد که از آن جز بدرفتاری و کج اندیشی (میوه های تلخ و شور) نمی روید.

بله، همانطور که بخوبی گفته اید «شکر نعمت یعنی اینکه در خصوص نعمت ها تنبیل نباشیم و در حفظ و «به روز آوری» آنها کوشا باشیم . . . چیزی که من از این دیالوگ یاد گرفتم این است: مخرب ترین چیز، افکار عمومی خرافی و باطل است. با خرافات، هم خود آدمی خراب میشود و هم مایملک و محیط اجتماعی و سیاسی و شرفی و حیثیتی خودش و همگان، چنانکه . . . شده ایم. و راه برون رفت از خرافات، سعی در فهم صادقانه قرآن است، که در رابطه با چنین فهمی ماده و مایه اصلی خرافه آشکار میشود و وقتی که آشکار شد، دیگر . . .

ترجمه تفسیری آزاد

البته برای قوم سباء در سکونتگاهشان نعمت بزرگی قرار داده بودیم که نشانه ای بود. دو باغ در راست و چپ. از رحمت خویش چنین مقرر کردیم که از روزی پروردگارشان از این دو باغ بخورند و شکرش را بگزارند که شهری دلپسند و پروردگاری آموزشگر داشتند (۱۵) ولی از وظایف خویش روی گرداندند و ما نیز یک سیل بنیان کن که در اثر عدم نگهداری و خراب شدن سدشان درست شده بود فرستادیم و دو باغشان را به دو باغ که جز خوراکیی تلخ، و گیاه، و مختصری سدر، نمی رویاند، بدل کردیم (۱۶) بسبب کفرانشان اینگونه مجازاتشان کردیم و مگر کسی غیر از کفران پیشگان را

مجازات می کنیم؟ (۱۷) و قبلاً بین آنها و شهرهائی که در آنها برکت قرار داده بودیم، شهرهائی جدید بوجود آورده بودیم، و مسافرت بین آنها را به اندازه نموده بودیم، و چنین مقرر کردیم که چه شب باشد و چه روز با امنیت در آنها سفر کنند (۱۸) اما تنبلی کردند و گفتند پروردگارا بین سفرهای ما دوری بیانداز و بدین گونه بر خویش ظلم کردند. پس آنها را کاملاً متفرق شان نموده و تبدیل به داستانهای کردیم. و البته در این برای هر صبر پیشه شاکری نشانه هائی است (۱۹)

و البته شیطان در موضوع آنها گمانش را راست یافت و آنها هم و غیر از عده ای از مومنان پیرویش کردند (۲۰) البته شیطان هیچ تسلطی برآن مومنان نداشت، و این کار را نکردیم مگر اینکه معلوم کنیم چه کسی به آخرت ایمان دارد و چه کسی درباره آن در شک است و پروردگارت بر هر چیزی ناظر است (۲۱)

سبا ۴ آیات ۲۲ تا ۴۵

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا هُمْ فِيهِمَا مِنْ شَرِكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ قُلْ مَنْ يَبْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلِ أَرُونِي الَّذِينَ أَهَنْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَغْنُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾ قَالِ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغَالِ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قُرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ هُم جَزَاءُ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُوا لِي يَاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَأَلْبِسْ لَوَاطِلَ يُبْسُ لِمَن كَانَ يَكْفُرُ بِبَعْضِ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُنْذِرَ النَّاسَ وَلَٰكِن لَّا تُنْفَعُ النَّاسَ وَلَا ضَرٌّ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِذَا تُنْذِرَ النَّاسَ وَلَٰكِن لَّا تُنْفَعُ النَّاسَ وَلَا ضَرٌّ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا تُنْذِرَ النَّاسَ وَلَٰكِن لَّا تُنْفَعُ النَّاسَ وَلَا ضَرٌّ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٥﴾

عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا
إِفْكٌ مُفْتَرَى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ
كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مَعْشَرَ
مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾

پیش تفسیر

۱ - استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:
طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول نشان
داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر اینک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذیب
می باشند چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد.
برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:
درب: علت رفتارهای کافران، شرک و بی توجهی به قیامت است، و ای پیامبر! این
کافران از کافران پیشین مهم تر نیستند، در نهایت هم که بازنده اند، پس رسالت را
پیگیر باش و در جوابشان چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۱

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ
شِرْكَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا
قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ

لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرُمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَهَنْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در این برهه از زمان با مخالفانت چنین گفتگو کن

۲

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در این برهه از زمان با مخالفانت چنین گفتگو کن، زیرا که با موقعیت و ماموریت تو مناسب تر است

۳

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در هر حال آنها موقعیت بهانه گیرانه خود را حفظ خواهند کرد

۴

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالِ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! در هر حال آنها موقعیت بهانه گیرانه خود را حفظ خواهند کرد، ولی ضرر خواهند کرد

۵

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ هُم جَزَاءُ الصَّعِفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَلَمَّ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

ریزدرب: ای پیامبر! آنها مشکل فکری دارند و تو باید حوصله کنی

۶

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهُولَاءُ إِنَّا كُنْهُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِن دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُم لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تَكْذِبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُنْزِلَتْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾

ریزدرب: ای پیامبر! آنها مشکل فکری دارند و تو باید حوصله کنی

۷

وَمَا آتَيْنَاهُم مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾

ریزدرب: ای پیامبر! آنها مشکل فکری دارند بی سوادند و کم تمدن اند و تو باید با آنان حوصله کنی

تقطیع:

در فوق دیده اید که ما پاراگراف را به تعدادی «ریزپاراگراف» تجزیه کرده ایم.

اصلی-فرعی

قسمت هایی را که می بینید فوقاً با حروف پر رنگ (بولد) کار کرده ایم، اصلی است.

لَبَّ مطلب:

با توجه به ریزپاراگراف ها، و ریزدربها، و جمع بندی ریزدرب ها، همان درب پاراگراف که فوقاً می بینید حاصل خواهد شد و البته توجه دارید که درب مذکور از راه محاسبه استخراج شده است.

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ گوشه هایی از دو صفت مالکیت و علم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکند و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند.

در پاراگراف ۲ تلویحا می فرماید ای پیامبر! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فوراً و به روشهای اعجازی موفق کنیم، اما برای شما که پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی روش های انسانی (برنامه ریزی ، تشریک مساعی ، صبر، گفتگو ، استدلال و...) را می پسندیم.

در پاراگراف ۳ می فرماید: قوم سباء در مقابل دو نعمت مهم اقتصادی خویش ناشکری کردند و نعمت از دستشان رفت. و تلویحا می فرماید ای کافران! معیشت شما از مجاورت شما نسبت به این کعبه تامین میشود. اینک صاحب این کعبه رسولی نزدتان فرستاده. نسبت به این نعمت ناشکری نکنید، مبدا که مایه معیشت تان از بین برود.

در این پاراگراف می فرماید: ای پیامبر! در مقابل پنج ایراد کافران درباره ربوبیت و دو ایراد آنها راجع به آخرت، چنین بگو، و توجه داشته باش که موضع این کافران، سست، و عاقبتشان بازندگی، و روش شان غلط، و تکذیب شان بی پایه است و تو ای پیامبر! به ماموریت خویش بچسب.

۴ - سوالات

- ۱ - «حالت کلی» این پاراگراف چیست؟ (گفتگوی مشفقانه؟ یا...؟)
- ۲ - در آیه ۲۲ بین دو کلمه «الله» و «لا» موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟
- ۳ - سوال فوق را در باره آیه ۲۳ بین «اذن له» و «حتی» جواب دهید.
- ۴ - سوال فوق را در باره «شرکاء» و «بل» (آیه ۲۷) جواب دهید.
- ۵ - همچنین بین «کلا» و «بل» در همان آیه ؟
- ۶ - وضعیت آیه ۲۸ با موضوع کدام کلید تفسیر متناسب است؟
- ۷ - در آیه ۲۲ «ه» در «له» اشاره به چه کسی است؟
- ۸ - در آیه ۲۳ منظور از «قالوا» چه کسانی است؟
- ۹ - ظرف زمانی فعل «قالوا» را تعیین کنید.
- ۱۰ - منظور از «ثم یفتح بیننا» (آیه ۲۶) چیست؟
- ۱۱ - عمد و اصرار و لجبازی کافران در کجا به وضوح خودنمایی میکند؟
- ۱۲ - «فهو یخلفه» (آیه ۳۹) از طریق چه مکانیزمی اعمال میشود؟
- ۱۳ - کلمه «جنّ» (آیه ۴۱) به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟
- ۱۴ - چرا در آیه ۴۴ فرموده «کتب» و نفرموده «کتاب»؟
- ۱۵ - «ف» در «فکیف» (آیه ۴۵) اشاره به چه دارد؟
- ۱۶ - با توجه به آیه ۴۳، چرا قرآن را «جادو» خواندند؟
- ۱۷ - با توجه به دو سوم آخر آیه ۴۵، چه رابطه ایست بین موفقیت های مادی و تکذیب حقایق ماورائی؟

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

- از آیه های ۳۱ تا ۳۳ شدت عمد و اصرار فعالان کفر و نیز فاصله طبقاتی آنها فهمیده میشود و نیز اینکه طبقات بالا سبب ایجاد این فاصله شده اند.

آیات ۴۳ تا ۴۵ در مقام نکوهش عامدانه مصرانهء لجبازانهء تکذیب کور سران کفار است، اما «لحن» آن استدلالی است و نشان از امید به تاثیر مثبت دارد. همین موضوع اخیر بما میگوید که تعالیم پیامبر (ص) در سطح وسیعی پذیرفته شده بود و این انتظار وجود داشت که «سران» نیز بالاخره و پس از مدتی کوتاه بیایند.

۶- زاویه با تفاسیر رایج

۱: (المیزان) مراد از "بِأَلَدِي بَيْنَ يَدَيْهِ" [آیه ۳۱] کتب آسمانی قبل از قرآن یعنی تورات و انجیل است، مشرکین گفته بودند که: نه به این قرآن ایمان داریم، و نه به کتب آسمانی قبل از آن،

در باره «بین یدیه» معنی بهتری هم هست: اگر ترتیب نزول را مورد توجه قرار میداد میدانست که تا سوره سباء هنوز ۲۰ درصد قرآن هم هنوز نازل نشده بود و هنوز بیش از ۸۰ درصد دیگر مانده بود و لذا «بین یدیه» به معنی بقیه قرآن است که هنوز نازل نشده بوده.

یعنی دو خطا مرتکب شده: ۱- بی توجهی به ترتیب نزول ۲- برگرداندن معنی واضح برای رفع بن بست.

۲: (المیزان در باره آیه ۴۱): گفتیم: مشرکین سه طایفه از موجودات را می پرستند، ملائکه، و جن، و قدیسین از بشر را،

کلمه «جن» در اینجا به معنی لغوی بکار رفته، یعنی نامعلوم و نامحسوس، و خطا در اینجا ترجیح معنی اصطلاحی بر معنی لغوی بوده است.

۷- پیشگویی های تحقق یافته

در آیه ۳۱ باز هم کلمه قرآن را بکار برده، و این، چنانکه قبلا هم چند بار دیده ایم، پیشگویی واضحی است.

توضیحش را فوقاً تحت عنوان «بین یدیه» عرض کرده ایم.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۲۲ و ۲۳ از این لحاظ که به خلق و امر خاص الهی اشاره دارد، از آنجا که جزئیات مکانیزم برای ما روشن نیست، بالاتر از ذهنیات ما است، چه رسد به مردم ۱۴۰۰ سال قبل.

آیات ۲۶ و ۲۷ و ۲۹ تا ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۴۰ تا ۴۲ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین. آیه ۴۵ از این لحاظ که به اقوام درگذشته اشاره دارد، از آنجا که علم باستان شناسی هنوز در مراحل ابتدائی است، و جزئیاتی از زندگی آنان در دست نیست، بالاتر از ذهنیات ما میباشد، چه رسد به عرب ۱۴۰۰ سال قبل.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

در باره آیات این پاراگراف، حتی امروز نیز، با توجه به معانی والای آن، حتی برخی مفسران هم، درک مقبولی از آن ندارند، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، از لحاظ تحت اللفظی تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

تعلیل رفتارهای کافران، که عبارت باشد از شرک و بی توجهی به قیامت. پیام دلداری به پیامبر (ص) که این کافران از کافران پیشین مهم تر نیستند، در نهایت هم که بازنده اند، رسالت را پیگیر باش و در جوابشان چنین بگو.

۱۱ - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

غیر از آیه های ۳۷ و ۳۸ و ۴۲، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

- ۱ - در ابتدای شش کلمه آخر آیه ۳۳ «التفات» اتفاق افتاده است.
- ۲ - در ابتدای آیه ۴۲ نیز همچنین.
- ۳ - آیه های ۳۲ و ۳۳ فرعند بر ماقبل.
- ۴ - همچنین است وضع آیات ۳۵ تا ۳۷.
- ۵ - آیه های ۲۳ و ۲۸ و ۳۹ و ۴۲ «پرانتری» است. و «وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي» (در آیه ۴۵) نیز پرانتر در پرانتر است.

آیات آشنا

برای درک بهتر آیه ۲۳ درباره شفاعت، به بحثی که در سوره نجم عرض کرده ایم نگاه مجددی بفرمائید.

همچنین برای درک بهتر آیه ۲۴ در خصوص اینکه ایمان و کفر، در این جهان، در مورد دریافت روزی نقش اصلی را ندارد به سوره لیل مراجعه مجددی بفرمائید.

بین یدیه

آیه ۳۱ فقط با توجه به ترتیب نزول و قرائن تاریخی فهمیده میشود، تا اینجا، از کل قرآن، فقط ۱۸ درصد نازل شده، و منظور کافران این است که ای محمد! نه به آنچه تا کنون ارائه کرده ای و نه به آنچه از این پس ارائه خواهی کرد ایمان نخواهیم آورد.

این تفسیر ما است، حالا بد نیست سری هم به تفاسیر بنزید و ببینید چه ها فرموده

اند.

بازهم جن

در آیه ۴۱ مفسران خیلی در موضوع جن سخنان مختلف و متخالفی گفته اند که چون ذکر آن طولانی میشود در میگذریم.

اما این مقدار را بیاد می آوریم که تاکنون این مفهوم را در قرآن زیاد دیده ایم که در قیامت کفار زیر اعتقادات مشرکانه شان میزنند، یا بکلی انکار میکنند و یا میگویند آنها فایده ای نداشته اند و یا . . .

با توجه به این مفهوم پر تکرار، در اینجا باید کلمه «جن» را به معنی لغوی که مفاهیمی مانند نامعلوم و نامحسوس و مجهول و امثال آن را تداعی میکند بگیریم.

دلشان به چه خوش است؟

در این پاراگراف برای بی وجه بودن تکذیب کافران بر سه عامل تاکید میفرماید:

- ۱ - علمی ندارند (من کتب یدرسونها) که بر مبنای آن تکذیب کنند،
- ۲ - پیامبری نداشته اند که این پیامبر را با او مقایسه کنند،
- ۳ - قدرت و ثروتی ندارند (ما بلغوا معشار . .) که چشمشان را گرفته باشد و برایشان اعتماد به نفس کاذبی فراهم کرده باشد تا در اثر آن تکذیب کنند.

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! بگو کسانی را که به خیال خود غیر از خداوند به خدائی گرفته اید در آسمانها و زمین به وزن ذره ای نیز مالک چیزی نیستند و در آندو در هیچ چیز شراکتی نداشته و از جانب خداوند نیز هیچ پشتیبانی نمیشوند (۲۲) و نزد او هیچ شفاعتی فایده ای ندارد مگر کسی که خداوند به او اجازه شفاعت داده باشد،

تا آنکه پس از اینکه در قیامت اضطراب مومنان برطرف شود، آنگاه، بعضی از مومنان

از بعضی دیگر میپرسند پروردگارتان چه گفت؟ میگویند حق گفت و او بلند مرتبه والاست (۲۳)

ای پیامبر! بگو چه کسی است که از آسمانها و زمین روزیتان میدهد؟ بگو خدا. و ما یا شما چه هدایت یافته و چه در گمراهی آشکار باشیم (۲۴) بگو نه شما مسئول جرائم ما میباشید و نه ما مسئول اعمالتان خواهیم بود (۲۵) بگو پروردگاران است که در قیامت ما را جمع میکنند، آنگاه به درستی بین ما داوری می نماید، و او جدا کننده ای داناست (۲۶) بگو آن شرکائی را که به او چسبانده اید نشانم دهید. نه! شریکی ندارد، بلکه او خداوند پیروزمند فرزانه است (۲۷)

و تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده برای کلیه مردم نفرستاده ایم ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۲۸)

و میگویند این وعده قیامت چه وقت است اگر راست میگوئید (۲۹) بگو وعده گاه تان روزی است که نه ساعتی عقب و نه جلو می افتد (۳۰)

و کافران میگویند هرگز نه به آنچه تا کنون از این قرآن که میگوئی بر تو نازل شده و نه به آنچه که در آینده نازل خواهد شد ایمان نخواهیم آورد، و کاش ظالمان را وقتی که نزد پروردگارشان بازداشت باشند میدیدی که چگونه با یکدیگر گفتگو میکنند و مستضعفان به مستکبران میگویند اگر شما نبودید ما مومن بودیم (۳۱) و مستکبران میگویند آیا ما شما را از هدایت و قتیکه بسویتان آمد بازداشته بودیم؟ نه، بلکه خودتان مجرم هستید (۳۲) مستضعفان میگویند نه، بلکه آن توطئه های شبانه روزی شما که ما را به طرف کفر نسبت به خداوند و قرار دادن همتایان برای او میراند، باعث این شد، و وقتیکه عذاب را ببینند پشیمانی خویش را پنهان میکنند و

زنجیرها را به گردن کافران افکنده میشود. آیا آنها جز جزای اعمال خویش را می بینند؟ (۳۳)

و در هیچ شهری هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر اینکه هوسرانان شان گفتند نسبت به آنچه که برای آن فرستاده شده اید کافریم (۳۴) و گفتند ما از لحاظ مال و اولاد از شما برتریم و عذاب نخواهیم شد (۳۵) بگو پروردگارم روزی هر کس را که خواهد فراخ یا تنگ میگرداند ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۳۶) و اموال و اولاد شما مایه تقرب شما نزد خداوند نیست. مگر اینکه کسی ایمان و عمل صالح داشته باشد که آنها بسبب اعمالشان پاداش مضاعف خواهند داشت و در غرفه هائی ایمن خواهند بود (۳۷)

و آنانکه توطئه می کنند که جلوی پیشرفت آیاتمان را بگیرند البته در عذاب بازداشت خواهند گردید (۳۸)

بگو پروردگارم برای هر کدام از بندگان که خواهد روزی را گشاده یا تنگ میگرداند و آنچه که اتفاق کنید همو جایگزینش میکند و همو بهترین روزی دهنده است (۳۹) و روز قیامت که همگان را گرد بیاورد، به ملائکه خطاب خواهد نمود آیا اینها شما را عبادت میکردند؟ (۴۰) آنها در جواب میگویند خداوند! تو منزهی. خودت تنها سرور مائی. بلکه آنها چیزهای نا معلومی را عبادت میکردند و اکثرشان به آنها اعتقاد داشتند (۴۱) به آنان خطاب خواهد شد امروز هیچیک از شما برای دیگری نه نفعی خواهد داشت و نه ضرری و به ظالمان خطاب میشود بچشید عذاب آتشی را که تکذیبش میکردید (۴۲) و هنگامی که آیات روشن کننده ما بر آنها خوانده میشد میگفتند جز این نیست که این پیامبر کسی است که میخواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت میکردند باز دارد و میگفتند این چیزی نیست مگر دروغی که به

خدا افترا میزند و وقتی که حق بسویشان آمد، میگفتند این چیزی جزء جادوئی آشکار نیست (۴۳) با اینکه کتابی برای آنها نفرستاده بودیم که این سخنان را در آنها خوانده باشند و قبل از تو نیز هشدار دهنده ای بسویشان نفرستاده بودیم (۴۴) و کسانی که قبل از اینان هم بودند تکذیب نموده بودند و اینها به یک دهم نیرو و مکنت آنان نیز نرسیده اند، بنگر کیفرم راجع به پیشینیانشان که قوی تر و مکنت دار تر بودند چگونه بود، و این ها دلشان به چه خوش است؟ (۴۵)

سبہا ۵ آیات ۴۶ تا ۵۴

قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيَكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ ثَمَرٍ مُنْقَىٰ وَقَدْ أَرَادُوا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ أَنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَاقُومَ ﴿٤٨﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ فَأِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَازُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْعِيبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿٥٤﴾

پیش تفسیر

۱- استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف (راه اول)

اول (چنانکه بارها و بارها دیده اید) عصاره محتوای سوره را استخراج میکنیم:

طرز استخراج عصاره محتوای سوره را (یعنی «درس» سوره را) در قسمت اول نشان داده ایم که مطابق ذیل است:

درس: ای پیامبر اینک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذیب می باشند چنین کن و چنین بگو و موفق خواهی شد.

برآیند درس فوق و متن پاراگراف درب خواهد بود، به شرح ذیل:

درب: ای پیامبر با کافران قومت چنین بگو.

۲ - استخراج عصاره محتوای پاراگراف (راه دوم)

ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:

۳- از اول تا اینجا

در پاراگراف ۱ گوشه هایی از دو صفت مالکیت و علم الهی را معرفی می فرماید که بر حسب آن، خداوند در آسمانها و زمین از روی قوانین حکمت عمل میکند و راجع به ارزش ایمان ها و اعمال انسانها نیز گول نمیخورد و علم او مطلق است و نیز اینکه کافران درباره قیامت به تکذیب میپردازند و به علم و قدرت مطلق الهی توجه ندارند.

در پاراگراف ۲ تلویحا می فرماید ای پیامبر! تو نزد ما کمتر از داود و سلیمان نیستی و ما عاجز نیستیم تو را فوراً و به روشهای اعجازی موفق کنیم، اما برای شماکه پیامبر دوره بلوغ بشریت هستی روش های انسانی (برنامه ریزی، تشریک مساعی، صبر، گفتگو، استدلال و...) را می پسندیم.

در پاراگراف ۳ می فرماید: قوم سباء در مقابل دو نعمت مهم اقتصادی خویش ناشکری کردند و نعمت از دستشان رفت. و تلویحا می فرماید ای کافران! معیشت شما از مجاورت شما نسبت به این کعبه تامین میشود. اینک صاحب این کعبه رسولی نزدتان فرستاده. نسبت به این نعمت ناشکری نکنید، مبدا که مایه معیشت تان از بین برود.

در پاراگراف ۴ می فرماید: ای پیامبر! در مقابل پنج ایراد کافران درباره ربوبیت و دو ایراد آنها راجع به آخرت، چنین بگو، و توجه داشته باش که موضع این کافران، سست، و عاقبتشان بازندگی، و روش شان غلط، و تکذیب شان بی پایه است و تو ای پیامبر! به ماموریت خویش بچسب.

در این پاراگراف به پیامبر (ص) می فرماید که از قومش بخواهد درباره او به تحقیق بپردازند که آیا از رسالت خویش منافع مادیی دارد؟ یا خودش عیب و ایرادی دارد؟ و سپس درباره حق و باطل بودن دعوت او بیندیشند، و در این خصوص به تفکر و مشورت بپردازند.

۴- سوالات

- ۱- در آیه ۴۷ یک مورد گفتار از جنس «طنز» وجود دارد. آن را مشخص کنید.
- ۲- منظور از «کم» در «اعظکم» چه کسانی است؟
- ۳- با توجه به آیه ۴۶، موضوع تک اندیشی یا هم اندیشی مزبور چیست؟
- ۴- «بین یدی» (همان آیه) از جنس چه نوع سخن گفتن است (کنایه؟ یا...؟)
- ۵- چه سابقه ای از موضوع آیه ۴۷ در سوره های قبلی سراغ دارید؟

۶- همه آیات این پاراگراف با «قل» شروع میشود. این موضوع چه چیزهائی را به ذهن می آورد؟

۷ - «تناوش» (آیه ۵۲) را اگر از ریشه «نوش - ن و ش» بگیریم به معنی «رسیدن» و اگر از ریشه «ناش» بگیریم به معنی «طلب کردن» خواهد بود. به نظر شما کدام معنی با درس و درب و قبل و بعد و سایر محورهای سوره و پاراگراف تناسب بیشتری دارد؟

۸ - منظور از «مکان قریب» (آیه ۵۱) چیست؟

۹ - «یقفون بالغیب» (آیه ۵۳) از جنس چه نوعی از سخن گفتن است؟ (کنایه؟ یا....؟)

۱۰ - منظور از «مکان بعید» (آیه ۵۲) چیست؟ (آخرت در موقعی که در دنیا هنوز زنده بودند و درباره آخرت حرف نسنجیده میزدند؟ یا....؟)

۱۱ - ظرف مکان آیه ۵۴ چه هنگامی است؟ (قیامت؟ این جهان در لحظه مرگ؟ یا....؟)

۱۲ - «اشیاع» (آیه ۵۴) یعنی پیروان. سوال این است که چگونه ممکن است کسانی که قبل از آنها بوده اند پیرو آنها باشند؟ (جوابی که ما در ارتباط با همین کلمه در سوره قمر داده ایم؟ یا....؟)

۵ - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

آنحضرت در زمان نزول این آیات مامور شده بود تبیین موقعیتش را تجدید کند (آیات ۴۶ تا ۵۰) و در این جهت به مردم این توصیه را دارد که در خلوت های خویش، چه بطور فردی و چه جمعی، در باره او و چیزهایی که از او میدانند فکر کنند و ببینند آیا واقعا او آنطور که سرانشان اظهار میکنند هست؟ دیگر اینکه در این موضوع بیندیشند که دعوت او آیا منفاعی (مادی) برای او دارد؟ دیگر اینکه دعوت او تا کنون مورد پذیرش روزافزون یا مورد انکار و تنفر روزافزون بوده؟

اینها مواردی بود که به پیشنهاد وحی می باید در صداقت و خلوت مردم مورد ارزیابی واقع میشد.

میتوان تصور کرد که اینک دعوت پیامبر(ص) بطور گسترده ای در قلب ها نفوذ کرده، اما

«سران» کفر به شدت مانع اظهارایمان افراد تحت تسلط خویش میشوند، این نوع ارشاداتی که در این پاراگراف صورت گرفته، سبب سست شدن تیغ برکشیده آنها میشود بطوریکه بزودی در اثر نفوذ بیشتر و عمیق تر دعوت مزبور، «سران» مذکور کاملاً در حالت انفعالی قرارگیرند.

لذا است که میفرماید ای پیامبر! مردم عادی را بطور مستقیم مخاطب قرارده.

۶ - آیات مشکل

آیه های ۵۱ تا ۵۴ از آیات «مشکل» قرآنی است و دلیل مشکل بودن آنها نیز این است که ببینید مفسران گوناگون در طول تاریخ اسلام چه مطالب مختلف و بعضاً متضادی در تفسیر آنها گفته اند.

۷ - آیات برجسته این پاراگراف

آیات ۴۶ تا ۵۴ به دلایلی که بارها گفته ایم (اقبال هنرمندان و وعاظ و...) از آیات برجسته قرآنی است.

۸ - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟

(این قسمت جواب برخی است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)

آیه های ۴۸ و ۵۰ از آنجا که به وحی اشاره دارد، و آنهم چیزی است که هیچ بنی بشری را راهی به شناخت مکانیزمش نیست، طبعاً بالاتر از ذهنیات معاصران نزول است.

آیات ۵۱ تا ۵۴ از آنجا که «قیامتی» است، کلاً بالاتر از ذهنیات هر بنی بشری است، و طبعاً در مورد مخاطبان اولیه نیز همچنین.

۹ - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته، در این هزار و چند صد سال، تغییر معنای قابل توجهی، از لحاظ تحت اللفظی نیافته اند!

۱۰ - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟

توصیه به آنحضرت که به نوع خاصی از مخاطب قرار دادن مستقیم مردم عادی که هنوز به ایمان نپیوسته بودند پردازد.

۱۱- کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، تقریباً تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

شرح مختصر

کلیدهای تفسیری

بحث متنی

- ۱ - در آیه ۴۶ بعد از «تتفکروا»، «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته است.
- ۲ - «كما فعل باشیاعهم من قبل» (آیه ۵۴)، «پرانتری» است.
- ۳ - آیه های ۵۲ تا ۵۴ فرع بر ماقبل است.

یکی یکی یا دوتا دوتا

موضوعی که در آیه ۴۶ ذکر شده به این معنی نیست که بحث‌های احتمالی مورد نظر حداکثر دو نفره باشد، بلکه چه بسا عدد بیشتر مطلوب‌تر هم باشد.

شروع و اعاده

در خصوص فوق که در آیه ۴۹ به آن اشاره شده در سوره بروج عرضی کردیم.

اظهار تاسف دلسوزانه

خلاصه سخن این است که: ای «سران» کافران! که مانع ایمان آوری اقشار عظیمی از افراد تحت تسلط خویش می باشید، شما که بالاخره ایمان می آورید (حالا نشد، مقارن مرگ یا در قیامت ایمان خواهید آورد) ولی آن ایمانی که بعدا بیاورید چه فایده ای برایتان خواهد داشت؟

ترجمه تفسیری آزاد

ای پیامبر! به مردم عادی که هنوز ایمان نیاورده اند بگو شما را به یک چیز سفارش میکنم: چه تکی و چه دو نفری بخاطر خدا فکر کنید: آیا من که مصاحب شما بوده ام هیچگونه دیوانگی دارم؟ خواهید گفت نه، او کسی نیست جز اینکه اظهار میدارد هشدار دهنده ای است که ما را به عذابی که در مقابلمان است هشدار میدهد (۴۶) به آنان بگو اگر از شما مزدی خواستم مال خودتان باشد. مزد من جز بر عهده خداوند نیست و همو بر همه چیز گواه است (۴۷) بگو پروردگارم حق را بالاخره به کرسی می نشاند زیرا او دانای نهانها است (۴۸) بگو حق آمد و باطل نه چیزی را شروع و نه اعاده می کند (۴۹) بگو تازه اگر گمراه هم باشم جز این نیست که ضرر متوجه خودم است، اما اگر هدایت یافته باشم به سبب وحی پروردگارم است که او شنوای نزدیک است (۵۰)

و کاش میدیدی که هنگام مرگ چگونه مضطرب خواهند شد و درخواست یافت که راه گریزی نیست و از جانی نزدیک دستگیر میشوند (۵۱) و پس از دستگیری در میگویند به آن حق ایمان آورده ایم. ولی چگونه میتوانند از مکانی دور، از موقعیتی که باید مومن میشدند، آن ایمان را بدست بیاورند (۵۲) در حالیکه قبلا به آن کفر ورزیده

بودند و از جایی دور نسبت به حقیقت تیر به تاریکی رها میکردند؟ (۵۳) و آنگاه بین آنها و بین چیزهایی که آرزویش را دارند جدائی خواهد افتاد چنانکه قبلا نیز با همگنان پیشین آنها همین رفتار شد، آنان هم مانند اینان در شکی سخت بودند (۵۴)